

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مطالعات شهر ایرانی اسلامی

## فصلنامه علمی

شماره چهل و ششم، زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

دستیار علمی: مهندس مسعود دادگر

مترجم: دکتر مرجان خان محمدی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

ویراستار ادبی: وحید تقی نژاد

مدیر داخلی نشریه: مریم بایه

صفحه آرا: مهدی صالحی طاهری

### هیئت تحریریه

دکتر محسن سرتیپی پور/استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حسین کلانتری خلیل آباد/استاد جهاد دانشگاهی

دکتر یعقوب محمدی فر/استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان

دکتر محمد مسعود/استاد دانشگاه هنر اصفهان

دکتر پروانه شاه حسینی/دانشیار پژوهشگاه تحقیق و توسعه

علوم انسانی «سمت»

دکتر ابوالفضل مشکینی/دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمدرضا بمانیان/استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مصطفی بهزادفر/استاد دانشگاه علم و صنعت

دکتر جهانشاه پاکزاد/استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر احمد پوراحمد/استاد دانشگاه تهران

دکتر محمدرضا پورجعفر/استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر اسماعیل ضراغمی/استاد دانشگاه تربیت مدرس

رجائی

درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۰۸/۳۰  
دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۰۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.isc.ac>  
و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی [www.sid.ir](http://www.sid.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور ([www.magiran.com](http://www.magiran.com))،  
بانک اطلاعات نشریات سیولیکا ([www.civilica.com](http://www.civilica.com)) و برخی پایگاه‌های دیگر نمایه می‌شود.

❖ نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، شماره ۴۷

صندوق پستی ۱۳۱۶-۱۳۱۴۵، اداره نشریات علمی، تلفن: ۲-۶۶۴۹۷۵۶۱-۶۶۴۹۲۱۲۹

نشانی اینترنتی: [iic@ihss.ir](mailto:iic@ihss.ir) پایگاه اینترنتی: [iic.ihss.ac.ir](http://iic.ihss.ac.ir)

فرایند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

## راهنمای تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی

### شرایط ارسال مقاله

- مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی بوده، قبلاً در جایی چاپ نشده باشد. داشتن چکیده فارسی و انگلیسی برای مقاله ضرورت دارد.
- هیئت تحریریه پس از داوری، پذیرش مقاله را اعلام خواهد کرد.
- مسئولیت صحت مندرجات مقاله‌های علمی با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- همراه مقاله نام و نشانی دقیق، شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان و محل خدمت آنان ذکر شود.
- مقاله در برگه‌های A4 و با رعایت ابعاد صفحه فصلنامه (قطع وزیری) تایپ شود. تعداد جدولها در پایین‌ترین حد در نظر گرفته شود. نمودارها واضح و عکس‌ها سیاه و سفید در کاغذ مناسب در اندازه ۱۰×۱۵ سانتی‌متر تهیه گردد.
- مقاله حروف چینی شود و به وسیله پست‌الکترونیکی به دفتر فصلنامه ارسال گردد.
- فصلنامه در ویرایش مقالات آزاد است.

### نحوه ارائه مقاله

- مقاله علمی - پژوهشی شامل عنوان، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، روش کار، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری و منابع باشد. حجم مقاله نیز نباید از ۱۵ صفحه بیشتر باشد.
- عنوان مقاله گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد. نام و نام خانوادگی، درجه علمی و مؤسسه‌ای که مؤلف در آن اشتغال دارد، در زیر عنوان قید شود.
- چکیده مقاله، شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، نکته‌های مهم نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده از ۱۵۰ کلمه بیشتر نباشد.
- مقدمه مقاله بیانگر مسئله پژوهش است. محقق باید زمینه‌های قبلی پژوهش و ارتباط آن را با موضوع مقاله به اجمال بیان و در پایان به انگیزه تحقیق اشاره نماید.
- روش کار باید به اجمال بیانگر چگونگی و فرایند انجام پژوهش باشد. تحلیل‌های آماری، روش‌های مورد استفاده، به شیوه‌ای مناسب یادآوری شود.
- داده‌ها و نتیجه‌های به دست آمده باید به گونه‌ای منطقی و مفید ارائه شود و به این منظور می‌تواند همراه با جدول، نمودار، نگاره و عکس باشد.
- نویسنده در پایان مقاله راهنمایی و کمک‌های دیگران را یادآوری و از آنها سپاسگزاری کند.
- ارجاع‌های متن مقاله داخل کمان و به این شیوه است: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (اسمیت و همکاران، ۱۹۷۴: ۲۲).
- در ذکر مشخصات انتشاراتی در فهرست منابع پایان مقاله از شیوه زیر پیروی شود:  
مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) «نام مقاله»، نام مترجم، نام نشریه، دوره یا سال، شماره.  
کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) عنوان کتاب، نام مترجم، مصحح، یا سایر افراد، شماره مجلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر.

## فهرست مطالب

۱..... تبیین مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر شاخص‌های شهر اسلامی

علیرضا صابرمنش / حسن احمدی / ناصر براتی

تدوین مدل نظری تولید فضای شهری معنویت‌مبنا در شهر ایرانی - اسلامی با استفاده از روش داده مبنا

۱۷..... (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مشهد)

فرزانه مدنی / مجتبی رفیعیان / افسون مهدوی / فاطمه محمدنیای قرایی

۳۹..... تدوین اصول طراحی عناصر کالبدی مسجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی حضور (مطالعه موردی: مساجد دوره قاجار شیراز)

هادی کشمیری / علی اکبر حیدری / فاطمه عماد

بررسی اهمیت خط سیر باستانی فهرج - اسپ (نصرت‌آباد) در اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی (بخشی از شاهراه باستانی کرمان - سیستان) با تکیه

۵۳..... بر کاروانسرای (رباط) نویافته بیابان گرگ در حاشیه لوت جنوبی

لیلا فاضل / یعقوب محمدی فر / اسماعیل همتی آزندریانی / مسعود قمری

۶۹..... مقایسه کارآمدی الگوهای اقتصاد پایدار شهری بر توسعه محلی (مطالعه موردی: منطقه ۱۰ شهر تهران)

زهره تاجیک / سید موسی پورموسوی / رحیم سرور

۸۵..... برنامه‌ریزی توسعه مجدد زمین در محله‌های بافت تاریخی (مطالعه موردی: محله زرتشتی‌ها در بافت تاریخی شهر یزد)

نجما اسمعیل پور / فاطمه فروغی نسب

## داوران این شماره:

- دکتر حسن کریمیان / استاد دانشگاه تهران
- دکتر بهرام امین زاده / دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
- دکتر علی شرقی / دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- دکتر یزدان شیرمحمدی / دانشیار دانشگاه پیام نور
- دکتر عباس مترجم / دانشیار دانشگاه بوعلی سینا
- دکتر مرتضی میرغلامی / دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- دکتر حمیدرضا بابایی / استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- دکتر ابراهیم رایگانی / استادیار دانشگاه نیشابور
- دکتر امین فرجی / استادیار دانشگاه تهران
- دکتر ایوج قاسمی / استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- دکتر ابوذر وفايي / استادیار دانشگاه کاشان
- دکتر سید محمد کاظمی / دانش آموخته دانشگاه یزد

## تبیین مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر شاخص‌های شهر اسلامی<sup>۱</sup>

علیرضا صابرمنش\*، حسن احمدی\*\*، ناصر براتی\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲)

(تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰)

### چکیده

شهر اسلامی، واژه مناقشه‌آمیزی است که منشأ مباحث گسترده و دنباله‌داری است که مفهوم آن از آغاز تاکنون، تحولات و تطورات گوناگونی را تجربه نموده است. علی‌رغم تردیدها و اختلاف‌نظرها بر سر تعریف و تعیین گستره موضوعی، اما مسئله این است که تاکنون به اندازه کافی به این تحولات و تطورات مفهوم شهر اسلامی به صورت منسجم پرداخته نشده است. علاوه بر این آموزش شهرسازی نیز تحت تأثیر شرایط اجتماعی تغییر کرده است. با شناسایی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی به‌ویژه شهر اسلامی و سنجش ارتباط این آموزش‌ها با واقعیت حرفه برای اتصال دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته با دنیای بیرون و بازار کار می‌توان به این هدف دست یافت. بنابراین ضرورت پژوهش، منتج به کالبدشکافی مؤلفه‌های آموزش شهر اسلامی می‌شود که می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌کارهای ارتقای دانش، مهارت و نگرش اساتید و دانشجویان درباره مسائل کمی و کیفی رشته شهرسازی باشد. با توجه به جایگاه آموزش شهرسازی و لزوم تبیین شاخص‌های شهر اسلامی، این پژوهش به دنبال تبیین مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر شاخص‌های شهر اسلامی و سنجش میزان تأثیر آنها بر شاخص‌های شهر اسلامی که نقش کلیدی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درباره مسائل شهری دارد و می‌تواند به اجرایی شدن اهداف و درگیر نمودن اساتید و دانشجویان رشته شهرسازی در فرایند یادگیری اشاره داشته باشد. لذا سؤال اصلی، شناسایی نقش و جایگاه شاخص‌های شهر اسلامی در محتوای آموزش رشته شهرسازی یا فرایند تهیه طرح‌های شهری است. تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، تحقیق پیمایشی به شمار می‌آید و از شیوه مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت، روش‌ها و ابزار آموزش با میزان ضریب مسیر ۵,۲۲، مربیان و مدرسان با میزان ضریب مسیر ۲,۲۶، عوامل اساسی آموزش با میزان ضریب مسیر ۴,۱۹، مهارت‌های آموزشی با میزان ضریب مسیر ۵,۰۸ و در نهایت ارزش‌های آموزشی با میزان ضریب مسیر ۴,۵۵ و همگی با احتمال ۹۹ درصد بر شاخص‌های شهر اسلامی در بین دانشجویان شهرسازی، تأثیر معنادار دارد. از سوی دیگر ارزیابی یافته‌ها نشان داد که وجود مؤلفه‌های شهر اسلامی می‌تواند در افزایش دانش اساتید و برقراری ارتباط مؤثر با دنیای حرفه مثمر ثمر باشد و انگیزه دانشجویان را نیز افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: آموزش شهرسازی، شهر اسلامی، معادلات ساختاری و مدل لیزرل.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب با عنوان «تبیین مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر ارتباط با جوامع یادگیری حرفه‌ای» است.

مقدمه

دوران کنونی در بسیاری از کشورهای جهان عرب و اسلام، تجدید حیات حکومت‌های اسلامی را به همراه داشته است و مسئله شهر اسلامی، بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده است؛ به گونه‌ای که این ایده از تغییرات سیاسی قابل توجه در تولید علم و دانش، جان سالم به در برده است (Alsayyad, 1996: 91). شهر اسلامی، واژه مناقشه‌آمیزی است که منشأ مباحث گسترده و دنباله‌داری است که مفهوم آن از آغاز تاکنون، تحولات و تطورات گوناگونی را تجربه نموده است. اما مسئله این است که تاکنون به اندازه کافی به این تحولات و تطورات مفهوم شهر اسلامی به صورت منسجم پرداخته نشده است (صفاپور و سجادیان، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

شهر اسلامی به طور کلی با منطقه جغرافیایی تعیین شده به عنوان خاورمیانه شناخته می‌شود؛ اما تنها یک پنجم جمعیت مسلمان جهان در این منطقه زندگی می‌کنند. با کنار گذاشتن تصور غلط رایج غربی‌ها مبنی بر اینکه خاورمیانه عمدتاً سرزمینی عرب-اسلامی است، جهان اسلام از جوامعی با نظام‌های مختلف اقتصادی و سیاسی، گروه‌های قومی و زبانی متعدد و از شرایط جغرافیایی و اقلیمی متمایز تشکیل شده است (Alsayyad & Tureli, 2009: 598). مطالعه این فرایندهای مرتبط (شهر اسلامی)، ادبیات وسیعی را در جغرافیای شهری، اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شهری و مطالعات مقایسه‌ای شهری و منطقه‌ای پر می‌کند و موضوعاتی مانند الگوهای سکونت، مهاجرت و تحرک، حومه‌نشینی و تشکیل شهرهای جهان را پوشش می‌دهد (Sandercock, 1999: 536).

علی‌رغم تردیدها و اختلاف‌نظرها بر سر تعریف و تعیین گستره موضوعی، شهرسازی در بیش از یک قرن گذشته به عنوان یک رشته دانشگاهی تدریس شده و تغییرات زیادی را از سر گذرانده است. آموزش شهرسازی تحت تأثیر شرایط اجتماعی بسیار تغییر کرده است. حرفه/رشته شهرسازی در بردارنده خصلت‌های متنوع است که میان‌رشته‌ای بودن و در برداشتن تخصص‌ها و دانش‌های گوناگون در آن به عنوان چالشی جدی مطرح است (طالبی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۵۲). یکی از مسائل روز در ارتباط با شهرسازی، مسئله آموزش است که دارای مفهوم و کاربردی گسترده و پیچیده و در نتیجه مبهم است و تاکنون تعریف واحد یا جامع و مانعی از آن به دست نیامده است. اما در مجموع می‌توان گفت که آموزش، فرایندی دائمی، پویا و مستمر است که به افزایش دانش و آگاهی افراد منجر می‌شود (بالپانیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۶).

هرچند آموزش در پی تسهیل یادگیری است، هدف غایی آن صرفاً یادگیری نیست؛ بلکه کسب توانایی کاربرد دانش و یا به عبارتی هنر کاربرد دانش آموخته‌شده، اصلی‌ترین هدف آن معرفی شده است. یادگیری در پایین‌ترین سطح به دانش، فهم و درک دانش منجر می‌گردد و در بالاترین سطوح به کاربرد، توانایی

تجزیه و تحلیل و ارزیابی خواهد انجامید (طالبی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۸). استفاده از دانش و مهارت‌های جدید که قبلاً جزء سرفصل‌ها و برنامه‌های درسی رشته نبوده است، همیشه منبع بحث بوده است. از نظر تأمین منابع آموزشی نیز مفاهیم یا دانش کلیدی را می‌توان در برنامه‌های درسی گنجانید یا در عوض، برنامه‌ریزی دروس را می‌توان بین‌رشته‌ای ارائه داد. به طور کلی برنامه‌ریزی دستورالعمل‌های آموزش شهرسازی توسط مؤسسات حرفه‌ای یا سایر نهادهای معتبر تصریح می‌کند که برنامه‌های درسی شهرسازی شامل دانش و مهارت‌های خاص و همچنین ارزش‌های حاکم بر رشته است. چهار جزء دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و عمل، زیرمجموعه‌هایی را برای متون ارائه می‌دهند که به محتوای برنامه درسی می‌پردازند (Frank, 2006: 20).

بر این اساس آموزش این رشته باید به صورت یک هرم همگن و همبسته طراحی گردد. پایه هرم را می‌توان به آموزش جامع و عمومی اختصاص داد. در این مرحله، برنامه و مواد آموزشی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که از سویی دانشجویان را با مسائل و نیازهای توسعه‌ای جامعه و مبانی اساسی علوم و تکنولوژی آشنا کند و از سوی دیگر او را برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر از آموزش‌های تخصصی که در رأس هرم قرار دارد، آماده سازد. بر این اساس و با توجه به تغییرات اساسی و رویکردهای جدیدی که در چند دهه گذشته در این حوزه از علم صورت گرفته است، ارتقای کیفیت آموزش این رشته متناسب با رویکردهای جدید ضروری به نظر می‌رسد (الوندی‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰). با این همه هنوز تبیینی از ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آموزش شهرسازی ارائه نشده است که روی آن، توافقی فراگیر وجود داشته باشد. عباراتی مانند این جمله که تاکنون تعریف جامع و مانعی از آموزش شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است و متفکران و صاحب‌نظران در ارائه تعریفی مقتضی از این پدیده بازمانده‌اند (موحد و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۸).

علاوه بر این یکی از مسائل روز مطرح در آموزش رشته شهرسازی، موضوع ارتباط این آموزش‌ها با واقعیت حرفه و شناسایی مؤلفه‌های آن است. هر فرد حاضر در فضای این رشته، اعم از دانشجو، دانش‌آموخته، مدرس، حرفه‌مند یا مسئول، به گونه‌ای با این موضوع مواجه بوده و به دنبال روشن کردن وجهی از وجوه این رابطه برای خود یا دیگران است. آنچه حتی با نگاهی سطحی به این فضا مشهود می‌گردد، وجود فاصله میان فضای دانشگاهی، فضای اجرایی و عدم آشنایی با مؤلفه‌های حرفه است. این واقعیت را می‌توان در ناراضی‌تی حرفه‌مندان و دفاتر کار حرفه‌ای از دانش‌آموختگان و متقاضیان کار، در نگرانی‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان برای ورود به حرفه و همچنین در ناراضی‌تی محافل دانشگاهی از مسیری که حرفه طی می‌کند، لمس کرد (سیمونی و عباسی، ۱۳۹۹: ۴۴).

و قابل ادراک، بسیاری از مؤلفه‌های فکری و ذهنی متأثر و منتج از آن را بیان می‌کنند. علاوه بر این نوع ارتباط، فضاهای شهری، محیطی فرهنگ‌ساز و تأثیرگذار هستند که می‌توانند در شکل‌گیری نظام زیرساختی و ذهنی جامعه اثربخش باشند (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۴). درباره شهرهای قلمرو اسلام، مطالعات مختلفی انجام شده، ولی ابعاد این تحقیقات مکمل یکدیگر نبوده و بحث‌ها صرفاً جزئیاتی را به صورت مستقل و جداگانه مورد بررسی و توجه قرار داده و بخش مهمی از این تحقیقات در حد توصیفی باقی مانده‌اند. قریب به اتفاق جوامع و تمدن‌ها و مکاتب فکری همواره بر آن بوده‌اند تا بهترین مکان را برای زندگی انسان معرفی کنند، یا بهترین محیط را برای زندگی انسان پدید آورند و یا ویژگی‌های بهترین مکان زندگی را به مردمان بیاموزند. طبیعی است که همه این بهترین‌ها بر اصول جهان‌بینی تفکری استوار بوده‌اند که مردمان (یا معرفی‌کننده این بهترین‌ها) بر وفق آنها مشی می‌کرده‌اند و به آنها باور داشته‌اند.

با توجه به تغییرات علمی و فنی و تحولات فکری آدمیان (حتی در یک جهان‌بینی خاص) ارجح آن است تا از برترین اصل بهترین مکان زندگی سخن بگوییم که در هر زمانی بتواند مورد استناد باشد. با توجه به تعالیم و حیان‌های اسلام می‌توان به استناد آنها، شهر آرمانی اسلام را معرفی کرد (رک: نقی‌زاده، ۱۳۹۱). با توجه به تفاسیر متفاوتی که درباره «شهر و شهرسازی اسلامی» ارائه می‌شود، شناسایی ویژگی‌ها و صفات «شهر اسلامی»، یکی از ضروریات اولیه است. در این راستا شناخت مبانی و اصولی که منشأ این ویژگی‌ها و صفات هستند، با اهمیت خاص خویش، گام اول در این پژوهش می‌باشند؛ زیرا این مبانی و اصول هستند که باید بر هر آنچه به صفت «اسلامی» متصف است، تأثیر گذاشته، ویژگی‌های آن را مشخص کنند (Ferdowsian, 2002: 23). وجیزه حاضر، سعی در معرفی برخی صفات شهر اسلامی دارد که اهم عناوین آن عبارتند از:

شهر اسلامی، شهر تجلی توحید: اصل توحید به عنوان صفت ممیزه اسلام با سایر مکاتب و ادیان، تأثیری بنیادین بر شهر اسلامی دارد که این تأثیر را در زمینه‌های متفاوت می‌توان مشاهده کرد.

شهر اسلامی، شهر عبودیت و عبادت: عبودیت حضرت حق سبحانه و تعالی، به عنوان هدف اصلی خلقت، باید تأثیر مستقیمی بر شکل و سیمای شهر اسلامی داشته باشد. در این راستا، فضاها و عناصر عبادی و روحانی و معنوی نه تنها بر کالبد و سیمای شهر، تسلط فیزیکی و روانی دارند، بلکه عامل هویت شهر نیز هستند (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۲).

نظریه برنامه‌ریزی اغلب به عنوان موضوعی به تصویر کشیده

شاید بتوان گفت که نارسایی‌های انسانی و زیست‌محیطی ما، ریشه‌های آموزشی دارند و در صورتی بهبود میسر می‌گردد که بتوان تغییری در نگرش آموزشی پدید آورد (علی‌محمدی، ۱۳۸۶: ۶۴). لذا ماهیت چندبعدی و بین‌رشته‌ای شهرسازی، آموزش این حرفه را مورد چالش‌های جدی قرار داده و باعث شده که محتوای آموزشی متناسب با زمان و مکان متفاوت باشد. اولین بار در سال ۱۹۱۰ با توجه به گسترش و لجام‌گسیختگی شهرها که ناشی از انقلاب صنعتی بود، حرفه شهرسازی در تیول معماران قرار گرفت. در این دوره، شهر به‌منابه یک سازه معماری عظیم توسط معمار پیش‌بینی و ساخته می‌شود. بعدها شهرسازی در جنبه‌های غیر کالبدی به‌خصوص در ابعاد اجتماعی، پیشرفت‌های قابل توجهی پیدا می‌کند. در دهه‌های اخیر (۱۹۹۰ تاکنون) با توجه به مطرح شدن مباحث زیست‌محیطی، پایداری در شهرسازی به تفکر غالب تبدیل گردید. این وابستگی پارادایم و پایه معرفتی رشته به تحولات زمانی (و مکانی)، هرچند از نظر عده‌ای نقطه قوت رشته محسوب می‌شود، از دید بعضی دیگر، مانعی برای توسعه و تحکیم رشته است. مسئله ابهام در آموزش شهرسازی تاحدی است که باج<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، آن را یک داستان تمام‌نشدنی توصیف می‌کند (فلاح منشادی، ۱۳۹۳: ۳).

بنا بر آنچه گفته شد و با افزایش تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها از جمله در رشته شهرسازی در سال‌های اخیر، نیاز به چارچوبی که بتوان از ورای آن، مؤلفه‌های نظام آموزش شهرسازی را ارزشیابی و رصد نمود، بیش‌ازپیش احساس می‌شود، تا بتوان ضعف‌ها و تهدیدهای احتمالی را شناسایی و نهایتاً مرتفع نمود (بالپایان و دیگران، ۱۳۹۶: ۶). با شناسایی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی به‌ویژه شهر اسلامی و تأثیر قوی این مؤلفه‌ها بر آموزش این رشته برای اتصال دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته با دنیای بیرون و بازار کار می‌توان به این مهم دست یافت. بنابراین ضرورت پژوهش، منتج به کالبدشکافی مؤلفه‌های آموزش شهر اسلامی می‌شود که می‌تواند به عنوان یکی از راه‌کارهای ارتقای دانش، مهارت و نگرش اساتید و دانشجویان درباره مسائل کمی و کیفی رشته شهرسازی باشد.

با توجه به مباحث گفته‌شده، این سؤال قابل طرح است که مهم‌ترین مؤلفه‌های آموزش شهر اسلامی کدامند؟ علاوه بر این شناسایی این مؤلفه‌ها و سنجش میزان تأثیر آنها که نقش کلیدی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درباره مسائل شهری دارد، می‌تواند به اجرایی شدن اهداف و درگیر نمودن اساتید و دانشجویان رشته شهرسازی در فرایند یادگیری اشاره داشته باشد. شهرها و مجتمع‌های زیستی از جمله بارزترین و ملموس‌ترین جلوه‌های فرهنگ بشری هستند که با نمایش فضاهای عینی

می‌شود که دانشجویان برنامه‌ریزی شهری، آن را بسیار انتزاعی می‌دانند و ارتباط آن را درک نمی‌کنند (Olesen, 2018: 305). با وجود این برای تبیین نظری شهر اسلامی، دو دیدگاه وجود دارد که به لحاظ امکان وجود و تأسیس شهر اسلامی با هم تفاوت دارند. دیدگاه اول با توجه به برخی استدلال‌ها، مدعی عدم امکان وجود و تأسیس شهر اسلامی و در نتیجه نظریه شهر اسلامی است و دیدگاه دوم، بر امکان وجود و تأسیس شهر با هویت اسلامی تأکید می‌کند. در دیدگاه اول، پنج نظریه یا موضع مشخص درباره نبود نظریه مستقل شهری در ادبیات اسلامی جالب توجه است. نظریه‌های یادشده عبارتند از:

۱. نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی می‌دانند.
۲. نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را صفت شرقی دادند و آن را شهر شرقی نامیدند.
۳. نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد شرایط و ویژگی‌های یک شهر می‌دانند.
۴. نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد تداوم و استمرار تاریخی می‌دانند.
۵. نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را دارای ساختار سست و بی‌قاعده می‌دانند (باقری، ۱۳۸۶: ۶۹).

نقطه مشترک همه نظریه‌های یادشده این است که شهر اسلامی به عنوان وجه ممیز از سایر شهرها قابل طرح نیست؛ بلکه شهرهای اسلامی، تقلیدی یا فاقد ویژگی‌های مستقلی هستند که بر اساس آنها می‌توان شهر اسلامی را از شهرهای غیر آن متمایز کرد. در مقابل این دیدگاه، نگرش دیگری قائل به تمایز شهرهای اسلامی از شهرهای غیر آن است؛ زیرا هر تمدنی، ساختار و نظامات زیست جمعی افراد را بر اساس آموزه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود ایجاد می‌کند. بنابراین شهر در جهان اسلام به عنوان ساختار و سازوکار زیست جمعی مسلمانان باید عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی کالبدی مورد تأکید اسلام را به عنوان سیمای کالبدی و محتوایی خود داشته باشد. در این دیدگاه تأکید می‌گردد که شهرهای اسلامی به صورت مشخص، نظام زیست اجتماعی اسلام را نشان می‌دهند.

بدین ترتیب در پژوهش حاضر، دیدگاه دوم به عنوان رویکرد تبیینی انتخاب شده است؛ زیرا مسلم است که مسلمانان برای سامان‌دهی زندگی اجتماعی، تحت تأثیر آموزه‌های دینی، راهبردهایی مشخص و معین دارند و این امر خود را در عرصه‌های مختلف به‌ویژه شهرسازی نشان داده است. نظریه و راهبردهای عمرانی مسلمانان، بر اساس رفتار نبی مکرم اسلام در مدینه آغاز شده است که ابتدا ساخت مسجد و سپس طرح‌های عمرانی بوده و تاکنون تداوم یافته است. فلسفه وجودی عمرانی

و آبادانی در اسلام به این فرض دینی برمی‌گردد که دنیا، مزرعه آخرت است و قطعاً اگر بر اساس راهبردهای مشخصی، به آبادانی همه‌جانبه مزرعه (کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره) اهتمام نشود، انتظار محصول در آخرت عبث خواهد بود (بیات، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

علاوه بر این می‌توان فقدان و عدم بهره‌گیری از یک روش مناسب را یکی از مشکلات اصلی در مطالعه شهر اسلامی و تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن نیز برشمرد. روشی که قادر باشد ورای صداهای غالب و متداول در این عرصه رفته و به دلیل دامنه وسیع زمانی و مکانی تحت پوشش حکومت، تمدن و یا فرهنگ اسلامی، در پی یکسان‌سازی و ارائه تصویری یگانه از شهر اسلامی نباشد و علاوه بر آن بتواند گفتمان‌های مختلف موجود در این زمینه را تحت پوشش قرار دهد (بابایی سالانچوق و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸).

از این‌رو مسئله آموزش در جهان، سیر پرفراز و نشیبی را دنبال کرده است. پس از آکادمی افلاطون که قدیمی‌ترین دانشگاه در غرب بود و فلسفه، ریاضی و ژیمناستیک در آن تدریس می‌شد، دانشگاه‌های زیادی در سراسر دنیا ایجاد شدند. با گذشت زمان، آموزش‌ها در دانشگاه‌ها متنوع‌تر شد و انواع علوم و فنون، شامل شیمی، فیزیک، فلسفه، جغرافیا، تاریخ، بنایی، کفاشی، خیاطی و غیره در آنها تدریس می‌شد. تا قرن ۱۸ میلادی (۱۰۷۹-۱۱۷۸ ش)، آلمان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا، بیشترین تعداد دانشگاه‌ها را به خود اختصاص دادند و از آن به بعد رفته‌رفته نشریات دانشگاهی پدید آمد و سطح کیفی دانشگاه‌ها بهتر شد و در کشورهای مختلف بر تعداد دانشجویان اضافه شده است. این افزایش دانشجویان در درجه اول، نتیجه افزایش جمعیت و در درجه دوم، پیشرفت اقتصادی و افزایش رفاه عمومی و تعمیم دموکراسی نیز موجب هجوم جوان‌ها به سوی تعلیمات عالی بوده است؛ به طوری که تحصیلات دانشگاهی که در گذشته امتیازی برای طبقات مرفه و قدرتمند توانگر جامعه به شمار می‌آمد، امروز به صورت حقوق مسلم فرزندان همه طبقات درآمدی است. عامل تأثیرگذار دیگر در توسعه و تعمیم تعلیمات عالی، پیشرفت علوم و تکنولوژی و توسعه صنایع است؛ زیرا کاربرد تکنولوژی پیشرفته، مستلزم آموختن معلومات بیشتری نسبت به گذشته است. دلیل دیگر این است که در کشورهای غربی، تحصیلات دانشگاهی به صورت معیاری درآمده و مدرک تحصیلات دانشگاهی، شرط احراز بسیاری از مشاغل قرار داده شده، بدون آنکه برای احراز آنها واقعاً احتیاج به تحصیلات دانشگاهی داشته باشد (طیب‌زاده و پروا، ۱۴۰۰: ۲). این موضوع باعث افزایش اهمیت آموزش شهرسازی به‌طور خاص شده و نشان می‌دهد که وارد عصری می‌شویم که فرصت‌های مهمی برای رشد در آموزش شهرسازی و تسهیلات رفاهی عمومی وجود دارد (بحرینی و فلاح منشادی، ۱۳۹۵: ۶).



جهان‌بینی فرهنگ و اخلاق غفلت شده است. به دلیل تأثیرات متقابل محیط و انسان بر یکدیگر در برخی رشته‌ها مثل شهرسازی و معماری، این مباحث باید در حین تدوین برنامه و شرح دروس به صورت بنیادین دخالت داده شود.

مقاله حاضر با تمرکز بر جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی به عنوان فلسفه حیات و فعالیت، سعی خواهد داشت تا با بهره‌گیری از منابع ذی‌ربط، برنامه‌ای را برای تأسیس دوره دکتری شهرسازی اسلامی ارائه کند. این برنامه در دو قسمت اصلی، مشتمل بر دروس عمومی و دروس تخصصی تدوین شده است. اهداف و همچنین سرفصل‌های اصلی دروس به هر ماه شرح عناوین و منابع اصلی آنها از میان متون اسلامی و تجارب تاریخی ایرانیان استنباط شده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۳). ارزیابی نتایج حاصل از مبانی نظری، نشان‌دهنده تنوع دیدگاه‌ها در ارتباط با آموزش شهرسازی و وجود مؤلفه‌های آموزش شهرسازی است. از این‌رو در تحقیق حاضر با استفاده از روش پرسشنامه، میزان تأثیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی بر مؤلفه‌های شهر اسلامی بررسی شده است.

### ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی

منظور از مؤلفه‌های شهر اسلامی، اجزا و عناصر اصلی به وجود آورنده این شهرها است. مؤلفه‌های یک شهر بر اساس نیازهای مادی و معنوی برخاسته از فرهنگ مردمان آن شهر شکل می‌گیرد. لذا در این قسمت، مؤلفه‌های و ویژگی‌های مربوط به شهر اسلامی که از متون مختلف استخراج شده و رکن‌های دوم و سوم یک شهر اسلامی را تشکیل می‌دهد، بیان می‌شود (رک: قضایی و جهاندار، ۱۳۹۲).

- اصل توحید و خدامحوری: بر اساس نگرش دینی، هستی و کون آفریده خداوند است. نظام هستی که در برگیرنده آسمان‌ها، جمادات، گیاهان، حیوانات، ملائک، انسان‌ها و... است، بر اثر تصادف به وجود نیامده است و خود، آفریننده خود نیست. چنین مجموعه پیچیده‌ای، نیازمند آفریدگاری توانا، قادر، حکیم، دانا و خردمند است و چنین آفریدگاری، خداوند یکتاست. در یک جامعه با شهر آرمانی در جهان دینی، اصل توحید و خدامحوری، رکن اساسی است و خصلت اصلی شهر دینی، ایمان به اصل یادشده و پذیرش الزامات ناشی از آن است.

- حفظ کرامت و عزت نفس آدمی: در یک جامعه آرمانی، انسان‌ها دارای کرامت و عزت نفس‌اند و این عزت و کرامت باید حفظ شود و محور تمام تصمیم‌ها نیز باید اینگونه باشد. نکته قابل توجه آن است که حفظ حرمت انسان‌ها در یک شهر اسلامی، متوجه همه انسان‌هاست و هیچ فردی از این دایره، خارج و مستثنا نیست.

- عدالت: یکی از برترین و گرم‌ترین آرمان‌ها و اصول اساسی زندگی بشر، عدالت است. در جامعه اسلامی (با شهر آرمانی)،

از سوی دیگر بررسی ادبیات نظری نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه دارای فرایند برنامه‌ریزی یکسانی هستند و در نتیجه محتوای آموزشی، فرایند برنامه‌ریزی نسبتاً مشابهی خواهند داشت. به طور کلی طرح‌های تهیه‌شده در کشورهای در حال توسعه عمدتاً بالا به پایین، تکنیکی، وکالت‌محور و کمتر در ارتباط با مسائل واقعی است. مرکزی بودن و هدف‌گذاری ضعیف هزینه‌های عمومی، سیاسی بودن زیاد، ساختار بوروکراتیک، کمبود اطلاعات، کمبود منابع، واقعیت موجود فقر و محرومیت، شکاف قدرت جنسیتی و طبقه‌ای و اثرات معمولاً منفی اقتصاد جهانی، مسائلی است که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد (همان، ۱۳۹۸: ۶).

به همین دلیل بررسی مطالعات جهانی در ارتباط با موضوع آموزش شهرسازی در کشورهای در حال توسعه، نشان‌دهنده چالش جدی در تبیین محتوای آموزشی برای این کشورهاست. بررسی‌ها نشان‌دهنده دو دیدگاه یکتایی در مقابل دوگانگی آموزش است. طرفداران یکتایی یا جهانی کردن آموزش شهرسازی، بیشتر بر شباهت‌های بین کشورهای توسعه‌یافته و جهان سوم تأکید دارند و معتقدند که از ابتدای دهه ۱۹۸۰، به علت افزایش همبستگی بین جوامع و نیاز بیشتر به همکاری بین فرهنگی، کاهش خلأ بین مهارت و دانش در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای جهان سوم و کم‌رنگ شدن مرزهای بین‌المللی، نیاز به آموزش جهانی شهرسازی بیشتر شده است. در مقابل طرفداران دوگانگی در آموزش شهرسازی بر تفاوت‌های جدی بین سیستم‌های ارزشی، مراحل توسعه و اولویت‌های اجتماعی-اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و جهان سوم تأکید دارند (همان: ۶). با این حال سابقه آموزش شهرسازی، از جمله به رسمیت شناختن و اعتباربخشی، تنوع وسیعی از رویکردها را منعکس می‌کند. بنابراین ساختار آموزش شهرسازی شامل اهداف و برنامه‌های بین‌رشته‌ای مرتبط با سیاست عمومی و علوم اجتماعی و همچنین برنامه‌های مرتبط با دانشکده‌های معماری و طراحی است (Dalton, 2001: 431).

با فراگیری جوامع آموزشی درباره ایجاد این فرایند قوی آموزش حرفه‌ای، مراکز آموزشی بیشتری تصمیم می‌گیرند تا تلاش‌های اصلاحی خود را حول این تلاش سازمان‌دهی کنند. این فرایند، شامل برنامه‌ها و شیوه‌های مراکز، هنگامی که به‌طور مداوم اجرا و پشتیبانی می‌شود، است که می‌تواند بر یادگیری دانشجویان و کارکنان تأثیر مثبت بگذارد (Sweet et al, 2011: 334). از آنجایی که غالب فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری، جذب امور آموزشی و پژوهشی می‌شوند و در تصمیم‌سازی برنامه‌های رشته خود دخالت می‌کنند، تدوین برنامه‌های دکتری و به‌ویژه شرح دروس آنها، نیازمند توجهی شایسته و درخور است. در دوران معاصر در تدوین برنامه‌ها و شرح دروس مهندسی معمولاً از اهمیت

دادگری و عدالت، محور تمامی فعالیت‌هاست و این اصل در آن برقرار است. عدالت و دادگری به منزله یکی از خصوصیات مؤمن و جامعه اسلامی و همچنین به منزله یکی از اهداف چنین جامعه‌ای، راه‌گشای روابط زندگی فرد و جامعه است (همان).

- آزادی و برابری در آرمان‌شهر اسلامی: انسان‌ها بنا بر اصل توحید، «آزاد و برابر» آفریده شده‌اند و از بدو تولد، دارای هیچ امتیاز و برتری ذاتی و فطری نیستند تا مبنای برتری و نابرابری آنان گردد و احیاناً عده‌ای، خویش را مستحق فرمان‌برداری و دیگران را ملزم به اطاعت نمایند. آزادی، یکی از مؤلفه‌های شهر اسلامی است. این آزادی مشمول تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، دینی و سیاسی است و در جامعه اسلامی، وظیفه شهروندان و دولت نسبت به یکدیگر این است که حق را پاس بدارند.

- امنیت: مؤلفه دیگر شهر آرمانی در اندیشه دینی، وجود «امنیت» در تمامی عرصه‌های آن است. در نگرش دینی، خداوند موجودی امنیت‌آفرین است و یکی از صفات خداوند، «السلام المؤمن» است. ایمان به خداوند برای انسان، ایجاد آرامش، امنیت و دلگرمی می‌کند و در مقابل، نفی و رد آن، سایه ترس، خوف و وحشت و هولناکی است.

- اصل مسئولیت و عطوفت به طبیعت: انسان در این چارچوب، خویشتن را در برابر طبیعت و هستی، مسئول و موظف می‌داند. هرچند بر آن سلطه دارد و در آن دخل و تصرف می‌کند، تصرفش بی‌حدوحد نیست (حبیبیان، ۱۳۹۴: ۲۱).

### پیشینه تحقیق

پیدایش انگاره «شهر اسلامی» و به طور خاص شکل‌گیری واژه‌های بدین عنوان برای اشاره به یک سکونتگاه، ابتدا به وسیله شرق‌شناسان و در حوزه جغرافیایی شمال آفریقا بوده است. پژوهشگران نخستین، شهر اسلامی را به عنوان موجودیتی مستقل مبتنی بر جامعه‌ای که اساساً متفاوت از همتای اروپایی آن بوده است، صورت‌بندی کرده‌اند. انگاره شهر اسلامی را ابتدا گروه کوچکی از پژوهشگران اروپایی در نیمه نخست قرن بیستم ارائه کردند. این پژوهشگران، تفسیری اروپایی از شهرسازی «اسلامی» به عنوان جزئی لاینفک از مکتب شرق‌شناسی ارائه می‌نمودند. بر این اساس عقاید این پژوهشگران در باب شهر اسلامی و شهرسازی مسلمانان اساساً هماهنگ با انگاره بنیادین شرق‌شناسی است که مطابق با آن، هر پدیده موجود در مدنیت و شهرگرایی کشورهای مسلمان، در نهایت توسط اسلام مشروط شده و مرتبط با اسلام است. این سنت باعث تعمیم‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی شده و خود انتقادهایی را برانگیخته که پیشتر به برخی از آنها اشاره شد (بابایی سالانقوج و دیگران، ۱۳۹۷: ۵).

در حوزه شهرسازی اسلامی، کتب و مقالات فراوانی با اندیشه‌های متفاوت نگاشته شده است که در ادامه، به برخی

از آنها اشاره می‌شود. نتایج تحقیق مشکینی و رضایی مقدم (۱۳۹۳) درباره «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی» بیانگر آن است که علی‌رغم وجود اصول و ارزش‌های تأثیرگذار که می‌تواند در ساخت محیط، خود را نمایان سازد، اجرا نمودن این اصول و ارزش‌ها نیازمند یک کار فرهنگی درازمدت است، تا استحاله حاکم بر شهرها و شهرسازی را منطبق با این اصول رهنمایی کند. بر این اساس می‌توان گفت که وجود چشم‌اندازهای مشخص و روشن بر پایه اصول و ارزش‌ها، ایجاد ظرفیت نهادی، سطح اختیارات و تصمیم‌گیری، یکپارچگی نهادها و یکپارچگی سیاستی، عواملی هستند که در فرهنگ‌سازی اصول و ارزش‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی می‌توانند تأثیرگذار باشند.

نتایج تحقیق بابایی سالانقوج و همکاران (۱۳۹۷) در زمینه انگاره شهر اسلامی، نشان‌دهنده آن است که شهر اسلامی به عنوان یک موقعیت، در بردارنده عوامل، کنشگران و مؤلفه‌های متعدد، شامل مؤلفه‌های انسانی، غیر انسانی و گفتمانی گوناگون است که غفلت از هر یک، موجب ارائه تصویری مبهم از این انگاره می‌گردد. از سوی دیگر این موقعیت شامل عرصه‌ها و قلمروهای التزام، تعهد و قدرت متعددی است که تصویری جامع از شهر اسلامی، نیازمند توجه هم‌زمان به ویژگی‌های هر کدام از آنهاست. در نهایت پژوهش‌های انجام‌شده در این باره همچنان مملو از عرصه‌های پژوهشی بکر و وضعیت‌های اتخاذنشده است که برای ارائه تصویری روشن از شهر اسلامی باید مورد توجه قرار گیرند.

نتایج یافته‌های صابرممنش و همکاران (۱۴۰۰) درباره مؤلفه‌های آموزش شهرسازی نشان داد که کیفیت آموزش، شیوه‌ها و ابزار، مدرسان و مربیان، عوامل اساسی آموزش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و در نهایت روابط بین مقوله‌های آشکار و مدل مفهومی منبعث از روش تحلیل کیفی با رویکرد استقرایی فراهم آمد که به صورت مدل نهایی تحقیق ارائه شد.

یافته‌های بحرینی و فلاح منشادی (۱۳۹۸) درباره تحلیل آموزش شهرسازی در ایران از دیدگاه متخصصان نشان داد که بررسی نقش متخصص شهرسازی در ایران مبین غلبه دیدگاه تکنسین و یا مشاور در فرایند تصمیم‌گیری بوده، تأکید اصلی بر تهیه طرح‌های توسعه در مقیاس‌های مختلف است. نمود نقش متخصص شهرسازی در محتوای آموزش شهرسازی، غلبه دانش رویه‌ای/ کاربردی، مهارت‌های تکنیکی و تحلیلی بوده، ارزش‌ها بی‌اهمیت است که نشان‌دهنده انطباق نقش متخصص شهرسازی با محتوای آموزشی در ایران است.

کلانتری خلیل‌آباد و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، پس از مرور ادبیات جهانی درباره ابعاد اجتماعی شهرسازی، به تبیین مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی پرداخته‌اند و

مؤلفه‌هایی همچون امنیت، عدالت اجتماعی بهداشت، همسایگی و غیره بر اساس تعالیم اسلام و سوابق شهرسازی ایرانی-اسلامی از جمله عوامل مهم در مباحث اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی معرفی شده است و می‌تواند به عنوان هدایت‌کننده و راهنمایی برای ایجاد فضاهای شهری اسلامی و ایرانی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش تعاملات اجتماعی، مشارکت اهالی در محله و تحقق عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. مؤلفه‌های الگوی شهرسازی اسلامی و ایرانی، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان مسائل شهری را از سردرگمی‌هایی می‌بخشد و آنچه را برای حیات مادی و معنوی انسان حائز اهمیت است، معرفی می‌کند. آنچه این مقاله را از سایر مقالات متمایز می‌سازد، بحث درباره مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر شهر اسلامی است. آنچه مسلم است این است که آموزش شهرسازی در دانشگاه‌های مختلف کشور دچار تغییر اساسی شده و شهرسازان در این حوزه‌ها از استانداردهای معین دور شده‌اند. از جمله این حوزه‌ها می‌توان به ارتباط این مؤلفه‌ها با شاخص‌های شهر اسلامی اشاره نمود. از این‌رو پژوهش حاضر بر آن است که با عنایت به مطالعات پیشین و ترکیب یافته‌های متفاوت، دستاوردهای آموزش شهرسازی را ارائه کند و میزان اثربخشی این مؤلفه‌ها را جمع‌بندی نماید.

## روش تحقیق

تحقیق حاضر، جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی است؛ از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، جزء تحقیقات پیمایشی است که به تشریح وضعیت مسئله، ابعاد آن و شناسایی مؤلفه‌های آموزش شهر اسلامی می‌پردازد. در بخش کمی این پژوهش از شیوه مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته است. در این شیوه، منابع داده‌ها شامل مشاهدات میدانی، مطالعه اسنادی و تهیه پرسشنامه‌ای می‌شود و از همه آنها می‌توان برای گردآوری اطلاعات بهره گرفت. از این‌رو در این پژوهش در مجموع از روش‌های تحلیل کیفی-کمی (آمیخته) برای استخراج، ارزیابی و اهمیت‌سنجی مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های مربوطه و نیز تحلیل رابطه میان متغیرهای اصلی با یکدیگر و نیز رابطه آنها با متغیر وابسته مدل و مدل‌سازی تمامی این روابط بهره برده می‌شود.

روند انجام کار بدین صورت است که ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با بررسی کارهای پیشین، متغیرهای اصلی مدل و نیز شاخص‌های مربوط به هر یک استخراج شده و در معرض نظر خبرگان این حوزه که شامل صاحب‌نظران حوزه شهرسازی (اساتید و خبرگان علمی مرتبط با حوزه شهرسازی) است، قرار می‌گیرد و اصلاحات، حذف و اضافات و تعدیلات لازم روی آن صورت می‌پذیرد. سپس مبتنی بر این متغیرها و شاخص‌های به‌دست‌آمده

برای هر یک، پرسشنامه‌ای طراحی شده که طی آن، این قابلیت وجود دارد که اهمیت هر یک از شاخص‌های به‌دست‌آمده در قالب یک سؤال و از طریق طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت ارزیابی شود.

پس از تأیید روایی این پرسشنامه توسط خبرگان مربوطه، بسته به تعداد شاخص‌های (سوالات) مورد نظر، این پرسشنامه در معرض نظر تعدادی از دانشجویان محدوده مورد مطالعه در این حوزه قرار می‌گیرد. همچنین بعد از اطمینان از پایایی و نرمال بودن داده‌های نرم به‌دست‌آمده توسط آزمون‌های مربوطه و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، ابتدا به بررسی معناداری رابطه میان شاخص‌های به‌دست‌آمده با متغیر اصلی مربوطه می‌پردازیم. برای این منظور از روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA<sup>1</sup>) از طریق نرم‌افزار لیزرل بهره می‌گیریم. پس از حذف شاخص‌هایی که معنادار نیستند، به سراغ طراحی یک مدل مفهومی برای کیفیت رابطه میان متغیرهای توضیحی و متغیر وابسته رفته، با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) در لیزرل، مدل مربوطه را مورد ارزیابی و آزمون قرار می‌دهیم و پس از حصول اطمینان از دستیابی به شاخص‌های مطلوب در مدل (از جمله RMSEA و خی‌دو بهنجار)، اقدام به تحلیل معناداری و کیفیت روابط میان متغیرهای اصلی با متغیر وابسته در مدل می‌پردازیم و مبتنی بر آن، اولویت‌بندی‌های لازم را برای هر یک از مؤلفه‌ها (متغیرها) و ریزمؤلفه‌ها (شاخص‌ها) ارائه می‌کنیم.

لازم به ذکر است که از این روش علمی در پژوهش‌های مدرن برخی از گرایش‌های رشته‌های مهندسی صنایع، مدیریت و حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود. در ادامه به تشریح دقیق هر یک از گام‌های اصلی مربوط به این روش تا دستیابی به تحلیل نهایی و نتایج مستخرج از مدل کمی تحلیل ساختاری کوواریانس می‌پردازیم.

## طراحی پرسشنامه (مبتنی بر مدل نظری مستخرج اولیه)

مبتنی بر این روش، برای تحقیق حاضر، ابتدا متناسب با متغیرهای مشاهده‌شده و مکنون مدل نظری یادشده، پرسشنامه‌ای (به تعداد متغیرهای مکنون به‌اضافه متغیر وابسته مدل) و در مجموع سی سؤال طراحی شد و نحوه نمره‌دهی به هر سؤال (متغیر) در آن بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تعریف شد.

## تأیید روایی سوالات (شاخص‌ها) جهت دستیابی به مدل نظری (پرسشنامه) نهایی

مقصود از روایی برای ابزار پژوهش به اعتبار سنجی ابزار جهت اطمینان از دقت و صحت آن توجه دارد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا ابزار اندازه‌گیری، آنچه را که قصد اندازه‌گیری آن را

داریم، واقعاً می‌سنجد یا خیر؟ به عبارت دیگر میزان اعتبار یک ابزار اندازه‌گیری به توان آن ابزار در اندازه‌گیری پدیده مورد مطالعه بستگی دارد (شبانکاره و حمیدی، ۱۳۹۷: ۱۱۰۴). جهت تأیید روایی سوالات این پرسشنامه، از نظرهای تعدادی از اساتید و خبرگان این حوزه استفاده شده و اصلاحات و تعدیل لازم روی آن صورت پذیرفته است و بدین ترتیب روایی آن تأمین گردید. لازم به ذکر است که جامعه آماری این پژوهش جهت گردآوری اطلاعات لازم، دانشجویان رشته شهرسازی دانشگاه آزاد واحد کرج بودند که می‌توانند در حوزه تأثیر مؤلفه‌های شهر اسلامی اظهارنظر نمایند.

### پایایی<sup>۱</sup>

پایایی، یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری تعبیر می‌شود. پایایی تحقیق نشان‌دهنده این امر است که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان، نتایج یکسانی به دست بدهد. همچنین پایایی تحقیق نشان‌دهنده نتایج دقیق در بررسی موضوع موردنظر و همچنین به اندازه‌گیری و سنجش مکرر پرسشنامه بستگی دارد. روش آلفای کرونباخ از جمله معتبرترین روش‌ها جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق است که در این تحقیق نیز از آن استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ در قالب میانگین همبستگی‌های درونی میان موارد اندازه‌گیری‌کننده مفهوم، محاسبه می‌شود. پایایی‌های کمتر از ۰/۶ نوعاً ضعیف تلقی می‌شود و پایایی‌های ۰/۷ قابل قبول و بالاتر از ۰/۸ خوب قلمداد می‌شود. اگر آلفای کرونباخ به ۱ نزدیک‌تر باشد، پایایی سازگاری درونی بیشتر است (ر.ک: دانایی‌فرد، ۱۳۸۸). در تحقیق حاضر، نتایج پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ در جدول شماره (۱) به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۱- مقادیر پایایی متغیرها

متغیرها	شماره سوالات	تعداد سوالات	مقادیر آلفای کرونباخ
کیفیت، شیوه‌ها و ابزار آموزش	۱-۵	۵	۰,۰۷۸
مربیان و مدرسان	۶-۱۰	۵	۰,۰۹۳
عوامل اساسی آموزش	۱۱-۱۵	۵	۰,۰۸۵
مهارت‌های آموزشی	۱۶-۲۰	۵	۰,۰۸۱
ارزش‌های آموزش	۲۱-۲۵	۵	۰,۰۷۹

با توجه به مقدار آلفای به‌دست‌آمده که بالاتر از ۰,۷۰ است. بنابراین پایایی قابل قبول و در حد خوب می‌باشد، لذا پایایی این پرسشنامه‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

### تعیین حجم نمونه لازم

حال سؤال مهم این است که تعداد نمونه‌هایی که برای جمع‌آوری داده‌های نرم مورد نیاز مدل باید به آنها مراجعه نمود، چه عددی است؟ به عبارت دیگر یکی از پرسش‌های بسیار مهم در تحلیل عاملی، تعیین حداقل حجم نمونه است. تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری، بسیار بااهمیت است. هرچند درباره حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌سازی ساختاری، توافق کلی وجود ندارد، به‌زعم بسیاری از پژوهشگران، حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ است (صادقی شاهدانی و خوشخوی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). از این‌رو در این پژوهش، جامعه آماری تحقیق برای بررسی اهمیت و میزان اثربخشی و تأثیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، تمامی دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته‌های شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج، به تعداد ۸۲۰ نفر بود که تعیین حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی-مورگان، تعداد ۲۶۰ نفر برآورد گردید و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد.

با توجه به موارد یادشده، حجم نمونه ۲۶۰ نفر که برای ارزیابی مدل نظری مربوطه در این پژوهش در نظر گرفته شده، از نظر علمی قابل دفاع، کفایت‌کننده و مطلوب است. لازم به ذکر است که مراجعه به این پرسشگران عمدتاً از طریق ارسال فرم الکترونیکی صورت گرفته است و نظرهای آنها در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت و اعداد ۱ تا ۵ جمع‌آوری و در نرم‌افزار اکسل وارد شد و سپس برای انجام تحلیل‌ها و آزمون‌های پایایی و نرم‌الماتی به نرم‌افزارهای spss و بعد از آن جهت تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری به lisrel فراخوانی می‌شود.

### معادلات ساختاری

برای بررسی روابط علی میان متغیرها به صورت منسجم، کوشش‌های زیادی در دهه اخیر صورت گرفته است. یکی از این روش‌های نویدبخش در این زمینه، مدل معادلات ساختاری یا تحلیل چندمتغیری با متغیرهای مکنون است. این مدل، یک رویکرد آماری جامع برای فرضیه‌هایی است که درباره روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و متغیرهای مکنون است. از طریق این رویکرد می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های هم‌بستگی، غیر آزمایشی و آزمایشی آزمون نمود (هنری، ۱۳۹۰: ۸۸). مدل‌های علی



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

### یافته‌های تحقیق

#### تحلیل مدل و نتایج آن

برای تحلیل داده‌های تحقیق از تحلیل‌های گوناگونی استفاده شده است، به گونه‌ای که ابتدا فرض نرمال بودن داده‌ها در هر گروه را به کمک آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی نموده و سپس به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار LISREL بهره گرفته شده است.

#### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی

برای بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق از روش‌ها و فنون آماری استفاده شده است. این داده‌ها ابتدا در نرم‌افزار Excel مرتب و دسته‌بندی شد و برخی از شاخص‌ها و نمودارهای اولیه آن با این نرم‌افزار استخراج شد. سپس با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی آماری مانند Lisrel8.8 و SPSS25 به تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها پرداخته شد. این تجزیه و تحلیل در دو بخش انجام شد.

۱- استفاده از آمار توصیفی: برای تبیین ویژگی‌های مربوط به جامعه و نمونه‌های آماری (ویژگی‌های دموگرافی) و همچنین ویژگی‌های مربوط به متغیرهای مورد مطالعه از آمار توصیفی شامل نمودارها، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد. از آنجا که تحقیق حاضر، توصیفی-پیمایشی بود، استفاده از این شاخص‌ها می‌توانست در تشریح بیشتر متغیرهای مورد مطالعه به تحقیق کمک نماید.

۲- استفاده از آمار استنباطی (فنون آماری): برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار spss25 و برای آزمون فرضیات پژوهش از نرم‌افزار Lisrel8.8 استفاده شده است.

(مدل‌های معادله ساختاری، مدل‌های چندشاخصه متغیر پنهان) متعلق به قوی‌ترین ابزار تجزیه و تحلیل داده‌های راهنمای نظریه در بازاریابی و تحقیقات مصرف‌کننده است. آنها این واقعیت را در نظر می‌گیرند که مرتبط‌ترین متغیرهای روان‌شناختی با مشاهده مستقیم قابل دسترسی نیستند. به عنوان متغیرهای پنهان، آنها ممکن است تأثیر خود را به طور غیر مستقیم در تعدادی از شاخص‌ها بیان کنند (Davies et al, 1999: 249).

از این‌رو در این مدل، روابط میان ساختارهای نظری با رگرسیون یا ضرایب مسیر بین عوامل نشان داده می‌شود. مدل معادله ساختاری، متضمن ساختاری برای کوواریانس بین متغیرهای مشاهده شده است که مدل جایگزین ساختار کوواریانس نام دیگر را ارائه می‌دهد. با این حال مدل را می‌توان با استفاده از متغیرها یا عوامل مشاهده شده گسترش داد که باعث می‌شود مدل‌سازی ساختار کوواریانس، نام کمی دقیق‌تری داشته باشد. بسیاری از محققان به سادگی این مدل‌ها را «مدل‌های Lisrel» می‌پندارند. LISREL مخفف عبارت Linear Structural RELations و نامی است که توسط Jöreskog برای اولین و محبوب‌ترین برنامه‌های SEM استفاده می‌شود. مدل‌های معادلات ساختاری اغلب با نمودار مسیر گرافیکی تجسم می‌شوند که معمولاً در مجموعه‌ای از معادلات ماتریسی نشان داده می‌شوند (Hox & Bechger, 1998: 354).

هرچند مدل‌های آماری دیگری نیز وجود دارد که می‌توان از آنها برای تجزیه و تحلیل مدل‌های معادلات ساختاری استفاده کرد، اما محققان، LISREL را ارجح‌ترین نرم‌افزار آماری در نظر گرفته‌اند. در واقع شناسایی میان SEM و LISREL به‌فردی مشخص است که مدل‌های معادلات ساختاری اغلب بدون توجه به نرم‌افزاری که مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدل‌های LISREL نامیده می‌شود. محققان، روش SEM را به نوبه خود به عنوان یکی از پیچیده‌ترین ابزار آماری در نظر می‌گیرند. بنابراین کاملاً منطقی است که بپذیریم کسانی که اصول LISREL را درک می‌کنند، در استفاده از برنامه‌های جایگزین با مشکلات جدی روبه‌رو نخواهند شد (Vieira, 2011: 3).

#### الگوی مفهومی پژوهش

در اینجا، بعد از بررسی مبانی نظری که به طور عمده از مطالعه ادبیات و پژوهش‌های مربوطه حاصل شد، الگوی مفهومی باید طراحی شود. بر همین اساس الگوی مفهومی موردنظر را می‌توان در شکل (۱) مشاهده کرد. در این مدل، مؤلفه‌های شهر اسلامی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای ارزش، کیفیت آموزش شیوه‌ها و ابزار، مدرسان/مربیان، عوامل اصلی آموزش و مهارت‌ها پس از تحلیل عاملی اکتشافی به عنوان متغیر مستقل شناسایی شدند.

۲-۱- تحلیل توصیفی: برای شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شود. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آنها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌رود. با توجه به نتایج بخش ابتدایی پرسشنامه (ویژگی‌های جمعیتی-شناختی)، اطلاعات مشخصات نمونه آماری به طور خلاصه در جدول شماره (۲) ارائه می‌شود.

جدول ۲- اطلاعات توصیفی پاسخ‌دهندگان

مشخصات دموگرافیک	طبقه‌بندی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۱۰۵	۳۵,۵
	مرد	۱۵۰	۶۴,۵
	جمع	۲۵۵	۱۰۰
رده سنی	۲۵-۱۹	۶۰	۲۲,۶
	۳۰-۲۶	۸۱	۳۶,۱
	۴۰-۳۱	۵۸	۲۱,۳
	۵۰-۴۱	۵۶	۲۰
	بالای ۵۰	۰	۰
	جمع	۲۵۵	۱۰۰
میزان تحصیلات	کارشناسی	۸۹	۳۴,۸
	کارشناسی‌ارشد	۱۰۹	۴۵,۸
	دکتری	۵۷	۱۹,۴
	جمع	۲۵۵	۱۰۰
وضعیت تأهل	مجرد	۱۶۳	۷۲,۹
	متاهل	۹۲	۲۷,۱
	جمع	۲۵۵	۱۰۰

اطلاعات جدول نشان می‌دهد که ۳۵,۵ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۶۴,۵ درصد را مردان تشکیل داده‌اند که بیشترین آنها متعلق به رده سنی ۲۶-۳۰ سال و کمترین آنها متعلق به رده سنی ۴۱-۵۰ سال است. همچنین اکثریت افراد جامعه که تعداد آنها ۱۰۹ نفر (حدود ۴۵,۸ درصد افراد) است، در مقطع کارشناسی‌ارشد مشغول به تحصیل هستند و تعداد ۸۹ نفر در مقطع کارشناسی و تعداد ۵۷ نفر در مقطع دکتری بودند و در نهایت اکثریت پاسخ‌دهندگان مجرد بودند.

۲-۲- آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (K-S): این آزمون برای تطابق توزیع، احتمال‌های تجمعی مقادیر در مجموعه داده‌ها را با احتمال تجمعی همان مقادیر در یک توزیع نظری خاص مقایسه می‌کند. اگر اختلاف آن به قدر کافی بزرگ باشد، این آزمون نشان خواهد داد که داده‌های شما با یکی از توزیع‌های نظری موردنظر مطابقت ندارد. در این آزمون، اگر معیار تصمیم (p-value) کمتر از ۰,۰۵ باشد، فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی داده‌ها نمی‌توانند از یک توزیع خاص مانند پواسن، نرمال، نمایی یا یکنواخت باشند.

جدول ۳- آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن

با نرمال نبودن توزیع داده‌ها

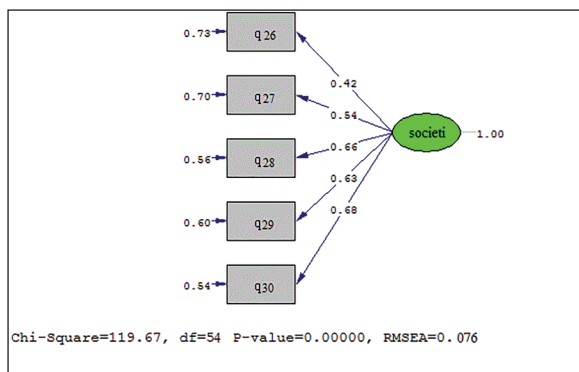
متغیر	ابعاد	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	تعداد
مؤلفه‌های آموزش شهرسازی	کیفیت، شیوه‌ها و ابزار آموزش	۰,۰۱۰۵	۰,۰۶۴۵	۲۵۵
	مربی‌ان و مدرسان	۰,۰۸۸۹	۰,۰۷۸	۲۵۵
	عوامل اساسی آموزش	۱,۲۰۹	۰,۲۳۰	۲۵۵
	مهارت‌های آموزشی	۰,۳۳۲	۰,۷۹۸	۲۵۵
	ارزش‌های آموزشی	۰,۷۵۹	۰,۳۳۱	۲۵۵
	مؤلفه‌های شهرسازی اسلامی	۰,۶۲۷	۰,۱۲۰	۲۵۵

۲-۳- تحلیل عاملی تأییدی: برای روایی سنجی سؤالات هر یک از عوامل، از نرم‌افزار LISREL استفاده شد. جدول ماتریس اجزای تشکیل‌دهنده و ماتریس چرخشی اجزای تشکیل‌دهنده بارهای عاملی را که بالاتر از ۰/۵ و زیرمجموعه یک عامل (عامل اول) قرار می‌گرفتند، به عنوان بارهای عاملی اصلی در نظر گرفتیم و بارهای عاملی ضعیف و همچنین قرار گرفتن در یک عامل دیگر (عامل دوم) برای سنجش بهتر متغیر، از تحلیل حذف شد. نتایج این آزمون برای عامل‌ها در جدول زیر آورده شده است. مؤلفه‌های آموزش شهرسازی را با حروف اختصاری لاتین (m1, m2, m3, m4, m5) و مؤلفه‌های شهر اسلامی (society) در محیط نرم‌افزاری لیزرل نام‌گذاری نموده‌ایم (شکل شماره (۲)). وجود ضرایب بالای ۰,۰۵ سطح معناداری در جدول شماره (۳)، نشان از پذیرش نرمال بودن داده‌ها در این مطالعه دارد.

۲-۳- تحلیل عاملی تأییدی: برای روایی سنجی سؤالات هر یک از عوامل، از نرم‌افزار LISREL استفاده شد. جدول ماتریس اجزای تشکیل‌دهنده و ماتریس چرخشی اجزای تشکیل‌دهنده بارهای عاملی را که بالاتر از ۰/۵ و زیرمجموعه یک عامل (عامل اول) قرار می‌گرفتند، به عنوان بارهای عاملی اصلی در نظر گرفتیم و بارهای عاملی ضعیف و همچنین قرار گرفتن در یک عامل دیگر (عامل دوم) برای سنجش بهتر متغیر، از تحلیل حذف شد. نتایج

این آزمون برای عامل‌ها در جدول زیر آورده شده است. مؤلفه‌های آموزش شهرسازی را با حروف اختصاری لاتین (m1, m2, m3, m4, m5) و مؤلفه‌های شهر اسلامی (society) در محیط نرم‌افزاری لیزرل نام‌گذاری نموده‌ایم (شکل شماره (۲)).

شکل ۳- تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی اسلامی



همچنین بار عاملی بیشتر از ۰٫۳، مقادیر به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از سؤالات متغیر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی حذف نمی‌شود و با توجه به مقادیر ضریب تعیین سؤال ۲۶، کمترین تأثیر را در اندازه‌گیری متغیر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی دارد و سؤال سی‌ام، بیشترین تأثیر را در اندازه‌گیری متغیر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی دارد (شکل شماره (۳)).

### آزمون مدل پژوهش

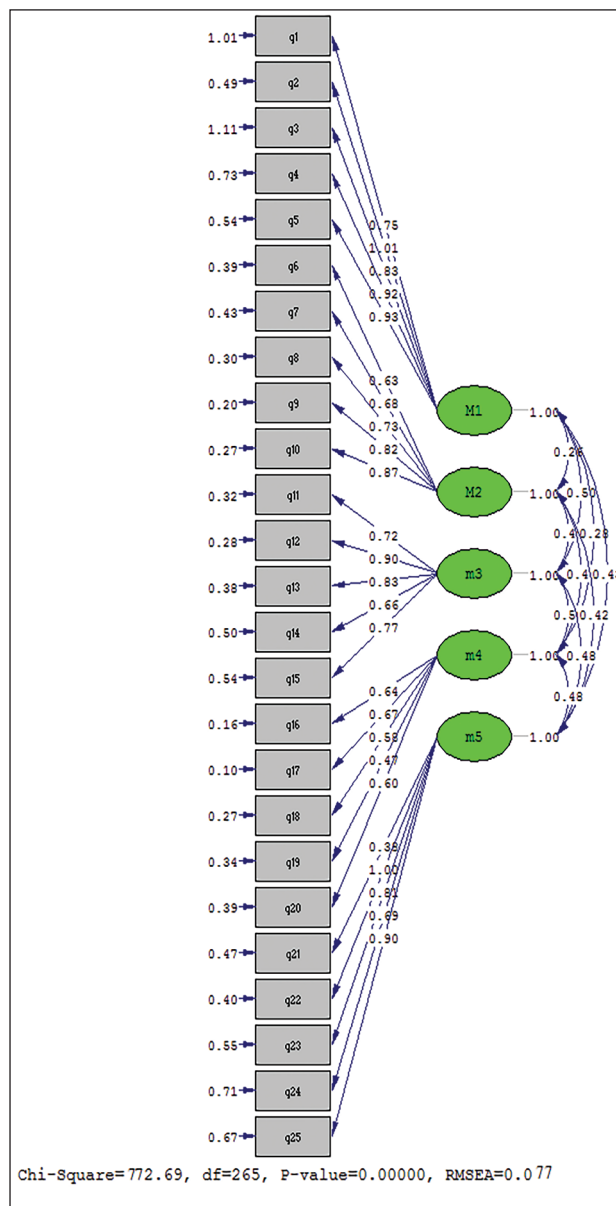
#### تحلیل مسیر مدل اول پژوهش

پس از آزمون مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق توسط تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و اطمینان از صحت مدل‌های اندازه‌گیری، در این قسمت نیز از روش تحلیل مسیر مدل معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌شود. در این روش با استناد به مقدار P VALUE، شاخص‌های برازندگی و مقدار T VALUE بین متغیرهای برون‌زا و درون‌زای معناداری مدل، روابط بین متغیرها و همچنین تناسب و برازندگی مدل بررسی می‌شود. اگر مقدار P VALUE کمتر از ۰٫۵ باشد، مدل معنادار است و اگر مقدار T VALUE بین متغیرهای درون‌زا و برون‌زا از ۱٫۹۶ بیشتر و یا از ۱٫۹۶ کمتر نباشد، معنادار است (شکل شماره (۴)).

#### آزمون فرضیه‌های تحقیق

مؤلفه‌های آموزش شهرسازی بر مؤلفه‌های شهر اسلامی در بین دانشجویان شهرسازی تأثیر معنادار دارد.

۱. کیفیت آموزش، شیوه‌ها و ابزار بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان شهرسازی، تأثیر معنادار دارد.
۲. مربیان و مدرسان بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان شهرسازی، تأثیر معنادار دارند.
۳. عوامل اساسی آموزش بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان شهرسازی، تأثیر معنادار دارد.
۴. مهارت‌های آموزشی بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان شهرسازی، تأثیر معنادار دارد.
۵. ارزش‌های آموزشی بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان شهرسازی، تأثیر معنادار دارد.



شکل ۲- تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی

بار عاملی بیشتر از ۰٫۳، مقادیر به‌دست‌آمده، نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از سؤالات متغیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی حذف نمی‌شود و با توجه به مقادیر ضریب تعیین، سؤال دوم، بیشترین تأثیر را در اندازه‌گیری متغیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی دارد و سؤال اول، کمترین تأثیر را در اندازه‌گیری متغیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی دارد.

با توجه به مقادیر ضرایب مسیر، شرط معناداری این است که عدد به دست آمده نباید بین  $1/96$  و  $1/96$  باشد. در این صورت متغیرها یا سازه‌های آنها با احتمال ۹۵ درصد معنادار هستند و با توجه به شرط دوم مقدار ضریب مسیر به دست آمده اگر بزرگتر از  $2/58$  باشد، معناداری با احتمال ۹۹ درصد پذیرفته خواهد شد. بر مبنای مقادیر ضرایب مسیر در جدول شماره (۴)، نتایج به شرح ذیل است:

۱. کیفیت، روش‌ها و ابزار آموزش بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در بین دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی با میزان ضریب مسیر  $5,22$  و احتمال ۹۹ درصد تأثیر معنادار دارد که این نشان‌دهنده تأثیر قوی مؤلفه کیفیت، روش‌ها و ابزار آموزش بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی است. این فرضیه مورد تأیید است.

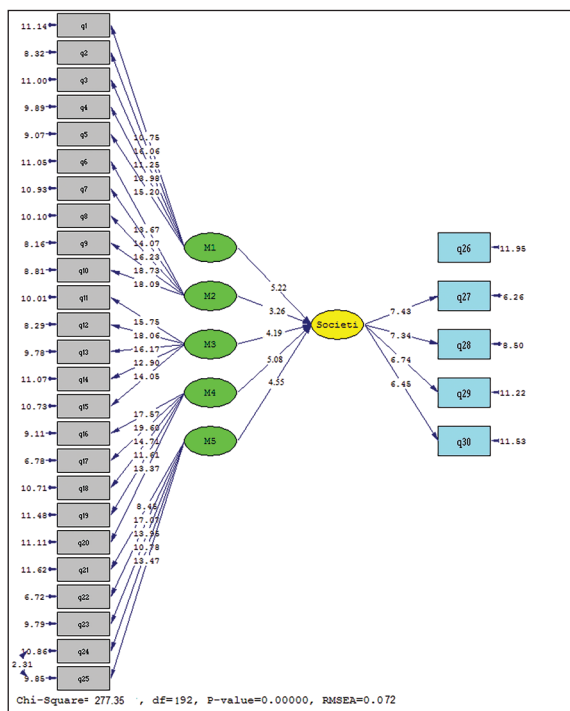
۲. مربیان و مدرسان بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در بین دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج با میزان ضریب مسیر  $3,26$  و احتمال ۹۹ درصد تأثیر معنادار دارند که این نشان‌دهنده تأثیر نسبتاً خوب مؤلفه مربیان و مدرسان بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج است. این فرضیه مورد تأیید است.

۳. عوامل اساسی آموزش بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج با میزان ضریب مسیر  $4,19$  و احتمال ۹۹ درصد، تأثیر معنادار دارد که این نشان‌دهنده تأثیر نسبتاً بالای مؤلفه عوامل اساسی آموزش بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج است. این فرضیه مورد تأیید است.

۴. مهارت‌های آموزشی بر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج با میزان ضریب مسیر  $5,08$  و احتمال ۹۹ درصد، تأثیر معنادار دارد که این نشان‌دهنده تأثیر قوی مؤلفه مهارت‌های آموزشی بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج است. این فرضیه مورد تأیید است.

۵. ارزش‌های آموزشی بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج با میزان ضریب مسیر  $4,55$  و احتمال ۹۹ درصد، تأثیر معنادار دارد که این نشان‌دهنده تأثیر نسبتاً بالای مؤلفه ارزش‌های آموزشی بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج است. این فرضیه مورد تأیید است.

از میان مؤلفه‌های آموزش شهرسازی به ترتیب کیفیت، روش‌ها



شکل ۴- آزمون مدل ساختاری فرضیه‌های تحقیق (تحلیل مسیر)

با توجه به پیشنهادهای سیستم جهت ارتقاء بار معنایی؛ پیشنهادهای مطرح شده اجرا شد و نتایج نشان از بالا رفتن بار معنایی سؤالات متغیر آشکار و مکنون می‌دهد و همچنین بیشترین تأثیر متغیر مکنون (Societi) را به سؤالات ۳۰-۲۷ اختصاص داده است.

جدول ۴- آزمون فرضیه‌های تحقیق

متغیر	متغیر	ضریب مسیر	معناداری	بار عاملی	درصد اطمینان	نتیجه فرضیه‌ها
کیفیت، شیوه‌ها و ابزار آموزش	مؤلفه‌های شهر اسلامی	۵,۲۲	۰,۰۰۰	۰,۶۱	۰,۹۹	تأیید
مربیان و مدرسان	مؤلفه‌های شهر اسلامی	۳,۲۶	۰,۰۰۰	۰,۴۲	۰,۹۹	تأیید
عوامل اساسی آموزش	مؤلفه‌های شهر اسلامی	۴,۱۹	۰,۰۰۰	۰,۴۳	۰,۹۹	تأیید
مهارت‌های آموزشی	مؤلفه‌های شهر اسلامی	۵,۰۸	۰,۰۰۰	۰,۵۳	۰,۹۹	تأیید
ارزش‌های آموزشی	مؤلفه‌های شهر اسلامی	۴,۵۵	۰,۰۰۰	۰,۴۸	۰,۹۹	تأیید

ضرایب معناداری، تأثیر متغیرهای مستقل و وابسته مدل ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد. ضرایب معناداری (T value) بین متغیرهای پژوهش، از مقدار  $1,96$  بزرگتر است و می‌توان استنباط کرد که تأثیر متغیرها بر همدیگر معنادار است. همچنین مقدار  $P \text{ value} = 0.000$  به دست آمده از آزمون مدل ساختاری بیانگر معناداری و قابل آزمون بودن این مدل است.



و ابزار آموزشی، مهارت‌های آموزشی، ارزش‌های آموزشی، مربیان و مدرسان عوامل اساسی آموزش و عوامل اساسی آموزش دارای بیشترین اثرگذاری بر مؤلفه‌های شهر اسلامی هستند. بنابراین طبق نظر دانشجویان مورد مطالعه، بالاترین تأثیرگذاری از میان مؤلفه‌های آموزش شهرسازی، متعلق به مؤلفه کیفیت، روش‌ها و ابزار آموزشی و کمترین تأثیرگذاری متعلق به مؤلفه مربیان و مدرسان است.

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

معیارهای برازش مدل	شاخص	مقادیر	دامنه قابل قبول	نتیجه
کای دو نسبی	$\chi^2/df$	۱,۴۴۴	$>3$	خیلی خوب
حداقل مجموع مجزورات خطاها	RM-SEA	۰/۰۷۲	$>08/0$	خیلی خوب
شاخص نیکویی برازش	PGFI	۰/۰۷۶	$<05/0$	خیلی خوب
شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	AGFI	۰/۰۸۷	$<08/0$	خوب
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۰۸۵	$<08/0$	خیلی خوب
شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۰۹۵	$<09/0$	خوب
شاخص برازش غیر نرم	NNFI	۰/۰۹۴	$<09/0$	خیلی خوب
شاخص برازش افزایشی	IFI	۰/۰۹۵	$<09/0$	خیلی خوب
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۰۹۶	$<09/0$	خیلی خوب

در نهایت می‌توان گفت که کای دو روی درجه آزادی، برای ارزیابی برازش کل مدل است. بر اساس این آماره، فرض صفر این است که مدل به طور کامل با داده‌های جامعه آماری برازش دارد. زمانی که آماره کای دو از نظر آماری معنی‌دار باشد، منجر به رد این فرض می‌گردد و نشان می‌دهد که مدل موردنظر، از برازش کامل برخوردار نیست و رد می‌شود. برای رد فرض صفر از کای دو نسبی نیز استفاده می‌کنند. در صورتی که مقدار این نسبت کمتر از ۳ باشد، فرض صفر تأیید می‌شود. به عبارت دیگر مدل به طور کامل با داده‌های جامعه آماری برازش دارد. از آنجا که میزان کای دو نسبی محاسبه‌شده مؤلفه‌های آموزش شهرسازی و مؤلفه‌های شهر اسلامی برابر با ۱,۴۴۴ است، بنابراین نشان‌دهنده تأیید فرض صفر و برازش کامل مدل داده‌های جامعه آماری است (جدول شماره ۵).

شاخص نیکویی برازش و شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده به شاخص‌های برازش مطلق معروف‌اند و مقدار این شاخص‌ها باید بزرگ‌تر از ۰/۸ باشد و مقدار بزرگ‌تر از این مقدار حاکی از برازش قابل قبول مدل است. از شاخص‌های دیگر این گروه، شاخص

برازش تطبیقی، شاخص برازش افزایشی، شاخص برازش هنجار شده و شاخص نیکویی برازش است که هرچه مقدار آنها بزرگ‌تر از ۰/۹ باشد و یا حداقل سه تا از این شاخص‌ها بزرگ‌تر از این مقدار باشد، نشان‌دهنده برازش خوب مدل است. مقادیر محاسبه‌شده نشان‌دهنده تأیید برازش مدل بر اساس این شاخص‌هاست. به عبارتی مدل از تناسب و برازش خوبی برخوردار است.

### نتیجه‌گیری

شهر اسلامی به طور کلی با منطقه جغرافیایی تعیین‌شده به عنوان خاورمیانه شناخته می‌شود؛ اما تنها یک پنجم جمعیت مسلمان جهان در این منطقه زندگی می‌کنند. با کنار گذاشتن تصور غلط رایج غربی‌ها مبنی بر اینکه خاورمیانه عمدتاً سرزمینی عرب-اسلامی است، توجه به این نکته مهم است که تنوع بسیار زیادی در خاورمیانه با گروه‌های قبطی، دروزی، مارونی و دیگر مذاهب‌ها وجود دارد. از این رو جهان اسلام از جوامعی با نظام‌های مختلف اقتصادی و سیاسی تشکیل شده است. مطالعه این فرایندهای مرتبط (شهرسازی اسلامی)، ادبیات وسیعی را در جغرافیای شهری، اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شهری و مطالعات مقایسه‌ای شهری و منطقه‌ای پر می‌کند و موضوعاتی مانند الگوهای سکونت، مهاجرت و تحرک، حومه‌نشینی و تشکیل شهرهای جهان را پوشش می‌دهد. فرایندهای شهرسازی، شکل و ساختار فضای شهری دوبعدی را ایجاد می‌کند. یکی از مسائل روز در ارتباط با شهرسازی، مسئله آموزش است که فرایندی دائمی، پویا و مستمر بوده، به افزایش دانش و آگاهی افراد منجر می‌شود. امروزه سیر شتابنده تغییر و تحولات بشری، ما را بیش‌ازپیش نیازمند آموزش ساخته و در صورت بی‌توجهی به این امر بسیار مهم، فرجامی جز جمود و سکون نخواهیم داشت.

در این میان مؤلفه‌های شهر اسلامی می‌توانند شیوه‌های آموزش شهرسازی را به آموزش مؤثرتری تغییر دهند و با تغییر در تفکر اساتید، تدریس آنها را از یک تلاش منفرد به یک تلاش مشترک تبدیل نمایند؛ زیرا جامعه نیز درباره جمع‌آوری فراتر از فردیت و وابستگی سازنده فراتر از محدود کردن خودمختاری است. بررسی دقیق‌تر این موضوع نشان می‌دهد که به طور مشخص نمی‌توان یک مدل جهانی برای آموزش شهرسازی پیشنهاد داد؛ زیرا دانشگاه‌های مختلف، موانع و فرصت‌های متفاوتی دارند و در نتیجه شیوه‌های آموزشی گوناگونی را تجربه می‌کنند. آنچه مشخص است، این موضوع است که وجود مؤلفه‌های شهر اسلامی می‌تواند در افزایش دانش اساتید و برقراری ارتباط مؤثر با دنیای حرفه مثرتر باشد و انگیزه دانشجویان را نیز افزایش دهد. بر این اساس انتظار می‌رود که با تشویق دانشگاه‌ها به تشکیل اجتماع‌های کوچک حرفه‌ای به کاربردی نمودن بیشتر

این رشته کمک نمایند. چنان که تاکنون کمتر مطالعه دقیقی، تأثیر مؤلفه‌های شهرسازی بر مؤلفه‌های شهر اسلامی را مستند کرده است. بنابراین ضرورت پژوهش، منتج به کالبدشکافی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی و تأثیر بر مؤلفه‌های شهر اسلامی می‌شود که می‌تواند به عنوان یکی از راه‌کارهای ارتقای دانش، مهارت و نگرش اساتید و دانشجویان درباره مسائل کمی و کیفی رشته شهرسازی باشد.

اما نکته حائز اهمیت آن است که با وجود ادعان مراجع مختلف به اهمیت و نقش آموزش‌های غیر رسمی در ارتقای شایستگی اساتید، این سؤال قابل طرح است که مهم‌ترین تأثیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی بر مؤلفه‌های شهر اسلامی چیست؟ علاوه بر این شناسایی این مؤلفه‌ها و سنجش میزان تأثیر آنها، که نقش کلیدی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درباره مسائل شهری دارد، می‌تواند به اجرایی شدن اهداف توانمندسازی اساتید و درگیر نمودن اساتید و دانشجویان رشته شهرسازی در فرایند یادگیری اشاره داشته باشد. تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. همچنین از نظر ماهیت و روش، تحقیقی پیمایشی به شمار می‌آید و به تشریح وضعیت مسئله، ابعاد آن و شناسایی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی و تأثیر آنها می‌پردازد.

از سوی دیگر این پژوهش به صورت کمی بوده که از شیوه مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته است. در این شیوه، منابع داده‌ها شامل مشاهدات میدانی، مطالعه اسنادی و تهیه پرسشنامه‌ای می‌شود و از همه آنها می‌توان برای گردآوری اطلاعات بهره گرفت. از این‌رو در این پژوهش در مجموع از روش‌های تحلیل کیفی-کمی (آمیخته) برای استخراج، ارزیابی و اهمیت‌سنجی مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های مربوطه و نیز تحلیل رابطه میان متغیرهای اصلی با یکدیگر و نیز رابطه آنها با متغیر وابسته مدل و مدل‌سازی تمامی این روابط بهره برده شده است. روند انجام کار بدین صورت بود که ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با مطالعه و بررسی کارهای پیشین، متغیرهای اصلی مدل و نیز شاخص‌های مربوط به هر یک استخراج شده، در معرض نظر خبرگان این حوزه قرار گرفت و اصلاحات، حذف و اضافات و تعدیلات لازم روی آن صورت پذیرفت. سپس مبتنی بر این متغیرها و شاخص‌های به‌دست‌آمده برای هر یک، پرسشنامه‌ای طراحی شده که طی آن، این قابلیت وجود دارد که اهمیت هر یک از شاخص‌های به‌دست‌آمده در قالب یک سؤال و از طریق طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت ارزیابی شود. پس از تأیید روایی این پرسشنامه توسط خبرگان مربوطه، بسته به تعداد شاخص‌های (سوالات) موردنظر، این پرسشنامه در معرض

نظر تعدادی از دانشجویان محدوده مورد مطالعه در این حوزه قرار گرفت.

یافته‌های به‌دست‌آمده به دو بخش توصیفی و تحلیلی تقسیم شد. در بخش توصیفی، یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که ۳۵٫۵ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۶۴٫۵ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. همچنین بیشترین حجم نمونه مورد بررسی متعلق به رده سنی ۲۶-۳۰ سال و کمترین حجم نمونه مورد بررسی متعلق به رده سنی ۴۱-۵۰ سال و اکثریت افراد جامعه که تعداد آنها ۱۰۹ نفر (حدود ۴۵٫۸ درصد افراد) است، در مقطع کارشناسی‌ارشد مشغول به تحصیل هستند و همچنین تعداد ۸۹ نفر در مقطع کارشناسی و تعداد ۵۷ نفر در مقطع دکترا بودند. در نهایت با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از یافته‌ها، اکثریت افراد پاسخ‌دهنده، مجرد بودند.

در مرحله بعد برای اطمینان از پایایی و نرمال بودن داده‌های نرم به‌دست‌آمده توسط آزمون‌های مربوطه و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، ابتدا به بررسی معناداری رابطه میان شاخص‌های به‌دست‌آمده با متغیر اصلی مربوطه پرداختیم که برای این منظور از روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA<sup>۱</sup>) از طریق نرم‌افزار listrel بهره گرفتیم. پس از حذف شاخص‌هایی که معنادار نبودند، به سراغ طراحی یک مدل مفهومی برای کیفیت رابطه میان متغیرهای توضیحی و متغیر وابسته رفته، با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) در لیزرل، مدل مربوطه را مورد ارزیابی و آزمون قرار دادیم و پس از حصول اطمینان از دستیابی به شاخص‌های مطلوب در مدل از جمله RMSEA و خی دو بهنجار، اقدام به تحلیل معناداری و کیفیت روابط میان متغیرهای اصلی با متغیر وابسته در مدل پرداختیم و مبتنی بر آن، اولویت‌بندی‌های لازم را برای هر یک از مؤلفه‌ها (متغیرها) و ریزمؤلفه‌ها (شاخص‌ها) ارائه کردیم.

همچنین در ادامه تحلیل پرسشنامه تحقیق نیز بار عاملی بیشتر از ۰٫۳ مقادیر به دست آمده است که نشان داد هیچ‌کدام از سوالات متغیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی حذف نمی‌شود و با توجه به مقادیر ضریب تعیین مؤلفه دوم (کیفیت آموزش، شیوه‌ها و ابزار)، بیشترین تأثیر را در اندازه‌گیری متغیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی دارد و مؤلفه اول (ارزش‌ها)، کمترین تأثیر را در اندازه‌گیری متغیر مؤلفه‌های آموزش شهرسازی دارد. در نهایت با توجه به فرضیه‌های تحقیق می‌توان به این نتیجه دست یافت که: کیفیت، روش‌ها و ابزار آموزش با میزان ضریب مسیر ۵٫۲۲ و احتمال ۹۹ درصد، مربیان و مدرسان با میزان ضریب مسیر ۳٫۲۶ و احتمال ۹۹ درصد، عوامل اساسی آموزش با میزان ضریب مسیر ۴٫۱۹ و احتمال ۹۹ درصد، مهارت‌های آموزشی با میزان ضریب

مسیر ۵،۰۸ و احتمال ۹۹ درصد و در نهایت ارزش‌های آموزشی با میزان ضریب مسیر ۴،۵۵ و احتمال ۹۹ درصد بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی در دانشگاه پیام نور واحد کرج تأثیر معنادار دارد که این نشان‌دهنده تأثیر نسبتاً خوب این مؤلفه‌ها بر توسعه مؤلفه‌های شهر اسلامی در میان دانشجویان و داوطلبان آزاد رشته شهرسازی است. بنابراین همه این فرضیه‌ها با احتمال بالای ۹۹ درصد مورد تأیید هستند.

همچنین از میان مؤلفه‌های آموزش شهرداری، مؤلفه‌ها به ترتیب ذیل دارای بیشترین اثرگذاری بر مؤلفه‌های شهر اسلامی هستند: ۱- کیفیت، روش‌ها و ابزار آموزشی ۲- مهارت‌های آموزشی ۳- ارزش‌های آموزشی ۴- مربیان و مدرسان عوامل اساسی آموزش و ۵- عوامل اساسی آموزش. بنابراین طبق نظر دانشجویان مورد مطالعه، بالاترین تأثیرگذاری از میان مؤلفه‌های آموزش شهرسازی، متعلق به مؤلفه کیفیت، روش‌ها و ابزار آموزشی و کمترین تأثیرگذاری متعلق به مؤلفه مربیان و مدرسان است. بررسی دقیق‌تر این موضوع نشان داد که به‌طور مشخص نمی‌توان یک مدل جهانی برای آموزش شهرسازی پیشنهاد داد؛ زیرا دانشگاه‌های مختلف، موانع و فرصت‌های متفاوتی دارند و در نتیجه شیوه‌های آموزشی گوناگونی را تجربه می‌کنند.

آنچه مشخص است، این است که وجود مؤلفه‌های شهر اسلامی می‌تواند در افزایش دانش اساتید و برقراری ارتباط مؤثر با دنیای حرفه متمر ثمر باشد و انگیزه دانشجویان را نیز افزایش دهد. بر این اساس انتظار می‌رود تا با تشویق دانشگاه‌ها به تشکیل اجتماع‌های کوچک حرفه‌ای، به کاربردی نمودن بیشتر این رشته کمک نمایند. چنان‌که تاکنون کمتر مطالعه دقیقی، تأثیر مؤلفه‌های شهرسازی بر مؤلفه‌های شهر اسلامی را مستند کرده است.

در پایان بحث، این نکته لازم به ذکر است که در آینده می‌توان پژوهش حاضر را در حوزه‌های مختلف گسترش داد. مرور مجدد متون نظری به صورت گسترده‌تر، سنتز فلسفی و صورت‌بندی‌های جدید از تعداد مقوله‌های بیشتر در نظام آموزش شهرسازی، افزایش حجم نمونه خبرگان و صاحب‌نظران و تکرار پژوهش با نمونه‌های دیگر، بررسی نظرهای افراد غیر متخصص (مردم) در این زمینه، عوامل و مطالعات تطبیقی و نیز استفاده از روش‌شناسی‌های دیگر در بررسی اهمیت عوامل مشروعیت و ارتباط آنها با یکدیگر، از جمله مواردی است که می‌تواند به عنوان موضوع پژوهش‌های آینده در این حوزه در نظر گرفته شود.

## منابع

۱. الوندی‌پور، نینا و دیگران (۱۳۹۵) «معرفی رویکرد آموزشی برنامه‌ریزی طراحی محور در آموزش شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری)»، فصلنامه معماری سبزه، سال دوم، شماره ۴، پاییز، صص ۱۵-۱.
۲. بابایی سالانقوج، احسان و دیگران (۱۳۹۶) «تبیین انگاره شهر اسلامی با استفاده از نسخه تحلیل موقعیت روش نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره نوزدهم، سال ششم، تابستان، صص ۲۳-۱.
۳. باقری، اشرف السادات (۱۳۸۶) «نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی»، تهران، امیرکبیر، صص ۱۲۳-۱.
۴. بحرینی، حسین و الهام فلاح‌منشادی (۱۳۹۵) «تحلیلی بر ضرورت وجودی دوره کارشناسی شهرسازی در دانشگاه‌های ایران»، فصلنامه هویت شهر، سال دهم، شماره ۲۶، تابستان، صص ۱۲-۱.
۵. ----- (۱۳۹۸) «تحلیل آموزش شهرسازی در ایران و رابطه آن با نقش متخصص شهرسازی»، فصلنامه هویت شهر، سال سیزدهم، شماره ۴۰، زمستان، صص ۱۲-۲۲.
۶. بیات، بهرام (۱۳۹۴) «جامعه‌شناسی فضاهایی بی‌دفاع شهری (مفهوم، شاخص‌ها و راهکارها)»، کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق‌های آینده، نگاه به گذشته، تهران، <https://civilica.com/doc/607748T>، صص ۹-۱.
۷. حبیبیان، هما (۱۳۹۴) «تطبیق شاخص‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری (نمونه موردی: راسته‌بازار مظفریه شهر همدان)»، مطالعات محیطی هفت حصار، سال چهارم، شماره ۱۱، بهار، صص ۱۵-۳۲.
۸. خدایی، زهرا و علی‌اکبر تقوایی (۱۳۹۰) «شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی»، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴۰، تابستان، صص ۱۱۱-۱۰۲.
۹. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸) «تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای ظرفیت سیاست ملی علم ایران، سیاست علم و فناوری»، (۱)۲، صص ۱۵-۲.
۱۰. سیمونی، پیونیک و مریم عباسی (۱۳۹۹) «ارزیابی رابطه آموزش دانشگاهی و فعالیت حرفه‌ای در رشته‌های معماری و شهرسازی (نمونه تفصیلی: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر)»، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره سی‌وپنجم، شماره ۱، بهار، صص ۵۴-۲۱.
۱۱. شبانکاره، خدیجه و علی حمیدی (۱۳۹۷) «سنجش روایی در پژوهش‌های علم ارتباطات و دانش‌شناسی»، فصلنامه پژوهشگاه علم و فناوری ایران، دوره سی‌وچهارم، شماره ۳، بهار، صص ۱۱۲۴-۱۱۰۳.
۱۲. صابرمنش، علیرضا و دیگران (۱۴۰۰) «تبیین مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر ارتباط با اجتماع یادگیری حرفه‌ای»، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۱۴۷-۱۷۸. doi: 10.22054/urdp.2021.63922.1382
۱۳. صادقی‌شاهدانی، مهدی و مهدی خوشخوی (۱۳۹۶) «تحلیل مقایسه‌ای نقش مؤلفه‌های اقتصادی و فنی در بهبود کارایی مصرف انرژی بخش خانگی ایران»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲۷، بهار، صص ۲۲-۱.
۱۴. صفاپور، مسعود و مهیار سجادیان (۱۳۹۴) «جستاری بر تحولات

- و تطورات مفهوم شهر اسلامی»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره هفتم، شماره ۲۴، تابستان، صص ۱۷۶-۱۵۲.
۱۵. طالبی، زینب و دیگران (۱۳۹۵) «ضرورت آموزش کارگاهی در توانمندسازی دانشجویان شهرسازی در کاربرد دانش از منظر مدل‌های یادگیری سازنده‌گرا»، مدیریت شهری، شماره ۴۵، زمستان، صص ۵۷-۷۲.
۱۶. ----- (۱۳۹۶) «جایگاه علوم اجتماعی در آموزش رشته شهرسازی؛ تحولات و چالش‌های پیش رو»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، شماره ۴، پیاپی (۳۹)، زمستان، صص ۶۷-۴۲.
۱۷. طبیب‌زاده، کیمیا سادات و محمد پروا (۱۴۰۰) «آموزش معماری در ایران و مشکلات پیش روی آن»، معماری‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۸، بهار، صص ۱-۱۲.
۱۸. علی‌محمدی، پریسا (۱۳۸۶) «نقش تجربه باواسطه (رسانه‌ای) در شناخت دانشجویان معماری معاصر ایران»، نشریه هویت شهر، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان.
۱۹. فلاح منشادی، الهام (۱۳۹۳) «ارزبابی محتوای آموزش شهرسازی با تأکید بر مقطع کارشناسی در ایران»، رساله مقطع دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده شهرسازی، اسفندماه.
۲۰. قضایی، محمد و محسن جهاندار (۱۳۹۲) «شناسایی و تبیین مؤلفه‌های شهر اسلامی و تطبیق آن با وضع موجود مشهد مقدس»، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، <https://civilica.com/doc/231941>.
۲۱. کلانتری خلیل‌آباد، حسین و دیگران (۱۳۹۳) «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، نقش جهان، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۷-۲۶.
۲۲. مشکینی، ابوالفضل و علی رضایی مقدم (۱۳۹۳) «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی- ایرانی»، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد مقدس، آبان ماه.
۲۳. موحد، علی و دیگران (۱۳۹۱) «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره دوم، شماره ۵، صص ۲۱-۴۲.
۲۴. نقی‌زاده، محمد تقی (۱۳۷۷) «صفات شهر اسلامی» در «متون اسلامی، هنرهای زیبا ۴ و ۵»، صص ۱۲-۲۳.
۲۵. ----- (۱۳۸۴) «کعبه: تجلی و تفسیر زیبایی هستی، هنرهای زیبا، ۷(۱۷)، صص ۱-۲۱.
۲۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱) «شهر اسلامی: شهر متذکر به حس حضور»، دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان، <https://civilica.com/doc/24268>.
۲۷. هنری، حبیب (۱۳۹۰) «طراحی مدل معادلات ساختاری سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش در سازمان‌های ورزشی»، پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی، سال اول، شماره ۱، پاییز، صص ۱۸-۴۱.
۲۸. یالپانیان، علی و دیگران (۱۳۹۶) «کاربست الگوی مدیریت گرا (سیپ) در ارزشیابی نظام آموزشی شهرسازی ایران»، مدیریت شهری، شماره ۴۹، زمستان، صص ۵-۲۵.

## تدوین مدل نظری تولید فضای شهری معنویت‌مبنا در شهر ایرانی - اسلامی با استفاده از روش داده‌مبنا (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مشهد)

فرزانة مدنی\*، مجتبی رفیعیان\*\*، افسون مهدوی\*\*\*، فاطمه محمدنایای قرایی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

### چکیده

توسعه شهری و فرایند تولید فضا همواره با تعارضات جدی توأم بوده است. این امر منجر به تولید و بازتولید فضاهای سوداگرانه مبتنی بر منطق صرف انباشت سرمایه شده است. از جمله نمودهای این تقابل را می‌توان در مداخلات صورت گرفته در بافت‌های با هویت ویژه، چون مشهد دید، که در تعارض جدی با مباحث پایداری و ابعاد سه‌گانه آن است. در تقابل با این چالش‌ها، شهرسازی معنویت‌مبنا و لزوم شناسایی شاخص‌های آن در برنامه‌ریزی شهری معاصر در جهت تعادل بخشی، ضروری به نظر می‌رسد. روند افزایشی پژوهش‌ها در این زمینه از سوی مراکز علمی معتبر بیانگر لزوم هرچه بیشتر کاربست این مفهوم در مقیاس برنامه‌ریزی شهری معاصر است. این پژوهش با هدف ارائه خوانشی مکانی از شاخص‌های تولید فضای شهری معنویت‌مبنا در برنامه‌ریزی شهری معاصر در راستای تعدیل چرخه فعلی، با هدف تدوین اجزا و مؤلفه‌های مکانی مؤثر در تولید فضای شهری معنویت‌مبناست. این پژوهش به لحاظ هدف در زمره تحقیقات توسعه‌ای و از نوع کیفی است که با روش نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. جامعه آماری شامل خبرگان و مطلعین کلیدی (۲۱ مصاحبه فردی و ۲ مصاحبه گروهی) که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. یافته‌های تحقیق، شناسایی ۲۳ شاخص در قالب ۸ بعد اصلی شامل چیدمان فضا، نقش‌انگیزی، نمادگرایی، پایداری، عدالت، امنیت، ساختار مدیریتی و معاصرسازی دانش نظری است. دستاورد این پژوهش، جای‌گذاری مفهومی تعادل‌بخش به چرخه تولید فضا است که با ساختارسازی مؤلفه‌های مکانی مؤثر در تولید فضای معنویت‌مبنا، باعث ارتقای کیفی مداخلات؛ خلق ارزش و نیل به پایداری توسعه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تولید فضای شهری، شهرسازی معنویت‌مبنا، روش داده‌مبنا، کلان‌شهر و نمونه موردی مشهد.

\*دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

\*\*استاد گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران

rafei\_m@modares.ac.ir

\*\*\*نویسنده مسئول: استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، ایران

afsoon\_mahdavi@iauk.ac.ir

\*\*\*\*استادیار گروه شهرسازی، واحد مشهد دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

Gharaee.fatemeh@gmail.com



تنها بخشی از نمودهای بی‌توجهی به مسئله معنویت در تولید فضای شهر است (Bermudez, 2016: 105-108). این درحالی است که مفهوم معنویت، دارای پیشینه و جایگاهی ویژه در ساختاریابی فضایی برخی از شهرهای گذشته ایرانی بوده است و فضاهای معنوی همواره یکی از پیچیده‌ترین طراحی‌های معماری و شهری در ایران بوده است (ر.ک: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹؛ ایمانی خوشخو و شهرابی، ۱۳۹۷؛ شفیعا و صباغ‌پور، ۱۳۹۵؛ شفیعا و درودیان، ۱۳۹۶).

پژوهش‌های مختلفی در این زمینه در حال انجام است. در چند سال اخیر با تأسیس فوروم «معماری، فرهنگ و معنویت»<sup>۴</sup> در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۷ و برگزاری کنفرانسی با عنوان «شهرسازی، معنویت و سلامت»<sup>۵</sup> از سال ۲۰۱۳، توجه شهرسازان و معماران به این موضوع بیش از پیش شده است. پژوهش‌های اندیشمندانی نظیر شلدراک با تدوین کتاب «مرور کوتاهی بر تاریخ معنویت»<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) و کتاب «شهر معنویت‌گرا: الهیات، معنویت و شهر»<sup>۷</sup> (۲۰۱۴)، توماس بری و همکاران<sup>۸</sup> با چاپ کتاب «معماری، فرهنگ و معنویت» (۲۰۱۵)، برمودز با مقاله‌ای با عنوان «شهرسازی معنویت‌گرا»<sup>۹</sup> (۲۰۱۶)، نادر اردلان با مقاله‌ای با عنوان «ابعاد متعالی شهرها»<sup>۱۰</sup> و تدوین فصل هفدهم کتاب «معماری، فرهنگ و معنویت» نوشته سید حسین نصر با عنوان «نگاه درون‌گرا: معنویت در هنر و معماری»<sup>۱۱</sup> از جمله پژوهش‌های با اهمیت دهه‌های اخیر در زمینه شهرسازی و معماری است.

در حوزه معماری و هنر اسلامی، سید حسین نصر (۱۳۸۹) با به‌کارگیری مفاهیم ناب اسلامی اعم از شریعت، طریقت و حقیقت به نظریه‌پردازی معنویت در هنر اسلامی می‌پردازد. پژوهش پورجعفر و همکاران (۱۳۸۹) در حوزه معماری با عنوان «بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در مساجد شیعی» به مؤلفه‌های وحدت و یگانگی، هم‌آوایی با طبیعت، ابداع و نوآوری، حضور نقوش و اشکال هندسی پرداخته است. محسن رفیعیان (۱۳۹۶) در رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان «کیفیت معنایی مکان‌های عمومی شهری در اندیشه ایرانی-

چالش از بین رفتن تدریجی هویت مکان در دوران معاصر به این دلیل است که هویت شهرها عمدتاً بر اقتصاد بوده تا ملاحظات اجتماعی و از این‌رو شهرهای معاصر از کمبود کیفیتی مرکزی رنج می‌برند. هر محیط شهری در فرایند تولید و بازتولید فضایی خود باید ریشه‌های هویتی و ساختارهای ارزشی زمینه‌مبنای خود را در زمان تداوم بخشد. علی‌رغم این مهم، تنزل تولید فضا منجر به ایجاد بحرانی جدی در عرصه شهر شده است. در واقع مسئله پیش‌رو، رواج جریان شخصی‌سازی و سرمایه‌ای شدن ناشی از تسلط مدل سوداگری است. برای رفع این چالش‌ها، بازتولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس شهری، با هدف کاهش آسیب‌های شهری در مباحث برنامه‌ریزی شهری، ضروری به نظر می‌رسد (ر.ک: Bartoliniet al, 2018; Sandercock, 2006; Hegner&Margry, 2016).

«شهرسازی معنویت‌مبنا»<sup>۱</sup> (Bermudez, 2016: 111) و ویژگی‌های آن چون پایداری از نظر اقتصادی، زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی، اهمیت روابط متقابل سازنده با خود و دیگر شهروندان (ر.ک: Sheldrake, 2014; Tremlett, 2022; Manouchehrif& For-ester, 2021)، در پژوهش‌های دهه اخیر از سوی مراکز دانشگاهی معتبر نظیر هاروارد به عنوان پارادایمی میان‌رشته‌ای مطرح شده و به وسیله جریان قدرتمند در نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی انتقادی وارد شهرسازی شده و در حال ساختارسازی است و از این‌رو یکی از تأثیرگذارترین موضوعات برنامه‌ریزی شهری معاصر در کنار مباحث اقتصادی و معماری «توسعه معنویت»<sup>۲</sup> در مقیاس برنامه‌ریزی شهری است (Ivanescu, 2012; Sheldrake, 2006: 107). از آنجا که برخی اساساً برنامه‌ریزی را عمل دانش‌افزایی می‌دانند<sup>۳</sup> (ر.ک: Davoudi, 2015)، از این‌رو آن را تغییر جهتی مهم برای کاستن شکاف بین نظر و عمل شهرسازی از طریق تولید معرفت علمی می‌دانند که نقش یکپارچه و بهنجاری طراحانه (ر.ک: Gies, 2022; Yeolekar & Tarar, 2022; Brand & Gaffikin, 2007; Benedikter & Moltz, 2012) برای توصیف و هدایت عمل اجتماعی در مقیاس شهری دارد. نابرابری اجتماعی، قطبی شدن، فقر اخلاقی و شیوع بالای بیماری‌های روانی،

1. *Spiritual urbanism*

2. *Spiritual Development*

3. *Planning as a practice of knowing*

4. *Architecture, Culture, and Spirituality Forum (ACSF)*

5. *Urbanism, Spirituality and wellbeing (2013)*

6. *Philip Sheldrake: A Brief History of Spirituality (2007)*

7. *The Spiritual City: Theology, Spirituality, and the Urban (2014)*

8. *Thomas Barrie, Julio Bermudez, Phillip James Tabb (co- editors) (ACSF) (2015)*

9. *Julio Bermudez: Spiritual urbanism (2016)*

10. *Nader Ardalan: The transcendent Dimension of Cities (2016)*

11. *From Within: On the Spiritual in Art and Architecture (2015)*

اسلامی»، کیفیت معنای مکان‌های عمومی شهری را دارای وجوه «طبیعی زیست‌محیطی، مادی معیشتی، اجتماعی مردمی، هنجاری، هویتی و اصالت، قدرت، پاکی و روانی» می‌داند.

احمدخانی و حق‌پرست (۱۳۹۵) در پژوهش «سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت‌بخشی به فضا» معتقدند که یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم در فضا‌سازی معنوی، نور است. نور از عوامل مؤثر بر ارزش فضایی است که به عنوان غیرمادی‌ترین عنصر محسوس طبیعت همواره در معماری ایرانی اسلامی وجود داشته است. ایمانی و شهرابی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «ارائه چارچوب مفهومی ادراک گردشگران فرهنگی از سفر با تأکید بر معنویت (مطالعه موردی: اصفهان)» بیان می‌کنند که ادراک گردشگر فرهنگی در سطوح حواس پنجگانه، محیط و اجتماع در بستر معنویت به عنوان ماهیت وجودی انسان صورت می‌پذیرد. ادراک گردشگر فرهنگی از عوامل فردی و محیطی متأثر است.

در تفکر شهرسازی معاصر ایران و مداخلات شهری صورت‌گرفته، شاهد تنزل معنای فضا به وجه کمی و مادی آن هستیم. آنچه امروزه در شهرهایی با پشتوانه هویتی ویژه مانند مشهد قدرت گرفته، روند تولید و بازتولید فضا مبتنی بر منطق صرف انباشت سرمایه و کالایی‌سازی آن است که در تعارض جدی با چشم‌انداز مطرح برای این شهر (مشهد، پایتخت فرهنگی جهان اسلام) و علل ماهوی ایجاد آن است. در واقع اکثر فضاهای تولیدشده در مشهد اساساً در اندیشه معنویت فضا تطابق ندارند؛ به‌ویژه در منطقه ثامن که شاید نوعی تولید رفتار معنوی در آن جریان دارد. یکی از غامض‌ترین نمونه‌های تعارض مابین تولید و تکاثر فضا در تقابل بازمینه هویتی و علل ماهوی ایجاد آن، طرح‌های بازسازی و نوسازی منطقه مرکزی و حوزه ثامن به عنوان بافت پیرامون حرم مطهر است.

از این‌رو برای کاستن از این شکاف و تعادل‌بخشی به چرخه تولید فضا در مداخلات شهری اخیر شهر مشهد، مقاله حاضر می‌کوشد تا با واکاوی مؤلفه‌های مکانی مؤثر در تولید فضای معنویت‌مبنا و کاربرد روش‌های کیفی مبتنی بر دیدگاه خوانش مخاطب، مدل نظری شهرسازی معنویت‌مبنا احصا گردد. از همین‌رو این پژوهش تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که مؤلفه‌های مکانی تولید فضای شهری معنویت‌مبنا در منطقه ثامن شهر مشهد، با تأکید بر دیدگاه خوانش مخاطب، شامل چه کدهایی است؟

## ادبیات نظری

معنویت از ریشه لاتین Spirituality، مفهومی وسیع‌تر از مذهب دارد و به طور اولیه یک روند پویا، شخصی و تجربی است

که درک آن به «تجربه زیسته» افراد بستگی دارد (ر.ک: شفیعا و صباغ‌پور، ۱۳۹۵، امیدواری ۱۳۸۷ به نقل از مولر). معنویت شهری، نیاز به برقراری ارتباط و تعامل سازنده (ر.ک: Ersahin&Boz Nevfel, 2018) دارد و مفهوم‌سازی معنویت در گرو شناخت ابعاد آن، شامل تلاش برای خلق معنا و هدف<sup>۱</sup> / اتصال<sup>۲</sup>: اتصال به دیگران، طبیعت یا اولوهیت و ارزش‌ها (عشق، دلسوزی و عدالت) (ر.ک: ایمانی خوش‌خو و شهرابی، ۱۳۹۷؛ بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹؛ شفیعا و درودیان، ۱۳۹۶)، شایسته‌سازی و مشروط کردن تولید فضا به حرمت و احترام و تکریم (ر.ک: Bermudez, 2016; Sheldrake, 2015; Cirstea, A, 2015; Ersahin&Boz, 2018) است و بنابراین به گفته صاحب‌نظران برنامه‌ریزی نظیر پراکسمن، لدی بیسلی و ناتان ادلسون، ابعادی نظیر تولید فضا و محله‌های شهری مبتنی بر ارزش‌های مدنی، مکان‌سازی با اهمیت عشق و توسعه سلامت عمومی و رفاه اجتماعی از ابعاد اصلی آن خواهد بود (Beaumont&Baker, 2011: 94). این امر سرآغاز نگاه انتقادی به دانش معاصر در راستای کاهش قدرت اقتصاد سیاسی در جریان تولید فضای شهری است که سعی در تعادل‌بخشی میان تولید مادی و معنوی فضا دارد (Beau-mont&Baker, 2011: 56-57). در واقع این دوره آغاز پیوند میان خوانش سه‌گانه عینی ذهنی و اجتماعی از فضا است که همزمان معیارهای ترجیحاتی در سطح فردی و جمعی را در تعامل با معیارهای مشاهده‌ای واکاوی می‌نماید. در جدول شماره (۱)، آراء و نظرات اندیشمندان شرقی ایرانی و غربی در مورد مفاهیم ساختاری و توسعه شهری معنویت‌مبنا بیان شده است.

جدول ۱- ابعاد و معیارهای توسعه معنویت مبنا در مقیاس شهری

منابع	مفاهیم ساختاری و تعاریف عملیاتی توسعه شهری معنویت مبنا	نظریه پردازان
نصر، حسین (۱۳۸۹)	تلقی فضای معنوی معادل فضای قدسی با خصوصیات چگون نقش طبیعت و گسترش آن در محیط روزمره، رمز و رازگرایی، امتداد معماری فضایی مسجد (محوربندی فضایی) به تمامی الگوها و فرم‌های شهری، تقدس بخشی به فضا، حضور فضای تهی و خال، نور و رنگ، واقع گرایی وحدت و یکپارچگی اشاره می‌کند.	
صحاف، خسرو (۱۳۹۰)	بر فعالیت‌هایی که جنبه آیینی زندگی در معماری ایرانی تلقی می‌شود (آیین‌هایی چون نحوه ورود به فضا، نشستن و مکث در فضا، مهمان نوازی و...) دلالت دارد. همچنین پیوستگی درون و برون و هماهنگی شکل و محتوا در ساختار فضا، رمز و راز و نمادپردازی و فضای تهی از عناصر اصلی فضای معنوی است.	
شفیعا، سعید و مهدیه صباغ پور آذریان (۱۳۹۵)	ابعاد اصلی مفهوم معنویت در گردشگری شهری شامل رسیدن به تعالی، معنی و درک متقابل است که می‌توان آن را مترادف با ارتباط فرافردی، درون فردی، میان فردی و بین فردی در نظر گرفت. تحقیقات کیفی و کمی حول محور ساختارسازی مدل مفهومی ادراک معنویت در تجربه فضا صورت می‌گیرد.	
Nader Ardalan 1995، به نقل از صحاف (۱۳۹۰)	رابطه معماری به عنوان محصولات جامعه سنتی متکی به معنویت شامل وحدت کل، انطباق محیطی، نظام‌های فضایی مثبت (فضای باز، ارزش مثبت دارد)، مکمل بودن (کیمیای رنگ ماده خط و نقش)، مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی و نوآوری (کاشی هفت رنگ)	
Nader Adrehan 2016	مکان سازی با اهمیت عشق شهری و نظم مقدس (محوربندی و جهت‌یابی در فضا، ریشه‌های تاریخی و هسته‌های اولیه قدیمی و هویت بخش شهرها)، شبکه هم پیوندی فضای معنوی: ارتباطات ساختاری فضایی راه‌های مقدس، اماکن مذهبی و زیارتگاه‌ها، فضای شهری، قلمرو عمومی، باغ بهشت، مقیاس انسانی، جوامع چندفرهنگی منسجم، تاریخ سیاسی خاص و حیات اقتصادی ویژه (هم پیوندی ساختارهای اقتصادی فضا و نقش‌های سه گانه آن)، نمادگرایی و فرم‌های نمادین	
شفیعا، سعید و ثنا محمدی (۱۳۹۶)	دو دیدگاه کارکردی و بنیادین درباره معنویت وجود دارد که هر دو دیدگاه بنیادین، معنویت نوعی تمایل به یافتن ارزش‌ها و اعمال انسانی است. در رویکرد کارکردی، بیشتر به اثرات بیرونی و قابل مشاهده آن اشاره می‌شود. آثار به دست آمده از معنویت مثل احساس خوب، خصوصیات مطلوب رفتاری و توجه به محیط زیست و جامعه انسانی و احترام به ارزش‌های آن	
واحدیان، عظیمی، رحیمی ۱۳۹۲	معنویت، دو بعد عمودی و افقی دارد. بعد عمودی بیانگر ارتباط انسان با معبودش و بعد افقی منعکس کننده ارتباطات آدمی با خود، محیط طبیعی، جامعه و انسان‌های دیگر است. در هر دو بعد، اتصال آدمی به صورتی کاملاً درونی و عرفانی صورت می‌گیرد و تجربه هر فرد با دیگری متفاوت است.	
عابدی جعفری، حسن و رستگار، عباسعلی (۱۳۸۶)	در یک سنخ شناسی با ماهیت کثرت گرایی، معنویت در چهار نوع طبقه‌بندی می‌شود: دینی، غیر دینی، فرادینی، رازورزانه. از منظری دیگر معنویت در برگرفته چهار نوع ارتباط است: ارتباط فرافردی، ارتباط درون فردی، ارتباط میان فردی و ارتباط برون فردی که هر یک با ابعاد وجودی انسان شامل زیستی، اجتماعی، روانی و معنوی پیوند می‌خورد و زمینه تعالی او را فراهم می‌کند.	
شاهرودی، عباسعلی و حسینی، سید حمزه و مومنی، زینب (۱۳۹۳).	الگوهای رفتاری و فعالیتی زنان در ابعاد مذهبی بین متغیرهای فیزیکی فضا با حس معنویت، رابطه معناداری وجود دارد که شامل موارد زیر است: توجه به کالبد فیزیکی، موقعیت قرارگیری؛ توجه به مسائل روان شناختی: دعوت کنندگی ورودی فضا، نشانه گذاری در مسیر یابی و تناسب نشانه‌های بصری؛ در نظر گیری حرایم و دیده‌ها؛ توجه به جزئیات فضا؛ توجه به بعد اجتماعی: طراحی فضا با توجه به شخصیت اجتماعی گروه مخاطب، اختصاص بخش‌هایی از فضا برای تعاملات اجتماعی گفت و گو در تعامل با نرم فضاها و توجه به پالت رنگی و بو و دیگر جزئیات	

اندیشمندان شرقی ایرانی

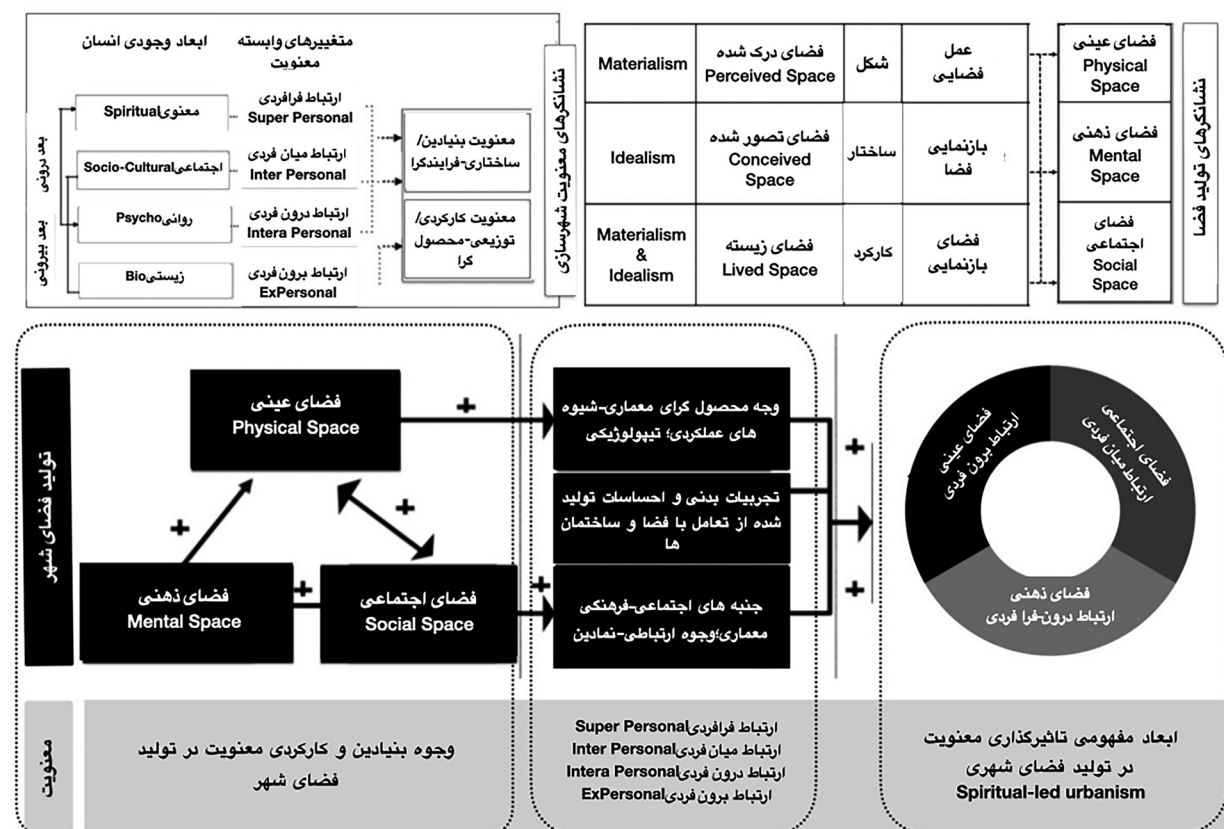


<i>Sheldrake (2014)</i>	یکی از آثار مهم معنویت، خلق ارزش است. ارزش‌هایی چون عدالت، نوع دوستی، مهمان نوازی، اخلاق زیست محیطی، سلامت شهری	
<i>Mitrov and Denton, 1999,</i> به نقل از شفیع صباغ‌پور ۱۳۹۵	معنویت به بالاترین مرتبه هرم نیازهای مازلو اشاره دارد؛ جایی که انسان به نیاز اصلی زندگی اش که جست و جوی معناست، پاسخ می‌دهد. اگر به دنبال یک کلمه برای توصیف معنویت باشیم، آن کلمه «ارتباط متقابل» است. جایی که انسان به درک ارتباط متقابل خود با خود، دیگران، طبیعت و واقعیت برتر (فراطبیعت) می‌رسد.	
<i>Birch, Robert and Sinclair, Brian R. 2013</i>	انسانیت، حواس و پایداری، ابعاد اصلی فضای معنویت گرا در توسعه شهری	
<i>Jung, 2011 quoted by Ali Akbar Heydari and others 2014</i>	از دیدگاه نظریه‌های روان‌شناسی، ادراک معنویت فضا، تجربه‌ای مشتعل بر تأثیرگذاری بسیاری از عوامل روان‌شناختی در ذهن است و به شدت تابعی از نگرش‌های عاطفی، تصورات، بینش‌ها، ادراکات زمینه‌مناسبت؛ تجربه‌ای مبتنی بر ادراک عمیق، نوعی احساس و معنای تولید فعالیت و بروز رفتارها. اجرای مراسم عبادی در محیط‌های مطلوب، اطمینان و آرامش را برای افراد به ارمغان می‌آورد. فضای خوب در نهایت تأمین‌کننده تجربه زیباشناختی است که زمینه ارتقای عاطفی و روحی شخصی را که در فضای حمایتی فضای عبادت است، فراهم می‌آورد.	
<i>Ersahin, Boz, 2018</i>	معنویت از ریشه لاتین Spirituality، مفهومی وسیع‌تر از مذهب دارد و به طور اولیه یک روند پویا، شخصی و تجربی است. ادراک معنویت، زمینه‌مناسبت و دارای ابعاد چهارگانه‌ای است که نه تنها ارتباطات انسانی را در برمی‌گیرد، بلکه نیاز به تعلق-دلبستگی، امنیت، تعالی و ارتباطات را شامل می‌شود. از این رو کاربست روش‌های از پایین به بالا در ادراک و مفهوم‌سازی معنویت و متصل‌سازی آن به فضاهای شهری، ضروری است.	
<i>Senbel, 2021</i>	شهرسازی مبتنی بر احترام «توسعه معنوی»، احترام به طبیعت و روابط انسانی پایدار (اخلاق حفاظت) را برتر از مصرف‌گرایی و رشد کالایی شهر می‌داند.	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

در یک جمع‌بندی به جهت مشخص شدن هندسه و کادری حرکت پژوهش، از مدل مفهومی اولیه، منتج از فرامطالعه پژوهش‌های قبلی (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۸۷) استفاده شد (شکل شماره (۱)). این مدل که بر مبنای نتایج فرامطالعه پژوهش‌ها در این حوزه استوار است، توسعه معنویت‌مبنا را مبتنی بر دو دیدگاه عمده کارکردی و بنیادین ساختارسازی کرده که در بعد ساختاری- بنیادین (که بیشتر بر معیارهای ترجیحاتی استوار است)، تمرکز پژوهش‌ها به وجه فرایندگرایی توسعه معنویت در تولید فضای شهری، مبتنی بر خوانش مفاهیمی چون عدالت فضایی- اجتماعی، روابط انسانی مؤثر در چهار سطح (ارتباط فرد با خود، دیگران، محیط و واقعیت برتر) (ر.ک: Sheldrake

در یک جمع‌بندی به جهت مشخص شدن هندسه و کادری حرکت پژوهش، از مدل مفهومی اولیه، منتج از فرامطالعه پژوهش‌های قبلی (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۸۷) استفاده شد (شکل شماره (۱)). این مدل که بر مبنای نتایج فرامطالعه پژوهش‌ها در این حوزه استوار است، توسعه معنویت‌مبنا را مبتنی بر دو دیدگاه عمده کارکردی و بنیادین ساختارسازی کرده که در بعد ساختاری- بنیادین (که بیشتر بر معیارهای ترجیحاتی استوار است)، تمرکز پژوهش‌ها به وجه فرایندگرایی توسعه معنویت در تولید فضای شهری، مبتنی بر خوانش مفاهیمی چون عدالت فضایی- اجتماعی، روابط انسانی مؤثر در چهار سطح (ارتباط فرد با خود، دیگران، محیط و واقعیت برتر) (ر.ک: Sheldrake



شکل ۱- مدل مفهومی مؤلفه‌های مکانی تأثیرگذار در تولید فضای معنویت‌مبنا

(مدنی، ۱۳۹۹: ۱۸۷)

### روش‌شناسی

روش‌شناسی، شیوه‌اندیشیدن درباره پدیده‌ها و مطالعه پدیده‌های اجتماعی است (Corbin & Strauss, 2015: 17). عوامل مختلفی در انتخاب روش‌شناسی باید در نظر گرفته شود. عواملی نظیر تطابق شیوه‌ها با اهداف و پرسش‌های پژوهش، عمق مطالعه پدیده، در دسترس بودن منابع (مالی، زمان و غیره)، دسترسی به پیشینه پشتیبان، ولی شاید بتوان چنین گفت که مهم‌ترین عاملی که انتخاب روش‌شناسی مناسب را هدایت می‌کند، هدف و پرسش پژوهش است (James & Jones, 2009: ر.ک). از آنجایی که هدف پژوهش، واکاوی مؤلفه‌های مکانی مؤثر در تولید فضای

معنویت‌مبناست، از این‌رو در این بخش، روش‌شناسی نظریه‌زمینه‌ای تعیین خواهد شد. تحلیل داده‌ها در نظریه‌زمینه‌ای هم‌زمان با جمع‌آوری نخستین مجموعه از داده‌ها شروع می‌شود. از دو شیوه داده‌های اولیه (مصاحبه و مشاهده) با نقش محوری مصاحبه و نقش تکمیلی مشاهده در پیوست با داده‌های ثانویه تخصصی با نقش فرعی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. تحلیل یادداشت‌های میدانی به دو دلیل، هم‌زمان با مشاهده و در زمان نگارش و به موازات کدگذاری مصاحبه‌ها انجام شده است. مشخصات یادداشت‌های میدانی ثبت‌شده در پژوهش در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول ۲- مشخصات یادداشت‌های میدانی ثبت‌شده

ردیف	شناسه	تاریخ مشاهده	مکان مشاهده	محور موضوعی مشاهده	مدت زمان مشاهده	مشارکت‌کنندگان
۱	F1	۱۳۹۷/۰۲/۱۹	دانشگاه اقبال لاهوری مشهد	گردشگری مذهبی میراث و پروژه‌های شهری ایتالیا و ایران	۲ ساعت	بریث گروت، استاد دانشکده معماری و دکتری جغرافیای شهری دانشکده لایپتیه پاریس- فرانسه/ مینا سعیدی، استاد دانشگاه معماری، دکتری معماری مردم‌شناسی دانشگاه لایپتیه پاریس
۲	F2	۱۳۹۷/۰۶/۲۲	تالار شهر مشهد	حقوق شهروندی در شهرهای با ظرفیت معنوی، مبانی فقهی و ظرفیت‌های حقوقی شهرنشینی	۳ ساعت	دو نفر انسان‌شناس شهری برنامه‌ریز شهری سه حقوق‌دان فقهی، بیست نفر از مدیران و شهرسازان
۳	F3	۱۳۹۷/۰۷/۱۸	دانشگاه اقبال لاهوری	ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های نظری اندیشه ایران شهری و هویت محلی شهری	۳ ساعت	احمد بستانی، جامعه‌شناس، انسان‌شناس شهری، نه نفر دکتری شهرسازی و شش نفر پژوهشگر علوم رفتاری
۴	F4	۱۳۹۷/۰۹/۰۶	سالن همایش‌های هتل پردیسان	رونمایی از کتاب زیارت شهر	۳ ساعت	محسن حبیبی، ناصر فکوهی، حیدری و جمعی پنجاه نفره از برنامه‌ریزان، مدیران شهری منطقه ثامن، پژوهشگران آزاد
۵	F5	۱۳۹۷/۰۹/۰۷	پژوهشکده شهر معنوی ثامن	چالش‌های انسان‌شناسی معاصر شهری، مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی در شهر مشهد	۳ ساعت	ناصر فکوهی و نه نفر از برنامه‌ریزان شهری
۶	F6	۱۳۹۷/۰۲/۲۱	پژوهشکده شهر معنوی ثامن	پیامدهای گسترده‌ترین مداخلات شهری کشور در بافت پیرامون حرم (منطقه ثامن)	۱ ساعت	مهدی حجت، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، جواد خدایی (معمار و شهرساز) و جمعی هشت‌نفره از شهرسازان و هفت نفر از انسان‌شناسان شهری، سه روان‌شناس رفتار شهروندی
۷	F7	۱۳۹۸/۰۲/۲۳	پژوهشکده شهر معنوی ثامن	جامعه فرهنگ شهر و معماری	۲ ساعت	علی کیافر (معمار شهرساز و استاد دانشگاه کالیفرنیا) و سیزده نفر از مدیران شهری و شهرسازان
۸	F8	۱۳۹۸/۰۵/۰۵	پژوهشکده شهر معنوی ثامن	ویدئو کنفرانس: بررسی و تحلیل طرح‌های گوناگون در بازه پنجاه‌ساله در بافت مرکزی و عوارض اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن) +تحلیل مستند نسیان	۳ ساعت	علی کیافر جواد خدایی (ویدئو کنفرانس)
۹	F9	۱۳۹۸/۰۸/۲۰	دانشگاه اقبال	بررسی طرح‌های توسعه بافت- پیرامونی حرم- منطقه ثامن با رویکرد انسان‌شناسی رفتاری	۲ ساعت	نعمتی، شهردار منطقه ثامن و دو نفر برنامه‌ریز شهری و چهار نفر از اساتید دانشگاه
۱۰	F10	۱۳۹۸/۰۹/۰۴	پژوهشکده شهر معنوی ثامن	قصه شهر مشهد با محوریت ساختارهای فرهنگی- اجتماعی محله‌ها در بافت‌های با ارزش معنوی	۳ ساعت	مهدی سیدی، دکتر ناصر محسنی و چهار نفر از اساتید شهرسازی و جمعی از پژوهشگران
۱۱	F11	۱۳۹۸/۱۰/۲۹	فرهنگسرای قلم	مکان مقدس و نامکان‌ها	۴ ساعت	عباس کاظمی (استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه علم و فرهنگ) ثمر صارمی (دکتری انسان‌شناسی شهری دانشگاه مونترال) هادی معصوم‌دوست (کارگردان فیلم «روزی که رفت») و حدود چهل نفر از برنامه‌ریزان شهری

نمونه‌گیری، هدفمند یا معیارمحور است. این راهبرد افراد را برحسب دانش خاص آنها درباره موضوع معنویت در حوزه‌های مختلف شهرسازی، معماری، فلسفه، الهیات و روان‌شناسی محیطی برای مشارکت در تحقیق انتخاب کرده و از آنجا که در پژوهش کیفیت انتخاب هدفمند مشارکت‌کنندگان در فهم مسئله و پدیده محوری مطالعه مؤثر است (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۵۴)، انتخاب مشارکت‌کنندگان در ادامه فرایند، از طریق نمونه‌گیری باز<sup>۱</sup> با هدف دستیابی به حداکثر تنوع در تجربه افراد صورت می‌گیرد مشارکت‌کنندگان به جای اینکه از لحاظ آماری، نماینده یک جمعیت باشند، برای خدمت به هدف پژوهش انتخاب می‌شوند (شرفی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). در زمینه انتخاب مشارکت‌کنندگان در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، دو مفهوم نمونه‌گیری نظری و اشباع نظری اهمیت دارد. از طریق نمونه‌گیری نظری، فراگیری<sup>۲</sup> و انسجام به دست می‌آید. در نظریه زمینه‌ای، فراگیری مفاهیم اهمیت دارد، نه افراد. معیار نهایی برای تعیین این‌که آیا نظریه زمینه‌ای، کامل است یا نه، اشباع نظری مفاهیم است. رسیدن به اشباع نظری آسان نیست و با تعداد مصاحبه‌ها و مشاهده‌های صورت‌گرفته تعریف نمی‌شود. اشباع نظری یعنی تا زمانی که هیچ داده جدیدی مرتبط به یک مفهوم به دست نیاید، مفهوم از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی‌های آن را به نمایش گذارد و مناسبات میان مفاهیم به خوبی مشخص و اعتبارشان ثابت شده باشد (شرفی، ۱۳۹۷: ۱۳۰ به نقل از Corbin & Strauss, 2015).

فراست‌خواه (۱۳۹۵) با اشاره به اشباع داده‌ها و اشباع نظری در نمونه‌گیری نظریه زمینه‌ای، چنین استدلال می‌نماید که اشباع داده‌ها به نوعی همان دستیابی به حداکثر تنوع است؛ به این معنی که گروه‌های مختلف درگیر با تجربه‌های مرتبط با مسئله را باید در نمونه بگنجانیم، تا داده‌های مورد نیاز تحقیق به لحاظ تنوع و کفایت آن به اشباع برسد. بنابراین زمان‌بندی دقیقی برای این فرایند وجود ندارد و پژوهشگر است که باید تصمیم بگیرد که چه زمانی مفاهیم و نظریه کاملاً توسعه یافته‌اند (Creswell, 2012: 441).

انتخاب مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند صورت گرفته است. با هدف دستیابی به حداکثر تنوع، گروهی از کنشگران منطقه ثامن شامل مدیران شهری این منطقه، برنامه‌ریزان و طراحان شهری درگیر با پروژه‌های بافت منطقه ثامن، رفتارشناسان علوم اجتماعی و انسان‌شناسان شهری که در

سطوح تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها و اثرات کالبدی-فضایی/روانی-اجتماعی آنها فعالیت می‌کنند، پژوهشگران سطح دانشگاهی و مردمی که به نوعی سابقه سکونت متوالی و پیوندهای قوی دلبستگی مکانی با این بافت به لحاظ طول مدت سکونت و یا توالی حضور و استفاده از فضای این منطقه را دارند و درگیری مستقیم و مکرر در فضای شهری این بافت را تجربه کرده‌اند، انتخاب شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این مرحله همچنین مبتنی بر راهبرد گلوله برفی یا زنجیره‌ای نیز بوده است. یعنی افرادی که ممکن است مشارکت‌کنندگان به واسطه دانش و تجربه خود به عنوان افراد مطلع معرفی کنند. در واقع انتخاب مشارکت‌کنندگان در این مرحله، تابعی از نیاز داده‌ها بوده است.

در این پژوهش در مجموع ۲۱ مصاحبه فردی و ۲ مصاحبه گروهی انجام شد. زمان مصاحبه‌ها، ۱۰۸۱ دقیقه و متوسط زمانی هر مصاحبه، بین ۲۰ دقیقه تا یک ساعت و ربع و میانگین زمانی آنها ۴۷ دقیقه بوده است. شیوه تحلیل داده‌ها در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، بیشتر مقایسه و پرسش از داده‌ها<sup>۳</sup> است که از طریق سه مرحله کدگذاری صورت می‌گیرد که به ترتیب عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. کدگذاری فرایندی است که طی آن، محقق به جداسازی، مفهوم‌بندی و ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها می‌پردازد. در تمامی این مراحل، محقق از یادداشتهای تحلیلی<sup>۴</sup> و ترسیم نمودار نیز کمک می‌گیرد (ر.ک: Corbin & Strauss, 2015).

### پرسش از داده‌ها

پرسش از داده‌ها، نخستین ابزار تحلیل محسوب می‌شود و می‌تواند در هر زمان و مکانی مورد استفاده قرار گیرد. زمانی که محقق شروع به پرسش درباره داده‌ها می‌کند، پرسش‌های بیشتری به ذهن او می‌رسد و به او این امکان را می‌دهد که به بررسی عمیق‌تر داده‌ها و گردآوری داده‌های مرتبط بپردازد (Corbin & Strauss, 2015: 91). در واقع سؤالات در پژوهش‌های نظریه زمینه‌ای عموماً کلی و باز هستند و با این پرسش آغاز می‌شوند: «اینجا چه می‌گذرد؟»<sup>۵</sup>. سؤالات فرعی تحقیق نیز خود منبعث از سؤال اصلی است که باعث تحدید موضوع پژوهش می‌شود. این سؤالات درباره تغییر تجربه افراد، در طول زمان یا مراحل تغییر، تدوین می‌شوند. برای مثال فرایند... چگونه است؟

1. Open sampling

2. Representativeness

3. Asking question

4. Memos

5. K. Chamberlain

۳. آیا مسیر، مکان یا زمان خاصی در منطقه ثامن هست که در مقایسه با سایر فضاهای این منطقه، در آن تجربه بیشتری از معنویت را درک کرده باشید؟ (پرسش حساس‌کننده)
۴. در جمع‌بندی صحبت‌های شما بحث عدالت که اشاره می‌کنید، در مقیاس عدالت اقتصادی و اجتماعی خلاصه می‌شود؟ (پرسش عملی)
۵. در توسعه شهری منطقه ثامن، احترام یا تسلط در برودادهای برنامه‌ریزی شهری دیده می‌شود؟ این وضعیت چه معنایی دارد؟ (پرسش حساس‌کننده)
۶. دلایل وجود این درصد زیاد مغازه‌های خالی به جز طبقات هم‌کف و در ترازهای ۱+ به بالا در منطقه ثامن چیست؟ (پرسش حساس‌کننده)
۷. چه چیزی سبب افزایش بزه شهری در بافت و کاهش الگوی اقتصاد اخلاقی در کسبه منطقه ثامن شده است؟ (پرسش‌های نظری)
۸. به نظر شما در مقایسه با مداخلات صورت گرفته در بافت ثامن طی پنجاه سال گذشته، بین پروژه میدان شهدا و پروژه‌های طب سوزنی در این منطقه، کدام یک حال و هوای معنوی بیشتری را به شما القا می‌کند؟ (نظری و حساس‌کننده)
۹. به نظر شما، آیا ارتباطی میان اندازه شهرها و تولید فضای معنویت‌مبنا در آنها وجود دارد؟ به عبارت بهتر آیا کلان‌شهرها می‌توانند بستر مناسبی برای فضای معنویت‌مبنا باشند؟
۱۰. به نظر شما ارتباطی بین نحوه سکونت مردم با ادراک معنویت فضا وجود دارد؟ این روند در طول بازه زمانی معاصر، چه تغییراتی داشته است؟ (نظری)

### مقایسه

مهم‌ترین امر در جریان شناسه‌گذاری، «مقایسه کردن» است. از طریق مقایسه بین شناسه‌ها و مفاهیم استخراج شده، مفاهیم و مقوله‌های مشابه و متفاوت، انتخاب و دوباره دسته‌بندی می‌شود تا مقوله‌های جدید شناخته شود. استراوس و کوربین (۱۹۹۸)، دو نوع کلی مقایسه کردن را معرفی می‌کنند؛ اول مقایسه یک به یک اشیاء و رویدادها با یکدیگر است، تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها روشن شود که اساس دسته‌بندی‌هاست. نوع دوم، مقایسه نظری است که در آن مقوله‌ها یا مفاهیم انتزاعی مقایسه می‌شوند (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۴۱). مقایسه نوع اول یا مقایسه مداوم<sup>۲</sup> در تمامی فرایندها تحلیل استفاده می‌شود؛ ولی مقایسه نظری<sup>۳</sup> زمانی به کار گرفته می‌شود که محقق در جزئیات غرق می‌شود و لازم است تا حدودی از پژوهش فاصله بگیرد (Corbin & Strauss, 2015: 93).

این روش به سؤالات تفهیمی نیز پاسخ می‌دهد. مثلاً ابعاد این تجربه چه هستند؟<sup>۱</sup> (لک، ۱۳۹۲: ۴۹).

پرسش آغازین: «تجربه شما از حضور در بافت منطقه ثامن و معنای این تجربه برای شما چیست؟»

در یک جمع‌بندی، کربین و استراوس، سؤالاتی را که پژوهشگر می‌تواند از داده‌ها بپرسد، در چهار دسته زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

۱. پرسش‌های حساس‌کننده: این پرسش‌ها، محقق را به سمت معانی ممکن داده‌ها سوق می‌دهد. پرسش‌هایی مانند مسائل، مشکلات و دغدغه‌ها کدامند؟ این وضعیت چه معنایی برای آنها دارد؟ و جز آن/ مسئله یا مسائل اصلی بافت منطقه ثامن چیست؟

۲. پرسش‌های نظری: این پرسش‌ها به پژوهشگر کمک می‌کند تا فرایند و گوناگونی را ببیند و میان مفاهیم ارتباط برقرار کند. پرسش‌هایی نظیر ارتباط میان این مفهوم با مفهوم دیگر چیست؟ چگونه رویدادها و کنش‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند؟ و جز آن. در مداخلات اجراشده چه نواقصی وجود دارد؟ چه مسائل و نواقص کالبدی زیست‌محیطی/ اقتصادی/ اجتماعی - فرهنگی در مداخلات این بافت وجود دارد؟

۳. پرسش‌های عملی: اینها پرسش‌هایی است که محقق محور است؛ در فرایند پژوهش، حساسیت محقق را برمی‌انگیزد و مسیر آتی را مشخص می‌کند؛ جهت نمونه‌گیری نظری را مشخص و به توسعه ساختار نظریه کمک می‌کند. پرسش‌هایی نظیر کدام مفاهیم به خوبی توسعه نیافته‌اند؟ کجا، چه زمانی و چگونه به مرحله بعدی جمع‌آوری داده‌ها برای تکوین نظریه وارد شویم؟ آیا مفاهیم و نظریه به اشباع رسیده است؟ و جز آن.

۴. پرسش‌های هدایت‌کننده: این پرسش‌ها، مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها را هدایت می‌کند. به فراخور مصاحبه، پرسش‌هایی درباره برخی موضوعات برای آشکار شدن وجوه تاریک موضوع مطرح می‌شود. نمونه‌هایی از پرسش‌های مطرح از داده‌ها در فرایند پژوهش عبارتند از:

۱. با نزدیک شدن به عرصه‌های تشریفی منطقه ثامن، آیا یک فرایند تعالی معنوی را حس می‌کنید؟ (پرسش‌های هدایت‌کننده)
۲. آیا میان الگوهای رفتاری مردم و مداخلات اخیر در منطقه ثامن، ارتباطی دیده می‌شود؟ به نظر شما، ارتباط افزایش یافته یا کاهش یافته در بروز رفتارهای معنوی شهروندی (نظیر سلام حضرت) با الگوی توسعه و مداخلات در بافت منطقه ثامن در بازه زمانی پنجاه‌ساله اخیر وجود داشته است؟ این ارتباط، چه تغییرهایی داشته است؟ (پرسش‌های نظری)

1. J.Morse&L.Richards, p122

2. Constant comparisons

3. Theoretical comparisons

شناسه‌گذاری در نظریه زمینه‌ای به معنای رمزگشایی و تفسیر داده‌ها و شامل نام‌گذاری مفاهیم و تبیین آنها با جزئیات بیشتر به شیوه استقرایی است که جنبه اکتشافی دارد. مراحل شناسه‌گذاری در این روش شامل شناسه‌گذاری باز<sup>۱</sup>، محوری<sup>۲</sup> و گزینشی<sup>۳</sup> است. مرز میان انواع کدگذاری‌ها، مصنوعی است؛ یعنی ممکن است از یک مرحله کدگذاری به مرحله دیگر وارد شویم، بدون آنکه متوجه آن باشیم. این اتفاق بیشتر در مراحل کدگذاری باز و محوری اتفاق می‌افتد (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۴۲).

شیوه‌های مدیریت داده در بخش کیفی: مهم‌ترین نکته در فهم فلسفه به‌کارگیری نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی کامپیوتر مینا در پژوهش‌های کیفی<sup>۴</sup>، درک این مهم است که کامپیوتر مطلقاً قادر به درک معنای واژه‌ها و جمله‌ها نیست (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۹۲).

بهره‌گیری از روش محاسبه پایایی کدگذاری‌ها، پایایی باز آزمون (شاخص ثبات) و پایایی بین دو کدگذار (شاخص

تکرارپذیری): اگر پایایی باز آزمون مصاحبه‌های انجام‌گرفته در تحقیق طبق فرمول، بیشتر از ۶۰ درصد باشد، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

$$100 \times \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} = \text{درصد پایایی بازآزمون}$$

#### یافته‌ها

پس از کدگذاری اولیه متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی که نمونه آن در کادرنوشته شکل‌های شماره (۲) و (۳) آمده، در گام نخست، ۱۰۱۴ کد اولیه شناسایی شده است. در مرحله دوم، با پالایش مفاهیم اولیه، تعداد این مفاهیم به ۲۵۱ کد یا مفهوم سطح نخست تقلیل یافته که از این میان با بازبینی نهایی مفاهیم اولیه و حذف مفاهیم غیر مرتبط و ادغام مفاهیم مشابه، ۵۳ مفهوم سطح نخست به دست آمده است. در ادامه، روند تحلیل پژوهش این مفاهیم در قالب ۸ مفهوم سطح سوم و ۲۳ مفهوم سطح دوم دسته‌بندی شد.

اونچه که طی این ۲۰ سال رخ داده؛ کمترین ارتباطی با زمینه داره؟ طرح منطقه ثامن بیشتر ازینکه تداوم هویت معنوی فضا باشه و به معاصر سازی هسته معنوی شهر مشهد به‌درازه شیبه طرح آماده سازی زمین ۲۶۰۰ هکتاریه. که درش بخش زیادی از راسته‌ها، محلات عرفی، مکان-رویدادها مثه حوض انبار معجزه دار(پایین خیابون)نادیده گرفته شدن، و ی طرح بی ربط با زمینه که ی خیابون حلقوی و ره باغ های شعاعی کاملاً منظم تصنعیه، جایگزین استخون بندی فعال محلات مبتنی به حرم شده. تا قبل این چند دهه بازاریابی که از دل مرکز محلات تا قلب فضا کشیده می شدن نه فقط نقش اقتصادی که چه بسا نقش اجتماعی تعاملاتی و دسترسی شون در مقیاس پیاده بیشترم بود. اینا بود که وقتی حرکت میکردی توی بافت به سمت مرکزش حس معنویت رو لحظه به لحظه دریافت می کردی، از کاسبی که همه می شناختنش و تو مالش غش نمیزد بده دست زایر تا مراسمی که با خرد جمعی توی همین راسته بازارا طرح ریزی می شد برا کمک به ازدواج فلان همسایه تا... ی جور پیوند بین زندگی مادی و معنوی که مبتنی بر امتداد راسته بازارها از قلب مرکز محلات و کشیدنشون تا مرکز فضای قدسی و امر معنوی بود دیده می شد. پس زمینه و بستر اقتصاده اما اونچه که تنش اصلی و عنصر مسلطه اون هسته معنوی فضا بود که در ربط کامل با هم بودن.(P4)

شروع این انقطاع بین زندگی مادی و معنوی رو میشه تو نگرش موزه ای طرح ولیان دونست که با کشیدن رنگ سبز ناشی از نگرش های هوسمان گونه متناظر غربی باعث گسست این همپیوندی شدوکتر از چند سال بعد اجرای این طرح پیهو دیدن مکان گزینی بدترین و بی ارتباط ترین کاربری های شهری نظیر قمار خونه ها و ...توی دیوار پشتی این رنگ سبز ایجاد شد. اون حریم و حرمت معنوی چون فاصله افتاد بینش انگار شکسته شد. طرح های بعد انقلاب هم نه تنها این انقطاع اشتباه رو کم نکرد که روز به روز تشدید شد.متاسفانه این جدایی گزینی و تاکید بر مرز بندی مدیریتی در ساختار فضا، خودش فضا رو از حالت معنوی خارج کرده و طرح های توسعه هم عامدانه نه تنها راسته بازارها و معابر عرفی خذف شدند که اتصال و همپیوندی شون زیر سوال رفت و با درشت دانه سازی ساختار اقتصاد سیاسی فضا بر اقتصاد ارگانیک جامعه محلی غلبه کرد. این جدایی گزینی حرم با بافت از هم گسیختگی رابطه فضای مادی و معنوی رو بدنبال داشت.(P5).

در فلسفه معنوی اسلامی ما بحث همپیوندی ماده و معنا رو داریم اما در غرب از ابتدا جدایی گزینی این دو مطرح بوده به این صورت که وقتی نقش جهان رو بعنوان تیلور ارمانشهر شیعه در کالبد شهری میبینی دور تا دور بازارهای دو طبقه رواق دار اما در وسط هر ضلع یک عنصر نمادین شاخص مثل مدرسه شیخ لطف ا...تسلط خودش رو بر زمینه اقتصادی مطرح می کنه ولی در غرب از وسطی که منشا ایجاد ارب یا همون شهر در معنای امروزینش هست بین مارکت چلیس یا میدان تجاری شهر و کیسا و فضای باز جلوش(پارویس) فاصله بود در شهر(P10).

اصلا بازار تو فلسفه شهری برای برقراری عدالت، اقتصاد سالم و غیر رانتی بود که میومد از حوزه نفوذ شهر،جایی بین شهر-روستاها ی میانی (که نقش تولید رو داشتند) با شهر مادر که بیشتر تامین کننده خدمات بودشروع میشد اینطوری توی فصول خاصی از سال بازارهای فصلی دایر میشد که فضایی رو جهت عرضه مستقیم محصول تولید کنندگان به مصرف کنندگان فراهم می کرد و اینجا نقش واسطه و دلال بسیار کم می شد.این یعنی اقتصاد اسلامی نه الان که چار تا برج ساختمیم اجاره بهاشون انقد بالاست که مردم محلی توانایی تملکش رو ندارن پس کی میاد؟یکسری برندن و نمایندگی اون ور ای، برندیایی که تولید کارگاهی اون حاجی کفاش امین دیده یارای مقاومت در مقابلش رو نداره و اینطوری پروژه هایی که هدفشون در اسم توانمند سازی اقتصادی جامعه محلی و اصلا محرک توسعه ان در عمل بجز ناپایداری و بی عدالتی چیزی رو در این عرصه با میانی معنوی ایجاد نکردن (P15).

شکل ۲- کادرنوشته اول: نمونه‌ای از فرایند کدگذاری در تحلیل بند

منبع: بخش‌هایی از متن مصاحبه مشارکت‌کنندگان شماره ۴، ۵، ۱۰ و ۱۵

کدهویت(مفهوم اصلی)  
کد۱:انسجام و امتداد تاریخی  
کد۲:زمینه گرابی  
کد۳:عناصر هویت بخش میراثی  
کد۴:استخوان بندی(مفهوم اصلی)  
کد۱: همپیوندی فضای زیست با هسته قدسی  
کد۲:درگیری فعال با استخوانبندی فضا  
کد۳: بازار در حکم ستون فقرات اصلی شهر  
کد۴:معنای منطقه ای شهر(مفهوم اصلی)  
کد۱:حوزه نفوذ  
کد۲:خودکفایی  
کد:پاینداری(مفهوم اصلی)  
کد۱:تقابل اعیانی سازی با معنویت  
کد۲:تعادل خرده مقیاس ها با ماکاپروژه ها  
کد:عدالت(مفهوم اصلی)  
کد۱:عدالت اقتصادی زمین

یادداشت تحلیلی:۱) آیا میتوان گفت «ارتباط» هسته مرکزی، تولید فضای معنویت میناست؟ همپیوندی و ارتباط فضای عینی،ارتباط و کنش های مثبت ارزش فرین اجتماعی، ارتباط ذهنی و کنترل رفتار درونی بواسطه نحوه همپیوندی فضای مادی و معنوی؟ به نظر میرسد تا اینجا رابطه معناداری در توافق نظر مشارکت کنندگان در خصوص این مساله وجود داشته.در خصوص مفهوم مرکزی ارتباط در ابعاد مختلف اجتماعی، عینی، ذهنی در مصاحبه های انی بررسی بیشتری صورت گیرد.

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding
4. Computer aided qualitative data analysis software (CAQDAS)

<p>کد ۱: آسایش اقلیمی و غنای حسی بواسطه حضور نرم فضاها</p>	<p>نهر چپی به سمت مرکزیت این فضای قدسی که حرم امام رضا باشد نزدیک میشم بیشتر از اینکه حال و هوای معنوی دریافت کنم انگار که تو سی بی دی تجاری ی کلاشهرم، بجای آرامش و بدرک حس معنوی که قدیما مثلا تو بالا خ حالا می خواست بواسطه الگوی چهارباغیش با نهر آب وسطش و ردیفای ممتد درختکاریش و صدای پرنده ها از لابلاش باشه یا سرعت اروم اتفاقات بدون هیاهوی ماشینا تا لب به لب حرم، الان اما دیگه حتی اون سلام حضرتی که قدیما گوشه به گوشه خیابونای منتهی به حرم سرتو می چرخوندی می دیدی، خیلی کم رنگ شده بجاش انگار همه دارن می دون، بس که همه جا تا چسبیده به خود هسته قدسی خیابون و ماشینه و جا برا مکث امه و عرض ارادت به اقا برا اندک ثانیه ای نمونده. این شلوغی، ترافیک، صدای بوق، دود، سایه ساختمونای بلندی که انگار روت سوار شدن همه و همه هیچ بشونی از رسیدنت به هسته معنوی فضا نمیده، طوری که انگار اینجا بجای اقتصاد زیارت داری به زیارت اقتصاد میری، از ی طرف دیگه این زمینا رو اومدن گرفتن از مردم که خیلیاشون می گن اینا قصبیه، اخه چطوری میشه ما دم از شهرسازی اسلامی بزیم بعد مفاهیم اولیه اش مته بوقف و نذرو پاک کنیم. قدیم مردم همین محله ها تا یکی مریض می شد سر در کوچه ی دیگ اش می ذااشتن به اسم اش ابو دردا به نیت سلامتی و کمک به خونه ای که بیمار داره مردمی که تا این حد آیین های رفتاری همدلانه که به نظرم اصلا هسته فلسفه معنویته رو که بر پایه انسانیت و ارتباط موثر مثبتته رو تو همین کوچه پس کوچه ها به نمایش میذااشتن بلند کردیم بجاش ته هنرنمایی مون چسبوندن چهارتا کاشی کاری رو سر در ورودی پاساژا باشه. کلامی تونم بگم نقش گذرگاهی فضا در زمان های خاص که با تلفیق آیین ها باورهای مثل نادای دین، فرهنگ اطعام، آیین های همدلانه در شادی و غم اونقدر پرننگ بود توی این محلات که الگوسازی مثبت رفتاری میکرد. مثلا ابتدای طبرسی ۵ (گنبد خشتی نذر ویژه اطعام داشت همیشه به نام ظرف نان و ماست، اش سرکوچه آگه گره ای در زندگی خانواده ای بود خانم های محله و چخت این غذا سز کوچه و سینی گردانی در محله به نیت مشکل گشایی، یا ملاقه زنی و قاشق زنی و اجیل مشکل گشا که باعث شفای بیمارشون میشد و دعای توسلی که روش خونده میشد. اما امروزه تقابل فضای ماشینیزه در مقابل فضای محله محور سنتی فشرده رو داریم الگوهای رفتاری که دیگه نیستن. خیلی خوبه که بیام رویدادهای ره باغی رو معاصر سازی کنیم تو همین ره باغ ها. مثلا در مورد ره باغ سلام حاشیه اون منزل اقوام بشکوهی ها بود(خاندانی که آیین نقاره زنی رو دارند). خود ره باغ سلام وجه تسمیه اش بخاطر اینکه کوچه ای رو قطع می کنه به اسم سلام که زمانی خونه هاش طوری طراحی شده که به راحتی به حضرت سلام می داند و هیچ خونه بلندی نیودودیدمستقیم به حرمو گنبد و گلدسته داشتند. اینکه دایم این هسته قدسی جلوی چشمت باشه خودش عامل کنترل گر روانی محسوب میشه و جالبه بدونین بزه شهری تو این قسمت خیلی پایین بود.</p>
<p>کد ۲: پیاده مداری یادداشت تحلیلی ۱: ادارک معنویت فضا تابعی از سرعت حرکت مخاطب فضاست. سرعت کمتر ادراک غنی تر</p>	
<p>کد ۳: تباین فضایی کد ۴: فعالیت انتخابی نمادین</p>	
<p>کد ۵: منظر حسی (صوتی، بویایی و...) کد ۶: محصور و مقیاس انسانی یادداشت تحلیلی ۲: تعارض بلند مرتبه سازی با ادراک معنویت فضا</p>	
<p>کد ۷: اقتصاد زیارت کد ۸: مالکیت اراضی وقف اقصی در اندیشه معنوی یادداشت تحلیلی ۳: غلبه منفعت گرایی فردی بر جمعی و اقتصاد سوداگرانه منجر به فروکاست انگیزش معنویت در فضاست</p>	
<p>کد ۹: مفهوم خانواده گسترده و آیین های همدلانه شهری کد ۱۰: زمانوارگی رویداد یادداشت تحلیلی ۴: ارتباطات غنی اجتماعی یکی از تظاهرات جدی معنویت فضاست. ادراک معنویت فضا فراتر از منظر سازی تزئینی جداره شهری به مفاهیم بنیادین نظیر محله محوری و ارتباطات غنی اجتماعی اشاره دارد (فضای اجتماعی). یادداشت تحلیلی ۵: محله محوری و تقویت ارتباط بین فردی منجر به بهبود رفتار شهروندی و کاهش وندالیسم شهری خواهد شد کد ۱۱: معاصر سازی فرهنگ مبتنا(اجتماعی) کد ۱۲: نمادهای رفتاری کد ۱۳: نمادهای استدلالی-گفتمانی کد ۱۴: محور دید و تاب بافت یادداشت تحلیلی ۶: همپوندی بافت شهری و ارتباط بصری قوی بین این دو منجر به کنترل رفتار شهروندی و افزایش امنیت فضاست</p>	

شکل ۳- کادرنوش دوم: نمونه‌هایی از فرایند کدگذاری در تحلیل خرد

(سطر به سطر)

منبع: بخش‌هایی از متن مصاحبه مشارکت‌کننده شماره ۷

### کد گذاری محوری (طبقه‌ها و مفاهیم در قالب چارچوب پارادایمی)

در شناسه‌گذاری محوری، از یک «مدل پارادایمی» یا به تعبیری «مدل زمینه‌ای» استفاده می‌شود. پس از مرحله شناسه‌گذاری (باز)، شناسه‌گذاری محوری در تحلیل داده‌ها انجام می‌شود. این بخش به تبیین مفاهیم به هم مرتبط و رابطه فی مابین می‌پردازد تا مقوله‌ها در شکل جدیدی ارائه شود. هدف

اصلی شناسه‌گذاری محوری، یکپارچه‌سازی مجدد داده‌هایی است که در فرایند شناسه‌گذاری شکسته شده‌اند. مدل پارادایمی در تبیین و تشخیص یک پدیده از مقوله‌هایی برحسب شرایط علی که موجب ایجاد آن پدیده شده، زمینه‌ای<sup>۳</sup> که پدیده را به وجود آورده، استراتژی یا تعاملاتی<sup>۴</sup> که در برابر این پدیده اتخاذ می‌شود و پیامدهای خاص ناشی از این پدیده تشکیل می‌شود (لک، ۱۳۹۲: ۶۴).

1. Paradigm model
2. Causal conditions
3. Contextual conditions
4. Interaction
5. Consequence

جدول ۳- طبقه‌ها و مفاهیم در قالب چارچوب پارادایمی (شناسه‌گذاری محوری)

شناسه/مفاهیم/اکد	مفاهیم سطح دوم مقوله‌های فرعی/مقوله‌ها Concept level 2/category	مفاهیم سطح سوم مقوله اصلی/هسته/نهایی Concept level 3/main category
تباین فضایی	مکاشفه	A چیدمان فضا
غرفگی و پیچیدگی بصری		
کیفیت لبه‌های فعال	القائات فضا و مکان‌های تبادل	
جای‌گشت توده- فضا (فضای مثبت)		
دامنه دید (لفاف فضایی)	خوانایی و محوربندی فضاهای حرکتی	
مجرای قایم فضا		
نشانه‌گذاری فضایی، تداوم تجربی- زمانی نظام‌های حرکتی		
ورود روانی		
ورود تصویری	مفاهیم ورود و آستانه	
ورود فیزیکی		
سیالیت فضایی		
مقیاس انسانی	تعیین فضایی	
محصوریت		
هندسه و ابعاد فضا		
جهتگیری فضا	ارزش‌های هندسی	
انسجام و امتداد تاریخی		
انطباق با زمینه	هویت	
عناصر معنایی سمبلیک میراثی		
ارتباط و هم‌پیوندی فضایی (هم‌پیوندی ماده-معنا)		
شبکه زندگی اجتماعی فضا (محل‌محوری- خانواده گسترده)	ساختار	
زمان‌وارگی رویداد (انعطاف‌پذیری فضا در زمان / پیوست زمانی)		
غنا‌ی معنی (غنا‌ی حسی / رنگ تعلق/خاطره‌انگیزی)	معنی	
تأثیر معنی (همزادپنداری با فضا/اکت خلاقانه در فضا)		



قطبش فضا: پیکربندی ساختار و وضعیت قرارگیری فیزیکی شهر در تمامی جنبه‌ها	نمادهای مادی (اهمیت معماری/ادراک بصری- عینی)	C نمادگرایی
نظم مقدس: در نظرگیری یک عنصر خاص به عنوان نقطه عزیمتو عطف شهر		
بازتاب تصاویر ذهنی (مثال پایین پای حضرت)	نمادهای استدلالی- گفتمانی (درگیری منفصل- ذهنی/حسی)	
روایت‌های شهری		
اصوات کلمات چاپ‌شده و جوه تسمیه	نمادهای تصویری (درگیری منفصل ذهنی/حسی)	
هنر خیابانی المان‌های تصاویر		
خلق رویداد متناسب با نیازها (نظیر عکاسی)	نمادهای رفتاری (درگیری فعال)	D امنیت
گونه‌بندی اجتماع‌پذیری فعالیت‌های اجتماعی انتخابی		
مکان‌یابی بهینه شبکه حمل‌ونقل	امنیت فیزیکی حرکت (ایمنی)	
معاصر سازی به‌سازی بافت‌های ناکارآمد		
همه‌شمولی فضا	امنیت روانی	
نفوذپذیری بصری و چشمان ناظر		
روشنایی فضا		E عدالت
توازن و تعادل ساختارهای حرکتی	عدالت توزیعی (عدالت فضایی زمین)	
معیارهای محله‌بندی		
توزیع فضایی خدمات و جمعیت (خالی شدن قلب بافت)		
وابستگی فضایی و کارایی خدمات پایه تبعی	عدالت ساختاری	
عدالت اقتصادی اجتماعی (مشارکت فعال در منفعت عمومی / آزادی / فرصت/مردم‌سالاری)		
سلامت شهری (نظم آب/خاک/هو/گیاه)	پیوست انطباق زیست‌محیطی	F پایداری
رضایتمندی و آسایش اقلیمی/بوم‌آوردی انرژی کارایی		
توازن توسعه مابین کاتالیست‌ها و خرده-مقیاس‌ها ماندگاری سکونت جامعه محلی (حقوق مکتسبه)	پایداری فضایی	
معنای منطقه‌ای شهر و جامعه خوداتکا	پراکنش تمرکز و توسعه متوازن	G ساختار مدیریتی فضا
تعادل بخشی حاشیه‌نشینی		
کنترل فضایی برنامه‌ریزی از طریق مدل‌های تأمین مالی چند ذی‌نفعه	متوازن سازی قدرت کنشگران فضا	
تعدیل سایه قدرت بر نظام برنامه‌ریزی (تمرکززدایی در نظام برنامه‌ریزی)		H بازدارندگی اقدام عملی/معاصر سازی دانش نظری
گذار برنامه‌ریزان از نقش سنتی و حرکت به سمت جامعه‌محوری	طرح مسئله و تلقی درست از توسعه معنویت‌مبنا	
بازاندیشی در مفهوم و پایش پیوسته فرایند		
غلبه منفعت‌گرایی جمعی بر فردی	آورده اندک برای گروه قدرت	
مدل‌های حل تعارض منافع و تحلیلی تابع تخمین تمایل		

## بحث و نتیجه گیری

در مقایسه‌ای تطبیقی میان نتایج این پژوهش با سایر مطالعات در بخش واگرایی و نوآوری آن می‌توان به این مهم اشاره کرد که هرچند در پژوهش‌های دهه اخیر، بحث لزوم برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر کاربست توسعه معنویت‌مبنا به عنوان مفهومی رادیکال مطرح شده، این پژوهش‌ها نخست بیشتر حول محور چرایی آن بوده و در زمینه عملیاتی کردن و ساختارسازی مؤلفه‌های مکانی تولید فضای معنویت‌مبنا در عمل نتوانسته‌اند ارتباطی مؤثر با کار طراحی و برنامه‌ریزان ایجاد کنند. دوم اینکه خوانش و قرائت از مفهوم توسعه معنویت‌مبنا، بیشتر محدود به ادراک معنویت بصری و اثرات کالبدی فضایی توده بر ادراک مخاطب از معنویت و تنزل آن به وجه کمی و محصول‌گرایی معماری در حد ملاحظات جبهه‌نما بوده است؛ حال آنکه این پژوهش ضمن بررسی و واکاوی چپستی مؤلفه‌های مکانی اثرگذار در فرایند تولید فضای معنویت‌مبنا با تأکید بر دیدگاه خوانش مخاطب و فهم تجربه زیسته آن، به شاخص‌سازی و تدوین مؤلفه‌های مؤثر در این فرایند پرداخته و از این طریق، شکاف میان نظر و عمل مداخلات شهری را فراهم آورده است.

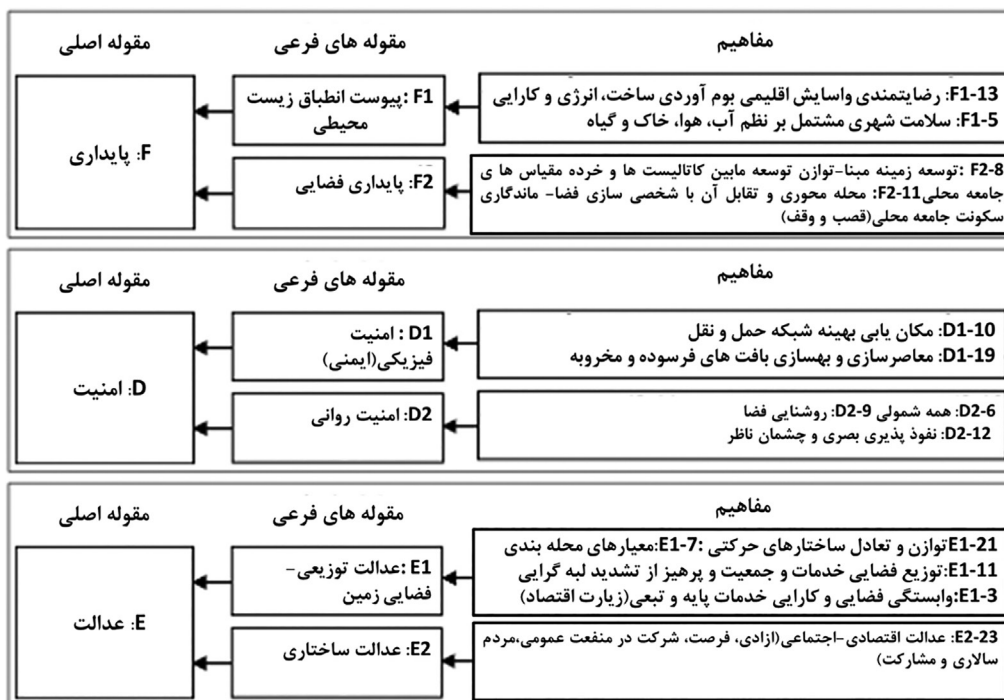
از دیگر وجوه افتراخ این پژوهش با مطالعات دیگر در این حوزه می‌توان به این مهم اشاره کرد که تولید فضای شهری مبتنی بر توسعه معنویت‌مبنا، مفهومی فراتر از تلقی مسلط در برنامه‌ریزی فعلی (که آن را در حد مداخلات کالبدی صرف در

جبهه نما و در مقیاس خرد طراحی شهری می‌سنجد) است. این مفهوم، برساختی سه‌سطحی از مفاهیمی است که توأمان با نگاهی فرایندمحور (معنویت‌ساختاری)، سعی در تعادل‌بخشی به جریان تولید فضا دارد، تا از طریق ارائه راهبردها و تأملاتی چون اصلاح در ساختار مدیریتی فضا و معاصرسازی دانش نظری، به عنوان یک کاتالیزور اصلاح‌گر چرخه فعلی باشد.

دست‌آورد این پژوهش بیشتر بر جایگزینی نگاه نقطه‌ای و محصول‌محور به سمت رویکردی مبتنی بر فرایند و اقدام در توسعه شهری مبتنی بر معنویت است که قابلیت کاربرد در مطالعات توسعه‌ای را دارد. در واقع اصلاح چرخه تولید فضا و برنامه‌ریزی شهری معاصر در گرو فهم فرایندهای اجتماعی ذهنی در تعامل با مؤلفه‌های عینی است که مفاهیم اصلی سازنده مدل نظری در قالب هشت مفهوم چیدمان فضا، نمادگرایی، نقش‌انگیزی، امنیت، پایداری، عدالت، معاصرسازی دانش نظری/اقدام عملی، ساختار مدیریتی فضا و ۲۳ شاخص متناظر و زیرمجموعه هر یک از ابعاد طبقه‌بندی شده است.

### شرایط علی<sup>۱</sup> در تولید فضای معنویت‌مبنا منطقه ثامن شهر مشهد

شرایط علی، مقوله‌هایی است مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارد. مقوله‌های اصلی پایداری، عدالت و امنیت به عنوان شرایط علی تولید فضای معنویت‌مبنا در منطقه ثامن شهر مشهد، متشکل از مقوله‌های فرعی به شرح جداول ذیل است:



شکل ۴- شرایط علی تولید فضای معنویت‌مبنا در منطقه ثامن شهر مشهد

## شرایط زمینه‌ای در تولید فضای معنویت‌مبنا منطقه ثامن شهر مشهد

شرایط زمینه‌ای<sup>۱</sup>، مقوله‌های اصلی چیدمان فضا، شرایط بسترساز خاص مؤثر در کنش تولید و بازتولید فضای شهری

منطقه ثامن است که زمینه را برای تقویت یا اضمحلال ادراک معنویت در مخاطب فضا ایجاد می‌نماید. شرایط خاصی که بر راهبردها [کنش‌ها/ تعامل‌ها] و شرایطی که پدیده را به وجود آورده‌اند، تأثیر می‌گذارند. مقوله چیدمان فضا، انتزاع‌یافته مقوله‌های فرعی زیر است:

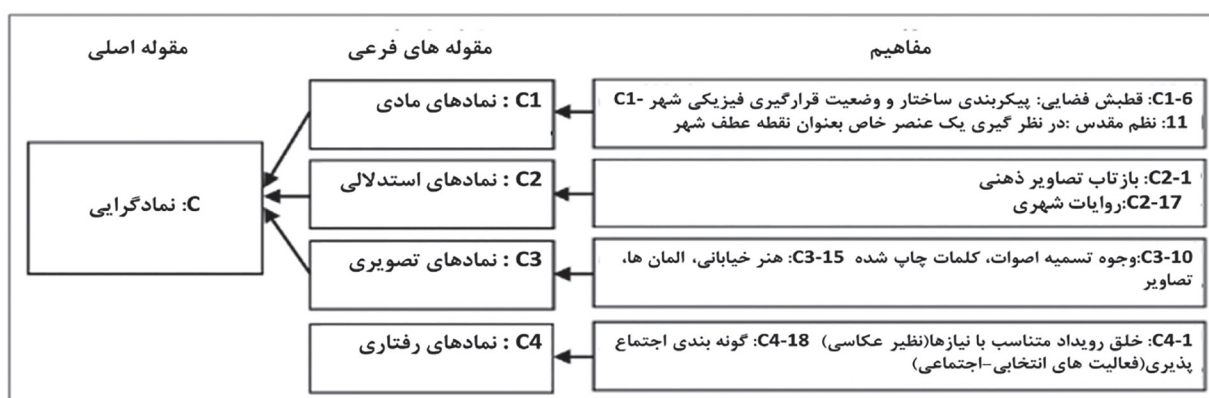


شکل ۵- شرایط زمینه‌ای تولید فضای معنویت‌مبنا

## شرایط مداخله‌ای تولید فضای معنویت‌مبنا منطقه ثامن شهر مشهد

شرایط مداخله‌گر<sup>۲</sup>، شرایط عمومی هستند که بر راهبردها

تأثیر می‌گذارند. مقوله اصلی نمادگرایی، شرایط بسترساز عام مؤثر در کنش تقویت یا تضعیف تأثیرگذاری معنویت در تولید و بازتولید فضای شهری هستند.



شکل ۶- شرایط مداخله‌ای تولید فضای معنویت‌مبنا در منطقه ثامن شهر مشهد

## کش‌ها و راهبردهای تولید فضای معنویت‌مبنا منطقه ثامن شهر مشهد

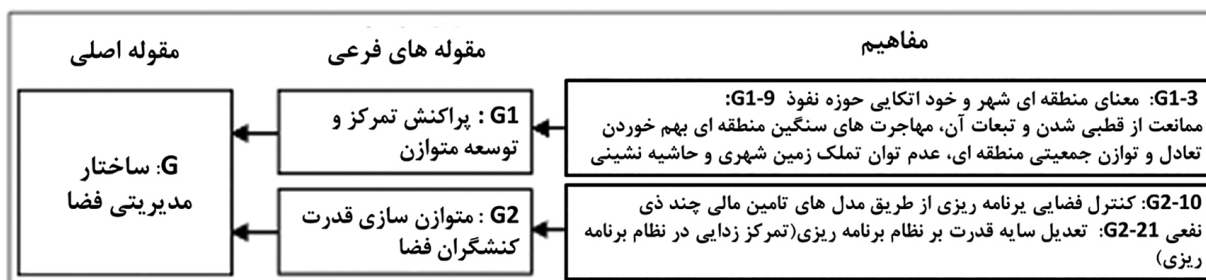
راهبردها، استراتژی یا تعاملی هستند که در برابر پدیده اتخاذ می‌شوند و کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند. مقوله‌های اصلی ساختار مدیریتی فضای، شرایط بسترساز خاص مؤثر در کنش تولید و بازتولید فضای شهری منطقه ثامن است.

الف) پراکنش تمرکز و توسعه متوازن (۱ و ۲): آنچه در این میان حائز اهمیت است، این است که در مفاهیم اشاره شده و ادراک مخاطبان فضای از معنویت، برداشتی فراتر از مفاهیم صرف کالبدی انجام شده است؛ تا آنجا که در تعدادی از کد مصاحبه‌ها به مفهوم شهر در معنای منطقه‌ای خود و روابط فعال بین شهر مادر و منطقه تحت نفوذ خود تأکید شد. این امر در تولید فضای شهر و ادراک معنویت از این جهت است که در صورت آسیب به مفهوم منطقه‌ای شهر، نه تنها نظام تولید و خوداتکایی جامعه محلی آسیب می‌بیند، بلکه همچنین با ایجاد جریان‌های مهاجرت یک‌سویه از روستا به شهر مرکزی در جست‌وجوی اشتغال و ناتوانی تملک زمین شهری در داخل، این گروه از کنشگران فضای در مناطق حاشیه‌ای مادرشهر مستقر می‌شوند و تبعات منفی حاشیه‌نشینی چون افزایش و اندالیسم و بزه شهری، کاهش ارزش‌های زیستی را برای کلان‌شهر و حاشیه گسترده آن ایجاد می‌کنند. این امر با تنزل در الگوهای روابط معنادار انسانی (ارتباطات میان‌فردی) و پیامدهای خود، زمینه‌ساز کاهش درک معنویت در فرایند تولید فضای مقیاس شهری می‌شود؛ روندی زمینه‌ای از ساختار مدیریتی مشهد و تصمیم‌سازی‌های آن در این حوزه که با سیاست‌گذاری‌های کلان منطقه‌ای خود روند انباشت و اضمحلال سرمایه انسانی در حاشیه شهر را با سهمی تقریباً معادل جمعیت داخل شهر منجر شده است. در بسیاری از کد مصاحبه‌ها با بحث اینکه تولید فضای معنویت‌مبنا، مفهومی فراتر از ویژگی‌های کالبدی در مقیاس خرد دارد و از طریق روابط معنادار میان‌فردی ادراک می‌شود، به اهمیت ساختار مدیریتی زمینه‌ای در تصمیم‌سازی و

تصمیم‌گیری جهت تقویت یا اضمحلال این مفاهیم در مقیاسی میانی و منطقه‌ای اشاره دارد.

ب) متوازن‌سازی قدرت کنشگران فضای (۱ و ۲): از دیگر سو، وجود کدهای پرتکرار در مصاحبه‌ها مبنی بر کالایی‌سازی فضای، تسخیر فضای، تغییر نگاه به زمین از کالای مصرفی به سرمایه‌ای و مواردی از این دست، بیانگر شرایط زمینه‌ای چرخه تولید فضای فعلی مبتنی بر منطق انباشت سرمایه بوده، با اشاره به الگوهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظیر مدل رفاهی در ساختار مدیریتی و همسو کردن جامعه محلی از طریق مشارکت فعال در سرمایه‌گذاری‌های پروژه‌ها (تبیین پروژه‌های شهری) به صورتی شفاف در مرحله جذب سرمایه‌گذار و استفاده از نقشی که این مشارکت، هم در برطرف کردن تراز صفر مالی مدیریت شهری و مشکل تأمین منابع مالی و نتایج آن که مشارکت‌های سوداگران با سرمایه‌داران کلان و حذف جامعه محلی با احداث پروژه‌های رهم‌گردان در زمینه فضای منطقه ثامن ایجاد کرده دارد و هم با افزایش دلبستگی مشارکت کنشگران محلی فضای سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، انسجام) را افزایش داده، منجر به بهبود رفتار شهروندی خلق ارزش و پایداری توسعه خواهد شد.

در تعدادی از کد مصاحبه‌ها با اشاره به آغاز پروژه‌هایی که در آن، مدیریت شهری به افزایش نقش عاملان در ساختار تولید فضای منطقه از طریق مدل‌های تأمین مالی چند ذی‌نفعه شده، اشاره شده است؛ نظیر برگزاری هم‌آفرینی و استارت‌آپ‌های محلی خلاقانه در جذب سرمایه مشارکتی 4p نظیر رویداد هم‌آفرینی سازمان‌دهی ره‌باغ‌های منطقه ثامن که با افزایش سهم مشارکت فرهنگی و مالی جامعه محلی در احداث کلان پروژه‌های بافت، تبعات مثبت خود را در کد مصاحبه‌های مخاطبان فضای صورت‌بندی کرده و از دید بسیاری مفهوم معنویت در تولید فضای منطقه ثامن، تابعی از ساختار مدیریتی است که با فراهم‌سازی بستری لازم منجر به تعدیل سهم کنشگران فضای و جلوگیری از سوداگری زمین در گروه‌های صاحب قدرت می‌شود.



شکل ۷- شرایط راهبردی تولید فضای معنویت‌مبنا در منطقه ثامن شهر مشهد

مقوله اصلی معاصر سازی دانش نظری / بازدارندگی اقدام عملی شامل مقوله‌های فرعی زیر است:

الف) طرح مسئله و تلقی درست از توسعه معنویت مبنا:  
 ۱- بازاندیشی در مفهوم و پایش پیوسته فرایند  
 ۲- گذار برنامه‌ریز از نقش سنتی به جامعه محوری

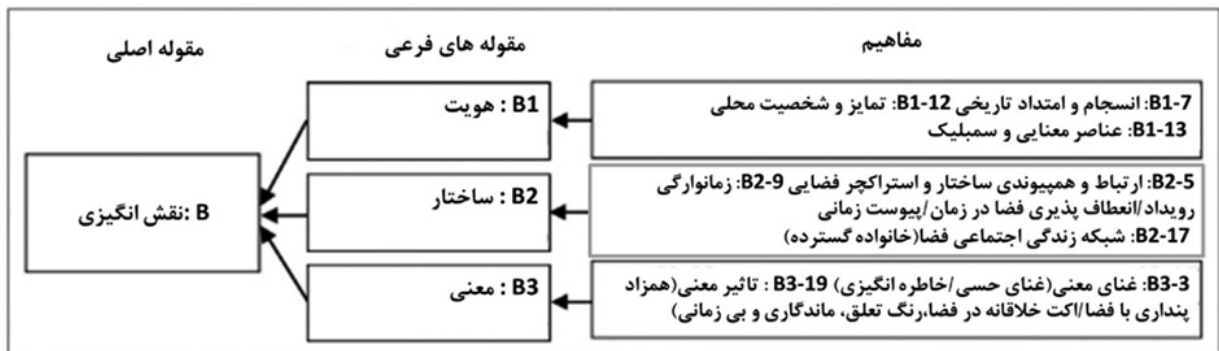


شکل ۷- شرایط راهبردی تولید فضای معنویت مبنا در منطقه ثامن شهر مشهد

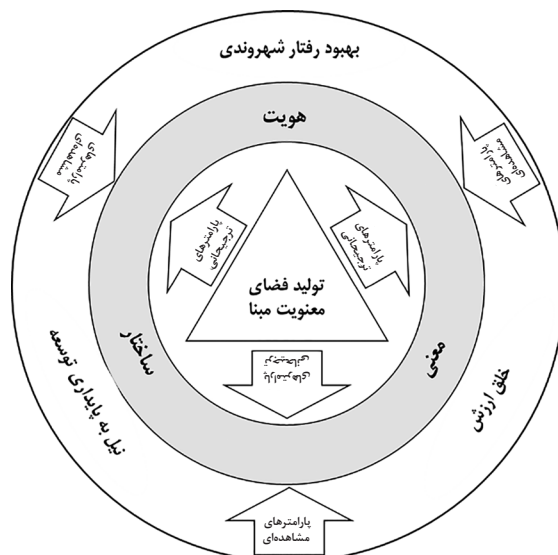
نقش‌انگیزی فضا از طریق تقویت ساختارهای هویتی و الصاق معنا و هدف به تولید فضای منطقه ثامن شهر مشهد در راستای بهبود رفتار شهروندی، خلق ارزش و نیل به پایداری توسعه است.

### ماتریس شرایط و پیامدها

پیامدها، خروجی‌های حاصل از استفاده راهبردها هستند. در تأثیرگذاری مؤلفه معنویت بر تولید فضا، پیامدمستقیم، ارتقای



شکل ۸- شرایط و پیامدهای تولید فضای معنویت مبنا



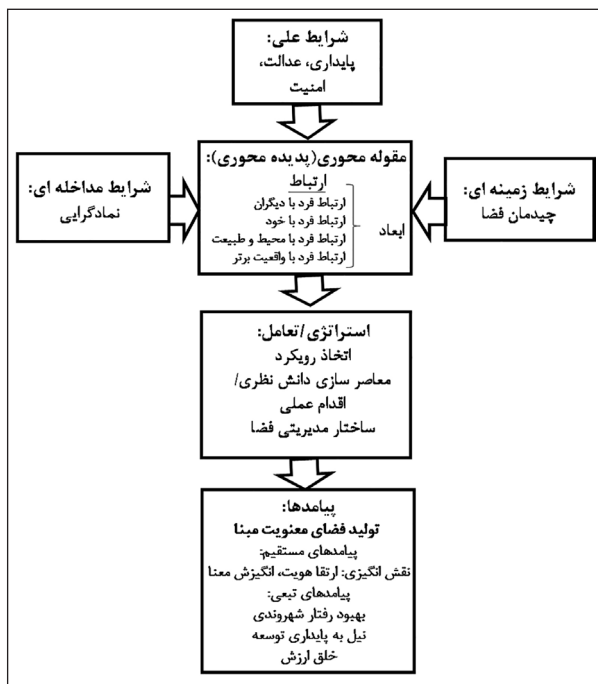
شکل ۹- ماتریس شرایط و پیامدهای تأثیرگذاری معنویت در تولید فضای شهر

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

کدگذاری گزینشی و توسعه مدل نظری: یکپارچه‌سازی<sup>۲</sup>  
 مفاهیم و تبیین مدل نظری تأثیرگذاری معنویت در فرایند تولید فضای منطقه ثامن شهر مشهد: فرایند نهایی کدگذاری، گزینشی استو به معنای یکپارچه کردن و پالایش مدل نظری است. این رویه شامل برقراری ارتباط میان طبقه‌های اصلی در پارادایم کدگذاری است (شرفی، ۱۳۹۷: ۱۴۱). این گام ممکن است شامل نگارش گزاره‌هایی باشد که مطرح‌کننده ایده‌های قابل آزمون برای پژوهش‌های آتی و یا نگارش داستان تحلیلی یا روایتی باشد که ارتباط میان طبقات را توصیف می‌کند (Creswell, 2012: 442).

تعیین مقوله هسته‌ای/محوری (طبقه/متغییر/پدیده مرکزی): مهم‌ترین بخش این مرحله، شناسایی «مقوله هسته‌ای» (پدیده/طبقه/متغییر مرکزی) از میان مقوله‌هایی است که سایر مقوله‌ها به صورت نظام‌مند با آن مرتبط می‌شوند. مقوله هسته‌ای، بیشترین قدرت تبیین نظریه را دارد (لک، ۱۳۹۲: ۶۴). پس از یافتن گوهر پژوهش، پژوهشگر باید به آن نامی دهد و مفاهیم دیگر را به آن متصل کند. تعیین مقوله هسته (طبقه مرکزی) می‌تواند از میان طبقات اصلی موجود و یا انتخاب یک عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی‌تر که تمامی طبقات را در برمی‌گیرد، باشد. این مفهومی است که قدرت تحلیل داشته، با سایر مفاهیم به نوعی در ارتباط است. این مفهوم الزامی نیست که در طبقات مرحله تحلیل و کدگذاری محوری داده‌ها وجود داشته باشد (شرفی، ۱۳۹۷: ۲۲۲). با کمک تحلیل داده‌ها و مرور یادداشت‌های تحلیلی و مقایسه مداوم داده‌ها و مفاهیم پژوهش، «مفهوم ارتباط» در چهار سطح ارتباط با خود (درون فردی)، ارتباط با دیگران (میان فردی)، ارتباط با محیط/طبیعت (برون فردی) و ارتباط با واقعیت برتر (فرا فردی) به عنوان مفهوم مرکزی انتخاب شده است؛ مفهومی که از متن تمامی مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی مشخص می‌شود و قابلیت اتصال به سایر مفاهیم را دارد. این گسست ارتباط در شرایط زمینه‌ای اتفاق می‌افتد که نشان‌دهنده محدودیت‌هایی است که ساختار مدیریتی، فضا، ضعف دانش نظری و معاصر سازی دانش نظری/اقدام عملی در این حوزه منجر به تضعیف تولید فضای معنویت‌مبنا در منطقه ثامن شده است.

این مفهوم مرکزی در چارچوبی از شرایط برنامه‌ریزی منجر به ارتقای دوگانه فضا-رفتار، نیل به پایداری توسعه و خلق ارزش خواهد شد. این مفهوم از درجه انتزاع بالاتری نسبت به سایر مفاهیم برخوردار است و این ویژگی را دارد که طبقه‌های دیگر به نوعی با آن مرتبط شوند.



شکل ۱۰- کدگذاری گزینشی و تعیین مقوله محوری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

### اعتباریابی کیفی مدل مفهومی

در این پژوهش به منظور جمع‌بندی و اعتباریابی کیفی مدل نظری و برای اطمینان از روایی مصاحبه‌ها از نظر کارشناسان استفاده می‌شود. برای این منظور، گروه کارشناسان متشکل از اساتید شهرسازی دانشگاه که در زمینه روش تحقیق و پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش فعالیت تخصصی داشته‌اند، به بررسی مدل کیفی برخاسته از گراندد از منظر روایی آن پرداخته و از نظر سه کارشناس این حوزه پژوهش دارای روایی قابل قبول است. در بحث پایایی نتایج کدگذاری مصاحبه‌های پژوهش زمینه‌ای نیز دو شاخص عمده مورد استفاده برای محاسبه پایایی کدگذاری‌ها، پایایی باز آزمون (شاخص ثبات) و پایایی بین دو کدگذار (شاخص تکرارپذیری) است. اگر پایایی باز آزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در تحقیق با استفاده از فرمول زیر، بیشتر از ۶۰ درصد باشد (ر.ک: خواستار، ۱۳۸۸)، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. در سه کدگذاری انجام شده، ۲۳ مورد توافق از مجموع ۵۹ کد عمده با درصدی معادل ۷۷ محاسبه شد که نشان از پایایی کدگذاری مرحله کیفی دارد و این اطمینان را به خوانندگان می‌دهد که کدگذاری‌ها از نظر زمانی (شاخص ثبات) و بین کدگذاران (شاخص تکرارپذیری)، پایایی مناسبی دارد. از این رو پیوست مدل نظری تولید فضای شهری معنویت‌مبنا در بخش مرکزی شهر مشهد مطابق شکل شماره (۱۱)، پس از اعتباریابی کیفی مدل نظری احصا شد. تولید فضای

معنویت‌مبنا در مقیاس شهری با بیان سه مقوله فضای عینی، فضای ذهنی و فضای اجتماعی و شاخص‌های متناظر هر یک در

دو بعد کارکردی و بنیادین به عنوان کاتالیزور در مدل‌های تولید فضا، زمینه ارتقای کیفی مداخلات شهری را فراهم خواهد آورد.



شکل ۱۱- مدل نظری تولید فضای شهری معنویت مبنا در بخش مرکزی شهر مشهد

منبع: مدنی و دیگران، ۱۴۰۱

بر بعد روان شناختی، تص اویر ذهنی شخصی) و فضای اجتماعی (مبتنی بر خوانشی زمینه‌ای و فرهنگ مبنا از ارزش‌ها و هنجارها) هستیم. این امر، گامی مهم در جهت توسعه تحقیقات نظری حوزه تولید فضا در شهرسازی به یک مرحله بالاتر است.

### منابع

- احمدخانی ملکی، بهرام و فرزین حق پرست (۱۳۹۵) «سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت بخشی به فضا»، نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۴، صص ۹۱-۱۰۶.
- استراوس، کربین (۱۳۹۰) «مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای» (ابراهیم افشار، مترجم). تهران، نشرنی (نشر اصلی اثر ۱۹۹۰).
- امیدواری، س. (۱۳۸۷) «سلامت معنوی، مفاهیم و چالش‌ها، پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم»، ۱ (۱)، ۵۸-۱۷.
- ایمان، محمد تقی و منیژه محمدیان (۱۳۸۷) «روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی،

می‌توان گفت که هر چند استنباط تئوری پست‌مدرنیسم ارائه مکمل‌های دقیق فضایی در دوران معاصر است و استدلال می‌کند که شیوه‌های تولید مشخصاً فضایی هستند، علاوه بر آن اشاره به این دارد که در یک معنی منحصر به فرد، ما خودمان بخشی از فضا هستیم و از این رو چنین فضایی جهت تولید و باز تولید خود، نیازمند خوانش ابعاد وجودی (درونی- ذهنی) و فرهنگی (اجتماعی) که زیرمجموعه بعد ساختاری‌اند (معیارهای ترجیحاتی)، در کنار خوانش مؤلفه‌های بعد توزیعی که مبتنی بر مقوله فضای عینی و دریافت‌های تیپولوژیکی- کالبدی (معیارهای مشاهده‌ای) است نیز می‌باشد.

بنابراین در راستای ادراک و نقشه‌یابی معنویت در فضای شهری نیازمند خوانشی سه‌گانه از فضای عینی (مبتنی بر خوانش مؤلفه‌های فضای قدسی سنتی)، فضای ذهنی (مبتنی

- ۴(۱۴، ۵۴-۳۱)
۵. ایمانی خوش‌خو، محمدحسین و مهدیه شهراپی فراهانی (۱۳۹۷) «**ارائه چارچوب مفهومی ادراک گردشگران فرهنگی از سفر با تأکید بر معنویت (مطالعه موردی: اصفهان)**»، نشریه باغ نظر، شماره ۶۸، صص ۴۹-۵۸.
۶. پورجعفر، محمدرضا و محمدرضا بمانیان و فریال احمدی و علیرضا صادقی (۱۳۸۹) «**بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در مساجد شیعی**»، فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان، صص ۳۷-۷۰.
۷. خواستار، حمزه (۱۳۸۸) «**ارایه روشی برای محاسبه پایایی مرحله کدگذاری در مصاحبه‌های پژوهشی**»، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی بهار، شماره ۵۸ رتبه علمی- پژوهشی (وزارت علوم ۱۴)، صص ۱۶۱-۱۷۴.
۸. شاهرودی، عباسعلی و سید حمزه حسینی و زینب مومنی (۱۳۹۳) «**بررسی میزان انطباق معماری مساجد با نیازهای زنان (مطالعه موردی: مساجد شهرستان ساری)**»، فصلنامه مطالعات علوم شهرهای ایرانی اسلامی، شماره هجدهم، صص ۵۳-۳۹.
۹. شرفی، مرجان (۱۳۹۷) «**نظریه معرف نقش برنامهریزان و مردم در فرایندهای مشارکتی در محیط برنامهریزی شهری ایران**»، پایان‌نامه دکتری، رشته شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، دانشکده هنر و معماری.
۱۰. شفیعا، سعید و ثنا محمدی (۱۳۹۶) «**ارائه الگوی تجربه معنوی گردشگران زن از هیئتجهایک (بررسی موردی: زنان تهران)**»، دومین همایش گردشگری و معنویت، تهران، دانشگاه علم و فرهنگ.
۱۱. شفیعا، سعید و محمدجواد درودیان (۱۳۹۶) «**مفهوم‌سازی درک معنویت در رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی: بر اساس تجربه میدانی**»، اولین همایش بین‌المللی گردشگری، جغرافیا و محیط‌زیست پاک، همدان، دبیرخانه همایش.
۱۲. شفیعا، سعید و مهدیه صباغ‌پور آذریان (۱۳۹۵) «**تبیین مفهوم معنویت در گردشگری با استفاده از تحلیل محتوا**»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال یازدهم، شماره ۳۵، پاییز، صص ۱۰۷-۱۲۷.
۱۳. صحاف، خسرو (۱۳۹۰) «**معنا در معماری ایرانی**»، هویت شهر، سال دهم، شماره ۲۵، بهار، صص ۵۱-۶۰.
۱۴. عابدی جعفری، ح. و ع. رستگار (۱۳۸۶) «**ظهور معنویت در سازمانها: مفاهیم، تعاریف، پیش‌فرض‌ها و مدل مفهومی، علوم مدیریت ایران**»، ۲ (۵)، ۹۹-۱۲۱.
۱۵. عابدی جعفری، حسن و عباسعلی رستگار (۱۳۸۶) «**ظهور معنویت در سازمان‌ها مفاهیم، تعاریف، پیش‌فرض‌ها، مدل مفهومی**»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوم، شماره ۵، صص ۹۹-۱۲۱.
۱۶. کرسول، جان (۱۳۹۴) «**پوشش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)**» (حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، مترجمان). تهران، صفار (نشر اصلی اثر ۲۰۰۷).
۱۷. لک، آزاده (۱۳۹۲) «**بازآفرینی حس دل‌بستگی به مکان در بازسازی محلات مسکونی پس از زلزله بم**». رساله برای دریافت درجه دکتری طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. مدنی، فرزانه (۱۳۹۹) «**تبیین ملاحظات معطوف به مدل نظری تأثیرگذاری معنویت در فرایند تولید فضای شهر**
- مشهد با تأکید بر دیدگاه خوانش مخاطب**»، پایان‌نامه دکتری، رشته شهرسازی دانشگاه کرمان، دانشکده هنر و معماری.
۱۹. مدنی، فرزانه و دیگران (۱۴۰۰) «**کاربرد روش‌شناسی فرامطالعه در واکاوی تغییر پارادایم‌ها به رهیافت شهرسازی معنویت‌مبنا**»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۴۰۳-۴۲۵.
۲۰. مدنی، فرزانه و دیگران (۱۴۰۱) «**بررسی تأثیر مؤلفه‌های مکانی بر تولید فضای معنویت‌مبنا در مقیاس شهری (مورد پژوهی: منطقه ثامن شهر مشهد)**»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۲۶ (۱ و ۱۴۰۱)، صص ۸۹-۱۱۷.
۲۱. نصر، حسین (۱۳۸۹) «**هنر و معنویت اسلامی**»، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، موسسه انتشارات حکمت جاویدان.
۲۲. واحدیان عظیمی، ا. و ا. رحیمی (۱۳۹۲) «**تبیین مفهوم معنویت: تحلیل محتوای قراردادی، تحقیقات کیفی در علوم سلامت**»، ۲ (۱)، صص ۱۱-۲۰.
۲۳. Ardalan Nader (2016) The Quest for a Spiritually Inspired, Holistically Sustainable Habitat: Nuran- The City of Illumination, Isfahan
۲۴. Ardalan, N, & Barrie, T, (2016) Arguments for a Spiritual Urbanism, Architecture, culture and spirituality, Urbanism, spirituality and well being symposium.
۲۵. Bartolini, N, MacKian, S, & Pile, S, (Eds.) (2018) Spaces of Spirituality (1st ed.) Routledge, DOI: https://doi.org/10.4324/9781315398426.
۲۶. Beaumont, Justin, & Baker, Christopher, (Eds) (2011) Postsecular Cities: Space, Theory and Practice, London & N, Y.; Continuum, DOI: http://dx.doi.org/10.5040/9781472549198.
۲۷. Benedikter, R, Moltz, M, (2012) The rise of neo-integrative worldviews: Towards a rational spirituality for the coming planetary civilization? In Hartwig, M, Morgan, J, (Eds), Critical realism and spirituality (pp, 29-74) London & New York: Routledge.
۲۸. Bermudez, J, (2016) Arguments for a Spiritual Urbanism IN\_BO, 7 (9), 104- 115, DOI: https://doi.org/10.6092/issn.2036-1602/6295.
۲۹. Birch, R, A, & Sinclair, B, R, (2013) Spirituality in Place: Building Connections Between Architecture, Design, and Spiritual Experience, DOI: 10.17831/REP:ARCC%Y116.
۳۰. Brand, R, & Gaffikin, F, (2007) Collaborative planning in an uncollaborative world, Planning theory, 6 (3), 282- 313, DOI: 10.1177/1473095207082036.
۳۱. Cirstea, A, (2015) Mapping British Women Writers' Urban Imaginaries" Space, Self and Spirituality", Coventry University, UK, DOI: https://doi.org/10.1093/cww/vpp026.
۳۲. Corbin and J, Strauss, A, (2015) Basics of Qualitative research ; Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, London: Sage.
۳۳. Creswel, J. W. (2012) Educational Research: Planning, Conducing and Evaluating Quantitative and Qualitative Research. Boston: Pearson Education, Inc.
۳۴. Davoudi, S (2015) panning as practice of knowing , planning theory & practice, DOI: doi/abs/10,



1177/1473095215575919.

۳۵. Ersahin, Zehra & Boz, Nevfel, (2018) Urban Spirituality: Need for Connectedness and Communication, 9, 762- 781, DOI: 10, 31198/idealkent, 487461.
۳۶. Gies, V, (2022) Salvation to go: the development of spiritual spaces within infrastructures of traveling
۳۷. Hegner, V, & Margry, P, J, (Eds,) (2016) Spiritualizing the City: Agency and Resilience of the Urban and Urbanesque Habitat (1st ed,) Routledge, DOI: [https://doi.org/10, 4324/9781315680279](https://doi.org/10.4324/9781315680279).
۳۸. Heidari, Ali akbar and TojarGhalavand, Samira, (2014) Making the Public Spaces with Spiritual Strategy in Bushehr, Social and Behavioral Sciences, Volum 159, December 2014, Pages 722- 731, DOI: [doi/ 10, 1016/j, sbspro, 2014, 12, 461](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.12.461), [https://www.academia.edu/28898870/ Arguments\\_for\\_a\\_Spiritual\\_Urbanism](https://www.academia.edu/28898870/Arguments_for_a_Spiritual_Urbanism).
۳۹. Ivanescu, C, (2012) Postsecular cities: space, theory and practice, edited by Beaumont, Justin and Christopher Baker, Social Anthropology, 3 (20), 331- 332.
۴۰. James W, Jones, Ed, D, (2009) selection of grounded theory as an appropriate research methodology for dissertation, The grounded theory review, 8 (2), 22- 34.
۴۱. Manouchehrifar, B, & Forester, J, (2021) Rethinking Religion and Secularism in Urban Planning, Planning Theory & Practice, 22 (2), 269- 317.
۴۲. Sandercock, Leonie (2006) Spirituality and the urban professions: The paradox at the hearth of planning, planning theory & practice, DOI: [doi/abs/10, 1080/14649350500497471](https://doi.org/10.1080/14649350500497471).
۴۳. Senbel, M (2021) Spirituality and Urban Agriculture: Environments that Inspire Awe, Humility, and Reverence.
۴۴. Sheldrake, Philip. (2006) Spirituality and the Urban. CITIES AND HUMAN COMMUNITY, 107-118.
۴۵. Sheldrake, P. (2014) The spiritual city: Theology, spirituality, and the urban. John Wiley & Sons.
۴۶. Tremlett, P, F, (2022) Urbanism and religious space, The Oxford Handbook of Religious Space, 58.
۴۷. Yeolekar, S, D, & Tarar, A, (2022) Triggering Sustainable Urbanism Through Space Planning and Design, In Sustainable Engineering, Energy, and the Environment (pp, 3- 11) Apple Academic Press.



## تدوین اصول طراحی عناصر کالبدی مسجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی به منظور افزایش حضور (مطالعه موردی: مساجد دوره قاجار شیراز)

هادی کشمیری\*، علی اکبر حیدری\*\*، فاطمه عماد\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

### چکیده

در دهه اخیر بیشتر از قبل نیاز به یافتن راه‌حلی برای افزایش علاقه به حضور در مساجد می‌باشد. با مدرن شدن زندگی انسان، نیاز روحی انسان به عبادت پیش از قبل، انسان را نیازمند به حضور در مساجد کرده است. با وجود این انسان‌ها، کمتر از قبل علاقه به استفاده و ماندن در این فضاها دارند. این پژوهش نخست به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که سلسله‌مراتب شکلی مساجد طی دوره قاجار در شیراز چیست؟ و دوم اینکه اصول طراحی عناصر کالبدی مسجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی به منظور افزایش حضور چیست؟ هدف این مقاله، یافتن اصولی برای طراحی مساجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی به منظور افزایش حضور است. به این منظور ابتدا با مطالعات میدانی و بررسی‌های کتابخانه‌ای به اصل سلسله‌مراتب در مساجد پرداخته شد. سپس پیشنهادهای طراحی با توجه به معیارهای بوم‌شناسی بصری که در مطالعات کتابخانه‌ای بدست آمده بود، تهیه شد. این پیشنهادهای در قالب یک پرسشنامه در میان خبرگان به روش دلفی ارزیابی شد. سپس نتایج این پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS v25 تحلیل شد تا رعایت یا عدم رعایت، میزان تأثیرگذاری و اهمیت راه‌کارهای پیشنهادشده در مساجد قاجار شیراز بررسی شود. با توجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده در این پژوهش، تأثیرگذارترین راه‌کارهایی که می‌تواند سبب ایجاد سلسله‌مراتب شکلی، در نتیجه افزایش معنویت و علاقه به حضور در مساجد شود، راه‌حلهایی نظیر افزایش «عناصر الحاقی و تزئینی» و «شاخص تر کردن خطوط بام» در طراحی است.

کلیدواژه‌ها: سلسله‌مراتب شکلی، مساجد دوره قاجار شیراز، معنویت، حضور، عناصر کالبدی.

## مقدمه

## بیان مسئله

جوامع سنتی در یک فضای معنوی زندگی می‌کنند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی، جویای همگنی و تناسب کامل است. آفریده‌های معماری آن چون از جهان بینی تام و کامل مایه می‌گیرد، نیروی خلاقه انسان را پدید آورده‌اند و آن را به سوی غایتی رهنمون می‌کند که جامعه را به صورت یک محل واحد درمی‌آورد؛ در ورای این وحدت و پیوستگی، یک شالوده انکارناپذیر دیده می‌شود که تفهیم آن برای درک سنت ایران، ضروری است (طبییان، ۱۳۹۰: ۶۴).

اصل سلسله‌مراتب، یکی از مهم‌ترین اصول طراحی مساجد است که به عنوان یکی از نشانه‌های تفکرات ایرانی-اسلامی نیز مطرح می‌شود. سلسله‌مراتب به تعبیری در گذر از عالم مادی به عالم معنوی و ساحت قدسی معرفی می‌شود، اما به دلایل متفاوتی مثل نگاه صرفاً عملکردی و بی‌توجهی به روح معنوی مساجد، در مساجد امروز مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی می‌باشد. از این‌روی نظر به اهمیت این اصل در معماری مساجد معاصر به‌ویژه در شیراز، نیاز به بازشناسی و بررسی مساجد قدیمی شیراز به‌ویژه مساجد دوره قاجار است که از نظر تعداد و معماری قابل توجه هستند، تا با تحقیق و تفحص در مفاهیم سلسله‌مراتب به‌ویژه در کالبد مساجد که امروزه مورد توجه می‌باشند، بتوان به اصول طراحی رسید و به کمک آن بتوان با استفاده از عناصر کالبدی سلسله‌مراتب سبب ایجاد علاقه به حضور و معنویت در مساجد امروزی شد.

اکثر پژوهش‌های معمول در حوزه سلسله‌مراتب مانند مقاله‌های «سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی» (ر.ک: صاحب محمدیان، ۱۳۸۶)، «بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی» (ر.ک: طبییان و دیگران، ۱۳۹۰)، «بازشناسی اصل سلسله‌مراتب در معماری مساجد ایران» (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۴) و مقاله «کندوکاوی بر اصل سلسله‌مراتب در معماری اسلامی و فولدینگ» (ر.ک: ذوالفقارزاده و زرکش، ۱۳۹۵) با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی به گردآوری اطلاعات می‌پردازند که این امر سبب شده که تاکنون تدوین الگویی برای طراحی مساجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی به منظور افزایش حضور مسجد انجام نگرفته باشد. این امر خود عامل بازدارنده مهمی در تثویز شدن و کاربرد این مؤلفه‌ها در معماری معاصر شده است.

از دیدگاه نویسنده، روش‌های موجود برای تحلیل، تفسیر و شناخت و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ایجاد فضای معنوی کافی نیست. روش پیمایشی برای سنجش کیفیت این مؤلفه‌ها از نظر کاربران، برای دستیابی به حس القا شده در کاربر و سنجش کمی و تحلیل کیفی داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیلی به منظور درک کیفیت این مؤلفه‌ها نیاز است. در این نوشتار، تلفیق نتایج حاصل از تحلیل کمی به کمک این نرم‌افزار و نتایج مستخرج

از بخش پیمایشی، موجب می‌گردد تا طراح درک مناسبی از این مؤلفه‌ها برای ایجاد فضای معنوی داشته باشد. از آنجا که اینگونه تحقیقات نیاز به تحقیقات گسترده و میدانی دارد، تحقیقات به مساجد قاجار شیراز محدود شد تا بتوان با دسترسی کافی به مساجد این دوره در شیراز و بررسی آنها به نتایج مطلوب دست یافت که این موضوع در نوع خود جدید می‌باشد. همچنین دلیل انتخاب مساجد دوره قاجار در شیراز به این دلیل بوده است که تعداد مساجد دوره قاجار شیراز که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد و تغییرات اساسی در عناصر کالبدی آنها ایجاد نشده است، نسبت به مساجد دوره‌های دیگر در شیراز، بسیار بیشتر است.

بعد از بیان مسئله و دغدغه‌های تحقیق، این پرسش‌ها در ذهن پژوهشگر شکل گرفت که:

۱. سلسله‌مراتب شکلی مساجد طی دوره قاجار در شیراز چیست؟

۲. اصول طراحی عناصر کالبدی مسجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی به منظور افزایش حضور چیست؟

با توجه به پرسش‌های تحقیق، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر شکل گرفت که در پاسخ پرسش اول به نظر می‌رسد که سلسله‌مراتب شکلی در فضاهای مساجد شیراز در دوره قاجار در سه مرحله است: مرحله اول انفصال، مرحله دوم انتقال و مرحله سوم وصال. در پاسخ پرسش دوم به نظر می‌رسد که اصل سلسله‌مراتب در معماری ایرانی از گذشته تا به امروز در تمامی مساجد ایران حضور داشته است که به دنبال آن عوامل کالبدی مانند نور، رنگ و تزیینات، آن را پوشش می‌دهد.

متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق بدین گونه‌اند: «متغیر مستقل: مؤلفه‌های سلسله‌مراتب شکلی در معماری؛ متغیر وابسته: اصول کالبدی طراحی مساجد؛ متغیر میانی: شاخصه‌های مساجد دوره قاجار».

## پیشینه تحقیق

صاحب محمدیان (۱۳۸۶) در مقاله «سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی»، ابتدا به تبیین جایگاه سلسله‌مراتب در علوم و معارف سنتی و اسلامی-ایرانی پرداخته است تا ابعاد مختلف و وجوه و جنبه‌های آن وضوح بیشتری بیابد و پس از آن نیز برای بررسی یکی از وجوه سلسله‌مراتب با عنوان «سلسله‌مراتب محرمیت» در مساجد ایرانی به گونه‌بندی مساجد در نحوه ورود به صحن و مقایسه این نحوه ورود با نحوه ورود به ایوان و گنبدخانه پرداخته است. در نهایت چنین نتیجه گرفته است که تمهیداتی همچون «سلسله‌مراتب محرمیت» در مساجد ایرانی، احساس قرار گرفتن در ساحتی دیگرگونه را برای مخاطب تشدید می‌نماید و در جریان سلوک و انتقال مخاطب از ساحتی به ساحت دیگر، دخیل و مؤثرند.

تدوین الگوی ارتباطات فضایی خانه معاصر که با توجه به فرهنگ است، نوشته شده و برای رسیدن به این هدف از روش کتابخانه‌ای، پرسشنامه و نحو فضا استفاده شده است. این پژوهش بیانگر این است که با گذشت زمان، خانه‌ها دارای حریمیت و سلسله‌مراتب بیشتری شده‌اند.

عماد و همکاران (۱۴۰۰) رساله خود را با عنوان «نظام شکلی و فضایی پنهان در ایجاد حس معنویت در مساجد (دوره قاجار شیراز)»، با هدف شناخت بن‌مایه‌های نظام شکلی و فضایی و حس معنویت و پیدا کردن تأثیرگذارترین بن‌مایه‌ها به منظور استفاده از آنها در مساجد معاصر و همچنین یافتن ارتباط بین نظام شکلی و فضایی با حس معنویت نوشته‌اند. بدین منظور ابتدا به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از پرسشنامه و مشاهده به گردآوری اطلاعات پرداخته‌اند. سپس با پر کردن پرسشنامه و بررسی نتایج آن در نرم‌افزار اسپاس<sup>۱</sup> و بررسی پلان‌های مساجد نمونه موردی در نرم‌افزار دپ‌مپ<sup>۲</sup> به تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تأثیر نظام شکلی بر حس معنویت، بیشتر از تأثیر نظام فضایی بر حس معنویت است.

دانش و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تبیین مفهوم سلسله‌مراتب شکلی - فضایی در الگوی سکونتگاهی قاجار» به دنبال یافتن مؤلفه‌های سلسله‌مراتب شکلی فضایی و بررسی کیفی و کمی آن در زبان الگوی بناهای قاجار تهران هستند. روش تحقیق این مقاله، پرسشنامه و نحو فضا است. نتایج نشان می‌دهد که سه شاخص عمق، اتصال و هم‌پیوندی در سه دوره قبل از ناصری، ناصری و بعد از ناصری به مرور زمان با کاهش درون‌گرایی، عمومیت و یکپارچگی همراه بوده است.

اسمیت (۲۰۱۷) در مقاله «تأثیر سلسله‌مراتب و هندسه چیدمان در طراحی فضاهای آموزشی»، چگونگی تأثیر پیکربندی و هندسه فضایی فضاهای یادگیری را بر تعامل، با تمرکز ویژه بر سلسله‌مراتب بین افراد در فضا، مورد بحث قرار می‌دهد. روش تحقیق این مقاله به وسیله طرح‌هایی است که به صورت نمودار ارائه می‌شود تا از نظر دینامیک، قدرت معلم به دانش‌آموز و دانش‌آموز به دانش‌آموز را بر اساس مجموعه‌ای از اصول طراحی شده بر اساس طراحی فضاهای آموزشی و یادگیری نشان دهد. این مقاله مشاهده می‌کند که برخی از این اصول دارای سلسله‌مراتب هستند که به طور ظریف، دینامیک قدرت معلم محور سنتی را تقویت می‌کند و نتیجه می‌گیرد که هندسه و سلسله‌مراتب فضایی باید به عنوان شاخص‌های کلیدی در طراحی فضای یادگیری در نظر گرفته شوند.

طیبیان و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی» به سلسله‌مراتب به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول موجود در عرفان اسلامی و مورد استفاده در شهرسازی ایرانی - اسلامی پرداخته‌اند. این اصل، یکی از مهم‌ترین قوانین لازم برای دستیابی به انسجام شهری است. در شهرهای گذشته ما، سلسله‌مراتب به صورت پیوسته در تمامی مقیاس‌ها از استخوان‌بندی شهر تا ترکیبات معماری مورد توجه بوده است. اما مرور تجربه‌های شهری معاصر نشان می‌دهد که لفظ سلسله‌مراتب به صورت صوری و اغلب موردی و موضعی مطرح بوده است، نه اینکه مفهوم جامع آن (شامل موارد و مراتب لازمه و توجه به کلیت کالبد فضاهای شهری و معانی آنها) مورد توجه قرار گیرد.

در مقاله «بازشناسی اصل سلسله‌مراتب در معماری مساجد ایران» نوشته رضایی (۱۳۹۴)، بازشناسایی اصل سلسله‌مراتب، یکی از عوامل مهم ایجاد احساس معنوی از ابعاد گوناگون در معماری مساجد و ریشه‌یابی این اصل است که به عنوان تمهیدی است که معماران ایرانی، گونه اول آن را بدو ورود انسان به مسجد به کار گرفته‌اند و گونه دیگر آن، ورود به ایوان و گنبدخانه است. در این راستا در نوشتار حاضر با استفاده از روش عمل به نظر، ابتدا ابعاد مختلف این مقوله در مساجد ایرانی بازشناسی می‌شود و در ادامه با بررسی چند نمونه مختلف، در نهایت چنین نتیجه گرفته می‌شود که تمهیداتی چون سلسله‌مراتب از اصول معماری مساجد بوده، نه تنها از منظر کارکردی، بلکه از منظر تغییر حس مکان و قرارگیری در فضایی مقدس، بسیار حائز اهمیت است.

مقاله «کندوکاوی بر اصل سلسله‌مراتب در معماری اسلامی و فولدینگ»، نوشته ذوالفقارزاده و زرکش (۱۳۹۵)، تحقیقی در راستای تبیین جایگاه اصل سلسله‌مراتب در معارف اسلامی - ایرانی و همچنین اهمیت و مصادیق آن در خلقت جهان هستی است. نویسندگان در این راستا به بررسی این اصل در معماری فولدینگ پرداخته‌اند که یکی از ویژگی‌های آنها، سلسله‌مراتب است. در واقع معماری فولدینگ، نبود سلسله‌مراتب در جهان و همچنین اندیشه افق‌گرایی (رشدگیاهی به نامریزوم) را مطرح می‌کند.

چینگ (۱۳۹۷) در کتاب «فرم، نظم و فضا» به هنر معماری می‌پردازد. این کتاب، مطالعه‌ای از شکل‌پذیری اجزای سازمان‌دهی فرم و فضا و اصولی است که حاکم بر سازمان‌دهی آنها در محیط است. کتاب حاضر، عنصر فرم را به عنوان ابزار اصلی طراحی برجسته می‌کند و تجزیه و تحلیلی از فرم‌های اصلی و سازمان‌دهی فضا و انواع تغییر شکل‌های عمومی آنها طبقه‌بندی می‌کند.

مقاله «گونه‌شناسی ساختار فضایی خانه معاصر ایرانی با تکیه بر حریمیت و سلسله‌مراتب» اثر راستجو و بمانیان (۱۳۹۸) با هدف

1. Spss v25

2. Depth map x net v0.50

## مبانی نظری سلسله مراتب

پنج شاخص هویت، سلسله مراتب، تعامل با خانواده، محرمیت و امنیت، شاخص‌های فرهنگی تأثیرگذار بر معماری ایرانی هستند که از گسترش پنج اصل درون‌گرایی، نیارش، مردم‌واری، خودبسندگی و پرهیز از بیهودگی (ر.ک: پیرنیا، ۱۳۸۳) به دست آمده‌اند (راستجو و بمانیان، ۱۳۹۸: ۵۲).

سلسله مراتب، واژه‌ای است مرکب و از دو کلمه سلسله و مراتب تشکیل شده است که معنی هر کدام به قرار زیر است: «سلسله به معنی زنجیر آهن، طلا و نقره، پیوستگی چیزی به چیزی و پیوسته کردن معنا شده است» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۸۵). «مراتب جمع مرتبه و به معنی درجات، طبقات، رتبه‌ها و بارها و دفعات می‌باشد. سلسله مراتب سیستمی با درجه‌بندی اعتبار و جایگاه از پایین‌ترین مرتبه تا بالاترین می‌باشد» (همان). در لغت‌نامه جغرافیا، سلسله مراتب عبارت است از: «هرگونه نظم از عوارض و پدیده‌ها که به صورت یک طبقه‌بندی یا رتبه‌بندی ذکر شود» (Mayhew, 2003: 247).

سلسله مراتب به معنی سازمان‌دهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس ویژگی‌های کارکردی و محتوایی آنها که موجب به وجود آمدن ترتیب و نظم قاعده‌مند در نحوه قرارگیری مشاهده یا استفاده از آنها می‌شود، است (دانش، ۱۴۰۰: ۲۵۴).

سلسله مراتب، یکی از اصولی است که ارتباط بین اجزای یک کل و ارتباط بین کل‌هایی را که خود، جزئی از کل بزرگ‌ترند، تعریف می‌کند؛ بدین ترتیب که هرگاه چند عنصر در کنار هم قرار گیرند، نظمی در روابط بین آنها به وجود می‌آید. سلسله مراتب در واقع نظمی فراگیر است که انتظار می‌رود عناصر با ارزش‌های متفاوت تحت تأثیر آن قرار گیرند (ر.ک: گروتز، ۱۳۸۶). به اجمال می‌توان گفت که سلسله مراتب، ارتباطی سیستماتیک را بین اجزای نظام‌یافته‌ای بنیان می‌نهد که خود تشکیل‌دهنده یک کل هستند. نظم سلسله مراتبی در تعریف و تعیین موقعیت و ارزش هر جزء یک کل و همچنین ارزش یک کل را به تنهایی و نسبت به سایر مجموعه‌ها تعریف می‌کند (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۷۷).

### سلسله مراتب در معماری

اصل سلسله مراتب حاکی از این است که در اغلب و شاید هم در همه ترکیبات معماری، تفاوت‌های واقعی بین فرم‌ها و فضاها وجود دارد. این تفاوت‌ها تاحدی نشان‌دهنده میزان اهمیت فرم‌ها، فضاها و نقش عملکردی، صوری و سمبلیک آنها در سازمان‌دهی است. البته سیستم ارزش‌گذاری که توسط آن اهمیت نسبی سنجیده می‌شود، بستگی به موقعیت خاص، نیازها و خواسته‌های استفاده‌کنندگان و تصمیمات طراح خواهد داشت. ارزش‌های بیان‌شده ممکن است فردی یا اجتماعی، شخصی

یا فرهنگی باشند. در هر صورت نحوه تعیین این تفاوت‌های عملکردی یا سمبلیک در میان اجزای یک بنا، امر حساسی برای ایجاد یک نظام بارز سلسله مراتبی در میان فرم‌ها و فضاهای بنا محسوب می‌شود. برای اینکه یک فرم یا فضا به عنوان فرم یا فضایی مهم در یک سازمان‌دهی تفکیک گردد، باید آشکارتر باشد. این امر به این ترتیب می‌تواند حاصل شود که به این شکل یا فرم، اندازه‌ای استثنایی -شکلی یگانه- مکانی مهم و بارز باشد. در تمام موارد، فرم یا فضایی که از نظر سلسله مراتب مهم است، به وسیله استثنایی بودن خود نسبت به حد مقرر و خلاف الگوی منظم و مقرر عمل کردن دارای اهمیت و معنی می‌گردد (چینگ، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

در معماری سنتی ایران، هر فضا، هویت ویژه خود را دارد. از هنگام ورود به فضا، بخش‌های مختلف به دنبال هم قرار گرفته‌اند تا با ایجاد سلسله مراتب فضایی مناسب به کالبد مجموعه شکل دهند. این امر بدین گونه در معماری سنتی ما انجام پذیرفته است: مرزبندی فضاها با کالبدهای تعریف‌شده و روشن بودن مرز میان فضاها، بهره‌گیری از فضاهای واسط و فاصله‌انداز به نام میان در فضاهای اصلی، پرهیز از یکپارچه کردن فضاها یا از میان بردن مرزها، داشتن ویژگی‌ها و تمایزات کمی و کیفی هر فضا برای متمایز شدن و تفرد در بین فضاهای دیگر (ر.ک: نقره‌کار، ۱۳۸۷).

در طراحی معماری، بین تقارن، نظم و سلسله مراتب، رابطه علی وجود دارد (Ching, 1979). هندسه، نظم مکانی است که از طریق اندازه‌گیری و رابطه اشکال تعریف می‌شود (ر.ک: Law, 1982). سلسله مراتب به دلیل ترکیب عناصر با توجه به درجه و میزان اهمیتشان، نوعی نظم پیچیده را به دست می‌دهد. در اینجا الزاماً جدایی میان عناصر وجود ندارد. برای به وجود آوردن سلسله مراتب نه تنها می‌توان به شیوه‌های دگرگونی اندازه‌های نسبی متوسل شد، بلکه می‌توان به آمادگی‌ها و جنبه‌های استثنایی فرم در تعامل با متن یا بافت نیز توسل جست (از آن جمله است: مرکزیت، محوریت جهت‌گیری، تقابل هندسی و نظایر اینها). هر کس که از سلسله مراتب در محیط مصنوع سخن به میان می‌آورد، حاضر و آماده فقط به محور، تقارن، مرکزیت و نظایر اینها می‌اندیشید. به هر حال برشمردن تمام شیوه‌هایی که می‌تواند بر تفوق یک عنصر، در متن آن تأثیر بگذارد، فایده‌ای ندارد و چنین نیست که تقارن آنها، راه دستیابی به آن باشد. حتی تغییرات ساده در جهت‌گیری ساختمانی خاص با توجه به دیگر ساختمان‌ها، از آنجا که نوعی استثنا در آن ایجاد می‌کند، کافی است تا سلسله مراتب مشخصی را به وجود آورد.

بدین ترتیب سلسله مراتب تلویحاً در بردارنده تفوق فضاها یا اشیاست. ما سلسله مراتب‌های گوناگونی را همه‌روزه در سازمان‌دهی تفکرات خود مورد استفاده قرار می‌دهیم؛ زیرا

## شکل و سلسله‌مراتب شکلی

هرگونه ابزاری که بتواند راه اتصال میان جهان ذهنی هر فرد با جهان فکری هر انسان دیگری را باز کند، بی‌توجه به جنس و نوع آن، از اولین لحظه‌ای که متظاهر می‌شود به بعد، نمی‌تواند فاقد شکل باشد. شکل، تعیین رمز و راز می‌کند؛ شکل، بعدها ذهنی را می‌نمایاند؛ شکل، احساس‌های درک‌شده و به غوطه برده شده را به زبان می‌آورد؛ شکل، به همدلی‌های انسانی و به دل‌بستگی‌های عاطفی اشارت می‌دهد و شکل، راه فشردن دست دل‌ها را می‌نمایاند (فلامکی، ۱۳۸۲: ۵۳). اصلی‌ترین ویژگی سطح، شکل آن است. شکل‌های طبیعی، اشکال دنیای طبیعی اطراف ما را نشان می‌دهند. بعضی از اشکال هندسی هستند که براساس کیفیت بصری، بر احساس و ادراک انسان تأثیر می‌گذارند. در هنرهای تجسمی و هنرهای کاربردی از انواع اشکال برای بیان مفاهیم و کیفیات مورد نظر بهره می‌گیریم (دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ۱۳۹۶: ۸۰).

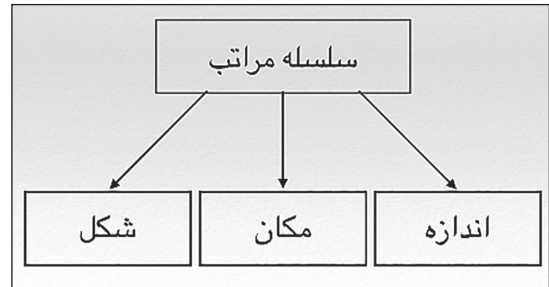
شکل می‌تواند چندان تکامل‌یافته به نظر رسد و بیانگر مشخصه‌های اندازه‌های، رنگی، ترکیبی و تناسباتی صلب شود، که ماندگاری خود را به ما القا کند و یا برعکس، دگرگونی مشخصه‌هایی نظیر آنچه آوردیم، چندان محسوس باشد و به چشم می‌آید، به گونه‌ای که علی‌رغم دریافت هویتی قابل تعیین و تعریفی که از آن خواهیم داشت، بر ناپایداری‌اش نظر دهیم. از دیدگاه ما، شکل سوای اینکه تنها راه ممکن برای انتقال مفهومی خاص از سوی آفریننده برای بهره‌وری کننده است، از مجموعه مشخصه‌هایی برخوردار است که به آن توان کارایی می‌بخشد. شکل، ویژگی اصلی‌ای است که توسط آن، فرم‌ها را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنیم. فرم، علاوه بر شکل، خواص بصری اندازه، رنگ و بافت را نیز داراست (چینگ، ۱۳۹۴: ۵۳).

شکل هر چیزی، چهره‌ای است که هرگونه دست‌ساخته انسانی و هر بخشی از طبیعت- به هر بعدی که باشد- را به ما می‌نمایاند و دارای اندام خاصی است. اندام هر شکل را چگونگی جای گرفتن اجزای سازنده آن به دست می‌دهد؛ اجزایی که با یکدیگر رابطه‌هایی معین و مشخص دارند؛ رابطه‌هایی که در سطح‌ها و در تناسب‌ها، در فرورفتگی‌ها و بیرون‌زدگی‌ها، در نرمی‌ها و در زبری‌ها، در تندی‌ها و در ملایم شدن رنگ‌ها، به ترتیب و تناسب‌هایی خاص متظاهر می‌شوند (پاکزاد، ۱۳۷۸: ۱۳).

شاید در نگاه اولیه به کلمه شکل و فرم، هر دو به یک مفهوم به نظر آیند که در واقع به این صورت نیست و در مفاهیم با هم متفاوتند؛ هر چند که همیشه باهم و همراه هم هستند. لوی کان در این باره می‌نویسد: فرم با شکل یکی نیست. شکل به طرح مربوط است، اما فرم به نمایش گذاشتن اجزای جدایی‌ناپذیر می‌پردازد. آدرنون نیز درباره فرم می‌گوید: فرم چنان‌که از خود لفظ پیدااست، یک چیز است و خود آن چیز اجازه ندارد به تکرار خود منجر گردد. شاید شکل را

برای تسهیل جهت‌گیری‌مان در فضاها پیچیده، به اینگونه ارجاعات نیاز داریم. هنگامی که سلسله‌مراتب‌های متعدد و دارای ارزش‌های یکسان وجود داشته باشند، وضوح سلسله‌مراتب خدشه‌دار می‌گردد (مایس، ۱۳۸۳: ۵۶).

اصل رده‌بندی یا سلسله‌مراتب را می‌توان در سه سطح زیر آشکارا دید:



شکل ۱- رده‌بندی سلسله‌مراتب

سلسله‌مراتب به وسیله اندازه، تناسب و مجموعه‌ای از نسبت‌هاست که میان اجزای یک دستگاه با یکدیگر و نیز میان هر جزء با کل برقرار می‌شود (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۱۸۹). یک فرم یا فضا به خاطر تفاوت بارز اندازه‌اش نسبت به سایر قسمت‌ها می‌تواند در یک ترکیب معماری تفوق یابد. معمولاً این تفوق به وسیله بعد عمودی یک قسمت معلوم می‌شود. همچنین در برخی موارد، یک قسمت می‌تواند به خاطر کوچکی قابل توجه‌اش نسبت به سایر قسمت‌های سازمان‌دهی و قرارگیری‌اش در وضعی کاملاً مشخص، تفوق یابد. سلسله‌مراتب به وسیله مکان، فرم‌ها و فضاها برای اینکه به عنوان اجزایی مهم در یک ترکیب جلب توجه کنند، می‌توانند در مکانی مهم و باارزش قرار گیرند. در نظام سلسله‌مراتب، مکان‌های مهم برای یک فرم یا فضا به این قرارند: انتهای یک ترتیب خطی یا سازمان‌دهی محوری، قسمت مرکزی یک سازمان‌دهی متقارن، مرکز یک سازمان‌دهی مرکزی یا شعاعی، بیرون‌زدگی در بالا، پایین یا در جلوی یک ترکیب (چینگ، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

اگر در این الگو، تقدم و تأخر فضاها به گونه‌ای باشد که دسترسی به یک فضا، با عبور از فضاها پیشین صورت گرفته، یا اینکه دسترسی بصری به یک فضا، تنها از طریق بخش‌های خاصی از فضا صورت گیرد، در چنین حالتی یک نظم مراتبی بر فضا حاکم می‌شود که برگرفته از نوع استقرار فضاها در نظام کلی پیکره‌بندی فضایی است. این نظام مراتبی تحت عنوان سلسله‌مراتب مکان قابل تعریف است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲). سلسله مراتب به وسیله شکل، فرم‌ها و فضاها به وسیله تمایز آشکار شکلشان از بقیه قسمت‌های یک ترکیب می‌توانند تفوق بصری یابند (چینگ، ۱۳۹۴: ۱۵۷). در ویدئواکولوژی، محیط بصری پیرامون انسان به عنوان یک عامل اکولوژیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در آن فضا در دو سطح ارکان و اجزای تشکیل‌دهنده آن تحلیل می‌شود (پورجعفر و علوی، ۱۳۹۱: ۸۸).

بتوان دست‌مورالعمل استفاده فرم‌ها در ارتباط آنها با یکدیگر تعریف نمود. چینگ نیز درباره شکل در کتاب خود اینگونه می‌نویسد: «شکل ویژگی اصلی‌ای است که توسط آن، فرم‌ها را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنیم. فرم، علاوه بر شکل، خواص بصری اندازه، رنگ و بافت را نیز دارد» (چینگ، ۱۳۹۴: ۵۳).

در ترکیب معماری، یک محور، یکی از وسایل تنظیم‌کننده قدرتمند است که می‌تواند شرایط تقارن را مشخص کند. اصل سلسله‌مراتب در طراحی دلالت بر درجه اهمیتی دارد که به عناصر مختلف در یک ترکیب‌بندی داده می‌شود (ر.ک: Ching, 1979). این یک اصل پذیرفته‌شده گسترده در طراحی معماری است که کیفیت‌هایی مانند محورها و تقارن می‌توانند سلسله‌مراتب و جهت‌گیری شکل را تحت تأثیر قرار دهند (Smith, 2017: 60).

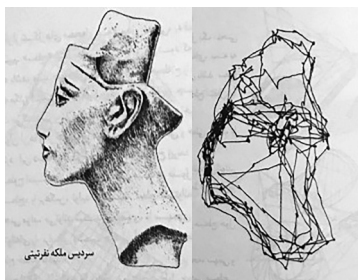
سلسله مراتب شکلی را می‌توان جزء دسته مواردی دانست که در معماری با علم ریاضی و علم معنا تعریف می‌گردد. در واقع آغاز هر شکل را از نقطه می‌دانند که با تبدیل آن به دونقطه می‌توان به خط دست یافت و در گسترش خط به اشکال اقلیدسی و با دوران آن به دایره و کره رسید که نمادی از عالم است. شکل در معماری ما، حرکتی است از نقطه به خطوط و اشکال اقلیدسی و نهایت دایره و کره می‌شود که در آن مربع برگرفته از عالم چهارگانه طبایع که بر اثر نفس و عقل به ذات الهی می‌رسد، که حرکت است از مربع با واسطه‌هایی چون مثلث و خطوط که به دایره می‌رسد و نهایت دایره که به کره که خود نقطه‌ای در این جهان بیش نیست تبدیل می‌گردد که نقطه، همان ذات الهی است. شکل در معماری ایرانی، حرکتی از عالم ماده به ذات الهی است که این حرکت با در کنار مفاهیم و تفکرات قرار گرفتن، تعالی می‌یابد. به نوعی اشکال در معماری ایرانی را می‌توان بر اساس الهام تفکر گسترش ذات الهی و تبدیل آن به عالم هستی دانست که این اشکال با کنار هم قرار گرفتن به وجود می‌آیند (پاکزاد، ۱۳۷۸: ۱۳). سلسله‌مراتب شکلی پیوسته دگر می‌شود و این دگر شدن، سبب‌ها و نیز آهنگش را معمولاً درون خود بنا یا ماهیت و ذات آن دارد. این مجموعه داده‌ها که تنها در یک «آن» ثابت جلوه می‌کند، از آنجا که از منطق یا لوژیک ساختمانی خاصی پیروی می‌کند، ساختار شکل به شمار می‌آید. ساختار به معنای موجودیت شبه‌ساختمانی برپا نگه‌داشته‌شده و برپا نگه‌دارنده تمامی رابطه‌هایی است که میان اجزای متفاوت و تکمیل‌کننده شکل، به نظم و ترتیب خاصی برقرارند. نکته دیگر قابل ذکر این است که شکل به عنوان چیزی که در دگرگونی مدام فهم می‌شود (و در لحظه به بازشناسی ایستایش می‌پردازیم) و عناصر یا اجزای آن به نسبت‌های خاص و پیوسته مرتبط با یکدیگر و مشروط از مرتب‌هایی زمانی- مکانی دیده شده‌اند، معرفی می‌شود (فلامکی، ۱۳۸۲: ۵۳). فرم‌ها و فضاها به وسیله تمایز آشکار شکلشان از بقیه قسمت‌های یک ترکیب می‌توانند تفوق بصری یابند و بدین ترتیب مهم جلوه کنند. تضاد

آشکار در شکل و اینکه این تمایز بر مبنای تغییر در هندسه است یا در نظم، امر حساسی می‌باشد. البته این نکته نیز مهم است که شکلی که برای جزء مهم در سلسله‌مراتب انتخاب می‌شود، با عملکرد و نوع استفاده‌اش مطابقت داشته باشد (چینگ، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

## روش تحقیق

برای اینکه به تفوق بصری در اشکال دست یافت، در مرحله اول باید دانست که چه عواملی در شکل‌ها سبب جلب توجه در چشم‌ها می‌شود. ویدئواکولوژی، مبحثی است که جدیداً مطرح شده و به طور جدی به این مسئله پرداخته است.

شکل به خطوط پیرامونی مشخصه تصویر صفحه‌ای یا پیکربندی مسطح یک فرم دارای حجم اشاره می‌کند. شکل، وسیله اصلی تشخیص، شناسایی و دسته‌بندی تصاویر و فرم‌های خاص است. ادراک ما را از شکل به درجه تباین بصری موجود در طول خطوط کناره‌نمایی که تصویر را از آن جدا می‌کند، یا بین فرم و حوزه آن بستگی دارد (همان: ۵۵).



شکل ۲- الگوی حرکت چشم شخصی که تصویر را نظاره می‌کند.

برگرفته از تحقیق آلفرد ال، یاربوس، مؤسسه مسائل انتقال اطلاعات در مسکو (چینگ، ۱۳۹۴: ۵۵)

## روش ویدئواکولوژی

ویدئواکولوژی، مبحثی است که محیط بصری پیرامون انسان را به عنوان یک عامل اکولوژیکی مورد بررسی قرار می‌دهد. این بحث اولین بار در سال ۱۹۹۸ توسط واسیلی آنتونویچ فیلین در کتابی با همین نام مطرح شد. این مبحث، محیط بصری پیرامون انسان را به مثابه سایر ابعاد محیط زیست انسان که روی ویژگی‌های زیست‌شناختی و فیزیولوژیکی آن تأثیر می‌گذارند، مورد توجه قرار می‌دهد؛ به این صورت که محیط بصری را با توجه به میزان مطابقتی که با مکانیسم‌های فیزیولوژیکی و طبیعی بینایی انسان دارد، تحلیل می‌کند و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و استانداردهای دستگاه بینایی در ادراک تصویر، محیط بصری مناسب و نامناسب را برای چشم شناسایی می‌کند (پورجعفر و علوی، ۱۳۹۱: ۱۹). معیارهای هماهنگی و ایجادکننده تفوق بصری، معیارهایی که باعث غنای بینایی می‌شوند و با مکانیسم‌ها و استانداردهای دستگاه بینایی هماهنگی ایجاد می‌کنند، در جدول زیر آمده است.

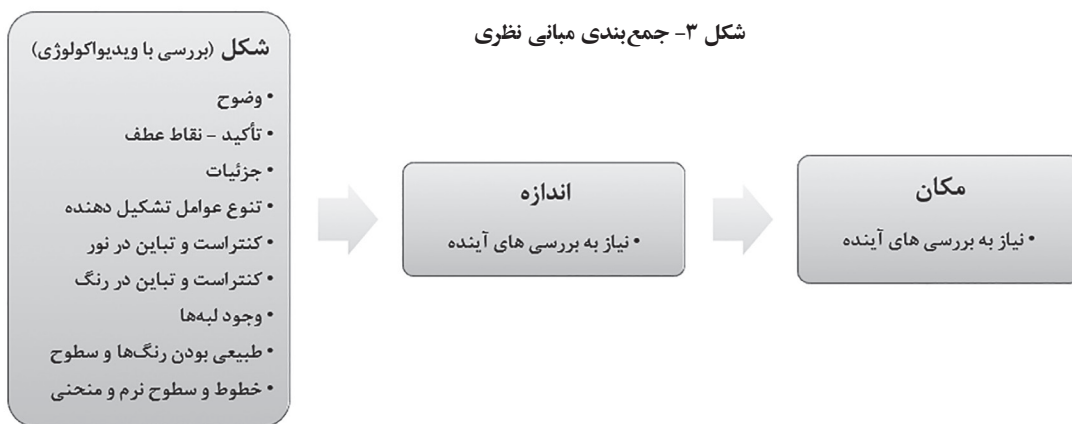


## جدول ۱- معیارهای هماهنگی و ایجادکننده تفوق بصری

معیارها	توضیحات
وضوح	وضوح و مشخص بودن عناصر تصویر در زمینه
تأکید- نقاط عطف	نقاط کلیدی و برجسته در تصویر که چشم جست‌وجو می‌کند و با نوعملکرد نورون‌ها که بر اساس وجود تباين و تفاوت لبه‌هاست، همخوانی دارد.
جزئیات	وجود جزئیات به دلیل ایجاد موضوعی جدید برای فوکوس کردن و همخوانی با سیستم تشخیص نورون‌ها
تنوع عوامل تشکیل‌دهنده	تنوع عوامل تشکیل‌دهنده تصویر نیز با ایجاد موضوع جدید به فوکوس بیشتر کمک می‌کند و با ایجاد لبه‌ها با سیستم خاموش و روشن همخوانی دارد.
کنتراست و تباين در نور	وجود کنتراست و تباين با ایجاد نقاط جاذب با فوکوس و عمل تثبیت چشم هماهنگ است.
کنتراست و تباين در رنگ	با ایجاد تباين، نقاط تأکید و ایجاد مرزها و لبه‌ها و همچنین تفاوت در میدان گیرنده بینایی با مکانیسم‌های یادشده، هماهنگی دارد.
وجود لبه‌ها	لبه‌ها که خود از وجود ساختار متنوع در شکل‌ها و جزئیات و عناصر تشکیل‌دهنده آن ایجاد می‌شود، به عنوان نقاط کلیدی برای حرکات ساکادی و ایجاد مسیرهای بینایی عمل می‌کند.
طبیعی بودن رنگ‌ها و سطوح	با توجه به ملایم‌تر و هماهنگ‌تر بودن تابع انعکاس سطوح طبیعی، این سطوح، خوشایندی بیشتری برای چشم دارند.
خطوط و سطوح نرم و منحنی	با توجه به متعادل بودن فرکانس‌های فضایی چنین خطوطی و پیروی آنها از الگوی موج سینوسی که با بینایی هماهنگی بیشتری دارند، این خطوط برای چشم خوشایندترند.

(پورجعفر، ۱۳۹۱: ۸۸)

### شکل ۳- جمع‌بندی مبانی نظری



### روش گردآوری اطلاعات

برای بررسی یافتن اصولی برای طراحی مساجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی، جدولی مطابق جدول (۳) با توجه به پیشنهادها طراحی و معیارهای بوم‌شناسی بصری تهیه شد تا با بررسی این پیشنهادها بتوانیم رعایت کردن یا نکردن، میزان تأثیرگذاری، اهمیت و راه‌کارهای استفاده شده برای انجام این پیشنهادها را در مساجد قاجار شیراز بررسی کنیم تا بتوانیم به اصولی برای طراحی عناصر کالبدی مسجد با تأکید بر سلسله‌مراتب شکلی به منظور افزایش حضور برسیم. بدین منظور

پرسشنامه‌ای تهیه گردید و بین متخصصان این رشته پخش شد. روش تجزیه و تحلیل، روش دلفی در نظر گرفته شد. دلفی، رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرهای یک گروه از متخصصان درباره یک موضوع یا یک سؤال است. دلفی، روشی ارزان، چندکاره، عینی، بدون تهدید و آسان برای شناسایی و فهمیدن است و با استفاده گسترده از نظرها، اجماع قوی و مستحکمی از نظرها، به‌ویژه در موارد عدم وضوح و کمبود شواهد تجربی ارائه می‌دهد (احمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

بررسی شد. ابتدا روایی پرسشنامه را متخصصان ارزیابی کردند و بعد از انجام اصلاحات در اختیار گروه ۲۳ نفره واجد شرایط قرار گرفت. بعد از وارد کردن اطلاعات در SPSS25، ضریب همبستگی کندال برای پاسخ‌های گروه متخصصان معادل ۰/۱۵۸ است که نسبت به ضریب همبستگی کندال گروه خبرگان یعنی ۰/۱۶۶ تنها ۰/۰۰۸ کاهش دارد که این ضریب یا میزان اتفاق نظر میان اعضای کارگروه در میان دو دور متوالی، تغییر قابل توجهی ندارد که بیانگر همبستگی بین دیدگاه‌هاست. مقدار معناداری هر دو گروه با هم صفر محاسبه شده است که نشان می‌دهد ضریب همبستگی مشاهده شده، معنادار است. پایایی بین پرسشنامه اول و دوم می‌تواند با بررسی میزان توافق بین پاسخ‌دهندگان برآورد شود که از آنجا که اجماع نظر به میزان کافی بین دو گروه بوده، پرسشنامه پایا بوده است.

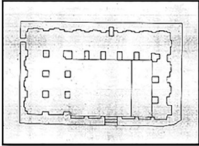

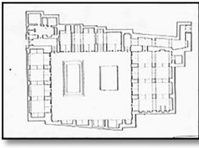

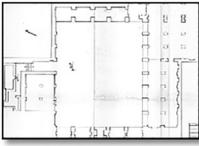

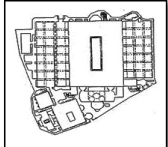

### نمونه‌های موردی

برای این پژوهش، چهار نمونه موردی به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی انتخاب شده است؛ بدین صورت که مساجد قاجار شیراز در چهار زمان بندی در دوره قاجار طبقه‌بندی شده است. سپس از هر طبقه، یک مسجد به صورت تصادفی انتخاب شده است که اطلاعات این مساجد به صورت خلاصه در جدول (۲) آمده است.

تعداد شرکت‌کنندگان در مقالات مشابه معمولاً بین ۵۰ نفر تا ۱۵ نفر بوده است، هرچند که در مقالات تعداد شرکت‌کنندگان از ۱۰ تا ۲۰۰۰ نفر نیز دیده می‌شود. اما برای گروه‌های همگن در یک تحقیق معمولاً تعداد شرکت‌کنندگان ۱۰-۱۵ نفر کافی است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۷). بر این اساس جامعه آماری این تحقیق از ترکیب دو گروه از خبرگان اساتید دانشگاهی و دانشجویان و مشغولان به کار دانشگاهی تشکیل شده است که دارای مدرک ارشد یا دکتری باشند. گروه اول، اساتید دانشگاه متخصص در رشته معماری و سوابق پژوهشی در زمینه مرتبط با موضوع تحقیق اعم از نگارش مقاله، کتاب، راهنمایی و مشاوره رساله و پایان‌نامه، برگزاری سمینار و کنفرانس باشند. گروه دوم، خبرگان حوزه معماری دانشجوی دانشگاه معماری یا مشغول به کار معماری، دارای تحصیلات ارشد و بالاتر باشند.

اعضای پانل دلفی برای این پژوهش به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی و ترکیبی از روش‌های هدف‌دار یا قضاوتی و گلوله برفی به تعداد ۲۳ نفر از افراد واجد شرایط برگزیده شدند. پرسشنامه به یک گروه ده نفره از متخصصان شامل اساتید دانشگاه و یک گروه سیزده نفره از خبرگان شامل دانشجویان ارشد و دکتری معماری داده شد و نظر آنها درباره پیشنهادهای طراحی با توجه به معیارهای بوم‌شناسی بصری درباره چهار مسجد دوره قاجار شیراز تحلیل و

جدول ۲- نمونه‌های موردی

نام مسجد	دوره	آدرس	پلان	تصویر
مسجد حاج نظام	متعلق به اواخر زنده یا اوایل قاجار	حد فاصل بین مدرسه خان و مجموعه ملک در محله اعیانی اسحاق بیگ (اولین محله تاریخی شیراز)		
مسجد حاج علیرضا	متعلق به اوایل قاجار	خیابان لطفعلی خان زند، بین چهارراه مشیر و سه‌راه نمازی، کوچه سیاوشان، پشت مسجد آقا محمد، پلاک ۲۵		
مسجد حاج غنی	متعلق به اواخر قاجار	دروازه اصفهان، ابتدای بازار وکیل		
مسجد نصیر الملک	متعلق به اواخر قاجار یا اوایل پهلوی	خیابان لطفعلی خان زند، کوچه نصیرالملک، کوچه تریاکچی		

## تجزیه و تحلیل

در جدول زیر به طور خلاصه، توصیف آماری نظریات پاسخ دهندگان

درباره عوامل پیشنهادی طراحی با توجه به معیارهای بوم‌شناسی بصری درباره چهار مسجد دوره قاجار شیراز آمده است.

جدول ۳- توصیف آماری نظریات پاسخ دهندگان درباره عوامل پیشنهادی طراحی با توجه به راه کارهای ایجاد سلسله مراتب شکلی درباره چهار مسجد دوره قاجار شیراز

تقسیمات کلی		تقسیمات فرعی		پیشنهادها							
مساجد				حاج نظام		حاج علیرضا		حاج غنی		نصیرالملک	
				رتبه اهمیت		رتبه اهمیت		رتبه اهمیت		رتبه اهمیت	
				مجموع		مجموع		مجموع		مجموع	
ارکان	احجام	استفاده از عناصر الحاقی و تزئینی									
		هندسه نرم و منحنی در حجم‌های الحاقی									
		تنوع در هندسه احجام تشکیل دهنده بنا و احجام الحاقی									
		تأکید در بخشی از بنا با استفاده از حجمی متمایز									
سطوح		استفاده از سطوح متنوع از نظر هندسه و شکل									
		استفاده از سطوح متنوع از نظر ابعاد و اندازه									
		کاربرد سطوح متنوع به لحاظ رنگ									
		ایجاد تفاوت و تباین در نوع و بافت مصالح سطح نما									
اجزا	بازشوها	استفاده از قاب‌ها و چهارچوب‌ها در شیشه بازشوها									
		استفاده از عناصر الحاقی و تزئینات لبه‌ها									
ورودی‌ها		ایجاد نقاط تأکید و نقاط عطف در کلیت نما از طریق نوع چیدمان پنجره‌ها و تأکید بر بازشوهای خاص									
		استفاده از عناصر الحاقی برای تأکید و تنوع بخشی									
		خط بام		طراحی متنوع خط بام بنا و عدم طراحی خط بامی صاف و یکدست و خشک							
		خطوط نما		استفاده از تأکیدهای بصری و نقاط عطف در خط بام							
تزیینات و جزئیات		خطوط نما		استفاده از فرم‌ها و خطوط نرم و منحنی در ساختار کلی خط بام							
		خطوط طبقات		مشخص کردن مرز بین طبقات							
		خطوط موجود در سطح		رعایت تنوع در نوع خطوط و رعایت تنوع در ضخامت و اندازه‌های خطوط							
		تزیینات و جزئیات		به کارگیری جزئیات کافی در تعریف اجزا مختلف نما							
				مجموع		مجموع		مجموع		مجموع	
				میزان علاقه به حضور در مکان		میزان معنویت با حضور در این مکان		میزان سلسله‌مراتب شکلی		میزان معنویت بر اثر سلسله‌مراتب شکلی	
				۱۸۴۶		۹۱۳		۹۲۳		۹۱۷	
				۱۰۶		۶۲		۶۶		۶۸	
				۱۰۱		۵۹		۶۶		۷۰	
				۱۰۱		۵۵		۶۲		۶۵	
				۱۰۲		۵۵		۶۴		۷۱	

در مسجد حاج نظام، راه کارهای کاربرد سطوح متنوع به لحاظ رنگ، استفاده از عناصر الحاقی و تزئینی و استفاده از عناصر الحاقی برای تأکید و تنوع بخشی، بیشترین راه کارهای مورد استفاده بوده است.

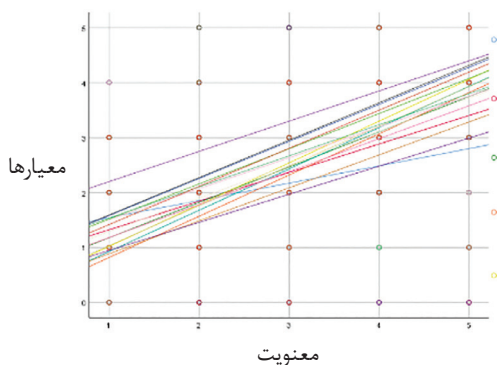
در مسجد حاج علیرضا، راه کارهای مشخص کردن مرز بین طبقات، طراحی متنوع خط بام بنا و عدم طراحی خط بامی صاف و یکدست و خشک و استفاده از عناصر الحاقی و تزئینی، بیشترین راه کارهای مورد استفاده بوده است.

در مسجد حاج غنی، راه کارهای استفاده از فرم‌ها و خطوط نرم و منحنی در ساختار کلی خط بام، استفاده از تأکیدهای بصری و نقاط عطف در خط بام و مشخص کردن مرز بین طبقات، بیشترین راه کارهای مورد استفاده بوده است.

در مسجد نصیرالملک، مشخص کردن مرز بین طبقات، استفاده از عناصر الحاقی و تزئینی و استفاده از فرم‌ها و خطوط نرم و منحنی در ساختار کلی خط بام، بیشترین راه کارهای مورد استفاده بوده است.

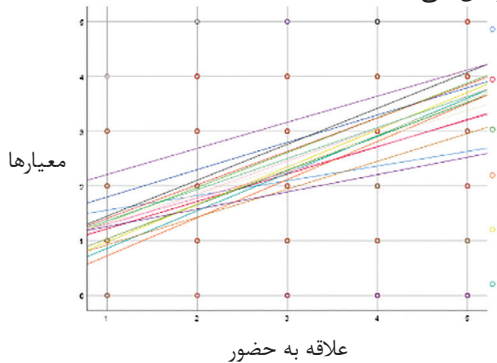
جدول ۴- همبستگی بین معیارها

عناصرالحاقی	میزان علاقه به حضور	حضور باعث افزایش معنویت	وجود سلسله مراتب	سلسله مراتب باعث معنویت
عناصرالحاقی	۰,۳۲۶	۰,۲۶۱	۰,۲۸۵	۰,۳۴۳
هندسه نرم الحاقی	۰,۴۵۶	۰,۴۰۳	۰,۴۶۵	۰,۳۸۹
تنوع در هندسه	۰,۵۸۵	۰,۵۶۰	۰,۵۹۱	۰,۵۴۰
تاکید بر بخشی	۰,۵۳۸	۰,۵۵۵	۰,۶۵۶	۰,۵۸۵
استفاده از سطوح هندسه	۰,۵۷۸	۰,۵۸۷	۰,۶۸۳	۰,۶۹۷
استفاده از سطوح ابعاد	۰,۵۰۹	۰,۴۶۹	۰,۵۸۷	۰,۵۱۲
کاربرد سطوح	۰,۵۳۲	۰,۵۰۴	۰,۵۲۸	۰,۵۳۲
ایجاد تفاوت و تباین	۰,۵۸۰	۰,۵۵۳	۰,۶۱۱	۰,۵۰۹
استفاده از قاب	۰,۴۷۹	۰,۵۰۵	۰,۶۰۸	۰,۵۴۹
استفاده از عناصرالحاقی تزئینات	۰,۵۸۲	۰,۶۳۵	۰,۶۱۴	۰,۵۱۰
ایجاد نقاط تأکید	۰,۴۴۴	۰,۵۰۱	۰,۵۹۹	۰,۵۶۶
استفاده از عناصرالحاقی تأکید	۰,۵۸۳	۰,۶۷۱	۰,۵۹۰	۰,۴۸۱
طراحی متنوع خط بام	۰,۴۸۰	۰,۴۵۹	۰,۴۶۳	۰,۴۳۶
استفاده از تأکید بصری	۰,۵۸۵	۰,۵۶۷	۰,۵۹۵	۰,۵۲۳
استفاده از فرم	۰,۴۷۱	۰,۴۷۳	۰,۴۶۹	۰,۵۰۵
مشخص کردن رمز	۰,۳۱۷	۰,۳۴۱	۰,۴۰۹	۰,۳۴۲
رعایت تنوع در نوع خطوط	۰,۵۴۵	۰,۵۳۶	۰,۵۸۹	۰,۶۴۹
به کارگیری جزئیات	۰,۶۰۵	۰,۶۲۴	۰,۶۵۴	۰,۵۵۵
ایجاد کنتراست	۰,۵۲۰	۰,۵۲۴	۰,۵۷۰	۰,۵۱۵
ایجاد سایه روشن	۰,۶۲۵	۰,۶۹۱	۰,۵۹۵	۰,۵۴۲



نمودار ۲- نمودار همبستگی معیارها با معنویت

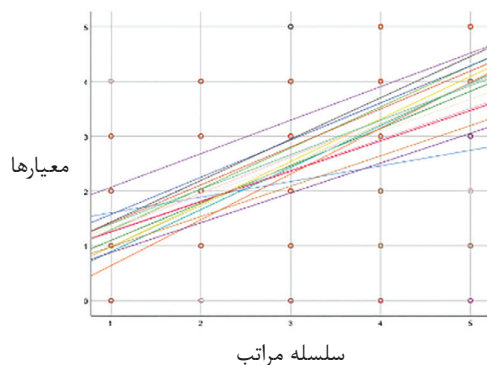
جهت خطوط در نمودار (۳) نشان دهنده این موضوع است که تمام معیارها با علاقه به حضور رابطه معناداری دارند. بدین صورت که با افزایش هر یک از معیارها، میزان علاقه به حضور در فضا افزایش می یابد.



نمودار ۳- نمودار همبستگی معیارها با علاقه به حضور

بعد از پر کردن پرسشنامه و وارد کردن نتایج آن در SPSS25، برای بررسی همبستگی و ارتباط بین علاقه حضور، معنویت و سلسله مراتب شکلی با راه کارهای پیشنهادشده در پرسشنامه، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در SPSS25 استفاده شد. در ادامه، نمودارهای به دست آمده از این آزمون آمده است تا به کمک این نمودارها و بحث درباره آنها به نتایج درخور توجه دست یافت.

جهت خطوط در نمودار (۱) نشان دهنده این موضوع است که تمام معیارها با سلسله مراتب، رابطه معناداری دارند؛ بدین صورت که با افزایش هر یک از معیارها، معنویت در فضا افزایش می یابد.



نمودار ۱- نمودار همبستگی معیارها با سلسله مراتب

جهت خطوط در نمودار (۲) نشان دهنده این موضوع است که تمام معیارها با معنویت رابطه معناداری دارند. بدین صورت که با افزایش هر یک از معیارها، معنویت در فضا افزایش می یابد.

عناصر الحاقی	استفاده از سطوح ایجاب	ایجاب نقاط تاکید	مشخص کردن مرز
میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور
هندسه نرم الحاقی	کاربرد سطوح	استفاده از عناصر الحاقی تاکید	رعایت تنوع در نوع خطوط
میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور
نوع در. هندسه	ایجاد تفاوت و تبدیل	طراحی متنوع خطوط بام	به کارگیری جزئیات
میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور
تلاکید بر بخشی	استفاده از قاب	استفاده از ترکیب بصری	ایجاد کنتراست
میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور
استفاده از سطوح هندسه	استفاده از عناصر الحاقی تزیینات	استفاده از فرم	ایجاب سایه روشن
میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور	میران. علاقه به حضور

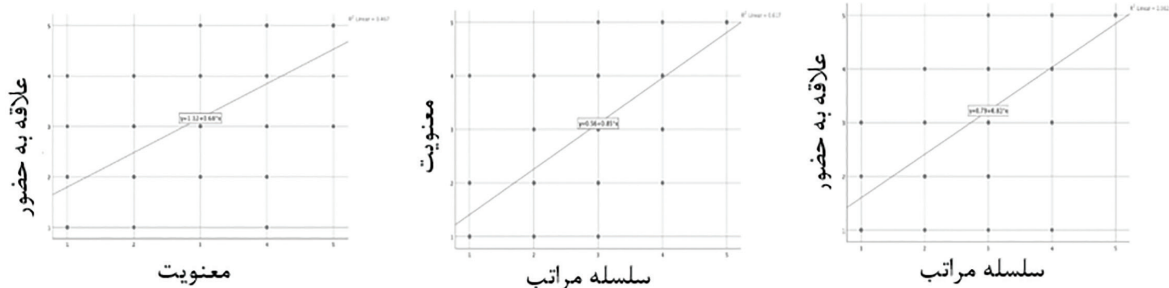
شکل ۴- توضیحات نمودارهای ۱ و ۲ و ۳

(منبع: نویسندگان)

هندسه نرم عناصر الحاقی، طراحی متنوع خط بام، استفاده از فرم، مشخص کردن مرز که ضریب همبستگی پیروان آنها زیر ۰٫۵ آمده و نشان دهنده همبستگی و رابطه معناداری ضعیف است، بقیه راه کارها نشان دهنده ارتباط معناداری بین راه کارهای پیشنهاد شده با میزان علاقه به حضور و معنویت و سلسله مراتب شکلی است.

## بحث اصلی

در این پژوهش، ارتباط معناداری بین سلسله مراتب شکلی، معنویت و علاقه به حضور به دست آمده است. همبستگی راه کارهای پیشنهاد شده با میزان علاقه به حضور و معنویت و سلسله مراتب شکلی بین اعداد ۰٫۲۶۱ تا ۰٫۶۹۱ به دست آمد. این امر بیانگر این است که به جز پنج مورد عناصر الحاقی،



نمودار ۴- نمودارهای همبستگی سلسله مراتب با معنویت و علاقه به حضور

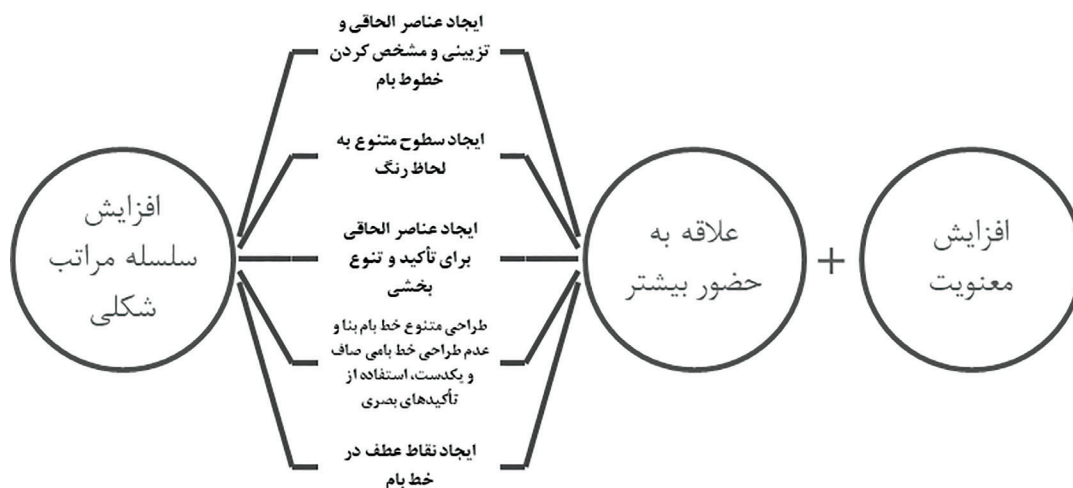
## نتیجه گیری

این پژوهش، از شناخت اصولی برای طراحی عناصر کالبدی مسجد با تأکید بر سلسله مراتب شکلی آغاز شد و پس از اعتباربخشی توسط خبرگان، مؤلفه های عناصر الحاقی و تزیینی و مشخص کردن خطوط بام و خطوط نرم، دارای بیشترین وابستگی به سلسله مراتب شکلی شناخته شد. همین عوامل، سبب علاقه بیشتر افراد برای حضور در این فضا شده است. معماران ایرانی، مساجد عهد قاجار شیراز را در طول زمان، با افزایش عناصر الحاقی و تزیینی و مشخص کردن خطوط بام بهبود بخشیده اند و سپس با اضافه کردن بسیار کم خطوط نرم به مرور زمان، علاقه مردم را به حضور در این فضا بیشتر نمودند.

از نمودار (۴) می توان نتیجه گرفت که ارتباط ضعیفی بین حضور با معنویت و ارتباط قوی بین سلسله مراتب با معنویت و حضور وجود دارد. همچنین ارتباط بین حضور با معنویت ۰٫۴ کمتر از ۰٫۵ است که نشان دهنده عدم ارتباط معنادار بین این دو مؤلفه به صورت مستقیم است. در صورتی که ارتباط بین سلسله مراتب با معنویت ۰٫۶۷ و سلسله مراتب با حضور ۰٫۵۴ است که نشان دهنده ارتباط معناداری بین آنهاست. این نتایج نشان دهنده این است که سلسله مراتب باعث معنویت و علاقه به حضور می شود، نه معنویت. برای همین در طراحی مساجد، توجه به سلسله مراتب به دلیل افزایش علاقه به حضور و معنویت باید مورد توجه قرار گیرد.

معماران ایرانی، مسیر را تا جایی ادامه دادند که توانستند شاهکاری همانند مسجد نصیرالملک را در شیراز خلق کنند؛ مسجد قاجاری که دارای بیشترین سلسله مراتب شکلی است و افراد بیشتر علاقه به حضور در آن دارند و با داخل شدن به این مسجد، احساس معنویت بیشتری نیز می کنند. با توجه به تجزیه و تحلیل های انجام شده در این پژوهش، راه کارهای پیشنهاد شده می تواند سبب ایجاد سلسله مراتب شکلی و در نتیجه علاقه به

حضور و افزایش معنویت در این فضاها شود که از مهم ترین این راه کارهای معمارانه می توان به افزایش عناصر الحاقی و تزیینی و مشخص کردن خطوط بام، کاربرد سطوح متنوع به لحاظ رنگ، استفاده از عناصر الحاقی برای تأکید و تنوع بخشی، طراحی متنوع خط بام بنا و عدم طراحی خط بامی صاف و یکدست و خشک و استفاده از تأکیدهای بصری و وجود نقاط عطف در خط بام اشاره نمود.



شکل ۵- تأثیر سلسله مراتب شکلی بر مساجد قاجار شیراز

### پیشنادهایی برای تحقیقات آینده

برای ادامه این مقاله، تعمیق پذیری در مساجد شهرهای مختلف و یا کاربردی شدن اصول طراحی می تواند تحقیق و بررسی شود.

### منابع

۱. احمدی، فضل اله و خدیجه نصیریانی و پروانه ابادری (۱۳۸۷) «تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، دوره هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۹)، بهار و تابستان، صص ۱۷۵-۱۸۵.
۲. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۸) «فرم، شکل، گشتالت»، مجله مطالعات و پژوهش های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، شماره ۱، صص ۱۳-۱۸.
۳. پورجعفر، محمدرضا و مریم علوی بالمعنی (۱۳۹۱) «ویدئو اکولوژی»، تهران، آرمان شهر.
۴. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۳) «سبک شناسی معماری ایران»، تهران، معمار.
۵. چینگ، فرانسیس دی کی (۱۳۹۴) «الفبای معماری»، ترجمه علی باران، تهران، دانشگاه تهران.
۶. ----- (۱۳۹۷) «فرم، فضا و نظم»، ترجمه دکتر علیرضا تغابنی و سیده صدیقه قویدل، تهران، وارث.
۷. حیدری، علی اکبر و عیسی قاسمیان اصل و مریم کیایی (۱۳۹۶) «تحلیل ساختار فضایی خانه های سنتی ایران با استفاده

از روش نحوفضا»، شهر ایرانی- اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۲۱-۳۳.

۸. دانش، جهان و خسرو موحد و ملیحه تقی پور (۱۴۰۰) «تیین مفهوم سلسله مراتب شکلی- فضایی در الگوی سکونتگاهی قاجار (نمونه موردی: خانه های اعیانی تهران)»، نشریه معماری و شهرسازی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۲، صص ۲۵۱-۲۶۳.
۹. دفتر تألیف کتاب های درسی فنی و حرفه ای و کاردانش، طراحی و زبان بصری (۱۳۹۶) سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، نشر کتاب های درسی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵) «لغت نامه دهخدا»، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. ذوالفقارزاده، حسین و ندا زرکش (۱۳۹۵) «کندوکاوی بر اصل سلسله مراتب در معماری اسلامی و فولدینگ»، چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، دبیرخانه دایمی کنفرانس، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۲. راستجو، سیده سولماز و محمدرضا بمانیان (۱۳۹۸) «گونه شناسی ساختار فضایی خانه معاصر ایرانی با تکیه بر حریمت و سلسله مراتب»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره بیست و چهارم، شماره ۲، تیر، صص ۴۹-۵۸.
۱۳. رضایی، رضا سیروس (۱۳۹۴) «بازشناسی اصل سلسله مراتب در معماری مساجد ایران»، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، مؤسسه معماری و شهرسازی سفیران مهرازی، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد.
۱۴. سازمان میراث فرهنگی شیراز.
۱۵. صاحب محمدیان، منصور (۱۳۸۶) «سلسله مراتب حریمت

در مساجد ایرانی»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۹، شماره ۲۹، فروردین، صص ۵۹-۶۸.

۱۶. طبیبیان، منوچهر، نصیه چربگو و انیسه عبدالهی مهر (۱۳۹۰) «بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی»، نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، دوره چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان، صص ۶۳-۷۶.

۱۷. عماد، فاطمه و خسرو موحد و ملیحه تقی پور و علی اکبر حیدری (۱۴۰۰) **نظام شکلی و فضایی پنهان در ایجاد حس معنویت در مساجد (دوره قاجار شیراز)**، رساله دکترای معماری، شیراز، دانشگاه آزاد شیراز.

۱۸. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۲) **ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری**، تهران، فضا.

۱۹. گروتز، یورگ (۱۳۸۶) **زیبایی‌شناسی در معماری**. ترجمه جوانشاه پاکزاد، چاپ سوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۲۰. مایس، پیرفون (۱۳۸۳) **نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان همراه با تحلیل و قیاس با مبانی معماری ایرانی**، ترجمه و تعلیق سیمون آبوازبان، تهران، دانشگاه تهران.

۲۱. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۹) **مبانی نظری معماری**، تهران، دانشگاه پیام نور.

۲۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۷) «**مقاله صفات شهر اسلامی در متون اسلامی**»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵، زمستان، صص ۴۷-۶۱.

۲۳. Ching, F. D. K. (1979) Architecture: Form, space and order. New York: Van Nostrand Reinhold.

۲۴. Mayhew, S. (2003) Dictionary of Geography. Oxford University Press.

۲۵. Lawlor, R. (1982) Sacred geometry. London: Thames and Hudson.

۲۶. Smith, c, (2017) Journal of Learning Spaces, Volume 6, Number 3, 59-67.





## بررسی اهمیت خط سیر باستانی فهرج - اسپس (نصرت آباد) در اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی با تکیه بر کاروانسرای (رباط) نویافته بیابان گرگ در حاشیه لوت جنوبی<sup>(۱)</sup>

لیلا فاضل\*، یعقوب محمدی فر\*\*، اسماعیل همتی آزندریانی\*\*\*، مسعود قمری\*\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸)

(تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶)

### چکیده

متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی از دو شهر فهرج و اسپس یا سنیج (نصرت آباد کنونی)، در ردیف شهرهای آبادان حاشیه کویر و در شرح مسیر کرمان به سیستان نام برده‌اند. در مطالعات باستان‌شناسی ناحیه منظر فرهنگی بم در نیمه نخست دهه ۹۰، مسیر باستانی فهرج به اسپس (نصرت آباد) بررسی شد. در ادامه مطالعات، بنای بیابان گرگ شناسایی شد. از پرسش‌های مطرح در این پژوهش، نخست شناخت اهمیت محور فهرج به اسپس (نصرت آباد) در اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی و سپس مطالعه کارکرد بنای بیابان گرگ و تاریخ ساخت آن است. پژوهش حاضر از نوع بنیادی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای است. در ابتدا معرفی بخشی از شاهراه باستانی فارس و کرمان به سیستان در ناحیه منظر فرهنگی بم، در راستای پاسخگویی به ابهامات تاریخی فراوان در حوزه تمدنی شرق و نیز فعالیت‌های اندک صورت گرفته جهت شناخت محورهای باستانی این ناحیه که از معیارهای ثبت منظر فرهنگی بم در فهرست آثار جهانی است، سپس معرفی، شناخت کاربری و دوره ساخت بنای بیابان گرگ به عنوان بنایی شاخص در میانه مسیر باستانی فهرج به اسپس، واقع در جنوب شرق ایران، که تا کنون هیچ‌گونه تحقیقی بر روی آن صورت نپذیرفته بود، از ضرورت‌ها و اهداف پژوهش بود. خط سیر مورد مطالعه از فهرج در حاشیه جنوبی دشت لوت (لوت زنگی احمد) آغاز شده و به موازات جاده ارتباطی کنونی به طول ۱۵۰ کیلومتر و طی ۴ تا ۵ منزل به اسپس (نصرت آباد) می‌رسد. آثار شناسایی شده بر خط سیر شامل؛ دوسکونتگاه وسیع، قسمت‌هایی از جاده سنگفرش باستانی، ده قلعه و کاروان سرا و دو مناره بود. تاریخ این آثار، بازه زمانی اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی است. این خط سیر در بازه زمانی آغاز اسلام تا پایان عصر سلجوقی حیات داشته و دارای اهمیت زیادی بوده است. این مسیر بخشی از شاهراه باستانی کرمان به سیستان و در نگاهی وسیع‌تر، بخشی از خط سیر باستانی فارس به سیستان (زرنگ) است. بنای بیابان گرگ از آثار شاخص در میانه مسیر بود. این بنا با نقشه‌ای هشت-ضلعی، هشت برج در گوشه‌ها و چهل حجره پیرامون حیاط مرکزی، کاروان سرا یا رباطی در میانه مسیر است. معرفی، تبیین کاربری و تاریخ ساخت بنای بیابان گرگ، ضمن کمک به شناخت اهمیت مسیر مورد مطالعه، مکمل تعیین‌کننده‌ای بر مجموعه شواهد معماری کاروان سراها و قلاع در دوره سلجوقی و حلقه پرکننده خلأ اطلاعات و اسناد فرهنگی-تاریخی در این دوره است. کلید واژه‌ها: فهرج، نصرت آباد (اسپس)، رباط (کاروان سرا) سلجوقی، بیابان گرگ، منظر فرهنگی بم.

\*نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

\*\*استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

\*\*\*استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

\*\*\*\*دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

## مقدمه

راه‌ها، مهم‌ترین عامل تحول جوامع، پیشرفت ملت‌ها و تبادل فرهنگ‌ها تلقی می‌گردد که نه تنها وسیله‌ای برای جابه‌جایی کالا نیستند، بلکه عاملی برای جابه‌جایی فرهنگی و در خلال آن، تولید ثروت محسوب می‌شوند که خود رشد تمدن‌ها را به دنبال دارد. توسعه راه‌ها، بازتابی از افزایش پویایی نقاط است که خود به مرور زمان به کنش متقابل وسیع‌تری منجر می‌گردد (محمودی، ۱۳۶۲: ۹۶).

وجود شهرها و مراکز تمدنی‌ای که از بین رفته یا همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند، وجود ایل راه‌ها، عوامل طبیعی و جغرافیایی، شرایط خاص زندگی انسان چون مسائل اعتقادی و یا نیاز به ارتباط با اقوام و ملل دیگر و آثار باستانی موجود، از عوامل مهم در شناخت راه‌های ارتباط باستانی مناطق محسوب می‌گردد. حوزه تمدنی شرق ایران که نواحی جنوب شرقی را نیز شامل می‌شود، مناطقی با ابهامات تاریخی فراوان است. در این نواحی، خطوط ارتباطی مهمی جریان داشته است. ناحیه منظر فرهنگی بم (۲) در انتهای شرقی کرمان (شکل ۱) در حاشیه جنوبی دشت لوت، منطقه‌ای کلیدی بر سر راه آسیا به هند و افغانستان و حلقه ارتباطی ایران جنوبی و جنوب غربی با نواحی شرقی است (مستوفی، ۱۳۴۸: ۵۴ و ۶۰؛ طرح جامع مدیریت اثر میراث جهانی بم و منظر فرهنگی آن، ۱۳۸۶: ۴۱). بر همین اساس اولین معیار ثبت این منظر در فهرست میراث جهانی، قرارگیری آن در محل تلاقی راه‌های مهم بازرگانی در ضلع جنوبی فلات ایران است (همان: ۱۱).

بازتابی از این اهمیت سوق الجیشی در وصیت‌نامه شاه شجاع (۷۷۷ق) به سلطان احمد دیده می‌شود. وی در این وصیت‌نامه، بم را مهم‌ترین شهر ایالت کرمان می‌داند که سرحد هند، خراسان و سیستان و کابل است و رونق آن باعث رونق سرزمین کرمان می‌شود (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۰: ۳۶۷). فهرج و اسپ، دو مکان آباد بر این خط سیر در حاشیه جنوبی لوت هستند. فهرج در انتهای شرقی سرزمین کرمان و ناحیه منظر فرهنگی بم واقع است. از سوی شرق با سیستان همسایه و از سوی شمال در مجاورت خراسان جنوبی قرار دارد. در سوی غرب آن، شهرستان‌های بم و نرماشیر واقع‌اند و در جنوب و در پیوستگی با ریگان با بلوچستان همجوار است و از طریق شکاف‌های کوهستانی جنوب ریگان با نواحی رودبار و جیرفت و هرمز ارتباط می‌یابد. فهرج با اسامی فهرج، پهره، بهره، فهره، پهرج، پوره، پهرک و باهر در متون کهن ضبط است (فاضل، ۱۳۹۹: ۳۹). راه‌های ارتباطی جنوب به شمال و شرق به غرب، همگی به ناچار از فهرج عبور می‌نمود و اما اسپ (نصرت‌آباد کنونی) از شمال به دشت لوت و زابل، از شرق به مرز افغانستان، از جنوب با میرجاوه و خاش و از غرب با فهرج کرمان همجوار است (رزما، ۱۳۳۲: ۴۱۰).

نصرت‌آباد با نام‌های کهن اسپ، اسپید، سبج، سنج، اصفه، سانیک و سانج، اسپید، سپه و سفید در حاشیه شرقی‌تر از لوت جنوبی در مرز سیستان و کرمان اغلب جزء سیستان و گاهی ضمیمه کرمان است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۲۱). وزیری، نام قدیمش را اسپکه می‌نویسد (وزیری، ۱۳۵۲: ۱۰۵). اسپ در گذرگاه شرق ایران و بعد از تنگه موسوم به دربند سیستان، به لحاظ جغرافیای طبیعی، جایگاهی معتبر در ارتباط دنیای باستان و نقطه آبادان حاشیه کویر بعد از فهرج با عبور از بیابان بود که همه راه‌های کویر از باختر به خاور از آن می‌گذشت (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴۹). هر دو این نقاط بر خط سیر کنونی و باستانی کرمان و بم به سیستان واقع‌اند. بنای بیابان گرگ، در میانه مسیر فهرج به اسپ و در میان آثاری از دوره ساسانی تا پایان قرن ۶ هجری قرار دارد (شکل ۱). شناخت اهمیت این خط سیر و مطالعه عملکرد و تاریخ ساخت بنای بیابان گرگ، از سوالات مورد بحث این پژوهش است.

## پرسش‌های پژوهش

- اهمیت خط سیر باستانی فهرج به نصرت‌آباد چگونه است؟
- کاربری بنای موسوم به بنای بیابان گرگ در مسیر فهرج به نصرت‌آباد (اسپی) چیست؟
- بنای بیابان گرگ مربوط به کدام دوره تاریخی است؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی سعی بر آن دارد که به پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده در این پرونده بپردازد. گردآوری اطلاعات به دو شیوه میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای است.

## پیشینه پژوهش

بیشترین مطالعات با هدف شناخت جغرافیای دشت لوت را گروه جغرافیایی دانشگاه تهران به سرپرستی احمد مستوفی انجام داده‌اند. نتایج این مطالعات در دو جلد منتشر شده است (ر.ک: مستوفی، ۱۳۴۸ و ۱۳۵۱). در این مطالعات، محورهای باستانی دشت لوت و به تبع آن نواحی حاشیه دشت لوت با دقت تمام مطالعه شده است. پس از آن در راستای مطالعات باستان‌شناسی منظر فرهنگی بم در نیمه نخست دهه ۹۰، حدود هفتاد اثر تاریخی در فهرج شناسایی شد. تعداد انگشت‌شماری از آثار نیز پس از آن و در جریان بازدیدها و استعلامات منطقه ثبت شد. از جمله این آثار، رباط فهرج یا بنای بیابان گرگ (۳) است (ر.ک: فاضل، ۱۳۹۴؛ فاضل، ۱۳۹۹: ۱۰۲). برای نخستین بار مستوفی در راستای مطالعات جغرافیایی دشت لوت، این بنا را دیده و از آن با عنوان قلعه سلجوقی لنگ بروت، نام می‌برد. وی توصیفی بیشتر

از بنا به دست نمی‌دهد. اما به نظر می‌رسد که مقصود وی، همان بنای بیابان گرگ بوده باشد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۳).

### موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های زیست‌محیطی

مسیر فهرج به نصرت‌آباد به طول ۱۵۰ کیلومتر از فهرج به سمت شمال شرق امتداد می‌یابد (شکل ۱). این مسیر به لحاظ طبیعی از حاشیه جنوبی بیابان لوت موسوم به لوت زنگی احمد عبور می‌کند که دارای آب و هوای گرم و خشک، بارندگی نامنظم و اندک، اختلاف شدید دمای شب و روز، وزش بادهای تند و طوفان‌های شن است. بخش عمده‌ای از مسیر را سطوح هموار در برمی‌گیرد. این مسیر در قسمت‌های انتهایی کوهستانی است، به گونه‌ای که پیرامون نصرت‌آباد (اسپی) را کوه‌هایی فراگرفته‌اند. فهرج در یک سوی مسیر، در انتهای شرقی کرمان و در ۲۳۰ کیلومتری از مرکز استان در ارتفاع ۶۷۰ متری از سطح آب‌های آزاد بر دشت موسوم به نرماشیر گسترده است. علی‌رغم ظاهر گرم و خشک این بیابان، دشت نرماشیر دارای منابع غنی آب‌های زیرزمینی و دشتی حاصلخیز است که تا ۱۵۰ سال قبل، دارای ۷۰۰ رشته قنات دایر بوده است (وزیری، ۱۳۵۲: ۱۰۴).

رودخانه فهرج از کوه‌های جبال بارز در جنوب‌غربی بم سرچشمه می‌گیرد و با ایجاد دره‌ای عمیق از شمال فهرج گذشته، به لوت زنگی احمد فرو می‌رود. بخش ابتدایی جاده مورد مطالعه از حاشیه رودخانه فهرج عبور می‌کند. دره رودخانه فهرج تا چند دهه قبل، مسکن عشایری از منطقه بود. مابین فهرج و دره اسپی (نصرت‌آباد)، بیابانی موسوم به بیابان گرگ گسترده است. مرکز اصلی ناحیه گرگ امروزه گرگ‌آباد است که سر راه مزارآباد واقع شده و آب فراوان از رود ماهی دارد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۶۳). اصلی‌ترین منابع تأمین آب منطقه، آب‌های زیرزمینی است که به صورت قنات مورد استفاده بوده است. پوشش گیاهی منطقه در گذشته، جنگل‌های انبوه با درختانی متنوع، به‌ویژه گز و کهور بوده که به دلیل استفاده نادرست به پوششی تنک تبدیل شده است (اسعدپور بهزادی، ۱۳۷۲: ۴۷). در اطراف روستای گرگ در میانه مسیر نصرت‌آباد، پوشش جنگلی گز و طاغ و زیستگاه جانوران وحشی همچون آهو، شغال، کفتار و گرگ و پرندگان کبک و تیهو و جلوه‌ای از حیات طبیعی در منطقه گرم و خشک سیستان است (افشار سیستانی، ۱۳۹۰: ۷۱۰). نصرت‌آباد (اسپی) در سوی دیگر مسیر، در شمال‌غرب سیستان و ۱۰۰ کیلومتری از زاهدان و در ارتفاع ۱۱۲۰ متر از سطح آب‌های آزاد واقع شده و منطقه‌ای نیمه‌کوهستانی است. آب آن از قنات، چشمه‌ها و رودخانه است.

بنای بیابان گرگ در بیابان گرگ که بخشی از لوت زنگی احمد است، مابین فهرج و نصرت‌آباد (اسپی) در ۶۶ کیلومتری شمال شرق فهرج، ۳۰ کیلومتر میل نادری و ۴ کیلومتری شمال

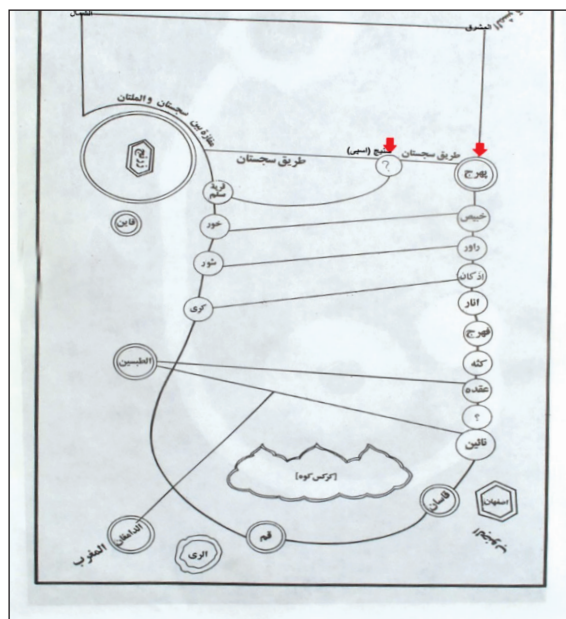
جاده آسفالتی فهرج-اسپی در مختصات ۱۷° ۵۷.۰' ۲۸' عرض شمالی، ۹۷° ۵۳.۰' ۵۸' طول شرقی و ارتفاع ۶۷۰ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد و مانند نگیی بر بستر ریگزار می‌درخشد. پوشش گیاهی اطراف بنا، بوت‌ه‌زاری انبوه است. آب کاروان‌سرای (رباط) بیابان گرگ از دو کاریز تأمین می‌شد.



شکل ۱- موقعیت دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان نسبت به یکدیگر و نمایش مسیر فهرج - نصرت‌آباد (نقشه ایران) و موقعیت فهرج و نصرت‌آباد نسبت به یکدیگر  
(نقشه ۱: ۲۵۰۰۰۰ فهرج و نصرت‌آباد، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۸-۱۳۷۹)

### خط سیر باستانی فهرج - نصرت‌آباد (اسپی) از منظر متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی

نقاط فعال بر این خط‌سیر فهرج، گرگ و سپس سبج یا اسپی (نصرت‌آباد) است. اصطخری در ذکر نواحی کرمان می‌آورد: «آنچه به طرف بیابان است، به ناحیت دریا، نرماشیر و فهرج و سنج‌اند» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۳). از بم به بیابان نیز راهی است، بدین ترتیب که از بم تا نرماشیر، یک منزل و از آنجا تا فهرج بر کناره بیابان یک منزل (همان: ۱۶۹). ابن حوقل، فهرج و سبج را جزء نواحی بم می‌آورد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۳-۷۴). اصطخری در صورت (نقشه) مغازه (بیابان) میان فارس و خراسان، شهرهای آباد و مهم حاشیه بیابان و طریق سجستان (راه سیستان) را ترسیم می‌کند. در این نقشه، «پهرج» آخرین نقطه آباد گوشه بیابان و به صورت چهارراهی نشان داده شده است که راهی از آنجا (از طریق سبج) به زرنج امتداد می‌یابد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۵۷۱). بعد از فهرج، تنها یک نقطه آباد دیگر رسم شده که همان سبج است که راهی از آن به زرنج و راه دیگر از آنجا به فریه ده سلم می‌رسد (شکل ۲). اول راه سجستان از نرماشیر است که می‌رود تا سبج و از سبج تا سیستان هفت منزل است (همان: ۲۵۰).



شکل ۲- موقعیت فهرج و سنج (اسپی) در نقشه شهرهای مهم حاشیه بیابان (صورت مفازه میان فارس و خراسان) (اصطخری، ۱۳۷۳: ۵۷۱)

مقدسی در ذکر کوره‌های کرمان می‌آورد: «نرماشیر در کنار کویر در سمت سیستان است. نرماشیر، انباری گران‌مایه با کاخ‌های زیباست. نفرات خراسان از اینجایند. کالای عمان به اینجا می‌رسد و خرما کرمان در اینجا جمع‌آوری می‌شود. راه حاجیان سیستان از اینجا می‌گذرد. سالانه یکصد هزار بار خرما و بر بهار از آنجا حمل می‌شود» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۹۳). مقدسی، فهرج را از کوره نرماشیر می‌داند و می‌نویسد: «باهر و کرک، هر دو در مرز سیستان، پاکیزه و آبادند و باغ و نخلستان و نهر و کاریز دارند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۵). باهر همان پهره یا پهرج است و مقصود از کرک، همان گرگ به نظر می‌رسد (فاضل و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۲).

نرماشیر و فهرج، سرزمینی پیوسته و به لحاظ طبیعی بر دشت نرماشیر واقع‌اند. فهرج قبل از نرماشیر و در مرز سیستان و اولین آبادی پس از عبور از بیابان است. کاروان‌های ذکرشده ابتدا به فهرج رسیده، سپس به قصبه نرماشیر درمی‌آمدند. بنابراین آبادانی که مقدسی می‌آورد، مجموع آنها را در برمی‌گرفت. مقدسی، چهار شاهراه را در کویر نام می‌برد که از آن جمله، راه کرمان و راه سند است. «راه کرمان به خراسان و سکستان می‌رسد که دور است و راه سند جز از سکستان نگذرد. از سکستان به فارس، جز از کرمان نتوان شد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۲۱). مقدسی سپس از سفید یا همان اسپه در این مسیر نام می‌برد که نشان می‌دهد مقصود وی از مسیر سکستان به فارس، همان راه زرنج به اسپه و سپس فهرج و نرماشیر و بم است. ابن خردادبه نیز مسیر کرمان به سیستان را ادامه راه‌های فارس عنوان می‌کند و منزلگاه‌های بم تا اسپه (اسپی) را بدین شکل می‌آورد: «از بم تا نرماشیر هفت فرسخ، از نرماشیر تا فهرج که در کنار صحرای خشک قرار دارد،

هفت فرسخ، که میان راه آب نیست و این صحرا هفتاد فرسخ است تا سجستان. از فهرج تا چشمه‌ها و چاه‌ها، هفت فرسخ و تا مناره (جرج)، سه فرسخ که منزلگاهی بدون آب است. سپس تا رباط بعیده، سه فرسخ و از آنجا تا اسپه (اسپی/منزل چهارم)، نه فرسخ» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۵).

راه‌های مسیر فارس به کرمان و سپس سیستان و از آنجا به نواحی شرقی‌تر یا به بیانی آسیای میانه از راه‌های قدیم ارتباطی بوده است. در سنگ‌نیشسته شاپور سکاانشاه به مسیر فارس به سیستان اشاره شده است (اکبرزاده، ۱۳۹۹: ۳۴). در فتوح البلدان، در فتح سیستان و کابل در سال سی‌ام آمده است: «عبدالله بن عامر، کریز بن ربیع را به عزم خراسان و ربیع بن زیاد را به سجستان فرستاد. او برفت و در فهرج منزل کرد. وی سپس با عبور از کویر و با طی هفتاد و پنج فرسخ به رستاق زالق (جالق) رسید. بین زالق و سجستان، پنج فرسخ است» (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۴۸).

در تاریخ سیستان در شرح فتوح اسلام و فتح سیستان آمده است که عبدالله بن عامر، سپاه فرستاده عثمان به فرماندهی ربیع بن زیاد را به سیستان فرستاد: «عبدالله او را بفرستاد به پهره کرمان برسد. آن را به صلح بدادند و از آنجا به جالق مهتر آن با او صلح کرد» (تاریخ سیستان، ۱۳۹۱: ۴۲). این مطالب به جایگاه فهرج در اواخر دوره ساسانی و ورود مسلمانان اشاره دارد. مقدسی، اسپه را به صورت اسفید و سبیج آورده و از نواحی سیستان می‌شمرد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۱۷ و ۷۲۴). اصطخری و ابن حوقل، آن را به صورت سنیج و سبیج آورده و از نواحی کرمان شمرده‌اند. از نرماشیر به سنیج، پنج منزل و از سنیج تا زرنج هفت منزل است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۵۰).

در تاریخ سیستان در شرح احوال سبکری و شکست وی از سپاه مقتدر آمده است: «سبکری به راه پهره بیامد به سپه (اسپی) و از آنجا به نه آمد و از آنجا به طیس آمد و یارگی نداشت که به سیستان آمدی...» (تاریخ سیستان، ۱۳۹۱: ۱۶۲). این مطلب از وجود مسیر ارتباطی بین فهرج و اسپه با سیستان از یکسو و از سوی دیگر با طیس و خراسان از طریق نه (نه‌بندان) خبر می‌دهد.

در متن سلجوقیان و غز در کرمان و در شرح اقدامات ملک قاورد، اشاره مهمی از مسیر اسپه به فهرج و آبادانی این راه در دوره ملک قاورد سلجوقی آمده است: «ملک قاورد در اطراف کرمان، نبرد بسیار کرد و از آن جمله، نبردی بود در دربند سیستان که کرمان را تسخیر کرد. او در راه سیستان و در دره قاورد در چهار فرسنگی «اسفه»، دری آهنی ساخت و نگهبان گماشت. از سر دره تا فهرج بم، که بیست و چهار فرسخ است، در هر سیصد گام، میلی به دو قامت آدمی بنا نهاد و دو مناره مابین گرگ و فهرج بنا کرد. اگرچه امیال قلیلی بجا مانده، اما مناره دوگانه به‌جاست و در راهی که از کرک جدا شده، به جانب گشت (گشیت) خبیص می‌رود و راینان گویند که یک دو مناره

راه کرمان به آراخوزیا، بخش جنوب شرقی کویر مرکزی را شامل می‌شود. در سال ۵۲۲-۵۲۱ ق.م، اهمیت سوق الجیشی بسیار زیاد این مسیر به اثبات رسیده بود. حمله جسورانه سپاه فرستاده «وه یزداته» شورشگر یائوتیه‌ای از پارس به حوضه رود کابل، از راه جنوب شرقی صورت گرفت (توین‌بی، ۱۳۷۸: ۸۰). یارشاطر درباره راه‌های سیستان در این دوره می‌نویسد: «هر کس با خارج شدن از زرنگ، سه راه در پیش داشت. اگر در جهت جنوب‌غرب راه می‌افتاد، با گذشتن از بیابان از طریق اسپید (اسپی، سنیک) به پهرگ (فهرج) می‌رسید. در جهت شمال‌شرق، جاده بامیان قرار داشت. این راه از طریق خاش (کوساته، کاسته) به سوی رود خاش پیش می‌رفت...» (یارشاطر، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

سایکس درباره توقف سپاه اسکندر در پورا می‌نویسد که دو روستای بلوچستان هم‌اکنون به این اسم نامیده می‌شوند. یکی در حوالی بمپور و دیگری در حوالی نرماشیر است. وی هر دو مکان را با احتمالی برابر، محل توقف شصت‌روزه سپاه اسکندر می‌داند. فهرج واقع در نرماشیر، نخستین مکانی است که کراتوس پس از ۱۸۰ میل راهپیمایی به آنجا رسیده است (سایکس، ۱۳۶۵: ۲۰۵ و ۲۰۴). وجود محوطه‌های وسیع از دوره هخامنشی و اشکانی چون قلعه دختر ماهیدشت (فاضل، ۱۳۹۹: ۱۱۶-۱۴۲) و محوطه غلورآباد (همان: ۱۸۵)، در فاصله‌ای اندک از ساحل جنوبی رودخانه فهرج و گورستان جنوب‌شرق کهور منزل در طول این خط سیر (همان: ۹-۹۷)، دلیلی دیگر بر تأیید مطالب یادشده است. در متون تاریخی قرون متأخر اسلامی نیز بارها از این مسیر در شرح لشکرکشی‌ها یاد شده است که ذکر همگی آنها در این بحث نمی‌گنجد و تنها به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

در تاریخ شاهی قراختیایان کرمان (قرن هفتم هجری) در شرح حمله نکودریان سیستان به فارس و کرمان آمده است: «از طرف سجستان متوجه آسفه گشتند و بر صوب ریفان به بم درآمدند» (تاریخ شاهی قراختیایان کرمان، ۲۵۳۵: ۲۰۵). مؤلف احیاء الملوک (۱۰۲۷ ه.ق) نیز از این راه به نام راه آسفه یاد نموده و در شرح سفر دهم می‌نویسد: «سنگ‌ریزه بیابان گرگ را یاقوت و مرجان می‌شمردم و غبار راه آسفه را سرمه می‌دانستم. در نخلستان پهره نحل قامت مطلوب می‌دیدم» (ملک شاه حسین سیستانی، ۱۳۴۴: ۴۷۸). علی‌رغم فعالیت‌های عمرانی گنجعلی‌خان در کرمان، نه محمدابراهیم و نه هیچ مسافر دیگری، اشاره‌ای به وجود بناهای نو در راه نمی‌کنند. ممکن است قلاع خرابه فهرج و آب‌انبارهای بین اسپ و فهرج که هم‌اکنون نابود شده‌اند، از دوره صفوی و ساخته‌های گنجعلی‌خان باشند. از اوایل سده دهم هجری، گروهی از غارتگران جدید (اوزبکان و افغانه) در دشت لوت شکل گرفتند که تا گذشته‌ای نه‌چندان دور، این مکان را مورد تاخت‌وتاز و ناامنی قرار دادند و این مسیر، رونق گذشته خود را بازیافت (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۲۸، ۱۳۱ و ۳۳۸).

کوچک است» (خبیسی، ۱۳۸۶: ۳۴۱). میل قارودی که اکنون به میل نادر موسوم است و بقایای میل فرهاد، دو منار ذکرشده فوق در مسیر فهرج به گرگ و اسپ است. گرگ، نام بسیار قدیمی و شاید مربوط به قبل از اسلام باشد. در زمان سلجوقیان، این اسم مفهومی وسیع داشته و به تمام بیابان بین فهرج تا در بند اسپ (نصرت‌آباد) اطلاق می‌گردیده است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۲).

ابن خردادبه به وجود میلی در آنجا اشاره می‌کند (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۵). مرکز اصلی ناحیه گرگ امروزه گرگ‌آباد است که سر راه مزارآب واقع شده و آب فراوان از رود ماهی دارد (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۶۳). سیلاب‌های رود ماهی به رود گرگ متصل می‌شود و دره ماهی، یک معبر طبیعی بسیار قدیمی به سمت بمپور، ایرانشهر و خاش است (مستوفی، ۱۳۴۸: ۵۲). اقوام بلوچ ساکن در این بیابان، این مزرعه را به گرگین‌بن میلاد منتسب می‌دانند و دلیل وجه تسمیه این بیابان را به گرگ چنین می‌پندارند. فرمانفرما، نصرت‌آباد (اسپی) را در منتهی الیه خاک نرماشیر می‌نویسد: «از فهرج نرماشیر تا مکان مذکور، پنجاه و دو فرسنگ است. این خط، سه منزل پانزده شانزده فرسخی است» (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

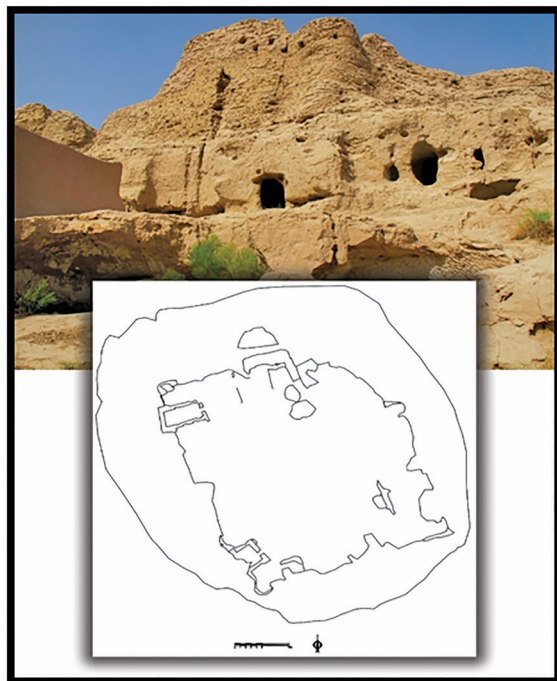
راه‌های مکران، دنباله راه‌های کویر است که به هندوستان منتهی می‌شود. این راه از فهرج شروع شده و ابن خردادبه، چهارده منزل آن را بیان می‌کند (مشکور، ۱۳۷۱: ۶۴۳). راه‌های معروفی که فلفل هند را به سواحل مدیترانه حمل می‌نمود، در تاریخ به نام راه فلفل یا جاده ادویه نامیده می‌شوند و یکی از شاهراه‌های هند لاجرم از کرمان عبور می‌کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۲۰۳، ۳۱۶ و ۳۹۲). اگر مطلب یادشده را در تعریف جاده ادویه بپذیریم، آنگاه مسیر فوق، بخشی از جاده ادویه است که با مسیرهای منتهی به هندوستان ارتباط می‌یابد. راه‌هایی که از بصره و عراق شروع می‌شد، با گذشتن از خوزستان و فارس به سیرجان آمده و از آنجا به بم، سیستان، مکران و خراسان و سمرقند و هند امتداد می‌یافت (کریمیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۰). این مسیر، همان راه تاریخی ادویه به نظر می‌رسد (نوربخش و دیگران، ۱۳۳۵: ۸۲).

علاوه بر اهمیت این خط‌سیر در دوره ساسانی و قرون اولیه و میانه اسلامی، مطالبی دیگر نیز به نقش آن در طول سایر دوره‌های تاریخی اشاره دارد. مستوفی معتقد است که از میان راه‌های منشعب‌شده از فهرج، شاهراه کرمان به سیستان، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که تا کنون نیز ارتباط ایالات مرکزی با مشرق و جنوب شرق از راه معروف بم-زاهدان است. ارتباط ایران داخلی با سند و هند، ارتباط امپراتور هخامنشی با ولایت شرقی، سفر فرضی کوروش به سند بر فرض درست بودن آن و نبردهای اردشیر با سگزیان و رفتن وی به سیستان، از همین مسیر بوده است. این گذرگاه، همان معبر تاریخی است که در بند سیستان یا به غلط در بند نادر ثبت شده است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۰).

## شواهد باستان‌شناختی مسیر باستانی فهرج - اسپه (نصرت‌آباد)

آثار موجود بر این خط سیر از غرب به شرق عبارتند از:

۱- **قلعه فهرج:** در مختصات جغرافیایی ۶۸۳۳۹۲ و ۳۲۰۴۵۷۶، در حاشیه جنوبی رودخانه فهرج و روی صخره‌ای رسوبی (کلوت) و مکعب‌شکل با ارتفاع ۸ از سطح زمین‌های اطراف قرار دارد. این قلعه، بخش مرکزی یا حاکم‌نشین قلعه‌ای وسیع‌تر است که سایر بخش‌های آن از بین رفته است. مستوفی که در دهه ۴۰ از بنا بازدید نموده، آن را مکان شهر قدیم فهرج می‌داند که منابع جغرافیای تاریخی از آن یاد می‌کنند. نقشه قلعه، چهارگوش با ابعاد ۵۳×۴۴ متر، چهار برج در گوشه‌ها و برج‌هایی در حصار بوده است. در گوشه‌های ضلع جنوبی، بقایای دو برج مدور توخالی دیده می‌شود که روی پایه‌ای مکعب‌شکل اولیه ساخته شده‌اند. در دامنه صخره‌ای که قلعه بر آن قرار دارد، تعداد زیادی فضا در ابعاد و شکل‌های متفاوت کنده شده است. دریافت نقشه‌ای دقیق از فضاهای داخلی قلعه ممکن نیست. نقشه کلی بنا، دست‌کندها، بقایای سازه‌هایی از خشت‌های با ابعاد ۴۳ سانتی‌متر، آثار برج مکعبی شکل در گوشه جنوب‌شرقی و خندقی در پیرامون و سفالینه‌های پراکنده در سطح قلعه، انتساب بنا به دوره اشکانی و ساسانی را محتمل می‌سازد. خشت‌هایی با این ابعاد در ساخت بنای قلعه سنگ، در فاصله چندصد متری قلعه فهرج و مشرف به آن دیده می‌شود که کلایس، تاریخ آن را اشکانی می‌نویسد.

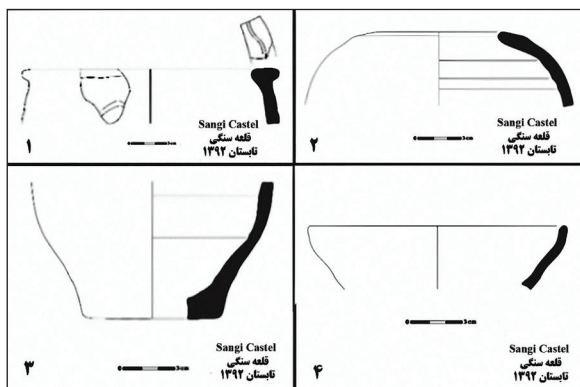


شکل ۳- نقشه قلعه فهرج و نمایی از حصار ضلع شرقی و فضاهای دستکند آن

۲- **قلعه سنگ:** در مختصات جغرافیایی ۳۲۰۵۸۴۷ و ۶۸۵۲۴۳، در شمال رودخانه فهرج، بر فراز صخره‌ای آذرین با ارتفاع ۱۷ متر از سطح زمین‌های اطراف جای دارد. بخش عمده قلعه از خشت‌های با ابعاد ۴۳×۴۳×۱۰ سانتی‌متر ساخته شده و از لاشه‌سنگ جهت صافبندی استفاده نموده‌اند. در سطح بنا، بقایای سازه‌های اسلامی از خشت‌هایی با ابعاد ۲۳ سانتی‌متر دیده می‌شود. نقشه قلعه بر اساس توپوگرافی صخره تقریباً بیضی‌شکل بوده، مساحت قلعه ۳۰۰ مترمربع است. ضلع جنوبی قلعه، سالم‌ترین بخش باقی‌مانده از آن و شامل دیوار طویل خشتی با بقایای چند برج و تعدادی تیرکش است (شکل ۴). تاریخ سفالینه‌های پراکنده پیرامون قلعه، اشکانی تا اسلامی است (شکل ۵). این قلعه به همراه قلعه بزرگ فهرج، استحکامات شرق جلگه نرماشیر در حاشیه غربی لوت جنوبی را تشکیل می‌دهد. کلایس، این قلعه و سفالینه‌های آن را مربوط به دوره اشکانی می‌داند که تا قرون میانه اسلامی همچنان مورد استفاده بوده است (Kleiss, 1997: 455).



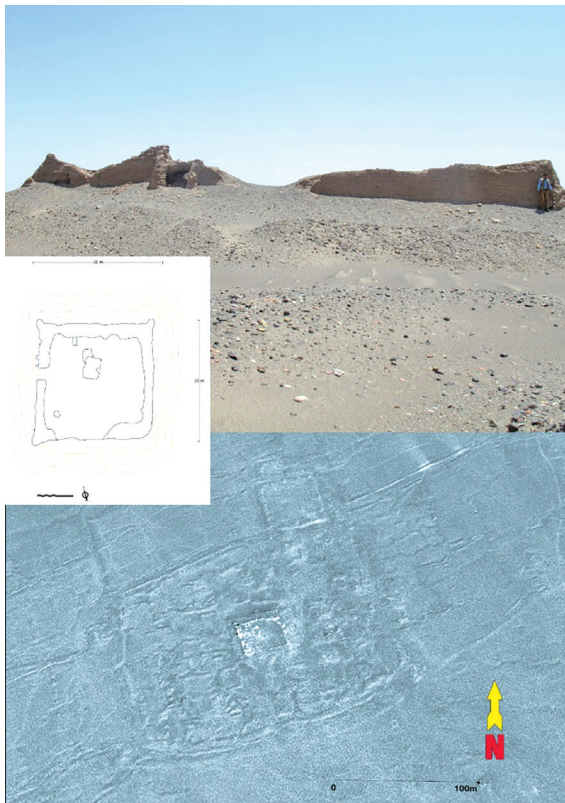
شکل ۴- الف: تصویر ماهواره‌ای از قلعه سنگ، ب: نمای ضلع جنوبی قلعه سنگ



شکل ۵- نمونه سفالینه‌های تاریخی قلعه سنگ

۳- **قلعه و محوطه شاه مردان:** در مختصات جغرافیایی ۳۲۰۶۳۲۹ و ۶۸۸۳۳۶، به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع، بقایای اندک از قلعه‌ای ساسانی و قرون اولیه و میانه اسلامی در

جنوب رودخانه فهرج است. محوطه پیرامون آن با وسعت ۲۲۰ هکتار پوشیده از قطعات سفالینه‌های بدون لعاب ساسانی، سفالینه‌های بدون لعاب با تزئینات قالبی و قطعات لعاب‌دار به‌ویژه قطعات گلابه‌ای با نقاشی سفید بر زمینه قهوه‌ای‌ای است (شکل ۶). در طبقه‌بندی سفال‌های دوره اسلامی، سفال‌های لعاب گلی را اغلب متعلق به قرن سوم و چهارم هجری می‌دانند (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۶۱). نمونه‌های مشابه از سفالینه‌های لعاب گلی محوطه شاه مردان از شهر قدیم جیرفت یافت شده که بازه زمانی آن قرن ۱ تا ۵ هجری است (چوبک، ۱۳۹۱: ۹۱). نمونه‌هایی از گونه‌های سفالی مزبور از شهر کهن نرماشیر به دست آمده که مربوط به قرن ۳ تا ۶ هجری است (امیرحاجیلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۲۵۱ تصویر ۳). همچنین قطعات سفالینه‌های لعاب گلی مربوط به قرن ۱ تا ۴ هجری در کنار سفالینه‌های ساسانی از حوضه رودخانه سیمره به دست آمده است (شریفی، ۱۳۹۸: ۶۳، تصویر ۴). قطعاتی با نقوش قالبی از تزئینات رایج در دوره سلجوقی است.



شکل ۷- تصویر ماهواره‌ای محوطه کهور منزل، تصویر نمای ضلع غربی و نقشه بخش مرکزی محوطه (فاضل، ۱۳۹۹: ۸۸)

در گوشه شمال غربی و متصل به ضلع غربی حصار پیرامونی، بقایای قلعه یا کاروان‌سرای قرار دارد. نقشه قلعه، مربع‌شکل با ابعاد هر ضلع، ۶۰ متر است. چهار برج مدور در هر گوشه بنا و سه تا چهار برج مدور در میان هر ضلع قرار دارد. از جزئیات معماری این بنا، اطلاعاتی در دست نیست. پیرامون قلعه کهور منزل، آثار جوی‌های باستانی دیده می‌شود. آجرهایی نازک و مربع‌شکل با ابعاد ۲۲×۲۲×۴ در اطراف پراکنده شده‌اند. این ابعاد از آجر معمولاً در معماری دوره آل بویه کاربرد داشته‌اند. تاریخ سفالینه‌های پراکنده در سطح محوطه از دوره ساسانی تا قرون اولیه اسلامی و دوره سلجوقی، متغیر است (شکل ۸).

شکل ۶- ردیف بالا، سمت چپ: نمونه سفالینه بدون لعاب با نقش زده؛ سمت راست: نمونه سفالینه با نقاشی زیر لعاب شفاف (گلابه‌ای) در سطح محوطه شاه مردان. ردیف پایین، سمت چپ: درپوشی با لعاب گلی و نقوش سفید مرواریدی بر زمینه قهوه‌ای، سمت راست: بدنه‌ای با نقوش قالبی



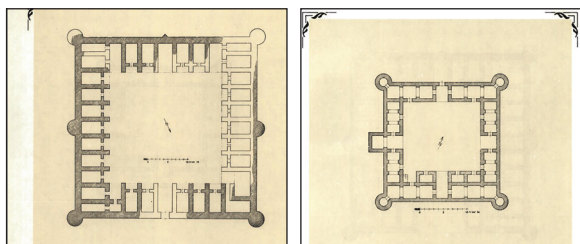
شکل ۶- ردیف بالا، سمت چپ: نمونه سفالینه بدون لعاب با نقش زده؛ سمت راست: نمونه سفالینه با نقاشی زیر لعاب شفاف (گلابه‌ای) در سطح محوطه شاه مردان. ردیف پایین، سمت چپ: درپوشی با لعاب گلی و نقوش سفید مرواریدی بر زمینه قهوه‌ای، سمت راست: بدنه‌ای با نقوش قالبی

۴- قلعه کهور منزل: در مختصات جغرافیایی ۳۲۰۸۱۸۹ و ۶۹۲۹۴۹ قرار دارد. بنای موسوم به قلعه کهور منزل در مرکز قلعه‌ای وسیع‌تر قرار دارد و ارگ یا حاکم‌نشین مجموعه است. وسعت قلعه، ۴۶۰۰۰ مترمربع است. پیرامون قلعه را حصار تقریباً مستطیل‌شکل با ابعاد ۲۰×۲۳۰ متر فراگرفته است. پهنای این حصار بر اساس تصاویر هوایی، هشت متر است. با این حال پراکنش مواد فرهنگی بیش از این بوده و وسعتی در حدود صد هکتار را در برمی‌گیرد. قلعه یا همان ارگ کهور منزل،

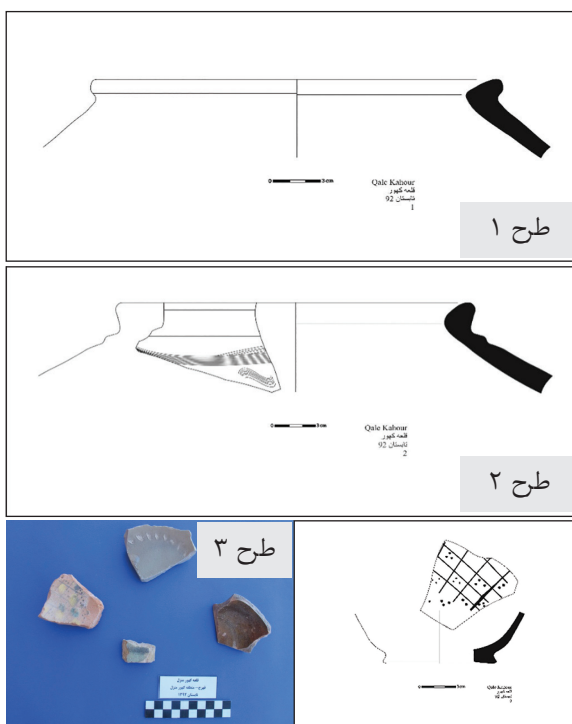


شکل ۹- الف: نمایش خط سیر جاده سنگفرش فهرج- اسپی (نصرت آباد) (کرمان- سیستان) ب: بقایای جاده سنگفرش باستانی بین فهرج و اسپی به پهنای ۴ متر

۸- رباط یا کاروانسرای شورگز: در دشت شورگز، بنایی چهار گوش با چهار برج در چهار گوشه و اتاق‌هایی پیرامون حیاط است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰- سمت راست: نقشه رباط شورگز؛ سمت چپ: نقشه قلعه چشمه (کلایس و کیانی، ۱۳۷۳: ۳۵۳-۳۵۴)



شکل ۸- طرح ۱ و ۲: نمونه سفالینه‌های بدون لعاب، طرح ۳: سفالینه با لعاب پاشیده زرد و سبز و سیاه از محوطه کهور منزل

۵- قلعه چشمه: بنایی از قرن ۴ تا ۶ هجری است که تا قرون متأخر اسلامی همچنان مورد استفاده بوده است (شکل ۱۰). گزارش مستوفی از آن شامل بنای خشتی مستطیل-شکل با چهار برج در چهار گوشه و برج‌هایی در وسط دو ضلع است. در مقابل بنا، برجی منفرد قرار داشته است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۳۴).

۶- میل نادر: در مختصات جغرافیایی ۳۲۱۸۶۰۴ و ۷۰۹۳۶۶ قرار دارد. بنایی از آجر به ارتفاع ۲۰ متر و محیط قاعده آن ۱۴ متر و تزیینات هندسی در قسمت بالا، از ساخته‌های ملک قاورود سلجوقی در مسیر سیستان است که ذکر آن گذشت. سبک معماری میل نادر، رازی است که در دوره آل بویه، سلجوقیان و اتابکان رایج بوده است (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۴۴). مصالح ساخت میل، آجرهای قرمز رنگ با ابعاد ۳۰ و ضخامت ۶-۷ سانتی‌متر است. این میل تنها اثر باقی‌مانده از مجموعه‌ای منزلگاهی است.

۷- جاده سنگفرش باستانی: در مختصات جغرافیایی ۳۲۲۱۷۲۹ و ۷۲۱۹۱۲ قرار دارد. بعد از میل نادر، بقایای جاده سنگفرش باستانی، به طول ۱۵ کیلومتر قابل شناسایی است (شکل ۹). پهنای جاده، چهار متر است که با قلوه‌سنگ‌های قرمز و سیاه فرش شده است. قسمت‌هایی از این سنگفرش در محوطه کهور منزل همچنان باقی است که تاریخ سلجوقی این جاده را محتمل می‌سازد (۴). تاریخ احتمالی جاده که منطبق بر خط سیر مورد مطالعه است نیز بر اساس آنچه در مبحث جغرافیای تاریخی گذشت، از دوره هخامنشی تا عصر حاضر متغیر است (فاضل و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۰؛ فاضل، ۱۳۹۹: ۵۶-۶۲).



## ۹- رباط یا کاروان‌سرای بیابان گرگ: در ادامه به

توصیف، تحلیل کاربری و گاه‌نگاری آن می‌پردازیم.  
۱۰- بقایای میل فرهاد: در مختصات جغرافیایی ۳۲۳۹۴۰۳ و ۷۴۰۱۰۶ قرار دارد و به صورت تلی از آجر در حاشیه جاده کنونی دیده می‌شود. آجرهایی با ابعاد ۳۰ سانتی‌متر، مشابه آجرهای میل نادر در ساخت آن به کار رفته است. این بنا در امتداد میل نادر و از ساخته‌های ملک قاورود سلجوقی است.

## ۱۱- بقایای سه قلعه و کاروان‌سرای آبادی گرگ: در

مختصات جغرافیایی ۳۲۶۴۱۳۶ و ۷۶۴۰۷۷ و در میانه مسیر بیابان گرگ به اسپه (نصرت‌آباد) و ۳۰ کیلومتر بعد از کاروان‌سرای بیابان گرگ، آبادی گرگ قرار دارد. در این آبادی، سه بنا از دوره ساسانی تا عصر سلجوقی دیده می‌شود (شکل ۱۱).

بنای نخست آبادی گرگ: با ابعاد ۵۰×۵۰ متر دارای تعداد زیادی حجره در اطراف حیاط مرکزی است. تعداد حجره‌ها در اضلاع شمال غربی و جنوب شرقی هر کدام دوازده تا چهارده حجره به نظر می‌رسد. ابعاد حجره‌ها، ۷×۳ متر است. پوشش حجره‌ها، گهواره‌ای با چغد بیز است. حصار مجموعه دارای برج‌هایی در هر گوشه است. ورودی بنا در ضلع شرقی قرار دارد که احتمالاً دارای برج‌هایی در دو سو بوده است. این بنا، کاروان‌سرا یا رباطی از دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی است.

بنای دوم آبادی گرگ: به شکل مربع با ابعاد ۱۵ متر بوده که بخشی از آن را تخریب نموده‌اند و نقشه مشخص از آن دریافت نمی‌شود.

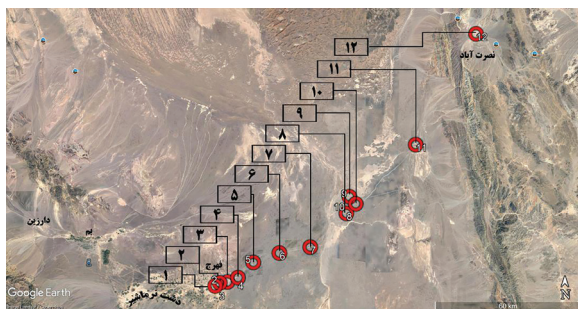
بنای سوم آبادی گرگ: دارای نقشه‌ای مربع است. ابعاد هر ضلع بنا، ۳۴ متر است. برج‌هایی مدور در گوشه بنا و در وسط اضلاع قرار دارد. این بنا، قلعه یا رباطی از اواخر دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی است (شکل ۱۱). در آبادی گرگ هم‌اکنون دو قنات دایر جاری است که نخلستان‌هایی وسیع را آبیاری می‌کند. به گفته اهالی از بیابان گرگ تا آبادی گرگ، هفتاد رشته قنات بایر کشیده شده است.

## ۱۲- کهنه قلات: در چهار کیلومتری غرب نصرت‌آباد،

کاروان‌سرا یا رباطی از دوره سلجوقی تا صفوی است.



شکل ۱۱- بقایای سه رباط یا قلعه در آبادی گرگ در مسیر فهرج- نصرت‌آباد (کرمان- سیستان)



شکل ۱۲- نمایش پراکندگی آثار باستانی در مسیر فهرج- نصرت‌آباد:

- ۱- قلعه خاکی فهرج ۲- قلعه سنگی ۳- قلعه و محوطه شاه‌مردان
- ۴- قلعه و محوطه کهور منزل ۵- قلعه چشمه ۶- میل نادری ۷- جاده
- سنگفرش باستانی ۸- رباط شورگز ۹- رباط یا کاروان‌سرای بیابان گرگ
- ۱۰- بقایای میل فرهاد ۱۱- بقایای کاروان‌سرا و قلاع گرگ ۱۲-

### کاروان‌سرای نصرت‌آباد

(کهنه‌قلات)

چنان‌که در ابتدا نیز گفته شد، از شواهد مهم باستان‌شناختی مسیر فهرج به اسپه و به عبارتی دیگر مسیر فارس و کرمان به سیستان، بنایی است هشت‌ضلعی که همچون نگینی بر صفحه بیابان گرگ خودنمایی می‌کند (شکل ۱۲). شناخت کاربری این بنا و تعیین تاریخ آن از پرسش‌های عمده این پژوهش است که در راستای پاسخگویی به آن ابتدا به توصیف بنا پرداخته و سپس با تلفیق داده‌های حاصل از معماری و متون جغرافیای تاریخی سعی بر آن داریم که به پاسخی جامع از پرسش‌ها دست یابیم.

## توصیف بنای بیابان گرگ

نقشه بنا، هشت‌ضلعی با هشت برج در هشت گوشه است. ورودی بنا در میان ضلع جنوب‌شرقی و در میان یک برج بوده که از بین رفته و بقای اندک از آن به‌جاست و جزئیات آن به درستی معلوم نیست. فضای داخلی شامل حجره‌هایی پیرامون حیاط مرکزی هشت‌ضلعی است. طول هر ضلع بیرونی بنا، بین ۱۷-۱۹ متر است. همگی برج‌ها، مدور با قطر تقریبی ۲/۶۰ متر است. ارتفاع باقی‌مانده از دیوار پیرامونی بنا، ۴-۶ متر و پهنای آن حدود ۱ متر است. در هر ضلع بنا، چهار حجره تعبیه شده است و هشت اتاق دوزنقه‌ای-شکل در هشت کنج بنا قرار دارد که احتمالاً به برج‌ها راه می‌یافته‌اند و بدین شکل، بنا در مجموع دارای چهل حجره است (شکل ۱۵). با این حال درباره برج‌های گوشه ضلع شمال-غرب و جنوب‌شرقی، ورودی در نمای بیرون برج نیز تعبیه شده است. پوشش تمامی فضاها فرو ریخته است. بیشترین ارتفاع باقی‌مانده از فضاهای داخلی، ۲/۵ متر است. ابعاد حجره‌ها تقریباً یکسان و ۳×۵ متر است (شکل ۱۷). هیچ‌گونه تزیینی در بنا دیده نمی‌شود.



شکل ۱۶- دورنمای ضلع شرقی رباط بیابان گرگ

### مصالح ساخت بنا

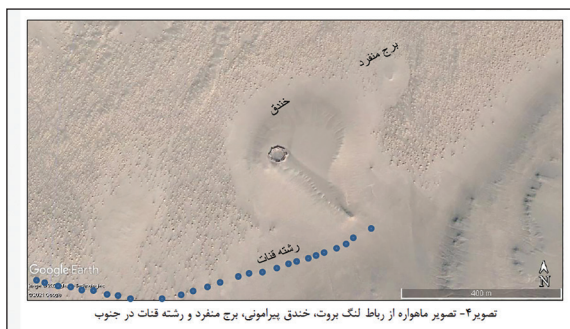
مصالح ساخت بنا عمدتاً خشت و قسمت‌هایی از آجر است. بخش بیرونی حصار پیرامونی و برج‌ها تا ارتفاع یک متر از آجر ساخته شده و ادامه حصارها از خشت است (شکل ۱۴). مصالح ساخت تمامی فضاهای داخلی از خشت است. آجرهای به‌کاررفته در پایه تنها سطح بیرونی را به صورت یک لایه پوشش می‌دهد (شکل ۱۷). فقط در برج سوی جنوبی ضلع شرقی، شاهد استفاده کامل از آجرهای سرخ‌فام هستیم (شکل ۱۸). دلیل استفاده از آجر در قرنیزها، حفاظت پایه‌های بنا در برابر طوفان‌های شن است. ابعاد آجرها عمدتاً ۲۸ سانتی‌متر با ضخامت ۵ سانتی‌متر است. اما اندک آجرهایی با ابعاد ۳۰ سانتی‌متر هم دیده می‌شود. ابعاد خشت‌ها عمدتاً ۳۵-۳۶ سانتی‌متر با ضخامت ۶-۷ سانتی‌متر است. مصالح ساخت آبنبار، آجرهایی قرمز رنگ با ابعاد ۲۸-۳۰ سانتی‌متر است.



شکل ۱۷- پایه‌های آجری بنا، بقایای ورودی بنا با نمایی از بقایای فضاهای خشتی داخل بنا



شکل ۱۸- برج آجری گوشه شرقی ضلع جنوبی رباط (کاروان‌سرا)



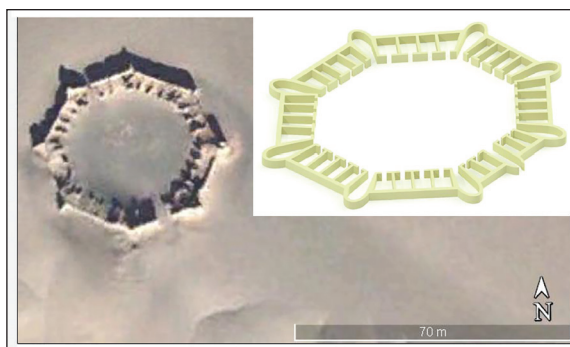
تصویر ۴- تصویر ماهواره از رباط لنگ بروت، خندق پیرامونی، برج منفرد و رشته قنات در جنوب

شکل ۱۳- تصویر ماهواره از رباط بیابان گرگ، خندق پیرامونی، برج منفرد و رشته قنات در جنوب

پیرامون بنا را احتمالاً خندقی فرامی‌گرفته که در فاصله ۵۰ تا ۲۰۰ متری از آن قرار دارد. پهنای خندق حدود ۹۰ متر است. پشته خاکی پل‌مانند برای عبور از خندق به سمت ورودی بنا در سوی جنوب ساخته‌اند (شکل ۱۳). حفر این خندق علاوه بر تأمین امنیت، احتمالاً تمهیدی (تله رسوب‌گیر) دیگر برای حفظ بنا از طوفان‌های شن بوده است. در فاصله ۲۰۰ متری جنوب بنا، بقایای آبنباری مستطیل شکل دیده می‌شود. ابعاد آبنبار، ۳×۸/۵ متر و پوشش آن طاق آهنگ است که فرو ریخته و تا خیز پوشیده از آوار است (شکل ۱۹). دو رشته قنات با فاصله‌ای اندک از جنوب آبنبار و از غرب به شرق امتداد می‌یابد که منابع تأمین آب کاروان‌سرا بوده‌اند.



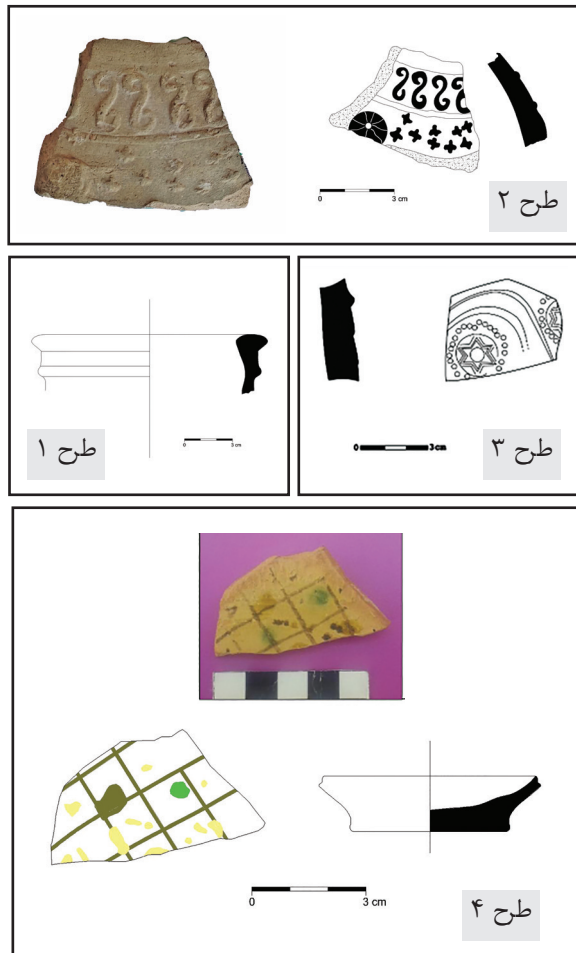
شکل ۱۴- نمای ضلع جنوبی رباط (کاروان‌سرا) بیابان گرگ



شکل ۱۵- تصویر ماهواره‌ای و نقشه رباط (کاروان‌سرای) بیابان گرگ



(طرح ۲) و قطعه‌ای با نقوش مرواریدی و ستاره (طرح ۳)، از دیگر قطعات یافت شده است. این نوع تزئین و موتیف در دوره سلجوقی رایج است و نمونه‌هایی از آن در محوطه‌های دارای آثار سلجوقی مانند محوطه‌های اسلامی نرماشیر و شهر کهن جیرفت یافت می‌شود. ری و نیشاپور از مراکز تولید این نوع سفال است (همان: ۲۱۳، شکل ۱؛ چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۴، شکل ۲۳).



شکل ۲۰- نمونه سفالینه‌های بنای بیابان گرگ

### تحلیل یافته‌ها در شناخت کاربری و گاه‌نگاری بنای بیابان گرگ

نقشه این بنا علی‌رغم تفاوت‌هایی در جزئیات، در نگاه نخست یادآور کاروان‌سراها و رباط‌هایی با نقشه هشت‌ضلعی است که نمونه‌هایی همچون چهارآباد و رباط انجیره از دوره ایلخانی و کاروان‌سراهای امین‌آباد، مهیار، ده‌بید، خان‌خوره و بنارویه از دوره صفوی در دست است. رباط، نام‌آشنایی است که به برخی از بناهای کنار جاده‌ها و اغلب بیرون از شهرها اطلاق می‌شود و واژه‌ای کهن به معنی آسودن است. به رباط‌های جامع، کاروان‌سرا می‌گویند (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۲۳۲). اما گاهی اطلاق رباط به مجموعه‌هایی کامل و گسترده مانند رباط افراوه، درک متفاوتی از رباط دست می‌دهد و ما را بر آن می‌دارد تا رباط‌ها را نیز در بسیاری موارد، مجموعه‌ای کامل و جامع بدانیم (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۰۷).



شکل ۱۹- بقایای آب‌انبار مجاور رباط گرگ و موقعیت آن نسبت به رباط

### یافته‌های سفالی

در سطح محوطه، قطعات انگشت‌شماری سفالینه پراکنده بود. با این حال قطعات یافت‌شده دارای ویژگی‌های لازم جهت گاه‌نگاری نسبی است (شکل ۲۰). قطعه لبه سبب بدون لعاب با خمیره نخودی و شاموت شن نرم است. لبه‌هایی با این فرم و خمیره از دوره سلجوقی به وفور در محوطه ارگ بم موجود است (طرح ۱). قطعه دیگر کف پایه‌دار مسطح با نقاشی زیر لعاب پاشیده است. بر این قطعه، مشبک‌هایی لوزی‌مانند با رنگ قهوه‌ای بر زمینه‌ای زردرنگ نقش بسته و لکه‌هایی سبز و قهوه‌ای و زرد بر سطح آن پاشیده شده‌اند (طرح ۴). سفالینه‌هایی با این فرم و لعاب از نیشاپور از قرن دهم میلادی (سوم هجری) در دست است (گروبه، ۱۳۸۴: ۶۳).

تکنیک لعاب لکه‌ای چندرنگ برای اولین بار در کارگاه‌های عباسی واقع در عراق به کار گرفته شده که عیناً در شوش و در غرب ایران نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که همین تکنیک در قرن دهم و یازدهم میلادی در شرق ایران نیز رواج داشته؛ زیرا تعداد قابل ملاحظه‌ای از این نوع سفال در این مناطق نیز یافت شده است (گروبه، ۱۳۸۴: ۶۳). همچنین قطعه یافت‌شده به لحاظ نوع لعاب و نقش، قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست‌آمده از شهر کهن نرماشیر و بازه زمانی قرن ۵ و ۶ هجری است (امیرحاجیلو و سقایی، ۱۳۹۷: ۱۸، شکل ۴). قطعه‌ای بدنه بدون لعاب با خمیره نخودی، تزئینات قالبی و نقوش قلبی، گل و ستاره

کاروان‌سراها یا خان‌ها، بخشی از بناهای در مسیر جاده‌ها را تشکیل می‌دهند که ایجاد امکان اسکان و تأمین امنیت کاروانیان و گاه مبادلات کالا و غیره را برای مسافران داشت. در طراحی اینگونه بناها علاوه بر کلیات معماری هر دوره، شیوه معماری منطقه، مصالح ساختمانی و موقعیت جغرافیایی نیز نقشی مؤثر داشته است. ریشه‌یابی معنایی واژه کاروان‌سرا حاکی از آن است که این بناها علی‌رغم سادگی، بیش از یک عملکرد داشته‌اند. کاروان‌سرا از دو واژه کاربان به معنی افرادی است که از کسب‌وکار حمایت می‌کنند و به گروهی از تجار اطلاق می‌شود که برای در امان ماندن از راهزنان در مکانی جمع می‌شوند. سرای به معنی خانه و مکان آسودن است. به همین جهت جنبه دفاعی و قلعه‌مانند کاروان‌سرا در معنی آن نهفته است. این کاربری ایجاد می‌نمود که این نوع بناها اغلب یک ورودی و گاه تعدادی برج داشته باشند. کاروان‌سراهای حیاطدار مرکزی خود عمدتاً به کاروان‌سراهایی با نقشه چهارگوش، مدور و چندضلعی طبقه‌بندی می‌شدند که دارای حیاط مرکزی با حجره‌ها، اصطبل‌ها و انبار در پیرامون و باربندی در میان یا گوشه بود. حصار کاروان‌سرا در اغلب موارد دارای برج‌هایی در گوشه و در میان اضلاع است و در مواردی، ساده و بدون برج است. کاروان‌سراهای مدور و هشت‌ضلعی، بیشتر نقش نظامی و دفاعی داشته‌اند؛ زیرا دفاع از چنین ساختمان‌هایی به مراتب آسان‌تر از بناهای چهارگوش است. کاروان‌سراهای ساخته‌شده در دشت و در مسیر، اغلب یک طبقه و کاروان‌سراهای شهری، دو طبقه‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که بنای کاروان‌سراهای کهن‌تر از سادگی بیشتر برخوردار بوده و اتاق‌ها مستقیم به حیاط راه می‌یافتند. اما در ادوار بعدی، ایوان‌هایی به آنها افزوده شد (کلیس و کیانی، ۱۳۷۳: ۱۳).

البته تمام بناها با این ویژگی، چنان که گفته شد، کاروان‌سرا نامیده نمی‌شوند و بسیاری از آنها در شرحی از رباط‌ها آمده‌اند. اختلاف‌نظرهایی چند درباره عملکرد رباط‌ها و تفاوت آن با کاروان‌سراها مطرح است. دلایل گوناگونی این واژه‌ها بیشتر تفاوت در گویش‌های محلی به نظر می‌رسد. با این حال ابهامات عملکردی نیز در تفاوت این واژه‌ها نهفته است (همان: ۳۹۹ و ۳۹۷).

هرچند اطلاعات ما از معماری کاروان‌سراهای قرون نخستین اسلامی، اندک است، احتمالاً دنباله معماری کاروان‌سراها از دوره ساسانی و دارای ساختاری ساده است. منابع این عصر بارها از ایجاد کاروان‌سراها و رباط‌ها نام برده‌اند. با این حال هیلن براند معتقد است که یافتن مجموعه‌ای از بناها با کاربری کاروان‌سرا تا پیش از قرن پنجم و ششم هجری دشوار به نظر می‌رسد. از این زمان است که بنای کاروان‌سراها، موجودیت مستقل می‌یابد و از کیفیت بالایی در طراحی و ساخت برخوردار می‌شود. البته

زمینه‌ساز این امر، چند قرن گذشته است که می‌توان آن را دوره تجربیات دانست (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۰۶). دوره سلجوقی، عصر شکوفایی و درخشش هنر اسلامی به‌ویژه معماری شد. ایجاد راه‌های تجاری با امکانات رفاهی و تأمین امنیت کاروان‌ها در رأس امور قرار گرفت که گوشه‌هایی از آن، چنان که در مبحث جغرافیای تاریخی آمد، در منطقه مورد مطالعه این پژوهش و توسط ملک قاوورد به منصف ظهور رسید.

بنای بیابان‌گرگ در مجموع با توجه به وجود تعداد زیادی حجره پیرامون حیاط مرکزی و واقع شدن در مسیر جاده‌ای تجاری در دشت، دارای کاربری کاروان‌سرا یا رباط به نظر می‌رسد. هرچند وجود اشتراک عمل‌هایی که میان کاروان‌سراها و رباط‌ها وجود دارد، ایجاد می‌نماید تا آنچه را درباره کاروان‌سراها دانسته، به رباط‌ها نیز تعمیم دهیم و در همین راستا بحث را ادامه دهیم، گاهی برخی تعاریف ارائه‌شده از کاربری رباط‌ها، ما را بر آن می‌دارد که نگاهی نیز از زبان این متون بر عملکرد رباط‌ها بیندازیم و تفاوت‌های اندکی را که ممکن است در عملکرد رباط‌ها نسبت به کاروان‌سراها وجود داشته باشد، بهتر دریابیم. به ویژه آنکه این خرددانه از رباطی با نام بعیده در مسیر فهرج- نصرت‌آباد یاد می‌کند که به لحاظ مسافت و منزلگاه می‌تواند منطبق بر این بنا باشد.

سهرودی در عوارف‌العالم می‌آورد: «اصل خانقاه و رباط آن است که از بهر دفع خصمان و دشمنان، اسبان با قوت و فربه نزد خویشتن دریندد، که اگر دشمن وقتی خواهد که ناگاه شیخون کند، زود بر پشت آن سوار توان شد از بهر دفع دشمن و صوفی و مجاهد و مرابط باشد که نفس خود در برابر دشمن دارد و به دفع او مشغول شود» (سهرودی، ۱۳۴۷: ۴۸). خانقاه که با تفاوت‌هایی تکیه، رباط و زاویه هم خوانده می‌شود، مکان تجمع درویشان و چله‌نشینی بود (زرین‌کوب، ۱۳۴۴: ۱۱۴). واژه رباط در قرن چهارم هجری به بناهای دژگونه گفته می‌شود که برای استمرار جهاد مورد استفاده قرار می‌گرفت (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۹۷). هیلن براند، رباط را مکانی برای رزمندگان دینی تلقی می‌کند که برای کوتاه‌مدت جهت تجدید قوا علیه کافران، گرد هم می‌آمدند. با توسعه مرزهای اسلام، اینگونه بناها جهت استفاده در زمان صلح، نیازمند تغییر نبود و بدین شکل دور از ذهن نیست که این واژه بازتاب‌دهنده نقش کاروان‌سرا نیز باشد. در حکایتی از شرح حال ابراهیم ادهم (۱۶۰هـ) که امیرزاده‌ای در بلخ بود، به کاربری رباط، از زبان فردی شتریان که به دنبال سرپناهی برای آرمیدن است، برمی‌خوریم که می‌گوید: «ای عجب مگر رباط جز این باشد که یکی بیاید و یکی برود» (زرین‌کوب، ۱۳۴۴: ۶۶). بدین گونه به نظر می‌رسد که رباط‌ها ضمن داشتن عملکردی مشابه کاروان‌سراها، به لحاظ معنوی و داشتن نقش دفاعی مورد توجه بیشتری بوده‌اند. کاوشی در متون

جغرافیای تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از بناهایی که از آنها با عنوان رباط یاد شده، در مسیر راه‌های کاروانی قرار داشته و تعدادی قابل توجهی از منزلگاه‌ها با عنوان رباط خوانده شده‌اند. به طور مثال در ادامه مسیر مورد مطالعه می‌بینیم که از هفت منزل بین نصرت‌آباد (اسپی) به سیستان، چهار منزل با عنوان رباط ضبط شده‌اند (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۰۸).

این اشتراک عملکردها ایجاب می‌نماید تا در کنار تعاریف انحصاری، در نهایت نگاهی کلی به اینگونه بناها داشته باشیم. تعداد زیادی از این بناها در قرون اولیه اسلامی بنیان شد و فرمانروایان ایرانی، نقشی بسزا در ایجاد آنها داشتند. سه بنای محوطه تاریخی دارزین، از جمله رباط‌های موجود در ناحیه مورد مطالعه است که در مسیر دارزین و بم به سیستان و در امتداد مسیر مورد مطالعه به سمت غرب قرار دارند (شکل ۹). شکوهی این بناها را با عنوان قلاع دارزین آورده و تاریخی ساسانی-قرون اولیه اسلامی برای آنها قائل است (شکوهی، ۱۳۷۵: ۶۸). به نظر می‌رسد که بناهای دارزین، مأمن و مسکن مردم و حیوانات بوده باشد (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۹۹).

هرچند در وهله نخست، تجارت و تولید ثروت، انگیزه مهم سفر در دوره باستان به نظر می‌رسد، عوامل مهم دیگری را نیز باید بدان افزود. رفت‌وآمدهای زیارتی از جمله این موارد است که زیارت خانه خدا در رأس آن قرار داشت. چه بسا کاروان‌هایی وسیع که در این راستا به راه افتاده و رنج صدها فرسنگ سفر را به جان می‌خریدند. در شرح احوال ملک‌شاه سلجوق (متوفی ۴۸۵هـ.ق) آمده است: «او ساختمان‌های بسیار به پا داشت. رودها حفر و دیوارها مستحکم کرد و در بیابان، رباط‌ها و پل‌ها بنا کرد و ساختمان‌هایی زیبا که توقف‌گاه‌هایی است در مسیر مکه و برای آن «همان». تحصیل علم و معرفت از اهداف دیگر سفر بود. محصلان و طلاب اغلب مسیرهای طولانی را می‌پیمودند تا از اهل معرفت درس بیاموزند و به بسط آن در دیگر نقاط بپردازند. چنان‌که پاره‌ای از عملکرد رباط‌ها، سکنی دادن به این طالبان علم و معرفت به نظر می‌رسد. در این میان، جهانگردان و جغرافیایی‌نویسانی علاقه‌مند با هدف شناخت دیگر سرزمین‌ها، به راه افتاده و مسالک و ممالک‌ها، صورالاقالیم‌ها و البلدان‌ها خلق نمودند. بنابراین دلیل فراوانی اینگونه بناها، نیاز جامعه، تولید ثروت، نگرش اعتقادی و بیان قدرتی نمادین بود.

بنای بیابان گرگ با نقشه هشت‌ضلعی، هشت برج در گوشه‌ها و چهل حجره پیرامون فضای مرکزی دارای کاربری رباط یا به بیان دیگر کاروان‌سرا به نظر می‌رسد. کاروان‌سرای بیابان گرگ از لحاظ نقشه کلی، چیرگی معماران آن را در اجرا نشان می‌دهد و به لحاظ سادگی در اجزاء، پیرو دوره قبل از خود است. در بنای بیابان گرگ، ایوان به عنوان فضایی مجزا، آنچنان که در معماری کاروان‌سراهای قرن پنجم و ششم به بعد دیده می‌شود، وجود

ندارد و فضاها، بی‌واسطه با حیاط مرکزی ارتباط می‌یابند. از این لحاظ یادآور کاروان‌سراهایی همچون کنارسیاه و دروازه گچ از دوره ساسانی است. ساخت دروازه با برج‌هایی در دو سوی آن، مانند آنچه در بناهای دارزین دیده می‌شود، از شیوه‌های متداول در معماری ساسانی است. بعدها تغییراتی در دروازه‌ها داده شد. بدین‌گونه که ورودی درون حجره‌ای مربع با گنبدی روی آن و دو نیم‌برج مدور در دو سوی آن ساخته شد که نمونه‌ای از آن در بناهایی چون خربت المفجر و اتشان از قرون اولیه اسلامی دیده می‌شود (هیلن براند، ۱۳۷۳: نقشه ۷، ۱۴ و ۷، ۶۲).

در بنای بیابان گرگ نیز ورودی در برجی تعبیه شده و دو برج مدور در دو سو و گوشه‌های ضلع جنوبی دیده می‌شود. همچنین این بنا به لحاظ قدمت از کاروان‌سراهای شناخته‌شده با پلان مشابه، قدیمی‌تر به نظر می‌رسد. آجرهایی مشابه آنچه در بنای بیابان گرگ به کار رفته، در ساخت میل نادری در ۳۰ کیلومتر غرب این بنا مربوط به قرن چهارم و پنجم هجری دیده می‌شود. خشت‌هایی با ابعاد ۲۷-۲۸ سانتی‌متر در ساخت رباط‌های دارزین نیز دیده می‌شود که از خشت‌های به کار رفته در بناهای اسلامی بزرگ‌تر و معمولاً در دوره ساسانی و قرون اول و دوم هجری متداول بوده‌اند (شکوهی، ۱۳۷۵: ۶۸). همچنین در ساخت برخی آثار ساسانی-اسلامی فهرج مانند قلعه ثانی‌آباد، خشت‌هایی با ابعاد ۲۸ و ۳۰ سانتی‌متر به کار رفته است. در قلعه سرنگ، خشت‌هایی با ابعاد ۲۸ سانتی‌متر دیده می‌شود (فاضل، ۱۳۹۹: ۱۵۰ و ۲۰۴). خشت‌هایی با ابعاد ۳۵-۳۶ سانتی‌متر اغلب در بناهای پیش از اسلامی کاربرد داشته که استفاده از آن را در این بنا می‌توان دلیلی بر رواج سنت‌های گذشته در معماری بومی دانست که ویژگی‌هایی از معماری پیشین را در خود حفظ نموده بود.

چنان‌که آمد، فهرج از شهرک‌های آباد نرماشیر بود. روایتی از مقدسی به جاست که تصویری روشن از رونق تجاری نرماشیر و شهرک‌های آن و به تبع مسیر و منزلگاه‌ها از جمله بنای بیابان گرگ در این زمان به دست می‌دهد. وی می‌نویسد: «همه‌ساله یکصد هزار شتر به اینجا می‌آید و فرمانروا به هر ساربان، یک دینار می‌بخشد. بازارش پرسود است. گویند هنگامی که عضالدوله دیلمی به سفر در نرماشیر بود، از دیدن کاروانیان حیرت زده شد و گفت: بگذرید از شهری که این همه مردم به ناآگاه بدان درآیند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۹۳). کاروان‌هایی از سیستان و سند و مکران و خراسان در اینجا گرد هم می‌آمدند. نرماشیر در قرن چهارم، شهری مهم، میانه راه فهرج به بم بوده که فهرج هنوز باقی است. بازرگانی از خراسان در آنجا مقیم بوده و با عمان تجارت داشتند. همچنین در راه حاجیان سیستان و از این‌رو بازاری برای کالاهای گران‌قیمت هند بود (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۵). آبادانی این راه سبب شد تا در زمان طغرل‌شاه سلجوقی، پادشاه

کرمان، عشور ابریشم مکران به سی هزار دینار برسد و تمغای بندر طیس، پانزده هزار دینار اجاره رفت (وزیری، ۱۳۷۵: ۹۶).

بنابراین نقش منزلگاه‌ها و بناهای در ارتباط با راه، در رونق اقتصادی محرز به نظر می‌رسد. نقش دفاعی این بنا در تأمین امنیت مسافران و کاروانیان را در وهله نخست در نقشه هشت‌ضلعی آن با هشت برج می‌توان یافت که برج منفرد دیگر در کنار آن به تقویت نقش تدافعی بنا می‌انجامد. اما چه خطراتی در این بیابان بود که ساخت چنین بنایی را ایجاب می‌نمود؟ در این باره نخست باید به موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه اشاره نمود. این مکان، پل ارتباطی شرق به نواحی جنوب و جنوب‌غرب فلات ایران بوده و در مسیر کشورگشایی‌ها قرار داشت. دشتی که بنای بیابان گرگ بر آن قرار دارد، در دهانه دربند یا دروازه سیستان است که ارتباط سیستان و بلوچستان با کرمان را میسر می‌ساخت. دلیل این موضوع، وضعیت ناهمواری‌های شرق کشور است که به ناچار ارتباط سیستان با کرمان و بلوچستان را از این طریق ممکن می‌ساخت. این ویژگی ایجاب می‌نمود تا بناهای ساخته‌شده در مسیر از استحکام و تدابیر امنیتی کافی برای حفظ جان و مال افراد و کاروانیان برخوردار باشد. کاوشی در متون تاریخی و جغرافیای تاریخی، فهرستی طولی از وقایع تاریخی و حمله‌هایی به دست می‌دهد که از این منطقه جغرافیایی و از این مسیر صورت گرفته است. نمونه‌هایی احتمالی و مطمئن از آن، سفر فرضی کوروش به سند، حمله وه یزداته به حوزه رود کابل، حمله اردشیر به سگریان و حتی حمله اعراب و فتح سیستان و کابل است.

موضوع دوم، وجود اقوامی موسوم به قفص است (۵). متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی بارها از اقوامی به نام قفص نام می‌برد که خطری در مسیر کاروانیان در راه بیابان بودند. این اقوام در نواحی شرقی و جنوبی کرمان و در کوه‌های آن سکنی داشتند و حوزه نفوذ آنها در این زمان، منطقه‌ای وسیع از سیستان و مکران تا خراسان و ری بود. ابن حوقل درباره قفص‌ها می‌نویسد: «موجب ناامنی همه راه‌های کرمان و راه‌های میانه کرمان و بیابان سیستان و فارس می‌شوند. این قبایل پیاده و بدون چهارپا هستند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۵-۷۸). این قوم در حواشی بیابان‌های مرکزی، تکیه‌گاه‌ها و حتی شهرهایی را به صورت پایگاه داشته‌اند و در مجاورت این پایگاه‌ها و نزدیک چشمه‌سارها زندگی بیابانی داشته‌اند (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۰۰).

مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان در ذکر وقایع قرون اولیه اسلامی از رخدادی در بیابان‌های کرمان و شبیخون کفچان بر سر عده‌ای بازرگان و غارت اموال آنها خبر می‌دهد (تاریخ سیستان، ۱۳۹۱: ۴۵). در سال ۳۲۴ هـ. ق همزمان با آل بویه، رئیس قفص و بلوص، شخصی به نام علی بن زنجی، معروف به علی کلویه بود. ابن خلکان می‌نویسد: «معزالدوله در جنگ با اکراد (کفچ‌ها) در

کرمان، دست خود را از دست داد» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۱۶۲). اصطخری می‌نویسد: «از سلطان نیز ایشان را مشاخره معین است که دست ایشان از عدوان و تعدی بر قوایل کوتاه می‌باشد. با این همه تمامت کرمان را تا حد بیابان سجستان و فارس قطع می‌کنند» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۴).

از دلایل نفوذ دیلمیان در منطقه را می‌توان سیاست حکام آل بویه نسبت به اقوام کوچ و بلوچ و گروگان گرفتن سرکرده‌های آنان دانست. این امر موجب گردید تا آنان پس از این تاریخ به کاروان‌های منصوب به امیر دیلمی دستبرد زنند. همچنین از دلایل رونق تجاری در زمان ملک قاوورد، مهار قوم کوفج بود (مستوفی، ۱۳۵۱: ۱۰۱). بنابراین بنای بیابان گرگ، ضمن ایفای نقش خود در اسکان مسافران و مشتاقان، بسان قلعه‌ای، تأمین امنیت جانی و اموال آنها را نیز برعهده داشت. چنان‌که گذشت، مسیر حاجیان سیستان از اینجا می‌گذشت. بنابراین جایگاه معنوی بنا نیز می‌تواند حداقل در مسکن دادن به راهیان کعبه باشد.

### نتیجه‌گیری

انتهای شرقی کرمان و منظر فرهنگی بزم در حاشیه جنوبی بیابان لوت و همجوار با سیستان و بلوچستان و خراسان، مکانی مهم در ارتباط نواحی جنوب و جنوب‌غرب ایران با نواحی شرقی فلات ایران است. شاهراه باستانی فارس و کرمان به سیستان از حاشیه لوت جنوبی عبور می‌کند. فهرج و اسپبی یا سبیج با نام کنونی نصرت‌آباد، دو نقطه بر این خط سیر هستند که منابع جغرافیای تاریخی قرون اولیه و میانه اسلامی از آنها در ردیف شهرهای آبادان حاشیه بیابان یاد کرده و خط سیر مستقیم فهرج به اسپبی را در ذکر مسیرهای فارس و کرمان به سیستان آورده‌اند. همچنین این منابع به وجود راه‌هایی دیگر اشاره داشته‌اند که از فهرج و سنیج به خراسان و سند و بلوچستان امتداد می‌یابند.

از متون جغرافیای تاریخی که بگذریم، شواهد باستان‌شناختی بر این خط‌سیر شامل محوطه وسیع شاه‌مردان و کهور منزل، ده قلعه و کاروان‌سرا، میل نادری و بقایای جاده سنگفرش باستانی از دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی، راهنمای ما در شناسایی خط-سیر و حاکی از اهمیت آن بود. این مسیر بر اساس اسناد میدانی و مکتوب در دوره آل بویه و سلجوقی (قرن ۴-۶ هجری) و به‌ویژه در دوره ملک قاوورد به اوج رونق خود رسید. منازل راه، نخست شامل محوطه کهور منزل به نظر می‌رسد. منزل دوم، مکان میل نادر در یک‌منزلی (پنج فرسنگ) فهرج‌جاست. منزل سوم، کاروان‌سرا یا رباط بیابان گرگ در یک‌منزلی (شش فرسنگ) میل نادر است که شرح آن گذشت. منزل چهارم، مجموعه کاروان‌سرا و قلعه آبادی گرگ در یک‌منزلی (پنج فرسنگ) از کاروان‌سرای گرگ است. منزل پنجم و آخر،

نصرت‌آباد در هفت‌فرسنگی آبادی گرگ است. بنای بیابان گرگ در میانه مسیر و منزل سوم از فهرج به اسپه قرار دارد. این بنا با مساحت بیش از ۲۲۰۰ متر مربع و چهل حجره پیرامون حیاط مرکزی دارای کاربری رباط یا کاروان‌سراست.

با وجود چیرگی معماران بنا در اجرای نقشه هشت‌ضلعی آن، سادگی اجزا و ارتباط مستقیم حجره‌ها با حیاط مرکزی و نبود ایوان به عنوان واحدی مستقل که در معماری قرن پنجم و ششم به تکامل می‌رسد، مصالح ساخت رباط که در ساخت بناهایی از اواخر دوره ساسانی تا عصر سلجوقی کاربرد داشته و گاه‌نگاری تطبیقی سفالینه‌های به دست آمده، ما را بر آن می‌دارد که تاریخ ساخت بنا را بازه زمانی آغاز اسلام تا پایان عصر سلجوقی بدانیم. شواهدی در بنا و مواد فرهنگی که حاکی از تداوم استفاده بنا پس از این تاریخ باشد، موجود نیست. نقشه هشت‌ضلعی با هشت برج، برجی منفرد و خندقی در پیرامون، متضمن عملکرد دفاعی بناست. چهل حجره، مأمنی برای کاروانیان و سرپناهی برای مسافران و در راه ماندگان بود. نقش بنا در بحث اقتصاد و تجارت را می‌توان در مکان‌یابی آن در حاشیه جاده مهم تجاری عنوان نمود. مسیر حاجیان سیستان از اینجا بود که بنای بیابان گرگ می‌توانست جایگاه معنوی رباط را حداقل با مسکن دادن به راهیان خانه خدا و سالکان معرفت ایفا کند.

## پی‌نوشت

۱. از مهم‌ترین منابع ما در بازسازی مسیریهای اواخر دوره ساسانی متون جغرافیای تاریخی قرون اولیه اسلامی است در این متون تصویری از راه‌ها و خط‌سیرهای اواخر ساسانی رخ می‌نماید. زمانی که بلاذری (۵۲۷۹ه) به فتح کابل در سال ۳۰ هجری اشاره می‌کند و از مسیر لشکرکشی سپاه اسلام و عبور آنها از مناطق بم و فهرج به سیستان و کابل سخن می‌راند، هنگامی که ابن‌خرداددبه، اصطخری، ابن‌حوقل، مقدسی و دیگر جغرافیای‌نویسان تاریخی قرون اولیه اسلامی، در توصیف خط‌سیر فارس به کرمان و سیستان از نقاط بم و فهرج و سنج بر این خط سیر یاد می‌کنند، بدون شک حوزه جغرافیایی عبور خط‌سیر و بازتابی از راه ارتباطی این نقاط را از حداقل از اواخر دوره ساسانی نشان می‌دهند. از دیگر دلایل حیات این خط سیر در دوره ساسانی کتیبه شاپور سکنشاهان است که به مسیر فارس به سیستان اشاره می‌کند. مطالعات میدانی و شناسایی محوطه‌هایی وسیع و آثار قلاع و کاروانسراهایی حداقل از اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی در راستای تأیید منابع؛ عبور مسیر از حوزه مورد مطالعه و حیات آن در بازه زمانی اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی است که در متن مقاله به ذکر همگی این موارد؛ تلفیق متون با نتایج حاصل از مطالعات میدانی و در نتیجه اثبات حیات و رونق این خط‌سیر و معرفی و

تحلیل کاروانسرای (رباط) بیابان گرگ، یکی از مهم‌ترین بناهای مسیر، در بازه زمانی اواخر دوره ساسانی تا پایان عصر سلجوقی پرداختیم.

۲. ناحیه منظر فرهنگی بم، سرزمین‌های شرقی استان کرمان و شامل شهرستان‌های بم، نرماشیر، فهرج و ریگان است. این مناطق تا پیش از تقسیمات کشوری نیمه دهه هشتاد برای قرن‌ها از نواحی بم بوده و در متون قرون میانه و متأخر اسلامی تا پایان دوره قاجار از مجموع آنها با عنوان دارالاربعه بم یاد شده است و مراد از بم در این متون، تمامی این مناطق از جمله فهرج است (طرح جامع مدیریتی بم و منظر فرهنگی آن، ۱۳۸۶: ۶۲).

۳. رباط سلجوقی؛ نگین درخشان جاده ادویه فهرج، خیرگزاری صدای میراث، ۲۰۱۹/۱۲/۱۴، لیلا فاضل.

۴. در حاشیه جاده آسفالته کنونی، لوح سنگی از دوران پهلوی اول قرار دارد که به تاریخ ساخت جاده در ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ اشاره می‌کند. این لوح هرچند یک سند ملی ارزشمند است، مربوط به ساخت جاده شوسه بم- کهورک بوده، به جاده سنگفرش مربوط نمی‌شود.

۵. این اقوام با نام‌های قفص، کوچ، کوفج و کوفجان در متون تاریخی و جغرافیای تاریخی ثبت شده‌اند.

## منابع

۱. ابن‌حوقل (۱۳۶۶) **ایران در صوره الارض (سفرنامه ابن حوقل)**، به کوشش جعفر شعرا، تهران، امیرکبیر.
۲. ابن‌خردادبه (۱۳۷۱) **مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند**، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل و موسسه فرهنگی حنفا.
۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۷۳) **مسالک و ممالک**، ترجمه محمدبن عبدالله تستری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۴. اسعدیور بهزادی، زهرا (۱۳۷۲) **کیمیای ناسوت**، تهران، مؤلف.
۵. افشار سیستانی (۱۳۹۰) **سیستان و بلوچستان‌نامه**، تهران، کتابدار.
۶. اکبرزاده، داریوش (۱۳۹۹) **«ز کابل به ناگه به کنده رسید (پاداشتی بر ترکیب کابل / زرتک-چین / چینستان بر پایه کوش‌نامه)»**، مطالعات ایرانی، سال نوزدهم، شماره ۳۸، صص ۲۲-۷.
۷. امیرحاجیلو، سعید و سارا سقایی (۱۳۹۷) **«گسترش و تنوع گونه‌های سفال اسلامی در سکونت-گاه‌های دشت نرماشیر کرمان»**، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۱۹، صص ۲۰۷-۲۲۶.
۸. باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷) **کوچه هفت پیچ**، تهران، نگاه.
۹. ----- (۱۳۷۱) **اژدهای هفت‌سر**، تهران، درنا.
۱۰. بلاذری، احمدبن‌یحیی (۱۳۳۷) **فتوح البلدان**، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره.
۱۱. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۲) **آشنایی با معماری اسلامی ایران؛ ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری**، به کوشش

۳۰. کریمیان، حسن و دیگران (۱۳۹۸) **سیر تحولات فضایی شهر سیرجان در دوران اسلامی با اتکا به شواهد باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی**، مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۵۳-۶۳.
۳۱. کلایس، ولفرام و محمدیوسف کیانی (۱۳۷۳) **کاروان‌سراهای ایران**، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۲. گروه، ارنست.ج. (۱۳۸۴) **سفال اسلامی**، ترجمه فرناز حائری، تهران، کارنگ.
۳۳. لسترنج، گای (۱۳۳۷) **سرزمین‌های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۴. محمودی، علی (۱۳۶۲) **جغرافیای حمل و نقل**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۵. مستوفی، احمد (۱۳۴۸) **گزارش‌های جغرافیایی لوت زنگی احمد**، تهران، مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران.
۳۶. ----- (۱۳۵۱) **مطالعات جغرافیایی دشت لوت**، تهران، مؤسسه مطالعات جغرافیایی دانشگاه تهران.
۳۷. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۱) **جغرافیای تاریخی ایران باستان**، تهران، دنیای کتاب.
۳۸. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱) **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، ترجمه علی نقی منزوی، جلد دوم، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۳۹. ملک شاه حسین سیستانی (۱۳۴۴) **احیاء الملوک**، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۰. نوربخش، حمید و دیگران (۱۳۳۵) **ارگ بزم همراه با تاریخچه مختصر شهرنشینی در ایران**، تهران، طهوری.
۴۱. وزیری، احمدعلی خان (۱۳۵۲) **جغرافیای کرمان**، تهران، ابن سینا.
۴۲. ----- (۱۳۷۵) **تاریخ کرمان**، تصحیح و تحشیۀ محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علمی.
۴۳. هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷) **معماری اسلامی**، ترجمه ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۴۴. یارشاطر، احسان (۱۳۸۰) **تاریخ ایران**، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم، قسمت دوم، تهران، امیرکبیر.
- غلامحسین معماریان، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
۱۲. پیرنیا، محمدکریم و کرمان‌الله افسر (۱۳۷۰) **راه و رباط**، چاپ دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی و انتشارات آرمن.
۱۳. **تاریخ سیستان** (۱۳۹۱) به کوشش جعفر مدرس صادقی، تهران، مرکز.
۱۴. **تاریخ شاهی قراختایان کرمان** (۲۵۳۵ شاهنشاهی) به تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۵. توحیدی، فاتح (۱۳۸۲) **فن و هنر سفالگری**، تهران، سمت.
۱۶. توین‌بی، آرنولد (۱۳۷۸) **جغرافیای اداری هخامنشیان**، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۱۷. چوبک، حمیده (۱۳۹۱) **«سفالینه‌های دوره اسلامی - شهر کهن جیرفت»**، مطالعات باستان‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۸۳-۱۱۲.
۱۸. خبیصی، میرزا محمدابراهیم (۱۳۸۶) **سلجوقیان و غز در کرمان**، تصحیح و مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علم.
۱۹. رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۳۲) **فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها) - استان کرمان و مکران**، جلد هشتم، مشهد، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش / بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۰. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۴) **ارزش میراث صوفیه**، طهران، آریا.
۲۱. سایکس، سرپرسی (۱۳۶۵) **سفرنامه ژنرال سرپرستی سایکس یا ده‌هزار میل در ایران**، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه.
۲۲. سه‌رودی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۴۷) **عوارف المعارف**، ترجمه ابومنصور عبدالمومن اصفهانی، به کوشش قاسم انصاری، تهران، علمی فرهنگی.
۲۳. شریفی، مهناز (۱۳۹۸) **«نویافته‌های بقایای معماری اواخر دوران ساسانی و اوایل اسلامی در حوضه رودخانه سیمره (زاگرس مرکزی)»**، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۵۹-۸۲.
۲۴. شکوهی، مهرداد (۱۳۷۵) **«بناهای تاریخی اوایل اسلام در نواحی دازین کرمان»**، ترجمه فرزاد کیانی، مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۶، صص ۶۴-۶۹.
۲۵. **طرح جامع مدیریتی اثر میراث جهانی بزم و منظر فرهنگی آن (۲۰۱۷-۲۰۰۸)** (۱۳۸۶) تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دفتر منطقه‌ای یونسکو.
۲۶. فاضل، لیلا (۱۳۹۴) **مطالعات باستان‌شناسی منظر فرهنگی بزم بررسی مقدماتی قلاع موجود در منظر و محور فرهنگی بزم (۱۳۹۱-۱۳۹۴)**، زیر نظر دکتر شهریار عدل، بزم، مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی بزم و منظر فرهنگی آن (منتشر نشده).
۲۷. ----- (۱۳۹۹) **مطالعات باستان‌شناسی ناحیه منظر فرهنگی بزم، شهرستان‌های فهرج و ریگان استان کرمان**، به همراه معرفی آثار نویافته شهرستان‌های بزم و نرماشیر، زیر نظر شهریار عدل، شیراز، کتیبه نوین.
۲۸. فاضل، لیلا و دیگران (۱۳۹۶) **«خط سیرهای باستانی و سیمای تاریخی بخش نگین کویر فهرج (منظر فرهنگی بزم)»**، مطالعات ایران‌شناسی، سال سوم، شماره پنجم، بنیاد ایران‌شناسی.
۲۹. فرمانفرما، عبدالحسین میرزا (۱۳۸۳) **مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان**، تهران، اساطیر.
۴۵. Kleiss, V., (1997) "Befestigungen in der umgebung von Bam", deutschesArchaologisches Institute – Eurasien- Abteilung, Aussenstelle Tehran, ArchaologischesMitteilungen , Iran and Turan, Band 29
۴۶. Shokoohy, Mehrdad, (1980) " Monuments of the Early Caliphate at Dārzīn in the Kirmān Region", Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, No. 1 , pp. 3-20.



## مقایسه کارآمدی الگوهای اقتصاد پایدار شهری بر توسعه محلی<sup>۱</sup> (مطالعه موردی: منطقه ۱۰ شهر تهران)

زهره تاجیک\*، سید موسی پورموسوی\*\*، رحیم سرور\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳)

(تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵)

### چکیده

اقتصاد شهری به عنوان شاخه‌ای از اقتصاد خرد، پس از شکل‌گیری رویکردهای مبتنی بر پایداری همچون توسعه پایدار، بیش از پیش با این رویکردها پیوندیافت و مقوله‌ای جامع با عنوان «اقتصاد پایدار شهری» را شکل داد. هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی الگوهای اقتصاد پایدار شهری به منظور تحول و توسعه مجدد محله‌های ناکارآمد شهری می‌باشد که تاکنون کفایت آنها ارزیابی نگردیده است. بدین منظور با استفاده از یک روش کمی-کیفی مبتنی بر مصاحبه و پرسشگری از خبرگان شهر تهران، داده‌های تحقیق گردآوری شد. نتایج به‌دست‌آمده، حاکی از تأثیر مثبت و معنادار تمامی مدل‌های مورد بررسی بر متغیر وابسته یعنی توسعه محلی بود. با این حال برخی از الگوهای اقتصاد پایدار شهری همچون «کارآفرینی اجتماعی» و «الگوی LED»، تأثیر بیشتری بر توسعه محلی داشت. این بدان معنی است که دو الگوی یادشده می‌تواند بیش از سایر الگوها در انطباق با شرایط محله‌های ناکارآمد منطقه ۱۰ شهر تهران به کار گرفته شود. در نهایت این نتیجه به دست آمد که برای کاربست الگوهای اقتصاد پایدار شهری در توسعه محلی و تحول محله‌های ناکارآمد شهری منطقه ۱۰ شهر تهران، باید دو پیش‌شرط اساسی مدنظر قرار گیرد. یکی اینکه اولویت انتخاب الگوهای توسعه مجدد، مبتنی بر تطابق آنها با «توسعه محلی درون‌زا» باشد و شرط دیگر شرایط و اقتضائات جامعه‌شناختی محله‌های ناکارآمد شهری در انتخاب الگوی توسعه لحاظ گردد. با پذیرش و به‌کارگیری این دو پیش‌شرط، می‌توان الگویی بومی از توسعه محلی مبتنی بر رویکرد اقتصاد پایدار شهری در شهر تهران را تحقق بخشید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد پایدار شهری، الگوی بومی، محله‌های ناکارآمد، توسعه محلی، تهران.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم زهره تاجیک در رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه با عنوان «تبیین تأثیر بازآفرینی اقتصاد پایدار شهری بر توسعه محلی (مطالعه موردی شهر تهران)»، به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است.

zohre.tajik8@gmail.com

mpmousavi@yahoo.com

sarvarh83@gmail.com

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

\*\* نویسنده مسئول: اسنادپار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

\*\*\* استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

## مقدمه

توسعه محلی نوعی از توسعه است که در سطح محلی و با منابع محلی انجام می‌شود (صابری‌فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۴). هدف این نوع از توسعه، توانمندسازی جامعه محلی برای حل مشکلات و سامان‌دهی امور به دست خودشان است (ر.ک: Bortoletto, 2016; Mayo et. al, 2013). پس از دهه ۱۹۸۰ به دلیل ناکارآمدی مدل‌های توسعه‌ای بزرگ‌مقیاس و پروژه‌محور در حل مشکلات نواحی و محله‌های شهری، به تدریج رویکرد «محله‌محوری و سیاست‌گذاری محلی» در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت (قادری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۸). بدین ترتیب حل مشکلات محله‌های شهری، به عنوان مصداق بارز توسعه محلی تعریف گردید.

آنچه از تجارب برنامه‌های توسعه مجدد شهری و پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج کشور به دست آمده، حاکی از آن است که ابعاد اقتصادی، جزء مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر تحقق برنامه‌های توسعه محلی است (ر.ک: Colantonio & Dixon, 2011; Landorf, 2011). اصولاً هر برنامه توسعه مجدد، وابسته به منابع مالی و اعتباری گسترده بوده، همچنین نیازمند زیرساخت‌های اقتصادی است. با این حال تأمین چنین منابع و زیرساخت‌هایی، در کوتاه‌مدت به سادگی میسر نیست (Pike et. al, 2006). از طرفی، مشارکت جامعه محلی در فرایند توسعه، یکی از اصول بدیهی و پذیرفته‌شده در مقوله توسعه محلی است که یکی از ابعاد این نوع مشارکت، سهمین شدن در تأمین منابع مالی پروژه‌های توسعه است. به طور کلی می‌توان گفت محدودیت‌های ناشی از عوامل اقتصادی و به‌ویژه ضعف توان مالی ساکنان محله‌های ناکارآمد شهری، از یکسو توان مشارکت مالی آنها را در پروژه‌های توسعه مجدد کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، توان سکونت‌ایشان را نیز در آن محل‌ها پس از انجام برنامه توسعه مجدد، سلب می‌نماید (ر.ک: Landorf, 2011؛ مسعود و دیگران، ۱۳۹۸؛ عباچی و دیگران، ۱۳۹۷). در حالی که اگر ساکنان به طریقی امکان داشتند توان اقتصادی خود را افزایش دهند، می‌توانستند نقش بیشتری در پروسه مشارکتی توسعه محلی ایفا کنند و همزمان، توان ادامه سکونت در محله‌های خود را نیز داشته باشند. در واقع فرایند توانمندسازی ساکنان محله‌های هدف توسعه محلی، جدا از فرایند توسعه مجدد این محله‌ها نیست و توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، مشارکت و همکاری، چهار گام مهم در راستای دستیابی به توسعه محلی در محله‌های ناکارآمد شهری است (ر.ک: Cascante et. al, 2020).

برای توانمندسازی جامعه محلی، رویکردهای متعددی از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است که می‌توان آنها را درون یک رویکرد بزرگ‌تر یعنی «اقتصاد پایدار شهری» فهم نمود.

در واقع می‌توان گفت که پایدار بودن اقتصاد، پیش‌شرط اصلی برای تحقق توسعه محله‌های ناکارآمد شهری است. همان‌طور که سپ<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) استدلال می‌کند، اقتصاد پایدار عبارت است از توانایی تولید درآمد، سود و شغل در سیستمی که دارای فرصت‌های برابر برای عموم جامعه است و درون این سیستم، منابع موجود برای اشتغال و کارآفرینی نه تنها دچار کاهش و زوال نمی‌شود، بلکه روزبه‌روز افزایش پیدا کرده، کمیت و کیفیت آنها ارتقا می‌یابد. اهداف این رویکرد در چارچوب توسعه محلی شامل مواردی همچون جذب سرمایه‌های داخلی، تشویق به خوداشتغالی، ایجاد شغل‌های موقت و پاره‌وقت، بهبود آموزش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای و کاهش هزینه‌های زندگی است (ر.ک: Seo, 2002; Noon et. al, 2000).

با توجه به جدید بودن اکثر مدل‌های اقتصاد پایدار شهری و همچنین نقش کلیدی این الگوها در توسعه مجدد محله‌های ناکارآمد، هنوز چارچوبی برای به‌کارگیری آنها در قالب یک طرح بازآفرینی یا طرح توسعه مجدد وجود ندارد. از سوی دیگر، هر مدل یا الگوی اقتصادی، باید با در نظر گرفتن اقتضانات و الزامات بومی و محلی آن در محله‌های هدفمورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این میزان کارآمدی و اثربخشی هر یک از الگوهای متناظر با اقتصاد پایدار شهری به دلیل تفاوت در خاستگاه‌های نظری و مبانی معرفت‌شناختی آنها هنوز به درستی در پژوهش‌های پیشین ارزیابی نشده است. اینکه کدام‌یک از رویکردها و مدل‌ها می‌توانند با کمترین منابع مالی و کمترین زمان، به بهترین نتیجه در توسعه محله‌های ناکارآمد نائل شوند، موضوعی است که به عنوان ایده مقاله حاضر، مدنظر قرار گرفته است.

بستر مکانی این پژوهش، محله‌های ناکارآمد منطقه ۱۰ شهر تهران است که با ویژگی‌هایی از قبیل زوال شهری در محله‌های بخش مرکزی (ر.ک: عزیزی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۹؛ منصوریان و دیگران، ۱۳۹۸؛ سلیمانی مهرنجانی و دیگران، ۱۳۹۷؛ تلخایی و دیگران، ۱۳۹۷؛ جوان‌بخت، ۱۳۹۵؛ زنگانه، ۱۳۹۲)، عدم توازن در توسعه شهر (ر.ک: ایمانی شاملو و دیگران، ۱۳۹۵؛ حسینی دهاقانی و بصیرت، ۱۳۹۵)، دوقطبی شدن فضای شهری (ر.ک: سعیدی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۷؛ رستمی و وجدانی درستکار، ۱۳۹۴)، ضعف سرمایه اجتماعی و عدم شکل‌گیری انسجام اجتماعی (ر.ک: متوسلی و زبیری، ۱۳۹۲)، پایین بودن مشارکت‌جویی (ر.ک: پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۷) و فقدان مدیریت محلی (ر.ک: Babaei et. al, 2012) شناخته می‌شود.

با عنایت به مباحث مطرح‌شده، پژوهش حاضر درصدد مقایسه پنج نمونه از مهم‌ترین الگوهای اقتصاد پایدار شهری جهت به‌کارگیری آنها در فرایند توسعه محلی در محله‌های ناکارآمد منطقه ۱۰ شهر تهران است.

توسعه محلی، اصطلاحی ابهام‌آلود است که صاحب‌نظران و عمل‌گرایانی همچون کریستین سن و رایینسون (۱۹۸۰)، سامرز (۱۹۸۶) و ویلکینسون (۱۹۹۱) تعریف کرده‌اند (Cascante & Brennan, 2012: 293). توسعه محلی قائل به رویکرد برنامه‌ریزی از پایین است و به اداره امور در سطح محلی و به دست خود جامعه محلی تأکید دارد. توسعه محلی شامل خواسته‌های فردی و اجتماعی است. تعامل بین افراد، هم از نظر فضایی و جغرافیایی و هم از نظر اجتماعی، پیش‌فرض اصلی این رویکرد است (Borletto, 2016: 2). در واقع توسعه محلی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد، پیوندها و ارتباطات نهادی را بین خود تقویت کنند و شبکه‌های اجتماعی را بین این نهادها ایجاد نمایند (Sklar et. al, 2014: 282). هدف نهایی این رویکرد برنامه‌ریزی، حل مشکلات جامعه در درازمدت است. همچنین پایک و همکاران، توسعه محلی را از دیدگاه اقتصادی تعریف کرده‌اند. در این معنا توسعه محلی، مجموعه فعالیت‌هایی است که با هدف بهبود رفاه اقتصادی یک محله یا منطقه انجام می‌شود. چنین فعالیت‌هایی ممکن است شامل استراتژی توسعه اقتصادی، پژوهش‌ها، بنگاه‌های اقتصادی، نوآوری‌های بازار کار و فناوری، لابی‌های سیاسی و غیره باشد (Pike et. al, 2006: 23).

### مفهوم اقتصاد پایدار شهری

اقتصاد شهری، شاخه‌ای از اقتصاد خرد است که به مطالعه سازوکارهای مربوط به تخصیص عوامل تولید و نحوه توزیع درآمد بین مناطق شهری و داخل آن می‌پردازد. این شاخه از علم اقتصاد، پس از شکل‌گیری رویکردهای مبتنی بر پایداری همچون توسعه پایدار با سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، بیش از پیش با این رویکردها پیوند یافت و مقوله‌ای جامع با عنوان اقتصاد پایدار شهری با عناوین مختلف ولی محتوای کم‌وبیش مشابه را شکل داد. اقتصاد پایدار شهری از دهه ۱۹۹۰ با رویکردهای کارآفرینی و رقابت‌پذیری شهری پیوند تنگاتنگی برقرار نمود و بدین ترتیب وارد حوزه توسعه محلی شد. مطابق تعریف سازمان بین‌المللی کار، این رویکرد می‌تواند به دلیل بیشینه کردن منابع و پتانسیل‌های محلی، ابزاری برای یافتن راه‌حلی برای مقابله با تهدیدهای ناشی از جهانی‌سازی باشد (نوری و رفیعان، ۱۳۹۵: ۱۰۶). محققان جامعه‌شناسی از این رویکرد به عنوان ابزاری برای مقابله با محرومیت نسبی جوامع محلی و توانمندسازی محله‌های محروم بهره می‌گیرند (ر.ک: احسانیان و دیگران، ۱۳۹۸؛ میرفردی و رضایی باصری، ۱۳۹۲).

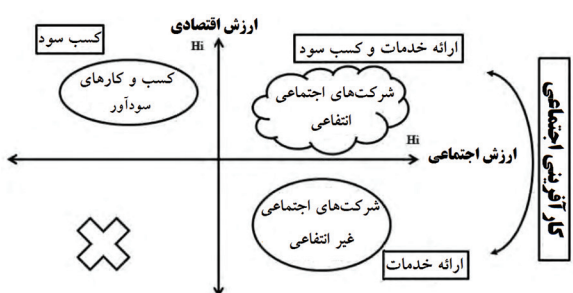
اقتصاد پایدار شهری در چارچوب توسعه محلی شامل روش‌ها و استراتژی‌هایی است که «پایداری» و «جامعه محوری»، دو رکن اصلی آن را تشکیل می‌دهند. در واقع اقتصاد پایدار، یکی از چهار الگوی اصلی برای تحقق توسعه محلی است که با عناوین مختلف نظیر اقتصاد محلی، اقتصاد سبز، اقتصاد خلاق، اقتصاد پایدار، اقتصاد اکولوژیک و اقتصاد چرخشی از آن یاد شده است. سه الگوی دیگر شامل الگوی مشارکت اجتماعی، الگوی گروه‌های خودیار و الگوی سازمان‌دهی جامعه است (ر.ک: Net Impact Institute, 2020). از بین رویکردهای مرتبط با اقتصاد پایدار شهری، در این مطالعه بر پنج رویکرد عمده تمرکز شده است که عبارتند از: توسعه اقتصاد محلی، کارآفرینی اجتماعی، اقتصاد خلاق، برندسازی مکان و مکان‌سازی. در ادامه، هر یک از این رویکردها معرفی شده و در انتها، چارچوب نظری حاصل از جمع‌بندی این رویکردها برای تحقق توسعه محلی در محله‌های ناکارآمد شهر تهران تشریح می‌گردد.

### رویکرد توسعه اقتصاد محلی (LED)

این رویکرد که به اختصار «LED» نامیده می‌شود، بر لزوم در نظر گرفتن مکان محلی به منزله بستر تحقق توسعه اقتصادی تأکید دارد. رویکرد LED در بیشتر کشورهای جهان، به عنوان یک رویکرد کاهش فقر شناخته شده است که هدف آن، پاسخگویی به نیازهای اقتصادی-اجتماعی یک جامعه محلی خاص، در یک منطقه جغرافیایی مشخص است. در همین راستا، ارکان این رویکرد شامل استراتژی‌هایی مانند تأمین نیازهای اساسی مردم محلی، ایجاد توسعه اقتصادی پایدار، فرصت‌های ایجاد شغل، توسعه منابع انسانی و مهارت‌ها، تضمین امنیت و ایمنی و ایجاد یک مکان زندگی باکیفیت است (Ababio & Meyer, 2012: 6). در این فرایند، شرکای بخش‌های دولتی، تجاری و غیر دولتی به طور جمعی برای ایجاد شرایط بهتر برای رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال کار می‌کنند (Swinburn et. al, 2006: 1). رویکرد LED بر لزوم در نظر گرفتن مکان محلی به منزله بستر تحقق توسعه اقتصادی تأکید دارد. مطابق تعریف سازمان بین‌المللی کار، LED می‌تواند به دلیل بیشینه کردن منابع و پتانسیل‌های محلی، ابزاری برای یافتن راه‌حلی برای مقابله با تهدیدهای ناشی از جهانی‌سازی باشد (نوری و رفیعان، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

ایده محوری و فلسفه شکل‌گیری رویکرد LED این است که هر جامعه‌ای دارای مجموعه‌ای منحصر به فرد از شرایط محلی است که پتانسیل توسعه اقتصادی محلی را تقویت یا کاهش می‌دهد و همین شرایط است که مزیت نسبی یک منطقه را در توانایی آن در جذب، تولید و حفظ سرمایه تعیین می‌کند. در واقع ویژگی‌های

اجتماعی، این هدف صرفاً وسیله‌ای در جهت هدفی بزرگ‌تر است. کارآفرین اجتماعی تنها در صورتی در فعالیتهای سودآور مشارکت می‌کند که بدانند چنین فعالیت‌هایی به خلق (بهبود اجتماعی) قابل توجهی برای اعضای جامعه منجر خواهد شد؛ بهبودی که تمرکز بیشتری بر افشار ضعیف و حاشیه‌ای جامعه دارد (همان: ۳۳). بنابراین اهمیت این نوع کارآفرینی در فرایند توسعه محلی و برنامه‌ریزی مبتنی بر اجتماعات محلی، انکارناپذیر است.



شکل ۱- نسبت کارآفرینی اجتماعی با دو منطبق ارزش اقتصادی و ارزش اجتماعی  
 منبع: (Esposito et. al, 2013: 9)

کارآفرینان اجتماعی در راستای تحقق عدالت اجتماعی، سه فرآیند زیر را دنبال می‌کنند:

۱. شناسایی وضعیتی که منجر به ایجاد محرومیت، حاشیه‌نشینی و یا رنج و عذاب بخشی از جامعه شده است.
  ۲. شناسایی فرصت‌ها در شرایط نابرابر، توسعه ارزش‌های اجتماعی مورد انتظار، تحمل ابهام، خلاقیت، عمل‌گرایی، تشویق دیگران برای مشارکت در امور عام‌المنفعه و داشتن شهامت برای مواجهه و استیلا بر نابرابری موجود.
  ۳. ایجاد وضعیت متعادل جدید که بتواند محرومیت گروه‌های هدف را مرتفع نموده، موانع موجود را برطرف ساخته یا کم کند و از طریق ایجاد یک اکوسیستم یکپارچه، موجب تداوم وضعیت جدید شده، آینده بهتری را برای گروه‌های هدف و حتی برای تمام جامعه تضمین نماید (Martin & Osberg, 2007: 35).
- در مجموع همان‌طور که مارتین و آزرگ (۲۰۰۷) معتقد هستند، کارآفرینی اجتماعی دارای دو جنبه منفی و مثبت است. جنبه مثبت آن به ویژگی کارآفرینان اجتماعی برمی‌گردد که درونی ذاتی است و با نوآوری به دنبال کشف فرصت‌های جدید و ایجاد ترکیب‌های جدید از واقعیت‌های موجود می‌باشد و جنبه منفی آن به وابسته بودن آن به مبانی کارآفرینی برمی‌گردد که ذاتاً فعالیتی اقتصادی و سودمحور است. بنابراین کارآفرینی اجتماعی تلاشی است برای ایجاد کسب‌وکار جدید، توسعه اقتصادی یا فعالیت‌هایی نظیر خوداشتغالی، توسعه کسب‌وکار موجود توسط یک فرد، تیم و یا یک سازمان با اهداف جمعی

اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی جامع، نحوه طراحی و اجرای استراتژی توسعه اقتصادی محلی را هدایت می‌کند. برای ایجاد یک اقتصاد محلی قدرتمند، هر جامعه باید ضمن شناخت ماهیت و ساختار اقتصاد محلی خود، به تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای منطقه بپردازد تا بتواند فرصت‌های اساسی اقتصاد محلی را شناسایی کند (Swinburn et. al, 2006: 1). با این حال هم‌اکنون اقتصادهای محلی با چالش‌ها و فرصت‌ها در سطوح مختلف ملی تا محلی مواجه‌اند که LED نیز از این قاعده مستثنی نیست (Swinburn et. al, 2006: 2-3).

### رویکرد کارآفرینی اجتماعی

از جمله انواع کارآفرینی که در مطالعات جامعه‌شناختی بسیار مورد استناد محققان قرار می‌گیرد، کارآفرینی اجتماعی است که در مبحث توسعه محلی نیز حائز اهمیت بسیار است. کارآفرینی اجتماعی دارای تفاوت‌های اساسی با کارآفرینی تجاری می‌باشد. این نوع کارآفرینی، ریشه در تعاملات انسانی و روابط اجتماعی بشری دارد. کارآفرینان اجتماعی، نگرش‌های خلاقانه را برای حل مسائل اجتماعی جهت ایجاد ارزش اجتماعی به کار می‌برند و دارای ویژگی‌های خاص خود، یعنی عاملان تغییر در بخش اجتماعی، پذیرش مأموریت برای ایجاد و بقای ارزش اجتماعی، شناسایی و ترغیب فرصت‌های جدید به وسیله منابع در دسترس که در نهایت به ارزش‌سازی اجتماعی و بقای نهادهای اجتماعی منجر می‌گردد، هستند (پیرمحمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲).

کارآفرینی اجتماعی علاوه بر کسب و کارهای غیرانتفاعی نوآورانه، دربرگیرنده اهداف اجتماعی است. تأسیس بانک‌های غیرانتفاعی توسعه اجتماعی و تأسیس سازمان‌های ترکیبی را که مرکب از عناصر انتفاعی و غیرانتفاعی هستند، می‌توان در زمره این نوع کارآفرینی قرار داد. همچنین مراکزی که برای افراد بی‌خانمان دایر می‌شود و در آن کسب و کارهایی برای آموزش و استخدام آنها در نظر گرفته می‌شود، نیز در زمره این نوع کارآفرینی قرار می‌گیرد (Dees et. al, 2001: 1). کارآفرینان اجتماعی تصمیم دارند تا از طریق تعریف و اجرای مدل‌های جدید کسب‌وکار، به نیاز محرومان پاسخ گویند و بین کوشش‌های خیرخواهانه و فعالیت‌های اقتصادی پیوند برقرار کنند (Dwivedi & Weerawardena, 2018: 34).

مهم‌ترین هدف کارآفرینی اجتماعی، توجه به مؤلفه‌های رفاه اجتماعی، مانند بهبود انسجام اجتماعی، مبارزه با فقر، دفاع از حقوق بشر و یا ارتقای خدمات بهداشتی و درمانی است. در واقع این نوع کارآفرینی برای کمک به معیشت کسانی است که فاقد کسب‌وکار و قدرت مالی هستند یا در استفاده از فرصت‌های خدمات اجتماعی با محدودیت مواجه می‌باشند. مقصود نهایی کارآفرین، ایجاد ثروت است؛ ولی برای کارآفرین

اجتماعی (روشن‌قیاس و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹). کارآفرینی اجتماعی در نهایت باید به نوآوری اجتماعی و ایجاد ارزش اجتماعی منجر شود (Dwivedi & Weerawardenia, 2018: 34).

## رویکرد برندسازی مکان

برندسازی مکان نیز از دیگر استراتژی‌های مکان‌محور توسعه منطقه‌ای و محلی است که در سال‌های اخیر، نقش مهمی در احیای محله‌های ناکارآمد داشته است و البته تنها بخشی از کارکردهای این استراتژی مربوط به احیا و نوسازی شهری است و اصولاً برندسازی مکان، فراتر از یک استراتژی محلی شناخته می‌شود.

برندسازی مکان، مجموعه‌ای از عناصر مبتنی بر مکان است که ویژگی‌های مختلف مکان شامل فعالیت‌های تبلیغاتی و بازاریابی، شناساندن مکان از طریق محیط‌های طبیعی و مصنوعی، اقدامات و نگرش‌های دولت محلی و ذی‌نفعان اصلی و کیفیت زیرساخت‌های محلی را شامل می‌شود (Cleave et. al, 2016: 208). عناصر برند شامل شکلی از نام، واژه، لوگو، طرح، نشانه، سمبل، پرچم و یا ترکیبی از اینهاست. برخلاف کالاها و خدمات، نام برند مکان به طور ثابت از نام موقعیت جغرافیایی محل برگرفته شده است؛ چراکه موقعیت طبیعی و باورهای ناخودآگاه مردم، از آن ناحیه سرچشمه می‌گیرد (اسماعیل‌پور و پارسا، ۱۳۹۲: ۶). استفاده از سیاست برندسازی مکان بر عناصر یادشده تأثیر می‌گذارد و در نهایت موجب بهبودی نقش مکان در جذب و حفظ تجارت و سرمایه‌گذاری می‌شود (Cleave et. al, 2016: 208).

اغلب نام یک مکان، منطقه و یا کشور به عنوان نام برند به کار می‌رود و به افراد کمک می‌کند که دریابند که آن مکان در کجا واقع شده است. اسم برند همواره با خود، مجموعه‌ای از سمبل‌ها و معانی را به همراه دارد. برندسازی مکان، ترکیبی از عناصر برند را انتخاب می‌کند تا برای شناخت و تشخیص یک مکان به واسطه تصویر مثبت برندسازی به کار رود. بیشتر محققان بر ویژگی‌های کارکردی قابل مشاهده تمرکز کرده‌اند (مثل آب و هوا و هزینه‌ها)؛ برخی دیگر هم به ویژگی‌های کارکردی روان‌شناسی پرداخته‌اند (اسماعیل‌پور و پارسا، ۱۳۹۲: ۶).

برندسازی مکان، نوعی رقابت در زمینه توسعه اقتصادی است. این استراتژی، حاصل تلاش دولت‌های محلی و منطقه‌ای است که از طریق مداخله در شکل دادن به درک مصرف‌کنندگان محلی مکان‌ها، این مکان‌ها را در برابر سایر بازارهای محلی و بین‌المللی، رقابت‌پذیر می‌کنند (Cleave et. al, 2016: 210). همان‌طور که پاسکوئینلی (۲۰۱۳) تأکید می‌کند، مکان‌ها نیاز به ایجاد مزیت رقابتی دارند تا بتوانند خود را در «بازار مکان‌ها» نگه دارند. بازار مکان‌ها، یک فضای رقابت سرزمینی است که امکان ظهور فرصت‌های جدید توسعه در آن فراهم می‌گردد (Pasquinelli, 2013: 2). بنابراین می‌توان برندسازی مکان را به

عنوان تلاش آگاهانه دولت‌ها برای شکل دادن و ترویج یک هویت مکانی خاص از طریق مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها در نظر گرفت (ر.ک: Kavaratzis, 2005; Turok, 2009; Ashworth, 2011).

برندسازی مکان، اثرات متفاوتی را در فرآیند توسعه مکان دارد. تصویر برند مکان از یکسو می‌تواند سبب ارتقای فرهنگی و استفاده از پتانسیل‌های درونی مکان و زدودن فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ناهنجار مکان شود و از سوی دیگر می‌تواند سبب ایجاد فرهنگ مصرف‌گرایی و سوداگری و حذف ارزش‌های فرهنگی مکان گردد. تعریف درست اهداف، شناخت درست از زمینه و تکیه بر پتانسیل‌های درونی مکان می‌تواند از این امر جلوگیری نماید (یزدان‌پناه شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۹).

اهداف برندسازی در مناطق مختلف، دارای تغییراتی است، چنان‌که در شهرهای آمریکایی، هدف تهییج رشد اقتصادی و در اروپا، توسعه در تمام جوانب رفاه اقتصادی و اجتماعی است. کاواراتزیس تأکید می‌کند که هدف نهایی از تمام فعالیت‌های مربوط به برندسازی مکان، بهبود کیفیت زندگی برای ساکنان محلی است (Kavaratzis & Hatch, 2013: 70).

## رویکرد مکان‌سازی

مکان‌سازی از جمله رویکردهای جدید مرتبط با اقتصاد خلاق است که زمینه‌های اقتصادی زندگی شهری را به زمینه‌های اجتماعی آن مرتبط می‌سازد. هدف مشترک تمامی الگوهای مکان‌سازی، تمرکز بر پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی در یک منطقه یا محله است. در واقع رویکرد مکان‌سازی درصدد ایجاد فضایی فعال طی فرآیندی محاسبه‌شده و برنامه‌ریزی‌شده است که در وهله اول، هدف آن اقتصادی است (Bahera, 2017: 14). همچنین مکان‌سازی، تلاشی آگاهانه برای جذب هدفمند گروهی از مردم از طریق ایجاد شرایط سودآور برای مشاغل و خرده‌فروشی‌ها در گروه‌ها یا محله‌های یک شهر است (ر.ک: Wyckoff, 2014).

همان‌طور که واکر (۲۰۱۷) اشاره می‌کند، مکان‌سازی، حضور مردم را در خیابان‌ها و فضاهای عمومی تشویق می‌کند و از این طریق به رونق خرده‌فروشی‌ها و رستوران‌ها کمک می‌نماید و سازندگان را برای توسعه مجدد برخی از پتانسیل‌های اقتصادی محله متقاعد می‌سازد. وی مکان‌سازی را به عنوان یک فرآیند هم‌زیستی متقابل و وابسته توصیف می‌کند که طی این فرآیند، افراد جذب مشاغل خلاقانه می‌شوند و همچنین فضای اجتماعی به گونه‌ای طراحی و ساخته می‌شود که نگرانی بابت ترس از جرائم و دغدغه‌های امنیت اجتماعی را مرتفع می‌سازد (Bahera, 2017: 14).

وایکوف با در نظر گرفتن کیفیت فضاها به عنوان هدف اصلی در مکان‌سازی، چهار نوع مکان‌سازی را مشخص می‌کند و تأکید دارد که

تفاوت‌های ظریفی بین این چهار نوع مکان‌سازی وجود دارد:

۱. مکان‌سازی استاندارد: فرایند ایجاد مکان‌های استاندارد و باکیفیت است.
۲. مکان‌سازی راهبردی: هدف‌محور و با رویکرد متمرکز برای رفع دغدغه‌های اجتماعی است.
۳. مکان‌سازی خلاق: حول محور هنر و شخصیت فرهنگی فضا شکل می‌گیرد.
۴. مکان‌سازی تاکتیکی: شامل تغییرات کوتاه‌مدت و تعمدی در مکان‌هاست (Bahera, 2017: 13).

### اقتصاد پایدار شهری با اصول شهر اسلامی

مشخصه‌های متعددی برای شهرهای اسلامی برشمرده‌اند که همه به یک بازه زمانی مشخص از تاریخ آنها یعنی ظهور اسلام و رشد و نمو دین اسلام در این شهرها مرتبط است. شهر از

دیدگاه دین اسلام، مکانی پرجنب‌وجوش و کانون فعالی از حیات و زندگی محسوب می‌شود. بدین معنی که در هر شهری، مردم باید دائماً در حال کار و تلاش باشند. از دیگر ویژگی‌هایی که در متون اسلامی برای شهر به آنها اشاره شده است، می‌توان به عمران و آبادانی بسیار، وجود طرح‌ها و برنامه‌های لازم برای جلوگیری از بروز آفات و بلایای طبیعی، محیط‌زیست پایدار و وجود هوای پاک و تمیز و در نهایت فقدان فاصله طبقاتی در شهر، بحث نوع معیشت و چگونگی کسب‌وکار و تجارت در شهر است. در متون اسلامی آمده است که شهر، محل کسب‌وکار است و شهر اسلامی به طور قطع محل کسب‌وکار حلال و به شهروندان توصیه می‌شود که از معامله و خرید از کسانی که کسب‌وکار حلال ندارند، بپرهیزند (فرجام و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳). به طور کلی مهم‌ترین ویژگی‌های شهرهای اسلامی را می‌توان در جدول (۱) مشاهده نمود.

جدول ۱- شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهر اسلامی

شرایط یا راهبردها	وجوه
<p>۱- امن بودن شهر و بهره‌مند بودن شهروندان از ثمرات اجتماعی- اقتصادی گوناگون موجود در شهر</p> <p>۲- شهر اسلامی دارای روح اجتماعی است که حاصل اسکان فرد مسلمان در خود است.</p> <p>۳- ساختار اجتماعی شهر اسلامی باید دو عنصر امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی (فقدان فاصله طبقاتی) را در برداشته باشد.</p> <p>۴- شهر اسلامی کانون عبادت و مرکز نشر و توحید اسلامی و نشانه‌ای از یک اجتماع کامل است.</p> <p>۵- شهر اسلامی دارای نظم، هدف و زیبایی است.</p>	اجتماعی
<p>۱- شهر اسلامی، مکانی است آزاد و برخوردار از آزادی بیان، اندیشه و عمل صحیح.</p> <p>۲- شهر اسلامی، مکانی است که در آن حرمت، هویت و شرافت شهروند مورد محافظت قرار می‌گیرد.</p>	سیاسی
<p>۱- شهر اسلامی، محل تجارت و کسب و کار پاک و حلال است.</p> <p>۲- شهر اسلامی، کانونی است از حیات، زندگی پرشور، عمران و آبادانی که خود نشانی است بر اثبات وجود خدا و روز رستاخیز.</p> <p>۳- در شهر اسلامی، خدمات زیربنایی و امکانات مورد نیاز شهروندان باید به پاکیزه‌ترین و آسانترین شکل در دسترس شهروندان باشد.</p> <p>۴- شهر اسلامی، شهری پایدار و در تعامل کامل با محیط‌زیست است، چراکه پاکیزه‌ترین و تمیزترین خدمات مورد نیاز برای یک زندگی شهری باید در آن موجود باشد.</p> <p>۵- کالبد شهر اسلامی و شرایط اجتماعی و اقتصادی آن باید به گونه‌ای باشد که ساکنانش را هرچه بیشتر به سوی تعالی و ارزش‌های اسلامی سوق دهد.</p>	اقتصادی و زیربنایی

(منبع: فرجام و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۸)

### روش‌شناسی

مطالعه حاضر بر اساس یک رویکرد مقایسه‌ای- تطبیقی انجام شده و از نظر هدف‌گذاری، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. روش‌شناسی پژوهش از نوع ترکیبی (کمی- کیفی) است. داده‌های پژوهش بر اساس نظرهای دو گروه از خبرگان گردآوری شد و با داده‌های اسنادی ترکیب گردید. خبرگان گروه اول، شامل مدیران رده‌های میانی و برخی از مدیران رده بالای مدیریت شهری تهران بودند و گروه دوم نیز شامل خبرگان دانشگاهی بودند که در موضوع اقتصاد شهری و توسعه محلی دارای تألیف و پژوهش هستند. حجم نمونه گروه اول برابر با ۸۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری گلوله برفی از سازمان‌های مرتبط با مدیریت شهری تهران انجام شد. گروه دوم نیز شامل ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی بود که به روش هدفمند قضاوتی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل یک فرم مصاحبه

نیمه‌ساخت یافته با سؤالات باز و یک پرسشنامه لیکرت پنج‌گزینه‌ای بود که در مجموع ۳۵ سؤال را اندازه‌گیری می‌کند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا و در بخش کمی با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون همبستگی پیرسون انجام شد. متغیر مستقل تحقیق، اقتصاد پایدار شهری و متغیر وابسته، توسعه محلی است. سؤالات پرسشنامه در جدول شماره ۲ برای متغیر مستقل و در جدول شماره ۳ برای متغیر وابسته تحقیق، با این هدف طرح شد که نشان‌دهنده اقتصاد پایدار شهری تا چه حد بر توسعه محلی تأثیر دارد و این تأثیرگذاری در هر یک از الگوهای اقتصاد پایدار شهری با چه شدت و وضعی است. بنابراین فرضیه پژوهش به این صورت طرح شد: اقتصاد پایدار شهری دارای تأثیر معنادار بر توسعه محلی است و این تأثیرگذاری در برخی از الگوهای اقتصاد پایدار شهری، بیشتر است.

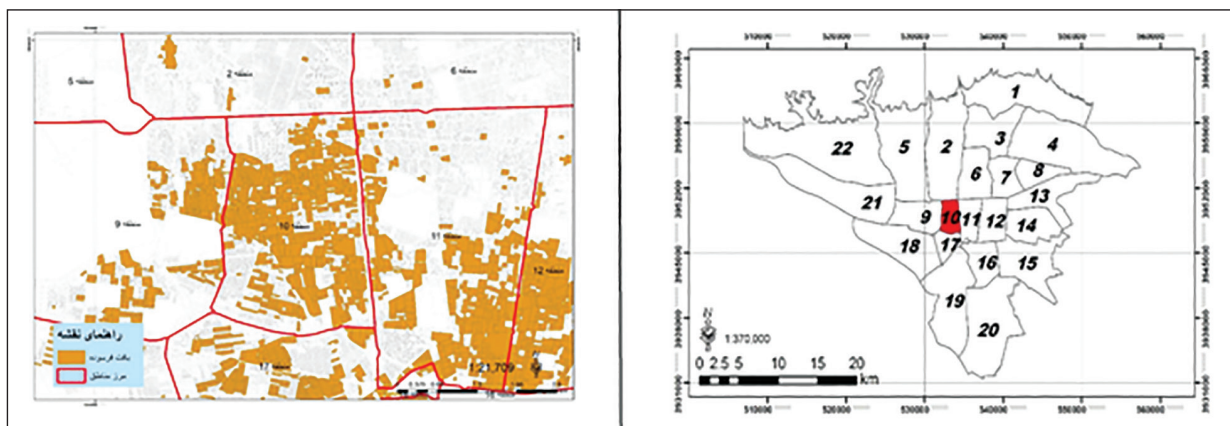
گویه‌ها	الگوهای اقتصاد پایدار شهری
- تأمین نیازهای اساسی مردم محلی - ایجاد فرصت‌های شغلی برای فقیرترین افراد - ارتقای درآمد ساکنان - توسعه منابع انسانی و مهارت‌ها - شناسایی مزیت نسبی مکان‌ها	توسعه اقتصاد محلی (LED)
- حمایت از صنایع خلاق - حمایت از رویدادها و جشنواره‌ها - ایجاد فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان - ایجاد پایگاه‌های کارآفرینی در محله‌ها	اقتصاد خلاق (شهر خلاق)
- توسعه بنگاه‌های کارآفرینی اجتماعی - ایجاد فعالیت‌های خوداشتغالی - ارتقای مهارت‌های نیروی کار محلی	کارآفرینی اجتماعی
- بهره‌گیری از فعالیت‌های تبلیغات و بازاریابی مقصد - شناسایی محصولات و خدماتی که قابل برند شدن دارند، نه هر محصولی - شناسایی مزیت رقابتی مکان‌ها - ایجاد جذابیت‌های بصری مکان برای گردشگران	برندسازی مکان
- ایجاد خرده‌فروشی‌ها و مشاغل سودآور در محله‌ها - پاک‌سازی مکان‌ها از جرائم و ایجاد امنیت - توجه به مؤلفه‌های زندگی شبانه (فضای ۲۴ ساعته) - طراحی محوطه‌های کوچک کسب‌وکار	مکان‌سازی

ابعاد توسعه محلی	گویه‌های توسعه محلی
امنیت	- میزان امنیت واقعی و فیزیکی محله - میزان احساس امنیت روانی ساکنان در محله
سرمایه اجتماعی	- میزان مشارکت ساکنان در بهبود امور محله - میزان اعتماد ساکنان به نهادهای کارگزار توسعه - میزان اعتماد ساکنان به افراد خارج از دایره دوستان و آشنایان - میزان تعامل ساکنان با دیگران در محله - میزان همبستگی و انسجام ساکنان با اهالی محله - آگاهی ساکنان از مسائل و مشکلات محله
حس تعلق	- احساس تعلق ساکنان خاطر به محله - تمایل به ماندگاری ساکنان در محله
کیفیت مسکن	- کیفیت کلی مسکن در محله
عدالت و رفاه اجتماعی	- توزیع بهینه خدمات و امکانات در بخش‌های مختلف محله - کیفیت خدمات محله به طور کلی - سهولت دسترسی به خدمات مختلف در محله

### معرفی محدوده مورد مطالعه

منطقه ۱۰، یکی از قدیمی‌ترین مناطق شهر تهران است. از لحاظ مختصات جغرافیایی، منطقه ۱۰ از شمال به منطقه ۲، از شرق به منطقه ۱، از غرب به منطقه ۹ و از جنوب به منطقه ۱۷ محدود می‌شود. این منطقه که در مرکز شهر تهران است، با داشتن مساحتی معادل ۸۱۷ هکتار، ۳۲۷،۱۱۵ نفر را در خود جای داده است و با تراکم ناخالص جمعیتی ۴۰۰ نفر در هکتار، جزء پرتراکم‌ترین مناطق شهر تهران به شمار می‌رود (ر.ک: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). به لحاظ تمرکز و توزیع نواحی فرسوده شهری در سطح مناطق شهر تهران، این منطقه با داشتن ۴۲۸ هکتار بافت فرسوده (۵۲ درصد)، بیشترین درصد نواحی فرسوده را شامل می‌شود. جمعیت ساکن منطقه در محله‌های با بافت فرسوده ۲۱۳،۳۹۵ است که بیانگر اسکان ۶۵ درصد جمعیت منطقه در محله‌های دارای بافت فرسوده است (ر.ک: شهرداری منطقه ۱۰، ۱۳۹۸).

شکل ۲- نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه



منبع: شهرداری منطقه ۱۰

**یافته‌ها**

**بررسی میزان همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته**

ارائه نتایج این پژوهش با برآورد ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته آغاز شد. بدین منظور از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌طور که نتایج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، سطح معناداری آزمون بین تمامی متغیرها، کمتر

از ۰۵/۰۰ به دست آمده است. بنابراین اینگونه نتیجه‌گیری می‌شود که بین متغیرهای مورد مطالعه، همبستگی مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بیشترین مقدار همبستگی، به ترتیب بین اقتصاد خلاق و برندسازی مکان (۰۰/۷۲۹) و در مرتبه بعدی بین مکان‌سازی و برندسازی مکان (۰۰/۷۱۶) است که نشان‌دهنده نزدیکی و مشابهت این الگوها نیز هست.

**جدول ۴- آزمون همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های متغیر مستقل و وابسته**

توسعه محلی	اقتصاد پایدار شهری	مکان‌سازی	برندسازی مکان	کارآفرینی اجتماعی	اقتصاد خلاق	توسعه اقتصاد محلی (LED)	متغیرها	
							مقدار همبستگی	سطح معنی‌داری
						۱	مقدار همبستگی	توسعه اقتصاد محلی (LED)
						-	سطح معنی‌داری	
					۱	۶۱۵/۰	مقدار همبستگی	اقتصادخلاق
					-	۰۰/۰	سطح معنی‌داری	
				۱	۵۷۸/۰	۵۴۳/۰	مقدار همبستگی	کارآفرینی اجتماعی
				-	۰۰/۰	۰۰/۰	سطح معنی‌داری	
			۱	۵۰۴/۰	۷۲۹/۰	۵۳۲/۰	مقدار همبستگی	برندسازی مکان
			-	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	سطح معنی‌داری	
		۱	۷۱۶/۰	۶۱۰/۰	۶۷۱/۰	۵۳۳/۰	مقدار همبستگی	مکان‌سازی
		-	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	سطح معنی‌داری	
	۱	۸۴۶/۰	۸۳۷/۰	۷۶۶/۰	۸۶۵/۰	۸۱۱/۰	مقدار همبستگی	اقتصاد پایدار شهری
	-	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	سطح معنی‌داری	
	۱	۷۱۶/۰	۵۵۹/۰	۴۹۲/۰	۷۰۳/۰	۵۵۲/۰	مقدار همبستگی	توسعه محلی
	-	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	۰۰/۰	سطح معنی‌داری	



جدول ۶- نتیجه آزمون آنوا

متغیرهای مستقل	آماره‌ها	درجه آزادی (df)	مقدار F	سطح معنی‌داری (Sig)
اقتصاد پایدار شهری (متغیر مستقل اصلی)	رگرسیون	۱	۲۸۲.۸۲	۰.۰۰۰
	باقی مانده	۷۸	***	***
	مجموع	۷۹	***	***
توسعه اقتصاد محلی (LED)	رگرسیون	۱	۶۱۲.۴۷	۰.۰۰۰
	باقی مانده	۷۸	***	***
	مجموع	۷۹	***	***
اقتصاد خلاق	رگرسیون	۱	۱۶۵.۳۴	۰.۰۰۰
	باقی مانده	۷۸	***	***
	مجموع	۷۹	***	***
کارآفرینی اجتماعی	رگرسیون	۱	۱۹۹.۷۶	۰.۰۰۰
	باقی مانده	۷۸	***	***
	مجموع	۷۹	***	***
برندسازی مکان	رگرسیون	۱	۹۵۹.۲۴	۰.۰۰۰
	باقی مانده	۷۸	***	***
	مجموع	۷۹	***	***
مکان‌سازی	رگرسیون	۱	۵۷۲.۴۳	۰.۰۰۰
	باقی مانده	۷۸	***	***
	مجموع	۷۹	***	***

در جدول (۷)، سهم نسبی متغیرهای مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته سنجیده شده است. هرچه مقدار ضریب بتای یک متغیر بیشتر باشد، نقش آن متغیر در پیش‌بینی متغیر وابسته بیشتر است. مطابق نتایج، بیشترین و کمترین ضریب به ترتیب مربوط به الگوی کارآفرینی اجتماعی (۰.۷۰۳) و الگوی برندسازی مکان (۰.۴۹۲) است. همچنین قدر مطلق آزمون تی در تمامی متغیرها، بزرگ‌تر از سطح استاندارد (۰.۱) و در سطح (۰/۰۵) معنادار است. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که تمامی الگوهای اقتصاد پایدار شهری، تأثیری معنادار با شدت‌های متفاوت از ۰.۷۰۳ تا ۰.۴۹۲ بر توسعه محلی دارند. از این‌رو فرضیه پژوهش به تفکیک هر یک از الگوها نیز تأیید می‌گردد.

### بررسی میزان تأثیر اقتصاد پایدار شهری بر توسعه محلی

در ادامه به آزمون این فرضیه پرداخته شد که متغیر مستقل اصلی (اقتصاد پایدار شهری) بر متغیر وابسته اصلی (توسعه محلی) تأثیر دارد. به دلیل اینکه آزمون فرضیه در سطح متغیرهای اصلی صورت گرفته است، تمامی گویه‌های متغیر مستقل و وابسته با تکنیک Compute تجمیع شده، به یک متغیر واحد تبدیل گردید. بر اساس نتایج برازش مدل رگرسیونی در جدول شماره ۵، مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده (R) برای تمامی متغیرهای مستقل دارای نسبت قابل قبولی است که نشان می‌دهد میزان همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته، یک همبستگی مناسب است. ضریب تعیین (R<sup>2</sup>) یا مجذور ضریب همبستگی نیز نشان می‌دهد که هر یک از الگوهای مورد بررسی، قادرند بین ۲۴ تا ۵۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. بیشترین مقدار ضریب R<sup>2</sup> به غیر از متغیر مستقل اصلی، متعلق به الگوی کارآفرینی اجتماعی (۰.۴۹) و کمترین آنها مربوط به الگوی برندسازی مکان (۰.۲۴) است.

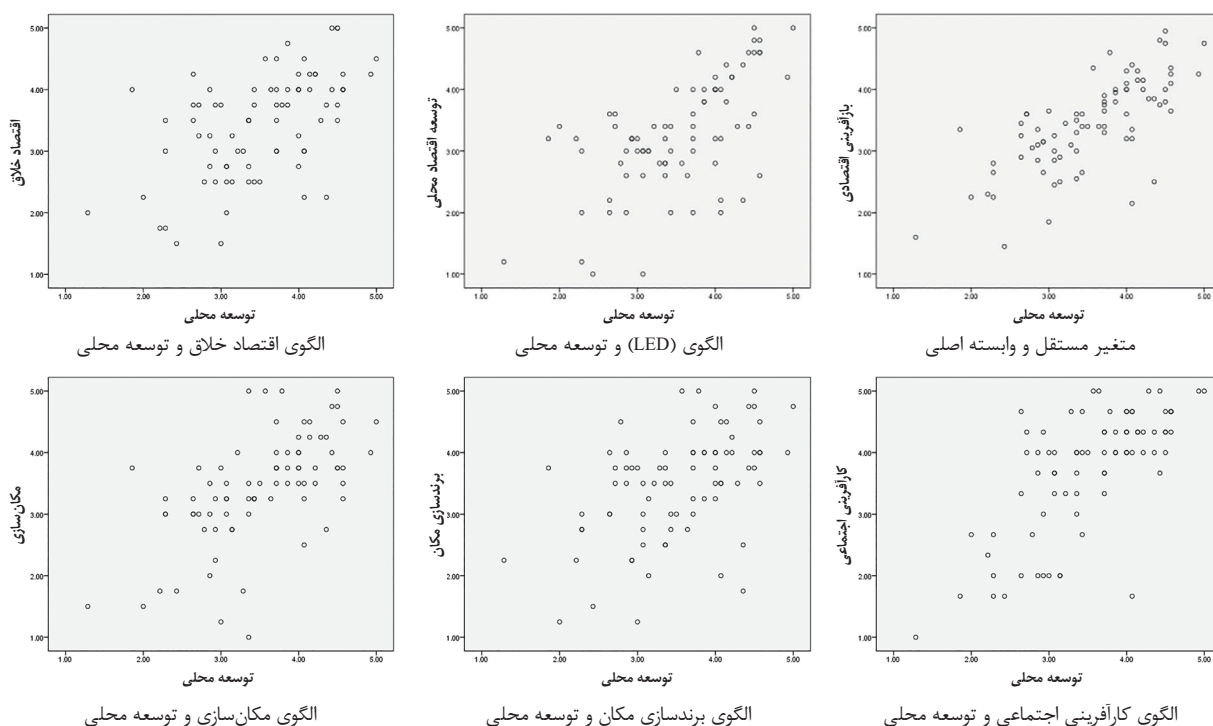
جدول ۵- برازش مدل رگرسیونی با روش همزمان

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون استاندارد شده (R)	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضریب تعیین تعدیل شده Adjusted R (Square)
اقتصاد پایدار شهری (متغیر مستقل اصلی)	۰.۷۱۶	۰.۵۱۳	۰.۵۰۷
توسعه اقتصاد محلی (LED)	۰.۶۱۶	۰.۳۷۹	۰.۳۷۱
اقتصاد خلاق	۰.۵۵۲	۰.۳۰۵	۰.۲۹۶
کارآفرینی اجتماعی	۰.۷۰۳	۰.۴۹۴	۰.۴۸۸
برندسازی مکان	۰.۴۹۲	۰.۲۴۲	۰.۲۳۳
مکان‌سازی	۰.۵۹۹	۰.۳۵۸	۰.۳۵۰

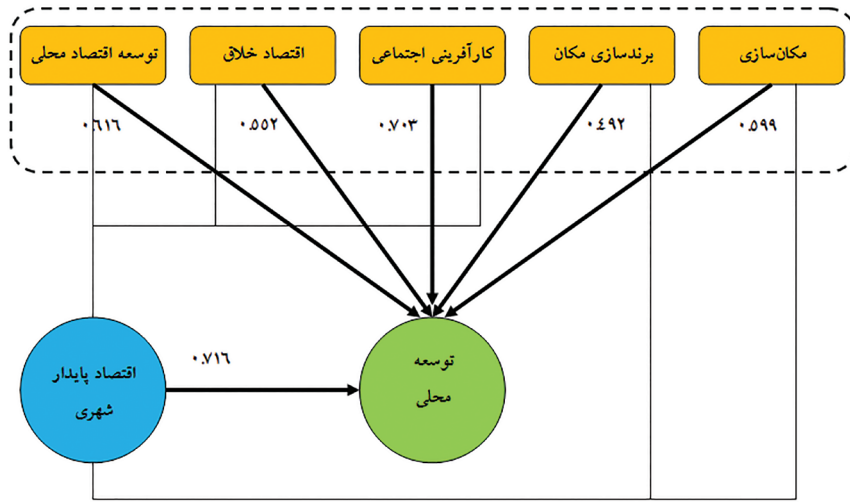
در ادامه از آزمون آنوا بدین جهت استفاده شد که نشان دهد: آیا متغیر مستقل قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد یا خیر؟ با توجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره ۶، چون مقدار آزمون F در هر شش متغیر، بزرگ‌تر از سطح استاندارد (۱/۹۶) گزارش شده است و همچنین با توجه به پایین‌تر بودن سطح معناداری از سطح خطای استاندارد (0.05 > 0)، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی متغیرهای مستقل و به عبارتی تمامی الگوهای مورد بررسی، قدرت اثرگذاری بالایی دارند و بنابراین می‌توان استنباط نمود که مدل رگرسیونی پژوهش، مدل مناسبی است.

جدول ۷- ضرایب رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	آماره‌ها	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (بتا)	مقدار T	سطح معنی‌داری (Sig)	معادله رگرسیونی
اقتصاد پایدار شهری (متغیر مستقل اصلی)	مقادیر ثابت	۹۵۴.۰	***	۲۹۵.۳	۰.۰۱	۹۵۴.۰+۷۴۷.۰
	تأثیر متغیر مستقل	۷۴۷.۰	۷۱۶.۰	۰.۷۱	۰.۰۰	
توسعه اقتصاد محلی (LED)	مقادیر ثابت	۸۳۷.۱	***	۲۴۸.۷	۰.۰۰	۸۳۷.۱+۷۴۷.۰
	تأثیر متغیر مستقل	۷۴۷.۰	۶۱۶.۰	۰.۹۰	۰.۰۰	
اقتصاد خلاق	مقادیر ثابت	۷۷۶.۱	***	۷۷۸.۵	۰.۰۰	۷۷۶.۱+۵۰۹.۰
	تأثیر متغیر مستقل	۵۰۹.۰	۵۵۲.۰	۰.۸۴	۰.۰۰	
کارآفرینی اجتماعی	مقادیر ثابت	۵۱۹.۱	***	۳۹۷.۶	۰.۰۰	۵۱۹.۱+۵۳۸.۰
	تأثیر متغیر مستقل	۵۳۸.۰	۷۰۳.۰	۰.۸۷	۰.۰۰	
برندسازی مکان	مقادیر ثابت	۰۰۷.۲	***	۴۲۵.۶	۰.۰۰	۰۰۷.۲+۴۳۷.۰
	تأثیر متغیر مستقل	۴۳۷.۰	۴۹۲.۰	۰.۴۹	۰.۰۰	
مکان‌سازی	مقادیر ثابت	۷۰۸.۱	***	۰۲۵.۶	۰.۰۰	۷۰۸.۱+۵۲۸.۰
	تأثیر متغیر مستقل	۵۲۸.۰	۵۹۹.۰	۰.۶۰	۰.۰۰	



شکل ۳- نمودار پراکندگی نقطه‌ای متغیرهای مستقل و وابسته



شکل ۴- میزان کارآمدی هر یک از الگوهای اقتصاد پایدار شهری جهت به‌کارگیری در برنامه‌های توسعه محلی

به کسب‌وکارهای کوچک، حمایت از پروژه‌های کوچک‌مقیاس، توجه حداکثری به دارایی‌های محله و توجه به خلاقیت و نوآوری اجتماعی در تمامی الگوها مورد حمایت بوده است. در مقابل، شاخص‌هایی مانند قابلیت اجرای بدون حمایت دولت و بخش خصوصی در هیچ‌یک از الگوها وجود ندارد. همچنین شاخص‌های مهمی مانند فقرزدایی از اقشار آسیب‌پذیر، در سه الگوی اقتصاد خلاق، مکان‌سازی و برندسازی مکان، کمتر یافت می‌شود و بنابراین بعید به نظر می‌رسد که این سه الگو بتواند مشکلات معیشتی موجود در محله‌های شهر تهران را برطرف نماید.

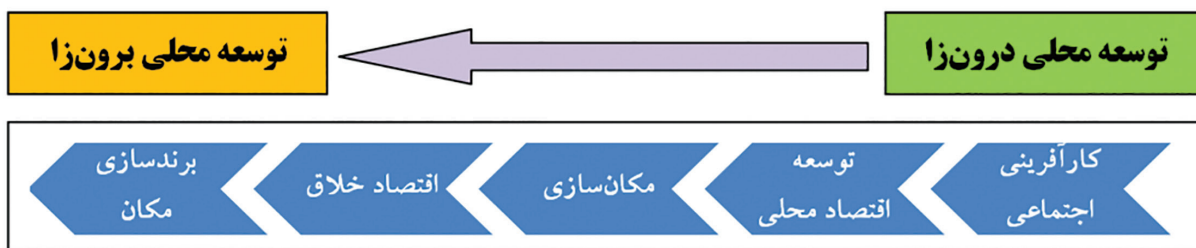
در ادامه، جهت ارزیابی دقیق‌تر الگوهای مورد بررسی، با دوازده نفر از خبرگان مشارکت‌کننده در تکمیل پرسشنامه‌ها، مصاحبه به عمل آمد و نتایج آن در تکمیل داده‌های کمی استفاده شد. بر این اساس دلایلی که مصاحبه‌شوندگان برای برتری هر یک از الگوهای مورد بررسی ارائه نمودند، گردآوری و در جدول (۸) جمع‌بندی شد. این شاخص‌ها در واقع الزامات توسعه محلی در محله‌های ناکارآمد شهر تهران است که شامل یازده شاخص مهم است. هر یک از الگوهای مورد بررسی می‌تواند تنها بخشی از این شاخص‌ها را تحت پوشش قرار دهد. ملاحظه می‌شود که مواردی مانند توجه

جدول ۸- مقایسه کارایی الگوهای اقتصاد پایدار شهری جهت به‌کارگیری در محله‌های ناکارآمد منطقه ۱۰ شهر تهران

مکان‌سازی	برندسازی مکان	کارآفرینی اجتماعی	اقتصاد خلاق	توسعه اقتصاد محلی	میزان توجه به الزامات توسعه محلی در تطابق با شرایط محله‌های ناکارآمد شهر تهران
					حمایت از مشاغل و کسب‌وکارهای کوچک
	X				استفاده از سرمایه‌های کوچک ساکنان
					حمایت از پروژه‌های کوچک مقیاس و محلی
X	X		X		داشتن نگاه فقرزدایی از اقشار آسیب‌پذیر
	X		X		داشتن نگاه پایین به بالا در توسعه محلی
					توجه حداکثری به دارایی‌های محله
	X		X	X	حمایت از الگوی توسعه درون‌زا
	X				داشتن اهداف اجتماعی در فرایند ایجاد اشتغال
X	X	X	X	X	قابلیت اجرا بدون حمایت دولت و بخش خصوصی
					توجه به خلاقیت و نوآوری اجتماعی
	X				مشارکت دادن ساکنان در فرایند توسعه محلی

یک از الگوها در شهر تهران است. بنابراین اگر بخواهیم این پنج الگو را از نظر مطابقت با توسعه محلی درون‌زا در دو سر یک طیف قرار دهیم، به آرایش شکل (۵) می‌رسیم.

در مجموع آنچه از شاخص‌های یادشده استنباط می‌شود، این است که میزان حمایت از مؤلفه‌های توسعه محلی درون‌زا در مقابل توسعه محلی برون‌زا، معیار مهمی برای به‌کارگیری هر



شکل ۵- مقایسه الگوهای اقتصاد پایدار شهری بر اساس میزان انطباق آنها با توسعه محلی درون‌زا

### بحث اصلی

اینجاست که ماهیت الگوهای متنوع اقتصاد پایدار شهری در نسبت با توسعه محلی به روشنی مشخص می‌شود. نتایجی که از این مطالعه به دست آمد، الگوهای پنج‌گانه مورد بررسی را در یک طیف عملیاتی نشان داد که یک سر آن توسعه درونی و سر دیگر، توسعه بیرونی است. صرف‌نظر از ماهیت ذاتی این الگوها که با درجات متفاوتی از سازگاری با توسعه بیرونی و درونی همراه است، نکته مهم آن است که انتخاب الگوی مداخله‌ای مناسب، باید با ارزیابی دقیق از شرایط مکانی جامعه هدف و همچنین شناخت ویژگی‌های جامعه‌شناختی ساکنان و گروه‌های جامعه محلی صورت گیرد. چنان‌که نتایج این مطالعه روشن ساخت، الگوی کارآفرینی اجتماعی و الگوی LED به دلیل داشتن ماهیت فقرزدایی و اهداف اجتماعی‌تر، سازگاری بیشتری با شرایط محله‌های توسعه‌نیافته شهر تهران دارند. نتایج برخی از مطالعات پیشین نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

چنان‌که مطالعه پروین و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از آن است که وجود اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی متعدد در محله هرندی تهران، مانع از موفقیت اقدامات توسعه‌ای نهادهای مدیریت شهری در این محله‌ها می‌شود. در واقع پیش‌شرط توسعه محلی، ایجاد آمادگی فرهنگی و توسعه امکانات و خدمات رفاهی در این محله‌هاست که تنها از طریق توسعه محلی درون‌زا امکان تحقق دارد.

همچنین رضانی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده‌اند که خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی (به عنوان یک رویکرد درون‌زا) در مقایسه با خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه (به عنوان یک رویکرد برون‌زا) در شهر مشهد، در ابعاد مختلف فقر (ضروریات زندگی، سلامت‌محور، مسکن‌محور، مطلق، نسبی، بین‌نسلی، آسیب‌پذیری و طرد اجتماعی) به طور معناداری وضعیت بهتری دارد. بنابراین چنین نتیجه‌گیری شده است که اشتغال مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی، صرف‌نظر از جنبه اقتصادی آن (افزایش رفاه فرد یا درآمد خانوار)، از لحاظ اجتماعی نیز دایره شمول فرد را گسترش می‌دهد و از خطر

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و کیفی، بحث درباره کارآمدی الگوهای اقتصاد پایدار شهری برای به‌کارگیری در فرایند توسعه محلی را می‌توان در دو محور دنبال نمود. نخست باید مشخص شود که نسبت و ارتباط بین توسعه محلی و اقتصاد پایدار شهری چیست و الگوهای تحول اقتصادی محله‌های ناکارآمد شهری، چه نوع توسعه‌ای را در این محله‌های ناکارآمد رقم خواهند زد. برای پاسخ به این سؤال با استناد به منابع نظری معتبر و دیدگاه صاحب‌نظران توسعه محلی، می‌توان اذعان کرد که اصولاً دو نوع توسعه محلی به لحاظ پراگماتیک و عمل‌گرایانه وجود دارد. یکی توسعه محلی درونی یا درون‌زا و دیگری توسعه محلی برون‌زا. هر کدام از این دو نوع توسعه، دارای الگوهای خاص خود و الزامات و پیش‌فرض‌هایی است که مستقیماً تعیین‌کننده نحوه مداخله در بافت هدف است. توسعه درون‌زا، عموماً متکی به منابع درونی بافت مورد برنامه‌ریزی است؛ مشارکت بیشتری را از ساکنان محلی طلب می‌کند و پروسه زمانی طولانی‌تری را برای تحول بافت‌های هدف طی می‌نماید. همچنین مبتنی بر پروژه‌های کوچک‌مقیاس بوده، اقدامات اجتماعی‌تری را دنبال می‌کند و خواهان حفظ ساکنان اصیل و قدیمی در محله‌های هدف است (ر.ک: Cascante et. al, 2020; Bortoletto, 2016; Gunter, 2011; Perry, 2010; 2006; Sklar et. al, 2014).

در مقابل، توسعه محلی برون‌زا متکی به منابع مالی و سرمایه‌های بیرونی کلان است و معمولاً با حمایت یک نهاد مداخله‌گر بیرونی همچون دولت یا شرکت‌های بخش خصوصی انجام می‌شود. این نوع توسعه، معمولاً توسعه‌ای بزرگ‌مقیاس بوده، نوسازی و مدرن‌سازی بافت را مقدم بر اهداف اجتماعی می‌داند؛ همچنین اهداف اقتصادی‌تری را دنبال می‌کند؛ پروسه زمانی کوتاه‌مدت یا میان‌مدت را طی می‌نماید و نتایج پروژه نیز (اعم از نتایج مثبت یا منفی) به سرعت آشکار می‌گردد (ر.ک: Flyvbjerg, 2014; Orueta & Fainstein, 2008; Syrett & North, 2010; Pike et. al, 2006; Stockdale, 2006).

بودن شهر در ابعاد مختلف (یعنی شهری که برای رشد و تعالی انسان و حیات طیبه سامان می‌باید) تأکید شده است، بنابراین می‌توان الگوهای انتخاب‌شده را با تأکید بر شاخص شهر اسلامی در حوزه اقتصاد پایدار شهری که در بخش نظری پژوهش بیان شده، بومی نمود و به عنوان الگوی اسلامی در حوزه اقتصاد شهری جهت توسعه محلی در محله‌های ناکارآمد منطقه ۱۰ شهر تهران اجرا کرد.

بنابراین نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه می‌تواند برای برنامه‌ریزی که قصد انتخاب یک الگوی مداخله‌ای مناسب از بین الگوهای اقتصاد پایدار شهری دارند، مفید واقع شود. با این حال باید اذعان کرد که توسعه محلی قبل از اینکه فرایندی بیرونی برای توسعه و ارتقای کیفیت زندگی سکونتگاه‌های انسانی باشد، فرایندی ذهنی مرتبط با سبک‌های زندگی است. باورپذیری به توسعه، عنصر کلیدی این نوع سبک زندگی است. وجود عادات و راه‌های اجتماعی، ویژگی‌های مردم‌شناختی، ویژگی‌های رفتاری و الگوهای جامعه‌پذیری، همگی در الگوهای توسعه و میزان توسعه تبلور می‌یابد. تاکنون محققان بسیاری به مطالعه ارتباط بین ویژگی‌های مردم‌شناسی نواحی با میزان توسعه‌یافتگی آنها پرداخته‌اند. نتیجه این مطالعات آن بوده است که علی‌رغم کارایی و اثربخشی تمامی الگوها و مدل‌های توسعه‌ای، تا زمانی که مردم یک جامعه به باورپذیری درباره تغییر وضعیت زندگی‌کنند، هیچ تغییری در زندگی آنها حاصل نخواهد شد.

با توجه به محدودیت‌هایی که در مطالعه حاضر وجود داشت، پژوهش‌های آینده می‌توانند بر موضوعات زیر متمرکز شوند:

۱. ارائه چارچوب‌های عملیاتی توسعه محلی مبتنی بر اقتصاد پایدار شهری
  ۲. بومی‌سازی الگوهای اقتصاد پایدار شهری منطبق با شرایط محله‌های شهر تهران
  ۳. تحلیل نقش و عملکرد عوامل توسعه در سطح نهادی (دولت و نهادهای وابسته به آن)
- هر تقویت نقش و عملکرد عوامل توسعه در سطح محلی (اعضای جامعه محلی و ساکنان محله‌های شهری)

#### منابع

۱. احسانیان، ساجده و دیگران (۱۳۹۸) «بررسی به کارگیری سرمایه فکری، نوآوری و خلاقیت به عنوان محرک‌های اصلی برای توسعه پایدار درازمدت در چارچوب اقتصاد خلاق و جامعه دانش‌بنیان»، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۱۵، صص ۲۷-۸۴.
۲. اسماعیل پور، حسن و سمانه پارسا (۱۳۹۲) «برندسازی مکان؛ تعاریف، موانع و راه کارها»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۶۳، صص ۱-۲۵.

انزوا و طرد اجتماعی وی می‌کاهد. اما چنین رویکردهایی در شهر تهران چندان مورد توجه نبوده است. نتایج برخی مطالعات خارجی مانند پری<sup>۱</sup> و گانتز<sup>۲</sup> ۲۰۱۲ نیز نشان می‌دهد که به طور کلی رویکردهای درون‌زا بیشتر از رویکردهای برون‌زا، قابلیت فقرزدایی و توانمندسازی جامعه محلی را دارند.

از سوی دیگر، باید تمایزی اساسی بین الگوهای غربی الگوهای بومی اقتصاد پایدار شهری قائل شویم. نتایج مطالعه حاضر و انجام مصاحبه‌های متعدد با خبرگان حوزه اقتصاد شهری و جامعه‌شناسی شهری نشان داد که الگوهای غربی اقتصاد پایدار، در جوامع جهان سوم و در حال توسعه کارایی نداشته و فاقد قابلیت نشت به پایین آثار توسعه است. حتی اگر برنامه‌های بازآفرینی اقتصادی با هر نوع طرح توسعه مجدد دیگری با الگوهای اولیه غربی در شهری مانند تهران اجرا شود، فاقد اثربخشی و همسویی با ارزش‌های جامعه محلی خواهد بود و اصولاً توسعه حاصل از این الگوها، توسعه‌ای بیرونی است که نخست نیاز به تزریق سرمایه‌های کلان از بیرون دارد و دوم اینکه نوع مداخله در این قبیل الگوها، بسیار بلندپروازانه و فاقد پشتیبانی اجتماعی ساکنان به عنوان ذی‌نفعان اصلی توسعه محلی است. بنابراین با مینا قرار دادن الگوهای بومی اقتصاد پایدار شهری، می‌توان توسعه محلی با رهیافت اقتصادی را در زمینه‌های دیگری درون واحدهای اجتماعی از جمله محله‌ها جست‌وجو کرد. این زمینه‌ها شامل اجرای سیاست‌های حداقلی تحول اقتصادی و انجام اقدامات خرد و تدریجی اما پایدار از سوی نهادهایی است که حیطة مسئولیت‌پذیری‌شان، ارتباط بیشتری با کیفیت زندگی محله‌های شهری دارد. نهادهایی مانند شهرداری و شورای شهر که به عنوان نهادهایی اجتماعی عمل می‌کنند و واجد مسئولیت اجتماعی هستند.

#### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد تا مقایسه‌ای بین الگوهای مختلف اقتصاد پایدار شهری برای کاربری آن در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه محلی در محله‌های ناکارآمد منطقه ۱۰ شهر تهران انجام گیرد. نتایج به‌دست‌آمده، منجر به آشکار شدن رجحان و برتری برخی از الگوهای مورد بررسی شد. به طور مشخص دو الگوی «کارآفرینی اجتماعی» و «الگوی LED»، بیشترین تأثیر را بر توسعه محلی داشتند و همچنین واجد بالاترین کفایت و کارآمدی بودند. این بدان معنی است که این دو الگو می‌توانند بیش از سایر الگوها در انطباق با شرایط محله‌های ناکارآمد منطقه ۱۰ شهر تهران به کار گرفته شوند. از این‌رو با توجه به اینکه در برنامه‌های مختلف توسعه شهر تهران بر هویت ایرانی-اسلامی

۱۶. شهرداری تهران (۱۳۹۸) «آشنایی با شهر تهران» - www.tehran.ir

۱۷. صابری فر، رستم و دیگران (۱۳۹۱) «توسعه محلی پایدار و جلب مشارکت مردم بر اساس تجارب پروژه بین‌المللی ترسیب کربن»، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۸، صص ۴۱-۵۴.

۱۸. عیاجی، اعظم و دیگران (۱۳۹۷) «رویکرد دولت‌مدار به بازآفرینی شهری و اعیانی‌سازی وابسته: تحلیل عملکرد ذی‌نفعان کلیدی در نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر در مشهد»، توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۷۵-۹۴.

۱۹. عزیزفر، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۹) «تحلیلی بر نقش سیاست‌های دولت و مجاورت بازار بر تغییرات کارکردی و زوال محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله سیروس شهر تهران)»، جغرافیای اجتماعی شهری، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۵۹.

۲۰. فرجام، رسول و دیگران (۱۳۹۰) «مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۲، صص ۲۷-۴۰.

۲۱. قادری، صلاح‌الدین و دیگران (۱۳۹۵) «راهبردهای محله محوری و توسعه محله‌ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان»، توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۵۷-۸۸.

۲۲. متوسلی، محمود و هدی زبیری (۱۳۹۲) «انسجام اجتماعی؛ منشأ توسعه اقتصادی»، توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۴۹-۷۴.

۲۳. مسعود، محمد و دیگران (۱۳۹۸) «بررسی تأثیر اقدامات بازآفرینی بر وقوع پدیده اعیانی‌سازی در محلات ناکارآمد (مورد پژوهی: محلات اتابک و خانی‌آباد تهران)»، هویت شهر، شماره ۳۹، صص ۶۳-۷۸.

۲۴. منصوریان، حسین و دیگران (۱۳۹۸) «تحلیل عوامل مؤثر بر پژمردگی شهری در ناحیه ۳، منطقه ۱۲، شهر تهران»، جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۳۱، صص ۱-۱۴.

۲۵. میرفردی، اصغر و عباس رضانی بصری (۱۳۹۲) «همگرایی نگرش‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی در رویکردهای نهادگرایی به توسعه»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۱۷-۲۰۰.

۲۶. نوری، شیوا و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۵) «سنجش اثرات کیفی ناشی از اجرای مگا پروژه‌های شهری بر ارتقای اقتصاد محلی (مورد پژوهی: دریاچه شهدای خلیج فارس واقع در منطقه ۲۲ شهر تهران)»، صفا، دوره بیست‌وششم، شماره ۷۳، صص ۱۰۵-۱۲۲.

۲۷. یزدان‌پناه شاه‌آبادی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۸) «تبیین مدل مفهومی برندسازی مکان: مروری بر ادبیات نظری»، مجله باغ نظر، دوره شانزدهم، شماره ۷۱، صص ۳۴-۴۱.

۲۸. Ababio, E. P; D. F. Meyer (2012) Local Economic Development (LED) Building Blocks, Strategy and Implementation for Local Government in South Africa, *Administratio Publica*, 20 (4): 6-27.

۲۹. Ashworth, G. (2011) Place branding: local, virtual and physical identities, *constructed, Tourism Management*, 32: 702-703.

۳. ایمانی شاملو، جواد و دیگران (۱۳۹۵) «سوداگری شهری و واگرایی فضایی: تحلیل تحولات فضایی کلان‌شهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴۱، صص ۱۰۴-۱۳۵.

۴. پروین، ستار و دیگران (۱۳۹۵) «بی‌سازمانی اجتماعی و آسیب‌های پنهان شهری (مطالعه موردی: محله هرندی)»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره بیست‌وسوم، شماره ۱، صص ۹۱-۱۲۱.

۵. پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۷) «تبیین نقش مدیریت محله‌ای بر پایداری اجتماعی شهر تهران از طریق سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده شهری»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۱، صص ۷۵-۸۲.

۶. پیرمحمدی، صبا و دیگران (۱۳۹۶) «کارآفرینی اجتماعی، عوامل مؤثر و نقش آن در توسعه اقتصادی»، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای، رویکردها و کاربردها.

۷. تلخایی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۹۷) «انفجار مادرشهر و توسعه گسیخته منطقه کلان‌شهری تهران در چارچوب نظریه زوال شهری»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ششم، شماره ۳، صص ۴۵۱-۴۷۲.

۸. جوان‌بخت، حسین (۱۳۹۵) «بررسی رابطه زوال شهری و سکونت‌گزینی طبقه خلاق در منطقه ۱۲ شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی.

۹. حسینی دهاقانی، مهدی و میثم بصیرت (۱۳۹۵) «رهیافت نظریه بازی در تحلیل بازی‌های قدرت شهری: تحلیلی بر فرایندهای ساخت‌وساز در کلان‌شهر تهران»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره بیست‌ویکم، شماره ۱، صص ۹۱-۱۰۰.

۱۰. رستمی، زهرا و نازنین وجدانی درستکار (۱۳۹۴) «ارزیابی اثرات اجتماعی پروژه مجتمع تجاری تیراژه بر ساکنین منطقه ۵ شهرداری تهران»، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت شهری، تبریز.

۱۱. رضمانی، ابوالفضل و دیگران (۱۳۹۷) «مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر در نهادهای حمایتی شهر مشهد»، نشریه مجلس و راهبرد، دوره بیست‌وپنجم، شماره ۹۶، صص ۱۷۹-۲۱۲.

۱۲. روشن‌قیاس، کلثوم و دیگران (۱۳۹۶) «بررسی رابطه کارآفرینی اجتماعی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: معتادان بهبود یافته شهر قزوین)»، فصلنامه دانش انتظامی قزوین، دوره ششم، شماره ۲۳، صص ۶۶-۸۳.

۱۳. زنگانه، احمد (۱۳۹۲) «تبیین فرایند پژمردگی شهری: محدوده مورد مطالعه منطقه ۱۲ تهران»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.

۱۴. سعیدی‌فرد، فرانک و دیگران (۱۳۹۷) «تبیین بازتاب اقتصاد رانتهی بر سازمان فضایی کلان‌شهرها (نمونه موردی: منطقه ۱ شهر تهران)»، پژوهش‌های دانش زمین، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۴۵-۱۶۴.

۱۵. سلیمانی مهرنجانی، محمد و دیگران (۱۳۹۷) «تبیین پیامدهای تراکم کارکردهای فراشهری بر کیفیت محیط محله‌های شهری (مورد: منطقه ۱۲ شهر تهران)»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی.

۴۵. Martin, L. ; Osberg, S. (2007) Social Entrepreneurship: The Case for Definition, Available at: [https://ssir.org/articles/entry/social\\_entrepreneurship\\_the\\_case\\_for\\_definition](https://ssir.org/articles/entry/social_entrepreneurship_the_case_for_definition).
۴۶. Mayo M, Mendiwelo-Bendek Z, Packham C (2013) Community Research for Community Development, Palgrave Macmillan Publisher, Available at: <https://www.palgrave.com/gp/book/9781137034731>.
۴۷. Net Impact Institute (2020) Community Development: Everything you need to know about a career in community development, Available at: <https://www.netimpact.org/careers/community-development>.
۴۸. Noon D, Smith-Canham J, Eagland M (2000) Economic Regeneration and Funding, in: Roberts, Peter; Sykes, Hugh (eds. ): Urban Regeneration. A Handbook, London, Available at: <https://sk.sagepub.com/reference/urban-regeneration>.
۴۹. Orueta, F. D, Fainstein S (2008) The New Mega-Projects: Genesis and Impacts, International Journal of Urban and Regional Research, 32 (4), 759-767.
۵۰. Pasquinelli, Cecilia (2013) Competition, cooperation and co-opetition: unfolding the process of interterritorial branding. Urban Research and Practice, 6: 1-18.
۵۱. Perry M (2010) Controversies in Local Economic Development, Local Economy, 25 (7): 527-534.
۵۲. Pike, Andy; Rodríguez-Pose, Andrés; Tomaney, John (2006) Local and Regional Development, Routledge.
۵۳. Seo J. K (2002) Re-urbanization in Regenerated Areas of Manchester and Glasgow: New Residents and the Problems of Sustainability, Cities, 19, 2: 113-121.
۵۴. Sepe M (2014) Urban transformation, socio-economic regeneration and participation: two cases of creative urban regeneration, International Journal of Urban Sustainable Development, 6 (1): 20-41.
۵۵. Sklar, Sydney L; Autry, Cari E; Anderson, Stephen C (2014) How park and recreation agencies engage in community development, World Leisure Journal, 56 (4): 281-299.
۵۶. Stockdale, Aileen (2006) Migration Pre-requisite for rural economic regeneration, Journal of Rural Studies, 22 (3): 354-366.
۵۷. Swinburn, Gwen; Goga, Soraya; Murphy, Fergus (2006) Local Economic Development: a Primer Developing and Implementing Local Economic Development Strategies and Action Plans, Available at: <http://documents1.worldbank.org/curated/en/763491468313739403/pdf>.
۵۸. Syrett, Stephen; North, David (2010) Between Economic Competitiveness and Social Inclusion: New Labour and the Economic Revival of Deprived Neighborhoods, Local Economy, 25 (5-6.): 476-493.
۵۹. Turok, I. (2009) The distinctive city: pitfalls in the pursuit of differential advantage, Environment and Planning A, 41: 13-30.
۶۰. Wyckoff, M. A. (2014) Definition of place making: four different types, Planning & Zoning News, 32 (3).
۳۰. Babaei H, Ahmad N, Gill S (2012) Bonding, bridging and linking social capital and empowerment among squatter settlements in Teheran, Iran, World Applied Sciences Journal, 17 (1): 119-126.
۳۱. Behera, A (2017) Reimagining Contemporary Urban Planning with Placemaking, Applied Research Paper, Available at: <https://smartech.gatech.edu/handle/1853/58520>.
۳۲. Bortoletto, Nico (2016) Participatory action research in local development: an opportunity for social work, European Journal of Social Work, Available at: <http://dx.doi.org/10.1080/13691457.2016.1188770>.
۳۳. Cascante, David Matarrita; Brennan, Mark A (2012) Conceptualizing community development in the twenty-first century, Community Development, 43 (3): 293-305.
۳۴. Cascante, David Matarrita; Lee, Jae Ho; Nam, Ji Won (2020) What elements should be present in any community development initiative? Distinguishing community development from local development, Local Development & Society, Available at: <https://doi.org/10.1080/26883597.2020.1829986>.
۳۵. Cleave, Evan; Arku, Godwin; Sadler, Richard; Gilliland, Jason (2016) The role of place branding in local and regional economic development: bridging the gap between policy and practicality, Regional Studies, Regional Science, 3 (1): 207-228.
۳۶. Colantonio A, Dixon T (2011) Urban Regeneration & Social Sustainability: Best practice from European cities, Wiley- Blackwell, Available at: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/book/10.1002/9781444329445>.
۳۷. Dees J, Emerson J, Economy P (2001) Enterprising Nonprofits: A Toolkit for social Entrepreneurs, John Wiley and Sons, Inc.- social entrepreneurship: some important distinction, 5.
۳۸. Dwivedi, Abhishek; Weerawardena, Jay (2018) Conceptualizing and operationalizing the social entrepreneurship construct, Journal of Business Research, 86: 32-40.
۳۹. Esposito, Mark; Goyal, Sandeep; Sergi, Bruno S (2013) Social Entrepreneurship in Developing Economies- Understanding the Constraining Factors and Key Focus Areas from the Literature Review, Incend Journal of business.
۴۰. Flyvbjerg B (2014) What You Should Know about Megaprojects and Why: An Overview, Project Management Journal, 45 (2): 6-19.
۴۱. Gunter A (2011) Stadium upgrades as local economic development: the fallacy of the Ellis Park Sports Precinct upgrade as LED, South African Geographical Journal, 93 (1): 75-88.
۴۲. Kavaratzis, M. (2005) Place branding: a review of trends and conceptual models, The Marketing Review, 5: 329-342.
۴۳. Kavaratzis, M; Hatch, M. J (2013) The Dynamics of Place Brands: An Identity-Based Approach to Place Branding Theory, Marketing Theory, 13 (1): 69-86.
۴۴. Landorf Ch (2011) Evaluating social sustainability in historic urban environments, International Journal of Heritage Studies, 17 (5): 463- 477.





## برنامه‌ریزی توسعه مجدد زمین در محله‌های بافت تاریخی (مطالعه موردی: محله زرتشتی‌ها در بافت تاریخی شهر یزد)

نجما اسمعیل‌پور\*، فاطمه فروغی‌نسب\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳

### چکیده

ثبت بافت تاریخی شهر یزد در مجموعه شهرهای میراث جهانی یونسکو، مطابق معیار سوم و پنجم فرهنگی یونسکو، در سال ۲۰۱۷ صورت گرفت. یکی از استراتژی‌های تداوم سکونت در آن، استفاده مجدد از آن دسته از اراضی است که پیشتر تحت استفاده بوده و امروز به صورت زمین افتاده یا اراضی تحت ساختمان‌های مخروبه و متروکه به فضاهای ناکارآمد تبدیل شده است. هدف پژوهش، در مرحله اول، اولویت‌بندی محله‌های بافت تاریخی یزد از حیث میزان پتانسیل این اراضی برای توسعه مجدد و سپس ارائه برنامه ارتقای کارایی در استفاده از آنها را در پهنه (محله) دارای بیشترین قابلیت است. سنجش میزان پتانسیل اراضی با کاربست روش تصمیم‌گیری چندمعیاره ANP و برنامه‌ریزی استفاده مجدد اراضی در پهنه دارای بیشترین قابلیت به روش برنامه‌ریزی راهبردی انجام شده است. بنا بر یافته‌های پژوهش، تمام محله‌های بافت تاریخی شهر یزد، دارای سهم قابل ملاحظه‌ای از اراضی واجد ارزش توسعه مجدد در لبه و درون خود هستند. محله زرتشتی‌ها به واسطه «مطلوبیت اجتماعی، توان اقتصادی به‌ویژه در حوزه گردشگری و دسترسی مناسب‌تر» دارای پتانسیل بیشتری برای توسعه مجدد است. همچنین کاربری‌های مناسب پیشنهادی در اراضی دارای قابلیت توسعه و نیز راه کارهای رونق زندگی در محله زرتشتیان ارائه شده است. پژوهش، نمونه کاربست برنامه‌ریزی توسعه مجدد اراضی ناکارآمد در بافت‌های تاریخی و قدیمی را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی توسعه مجدد زمین، اولویت‌بندی پتانسیل اراضی، محله زرتشتی‌ها، بافت تاریخی و شهر جهانی یزد.

۱- پژوهش حاضر، از پایان نامه کارشناسی ارشد فاطمه فروغی‌نسب با عنوان «راهبردهای ارتقاء کارایی استفاده از زمین شهری در بافت تاریخی شهر یزد با تاکید بر توسعه مجدد زمین» که به راهنمایی نویسنده اول انجام شده، استخراج شده است.

\*\*نویسنده مسئول: استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه یزد، ایران

\*دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد، ایران

## مقدمه

موضوع برنامه‌ریزی توسعه مجدد اراضی در چند دهه اخیر به تدریج از کشورهای غربی به سایر کشورهای جهان راه یافته است (ر.ک: Loures, 2015; Gao et al, 2018). توسعه مجدد اراضی دارای قابلیت، فرصت‌هایی را برای افزایش عرضه خانه‌های جدید، بهبود زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز برای توسعه جوامع پایدار فراهم می‌کند (ر.ک: شاکری و منصفی پراپری، ۱۳۹۹). اراضی و فضاهای رها شده اما دارای قابلیت توسعه مجدد، یکی از چالش‌های عمده برای شهرهای قدیمی به‌ویژه از نظر مالی محسوب می‌شود (ر.ک: Kim et al, 2018; Kim et al, 2020). تجمع اراضی رها شده و فضاهای غیر مولد ناشی از گسترش شهرها می‌تواند به زوال شهری و ایجاد کچلی شهری منجر شود (Zhanget al, 2015; Newman & Kim, 2017; Kim et al, 2020). اگر این اراضی برای مدت طولانی باقی بمانند، می‌توانند موجب بروز و افزایش ناامنی اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی و آلودگی بصری در پیرامون (ر.ک: Kivell, 1993) و حتی موجب گسترش مشکلات به قطعات چسبیده به خود شوند. از این‌رو توجه به تغییر شرایط آنها در جهت ارتقای کارایی‌شان از طریق برنامه‌ریزی توسعه مجدد، ضروری است.

شهر یزد که از گذشته دور تا نیم قرن پیش، شاهدی زنده بر استفاده هوشمندانه انسان از منابع محدود آب و خاک در یک گستره بیابانی بوده (یزدگرد و دیگران، ۱۴۰۰)، بیش از پنج دهه است که تقابل با شرایط زیستی خود را آغاز کرده است. توجه به روند رشد مساحت شهر یزد در نیم قرن گذشته نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۵-۱۳۵۰، شهر سالانه ۲-۳٪ گسترش داشته و طی سه دهه بعد (۱۳۸۰-۱۳۵۰) میانگین رشد مساحت شهر سالانه حدود ۸ درصد افزایش یافته است (شماعی، ۱۳۸۲: ۲۲). در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، وسعت شهر سه برابر شده و مجدداً محدوده سال ۱۳۶۵ شهر، در ده‌ساله ۱۳۶۵-۱۳۷۵ باز هم سه برابر گردید (تقوایی و سرایی، ۱۳۸۵: ۱۴۷؛ عزیزپور و اسمعیل‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۹). به این ترتیب در مجموع طی دوره ۱۳۴۵-۱۳۹۵ مساحت شهر تقریباً ۱۹٫۵ برابر شده، در حالی که طی همین سال‌ها، جمعیت شهر حدود ۶٫۵ برابر شده است (رسولی و شیرمحمدی، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

در نتیجه اکنون ۵۸۷۲/۷۹ هکتار معادل حدود ۴۳/۷۸ درصد از مساحت شهر را اراضی غیرفعال تشکیل می‌دهد. گزارش جمعیت و تراکم شهرهای جهان در سال ۲۰۱۶، در فهرست ۱۰۲۲ تایی خود، به شانزده شهر ایران در فهرست اشاره کرده است که در این میان، یزد به عنوان یکی از شهرهای مناطق خشک با میزان تراکم ۳۱۰۰، کمترین مقدار تراکم را در میان

شهرهای ایران داشته است (رسولی و شیرمحمدی، ۱۳۹۹: ۲۷۸). ضمن آنکه در پی گسترش سریع شهر، حرکات جمعیتی از مرکز و محدوده بافت تاریخی شهر به سمت پیرامون شهر شکل گرفته (اسمعیل‌پور و عزیزپور، ۱۳۸۸: ۱۰۹) و بر اثر آن، اراضی رها شده و تحت ساختمان‌های مخروبه و متروکه غیرفعال هم در آن رو به افزایش گذارده است (عزیزی و آراسته، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

محدوده ۶۶۵ هکتاری بافت قدیمی و تاریخی شهر که نشان‌دهنده هویت شهر است و تا چند دهه قبل، پاسخگو به سلسله‌مراتب نیازهای ساکنان خود بوده است، در پی تحولات فن‌شناختی و تغییر در نیازهای زیستی، اجتماعی و اقتصادی، اکنون فاقد عملکرد قوی و لازم است (زنگی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۲؛ سرایی و علیان، ۱۳۹۴: ۸۲). اما درمقابل، به جهت موقعیت جغرافیایی خود، دسترسی و برخورداری از تأسیسات زیربنایی و خدمات شهری، دارای ظرفیت‌ها و توان بالا برای بازتوسعه است. تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره ارزیابی اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد انجام شده و هرکدام شاخص‌های متعددی را در نظر گرفته‌اند (جدول شماره ۱).

این پژوهش سعی دارد تا با جمع‌بندی شاخص‌ها و افزودن شاخص‌های مناسب برای ارزیابی اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد، به سنجش وضعیت اینگونه اراضی در بافت تاریخی شهر یزد دست یابد و با راه‌کارهای توسعه مجدد آنها از طریق برنامه‌ریزی در محله‌ای که دارای بیشترین پتانسیل است، از یکسو پاسخ مناسبی برای رونق بیشتر حیات و زندگی در این عرصه ثبتی یونسکو و از سوی دیگر، راه‌کاری برای تحدید توسعه برون‌زای شهر یزد فراهم کند.

## مبانی نظری

مفهوم اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد<sup>۱</sup>، شامل اراضی رها شده، خالی، آلوده، متروکه یا کمتر مورد استفاده (Loures & Vaz, 2018) است که کاربری سابق آن تغییر کرده و اکنون کمتر فعال است (عبدی و مهدی‌زادگان، ۱۳۹۰: ۲۴) و یا اکنون به صورت رها شده و فاقد کاربری است و بیشتر شامل اراضی مراکز شهرهاست (Ahmad et al, 2018: 6) که برای استفاده دوباره و فعال، نیاز به مداخله در آن وجود دارد (طیبیان و غنی، ۱۳۹۴: 945; Moštadi & Biara, 2019: 167; Pizzol et al, 2016: 178; AbdElrahman, 2016: 27).

توسعه مجدد، عمل و فرایند جایگزینی، تغییر دادن یا استفاده دوباره از زمین‌هایی است که یا قبلاً دارای کاربری بوده و اکنون فاقد هرگونه فعالیت یا کاربری -اعم از آلوده‌کننده یا فاقد آلودگی- باشند و یا زمین‌هایی که در حال حاضر تحت ساختمان‌های

مخروبه و متروکه - اعم از مسکونی یا غیرمسکونی - است و اکنون غیرمولد هستند (ر.ک: طیبیان و غنی، ۱۳۹۴؛ Clarke et al, 2019) و مجموعه سیاست‌ها و فعالیت‌هایی است که در مواجهه با فرسودگی کالبدی در شهرها انجام می‌شود. فرایندی که برای باززنده‌سازی زیر بناهای کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شهر استفاده می‌شود و پیش‌زمینه آن به دهه ۱۹۳۰ بازمی‌گردد (برک‌پور و بهرامی، ۱۳۹۰: ۳).

استفاده از این رویکرد در اراضی صنعتی رها شده مانند توسعه مجدد محله بلوال در جنوب غرب شهر لوکزامبورگ، جایی که نزدیک به یک‌چهارم از مساحت محله را کارخانه‌های قدیمی فولاد تشکیل می‌دهد (Glumac & Decoville, 2020: 4) و توسعه مجدد ایستگاه آتلانتیک در آتلانتا که از کارخانه فولاد ۵۵ هکتاری به منظور جلوگیری از گسترش شهر استفاده شده است (Duilic & Krkljes, 2014: 8)، از ابتدا بسیار مورد توجه بوده است، اما رویکرد توسعه مجدد در موارد متعدد و با ویژگی‌های مختلف به کار برده شده است. از نمونه‌های انجام شده در نمونه‌های با ماهیت تاریخی می‌توان به مرکز تفریح کلرادو در کالیفرنیا (Zhou, 2019: 24) و همچنین هوته ولکلینگر<sup>۱</sup> در کشور آلمان که منطقه ۱۲۰ هکتاری تاریخی که عضو فهرست میراث جهانی می‌باشد و در محدوده مرکز هنری، صنعتی و فرهنگی و موزه صنعت ایجاد شده، اشاره کرد (Ferber & Grimski, 2002: 39). ایجاد پارک الازهر قاهره در زمینی که پانصد سال محل دفن زباله بوده و همچنین یک پارک بین‌المللی در ورودی جنوبی اسکندریه به مساحت ۵۱۸.۷۰۰ مترمربع که محدوده به محل انباشت زباله تبدیل شده بود (ر.ک: Ibrahim et al, 2020: 1915)، موجب ارتقا وضعیت زیست و سکونت در محدوده شده است (ر.ک: Abd Elrahman, 2016).

کاربری‌های متروکه و زمین‌های بلااستفاده نیز از دیگر نمونه‌های اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد هستند. پارک میزنر در فلوریدا، جایی که پیشتر یک مرکز خرید متروکه بود (Zhou, 2019: 24) و شهرک کویین در اراضی تحت ساختمان‌های متروکه در مرکز شهر بوداپست مربوط به ۱۱۰۰ واحد مسکن اجتماعی قبل از جنگ جهانی دوم (Scholl et al, 2018)، از دیگر نمونه‌های موفق توسعه مجدد اراضی بلااستفاده و متروکه‌اند.

مرور تجارب موجود، حاکی از این است که بازتوسعه این اراضی با مزایای متعدد از جمله کاهش رشد افقی شهر، ایجاد رشد اقتصادی و اشتغال (Duilic & Krkljes, 2014: 7) ایجاد مکان‌های باکیفیت، افزایش حضورپذیری و ارزش املاک، نیاز به سرمایه کمتر به دلیل کاهش هزینه‌های ناشی از زیرساخت، پشتیبانی مالی جامعه محلی و چرخه عمر طولانی‌تر ساختمان‌های با

اهمیت تاریخی (Duilic & Krkljes, 2014: 7)، ایجاد مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی، کار و (انجم شعاع و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹؛ Glumac & Decoville, 2020: 4; Scholl et al, 2018 مالیاتی و بهبود امنیت عمومی (تقوایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶) و ایجاد محرک برای توسعه‌گرها، همراه است (نوریان و نتاج، ۱۳۹۵: ۲۹). بنابراین این سیاست را می‌توان برای اهداف مختلف در شهرهای سراسر جهان به کار گرفت.

## معیارهای سنجش میزان پتانسیل اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد

در برنامه‌ریزی توسعه مجدد از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند تأثیر بسزایی در میزان موفقیت برنامه داشته باشد، انتخاب اراضی با بیشترین پتانسیل است. در مواردی مانند بافت تاریخی شهر یزد، که تعداد اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد وجود دارد نیز این اهمیت دوچندان می‌شود. جدول شماره ۱، معیارهای سنجش پتانسیل توسعه مجدد اراضی محلات بافت تاریخی شهر یزد و ارزش هر کدام را نشان می‌دهد. جدول ذکر شده، حاصل بررسی پیشنهادیه پژوهش‌های مرتبط، تدقیق معیارها با توجه به شرایط بافت تاریخی شهر یزد و همچنین ارزش‌گذاری معیارها توسط متخصصان رشته برنامه‌ریزی شهری است.

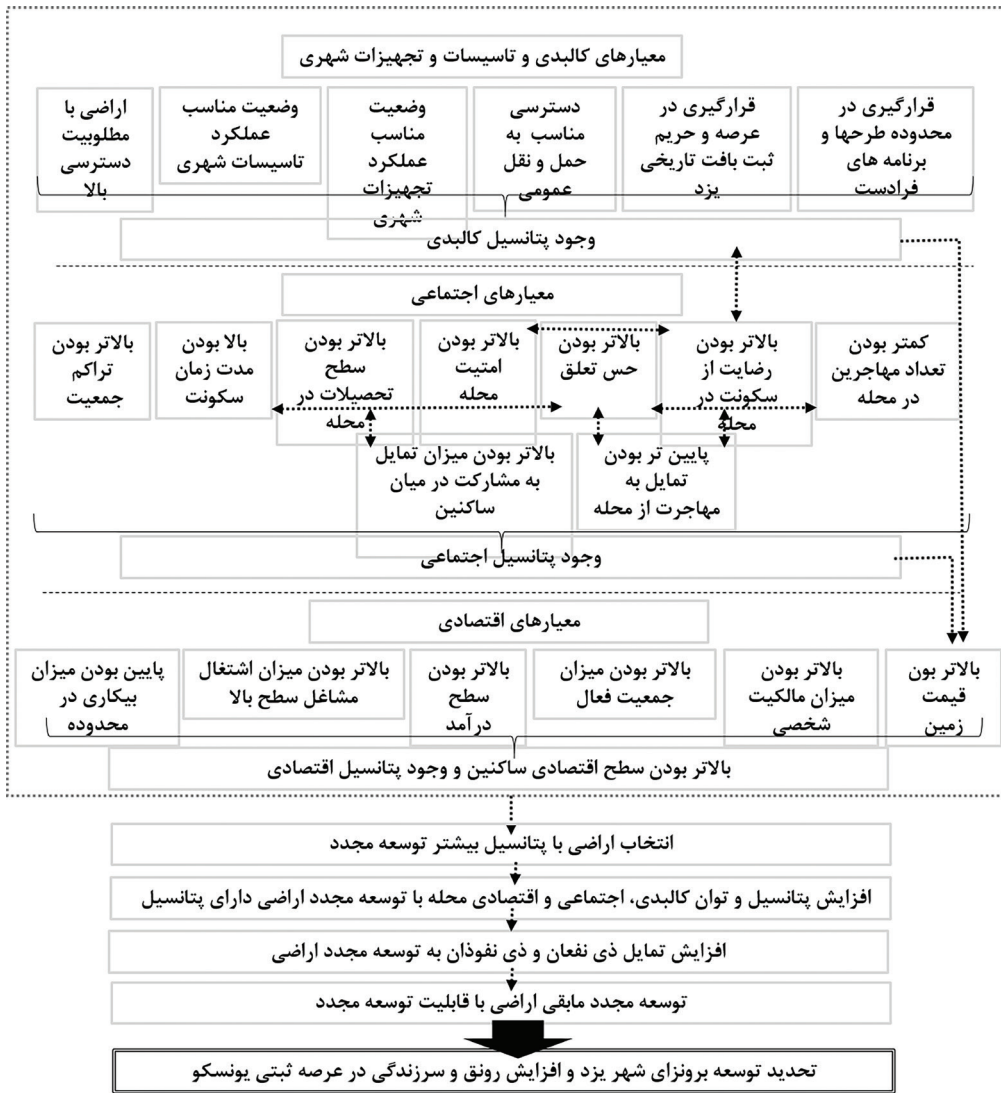


جدول ۱- معیارهای سنجش میزان پتانسیل اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد در محله‌های بافت تاریخی شهر یزد

منبع	وزن	معیار	بعد	منبع	وزن	معیار	بعد
Burinskienè et al,2017	۰۳.۰	میزان بیکاری	اقتصادی	Novosak et al,2013 سعیدی رضوانی و کاظمی، ۱۳۹۰؛ رهنما و خاکپور، ۱۳۹۴؛ قدسی و نسترن، ۱۳۹۴	۰۳.۰	مطلوبیت دسترسی	
سعیدی رضوانی و کاظمی، ۱۳۹۰؛ Hammond et al,2021 ;Cappai et al,2019 Fouly & Hammam,2020							
داداشپور و دیگران ۱۳۹۳؛ انصاری و تاج‌الدین، ۱۳۹۳؛ حسینی و دیگران، ۱۳۹۱؛ تقوایی و دیگران، ۱۳۹۵؛ Hammond et al,2021 Fouly& Hammam,2020	۰۵.۰	تمایل به مشارکت		Cappai et al,2019	۱.۰	دسترسی به حمل و نقل عمومی	
اضافه شده به دلیل تأثیر بر حس تعلق و میزان مشارکت	۰۳.۰	تمایل به مهاجرت					
حسینی و دیگران، ۱۳۹۱	۰۱.۰	مدت زمان سکونت		قدسی و نسترن، ۱۳۹۴؛ داداشپور و دیگران، ۱۳۹۳	۰۱.۰	وضعیت عملکرد تجهیزات شهری	
انصاری و تاج‌الدین، ۱۳۹۳	۰۲/۰	سطح تحصیلات					
Burroughs,2015 Cappai et al,2019 Burinskienè et al,2017	۱.۰	امنیت		اضافه شده به دلیل ویژگی نمونه موردی	۰۲.۰	قرارگیری در مسیرهای گردشگری مهم	
داداشپور و دیگران، ۱۳۹۳؛ تقوایی و دیگران، ۱۳۹۵ احمدی و دیگران، ۱۳۹۲	۰۶.۰	حس تعلق					
بهرامپور و مدیری، ۱۳۹۴	۰۴.۰	رضایت از سکونت		Cappai et al,2019	۰۵.۰	نوع شغل	
اضافه شده به دلیل تأثیر بر حس تعلق و میزان مشارکت	۰۱.۰	تعداد مهاجران					
Novosak et al,2013 Fouly& Ham- mam,2020 سعیدی مفرد، ۱۳۹۹	۱.۰	نوع مالکیت		اضافه شده به دلیل ویژگی نمونه موردی	۰۲.۰	میزان جمعیت فعال	

شکل شماره (۱)، چارچوب کلی سنجش پتانسیل اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد و چگونگی تأثیر این سنجش بر تحدید توسعه برون‌زای شهر یزد و افزایش رونق و سرزندگی محدوده ثبتی را نشان می‌دهد.





شکل ۱- چارچوب کلی سنجش پتانسیل اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد

## روش پژوهش

در این پژوهش کمی و کیفی، دو بخش اصلی وجود دارد. در بخش اول، اراضی محله‌های بافت تاریخی از حیث پتانسیل اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد، به منظور انتخاب محله‌ای که دارای بیشترین قابلیت توسعه مجدد هست، اولویت‌بندی شده و در بخش دوم، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه مجدد زمین در محله منتخب انجام شده است. برای اولویت‌بندی محله‌های بافت تاریخی از حیث پتانسیل اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد، لازم بود سه گام پیش‌نیاز و مقدماتی برداشته شود. از این رو با رجوع به پیشینه پژوهش‌های مرتبط و تواتر معیارهای مورد استفاده آنها (گام پیش‌نیاز اول) و نیز در نظر گرفتن شرایط محله‌های بافت تاریخی شهر یزد، معیارهای مناسب برای اولویت‌بندی را معین کردیم (گام پیش‌نیاز دوم). سپس ارزش هر یک از معیارها

را به کمک نظر متخصصان رشته برنامه‌ریزی شهری و استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره ANP تعیین کردیم (گام پیش‌نیاز سوم) (به جدول شماره ۱ مراجعه شود). داده‌های مربوط به معیارهای کالبدی از نقشه GIS و داده‌های مربوط به سایر معیارها از «نتایج عمومی نفوس و مسکن شهر یزد» و گزارش «طرح حفاظت جامع بافت تاریخی شهر یزد» استخراج شده است. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار ArcGIS و رتبه‌بندی محله‌ها به روش ANP و با استفاده از نرم‌افزار Super Desicion انجام شده است. از آنجا که در روش ANP، ادغام این روش با نرم‌افزار Arc GIS آسان است، استفاده از آن در شرایطی که با تعدد معیارها مواجه باشیم، وجود دارد. امکان ارتباط متقابل میان شاخص‌ها و معیارها نیز وجود دارد. وبالاخره به واسطه سادگی، انعطاف‌پذیری روش و امکان‌پذیری معیارهای کمی و کیفی به طور همزمان

و قابلیت بررسی سازگاری در قضاوت‌ها، برای رتبه‌بندی اراضی از این شیوه استفاده شده است.

برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان یک طرح واحد و جامع که موضوعات را به هم متصل می‌کند، تعریف می‌شود (Soliman, 2018). بنابراین برای انجام بخش دوم پژوهش، از این روش برنامه‌ریزی به منظور دستیابی به سیاست‌های مؤثر و کاربردی توسعه مجدد محله زرتشتی‌ها استفاده شده است. با توجه به انعطاف‌پذیری فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک و مطالعه ادبیات پژوهش، فرایند راهبردی اتخاذ شده به شرح شکل (۲) می‌باشد (ر.ک: Vallejo et al, 2017).

مرحله اول: سنجش وضعیت محله زرتشتی‌ها که در آن پس از گردآوری وضعیت موجود محله در ابعاد مختلف از فن سوات برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. طی این مرحله، ضعف‌ها و قوت‌های درون محله و تهدیدها و فرصت‌های بیرونی و پیش روی محله زرتشتی‌ها در آینده در قالب جدول سوات

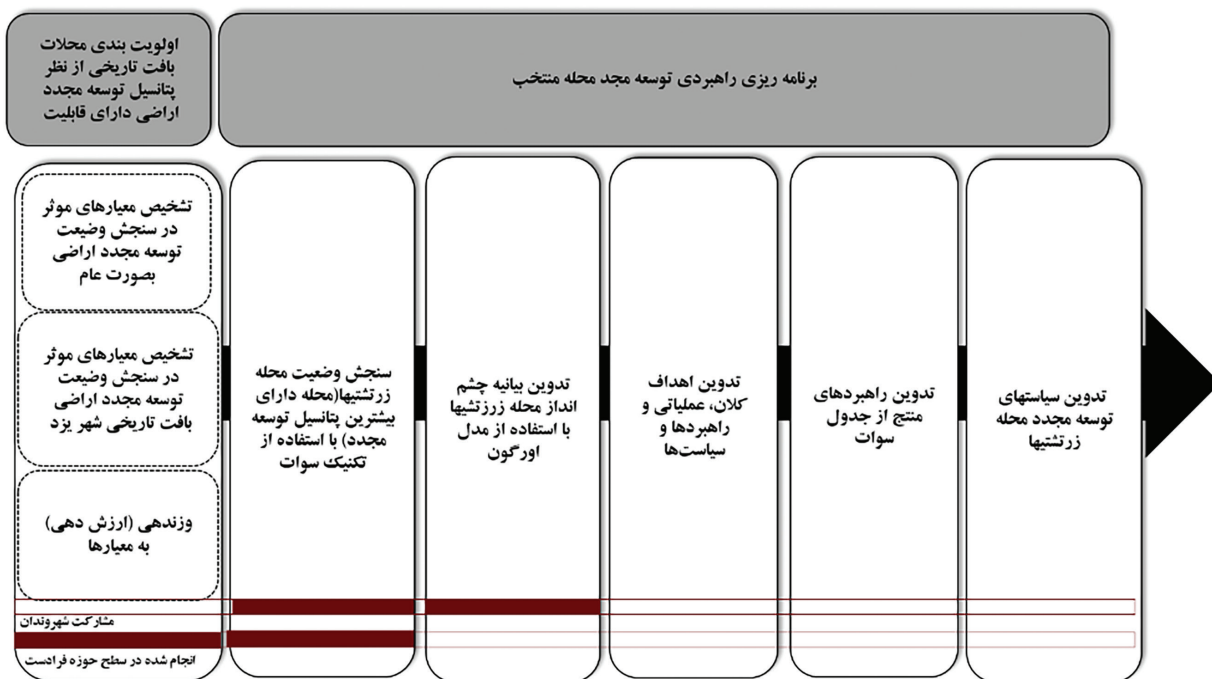
خلاصه شده است.

مرحله دوم: تدوین بیانیه چشم‌انداز محله زرتشتی‌ها که در آن از روش چشم‌اندازسازی ارگون استفاده شده است. بیانیه چشم‌انداز محله حاصل مشارکت ساکنان، گردشگران، کارشناسان پایگاه میراث فرهنگی و شهرداری یزد و شهرداری منطقه تاریخی یزد است که با استفاده از روش مصاحبه و پرسشنامه تدوین شده است.

مرحله سوم: تدوین اهداف کلان و عملیاتی بر اساس بیانیه چشم‌انداز

مرحله چهارم: تدوین راهبردها که در آن برای هر هدف عملیاتی، یک یا چند راهبرد مناسب تدوین شده است.

مرحله پنجم: تدوین سیاست‌های توسعه مجدد اراضی محله زرتشتی‌ها که در آن برای هر راهبرد، یک یا چند سیاست تشخیص و ارائه شده است.

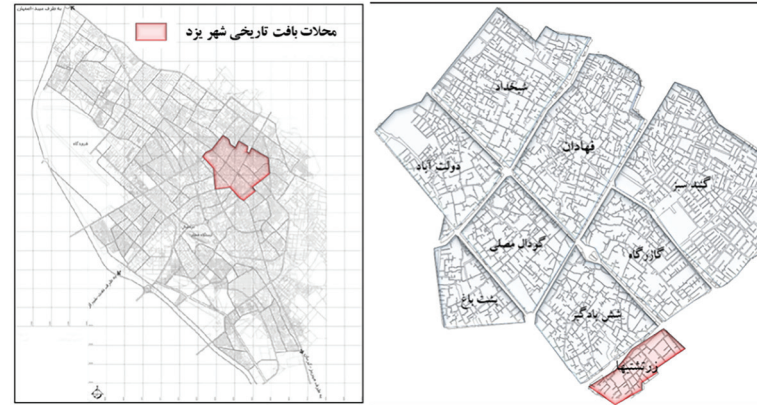


شکل ۲- گام‌های مختلف فرایند برنامه‌ریزی راهبردی توسعه مجدد اراضی در محله زرتشتی‌ها

## معرفی قلمرو پژوهش

بافت تاریخی شهر یزد، با مساحت ۶۶۵ هکتار از ۹ محله اصلی و ۴۹ زیرمحله تشکیل شده (زارعیان و دیگران، ۱۳۹۹) و محله زرتشتی‌ها با وسعت ۲۶،۳۵ هکتار، یکی از کانون‌های جمعیتی اقلیت مذهبی آیین زرتشت در این بافت ارزشمند تاریخی است. در حال حاضر

۲،۵۷ هکتار، معادل ۱۲،۵۳ درصد این محله را اراضی رهاشده یا تحت ساختمان‌های متروکه و مخروبه‌ای تشکیل می‌دهد که هر یک به صورت متفاوت حائز شرایط برای توسعه مجدد و تأمین نیازمندی‌های ساکنان محله هستند. شکل شماره (۳)، موقعیت این محله را در بافت تاریخی و شهر یزد نشان می‌دهد.

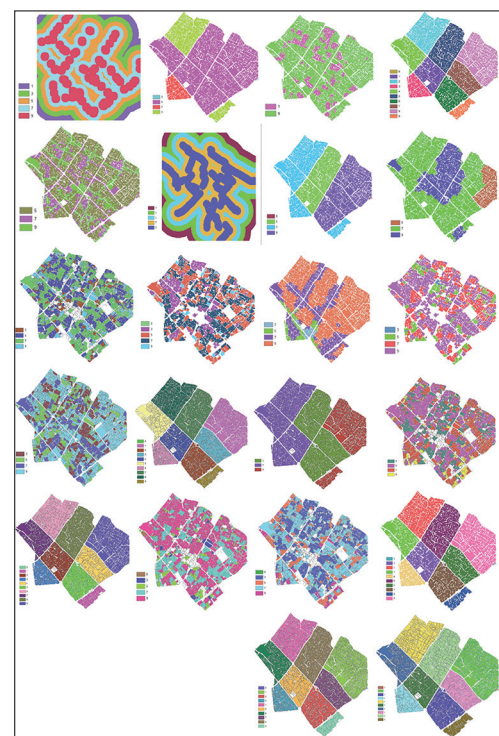


شکل ۳- موقعیت محله زرتشتی‌ها در بافت تاریخی شهر یزد

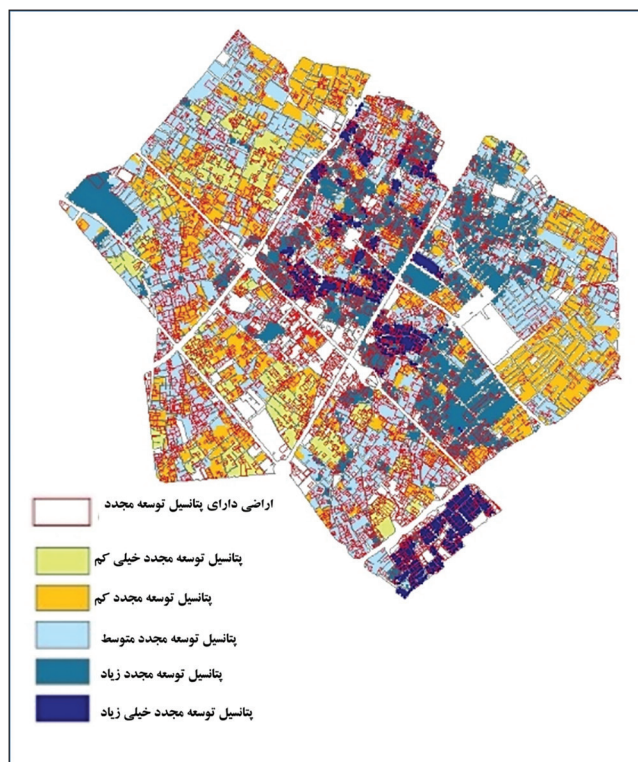
## تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش

در این مرحله برای اولویت‌بندی محله‌های بافت تاریخی شهر یزد از حیث برخورداری هر محله از میزان اراضی دارای بیشترین قابلیت توسعه مجدد، ابتدا در محیط Arc GIS، نقشه‌های کلاسه‌بندی برای هر معیار مندرج در جدول شماره (۱) تهیه شده است (نقشه‌های مندرج در شکل ۴).

در شکل شماره (۴)، عناوین نقشه‌ها به ترتیب از راست به چپ: نقشه کلاسه‌بندی معیار رضایت از سکونت در محله، کلاسه‌بندی معیار مطلوبیت دسترسی، کلاسه‌بندی معیار وضعیت عملکرد تأسیسات شهری، کلاسه‌بندی معیار دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، کلاسه‌بندی عرصه و حریم ثبت بافت تاریخی شهر یزد، کلاسه‌بندی معیار وضعیت عملکرد تجهیزات شهری، کلاسه‌بندی معیار قرارگیری در مسیرهای گردشگری مهم، کلاسه‌بندی معیار قرارگیری در محدوده طرح و برنامه فرادست، کلاسه‌بندی میزان بیکاری، کلاسه‌بندی قیمت زمین، کلاسه‌بندی نوع سکونت، کلاسه‌بندی میزان جمعیت فعال، کلاسه‌بندی تعداد مشاغل با سطح بالا، کلاسه‌بندی معیار سطح درآمد، کلاسه‌بندی معیار تمایل به مشارکت، کلاسه‌بندی معیار تراکم جمعیت، کلاسه‌بندی معیار امنیت، کلاسه‌بندی معیار سطح سواد، کلاسه‌بندی تعداد مهاجران، کلاسه‌بندی معیار مدت‌زمان سکونت، کلاسه‌بندی محله‌ها بر اساس تمایل به مهاجرت، کلاسه‌بندی محله‌ها بر اساس میزان حس تعلق است. پس از تهیه نقشه‌های کلاسه‌بندی معیارهای مؤثر بر سنجش قابلیت توسعه مجدد اراضی بافت تاریخی، هر کدام از معیارها (مطابق با جدول ۱) وزن‌دهی شده و پس از روی هم‌گذاری لایه‌ها، نقشه پتانسیل توسعه مجدد اراضی بافت تاریخی شهر یزد حاصل شده است (شکل ۵).



شکل ۴- نقشه‌های پتانسیل محله‌های بافت تاریخی شهر یزد از حیث اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد به تفکیک معیارهای مؤثر (ارقام موجود در راهنمای نقشه‌ها، بیانگر ارزش هر لایه با استفاده از روش تصمیم‌گیری ANP می‌باشد).



شکل ۵- نقشه سطح پتانسیل هر یک از قطعات زمین برای توسعه مجدد در محله‌های بافت تاریخی شهر یزد بر مبنای تمام معیارها

خوشبختانه در بسیاری از کشورها، رویکردها و تلاش‌های بسیار و نوین برای ادغام موجودی اراضی رهاشده و فضاهای غیرمولد و تبدیل آنها از طریق سیاست‌های کاربری زمین و نیز تدوین چشم‌انداز رشد شهرها در حال شتاب گرفتن است (New- man & Kim, 2017; Pan et al, 2019). پژوهشگران، برنامه‌ریزان و مدیران شهری باید علاوه بر تعیین مشخصات کمی و کیفی این اراضی، برای پیشگیری از زوال رو به رشد مراکز شهرهای تاریخی، تهیه برنامه باز توسعه آنها را در دستورکار خود قرار دهند.

### مرحله اول: سنجش وضعیت

سنجش وضعیت محله زرتشتی‌ها به روش سوات انجام شده است. سوات از جمله ابزاری است که در مرحله توسعه استراتژی برای تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای محیط و نقاط ضعف و قوت سازمان استفاده می‌شود. جدول شماره (۳)، عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر توسعه مجدد اراضی محله زرتشتی‌ها را نشان می‌دهد.

بر اساس نقشه بالا، اراضی محله زرتشتی‌ها و فهادان به دلیل برتری در معیارهایی نظیر وجود عناصر تاریخی، بالاتر بودن سطح سواد، حس تعلق به محله، دسترسی مناسب و رضایت از سکونت در محله، دارای پتانسیل بیشتر توسعه مجدد هستند. جدول شماره (۲)، مساحت و درصد اراضی دارای پتانسیل کم تا زیاد در هر محله را نشان می‌دهد.

جدول ۲- مساحت و درصد اراضی دارای قابلیت توسعه مجدد به تفکیک محله

نام محله	قابلیت توسعه مجدد اراضی									
	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
	درصد	هکتار	درصد	هکتار	درصد	هکتار	درصد	هکتار	درصد	هکتار
زرتشتی‌ها	۰	۰	۱۵٫۶۳٪	۲٫۵۹	۱۶٫۱۷٪	۱۶	۰	۰	۰	۰
فهادان	۰٫۱۶٪	۰٫۱۶	۰٫۱۸٪	۳۳٫۲	۲۱٫۱۵٪	۲۱٫۳۲	۰٫۲۰٪	۵۶	۰٫۲۰٪	۰٫۱۶
گازرگاه	۴٫۸۹٪	۴۸۹	۵٫۸۵٪	۳۰٫۵۷	۱۰٫۹۹٪	۱۰۰۵	۱۲٫۰۵٪	۶۷۳	۱۲٫۵٪	۴۸۹
گنبدسبز	۱٫۱۶٪	۱۱۶	۳٫۵۹٪	۲۸٫۵۲	۳۳٫۴۱٪	۳۳۰۳	۳۶٫۶۱٪	۳۷۹۰	۱۱٫۱٪	۱۱۶
شش بادگیر	۱۰٫۶۶٪	۱۰۶۶	۱۳٫۳۸٪	۴۸۶	۵۷٫۸۱٪	۳۹۰۳	۱۲٫۱۶٪	۶۳۰	۲۰٫۵۹٪	۱۰۶۶
دولت آباد	۰	۰	۸٫۸۲٪	۲۰۰۸	۵۳٫۵۳٪	۲۵۲	۳۳٫۵۳٪	۱۱۳۳	۱۲٫۰۹٪	۵۵۹
شیخداد	۰	۰	۱٫۶۵٪	۱۳۳	۱۱٫۱۱٪	۳۳۶۶	۹٫۱۶٪	۳۳۸۸	۱۰۰۰٪	۱۳۳
پشت باغ	۰	۰	۰	۰	۱۰۰۰٪	۹۱۳	۹۰٫۸۱٪	۱۵۰۱۲	۱۰۰٪	۵۷
گودال محلی	۰	۰	۵۰٫۰۶٪	۱۸	۱۱٫۹۷٪	۴۲۶	۳۰٫۰۹٪	۱۳۵۵	۴۳٫۸۴٪	۱۵۹۵

\*در محاسبات فوق کاربری‌های خاص، لحاظ نشده است.



جدول ۳- عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر توسعه مجدد اراضی محله زرتشتی ها

کالبدی (P)	قوت (S)	S1: وجود عناصر ثبتی و میراثی با ارزش درون محله و سایر محله‌های عرصه ثبتی S2: مناسب بودن وضعیت محله از نظر دسترسی به حمل و نقل عمومی S3: قرارگیری محله در کنار راه‌های شریانی و مهم S4: قرارگیری محله هم در کنار یکی از مسیرهای اصلی تجاری شهر (خیابان کاشانی) و هم نزدیکی به بازار اصلی و قدیم S5: عبور مسیرگردشگری از داخل محله
	ضعف (W)	W1: وجود ساختمان‌های مخروبه و متروکه متعدد در محله و محله‌های مجاور W2: پایین بودن سرانه فضای سبز محله W3: ۴۵ درصد از محله تحت پوشش معابر باریک و تنگ با عرض کمتر از شش متر است. W4: پایین بودن سرانه کاربری ورزشی و تفریحی محله
	فرصت (O)	O1: وجود حوزه‌های فعالیتی مقیاس شهری در نزدیکی محدوده (درمانی و پزشکی، طلا و جواهر، پوشاک و...) O2: قرارگیری محله در دل بافت تاریخی شهر O3: امکان تجمع زمینهای بایر و کاربری‌های غیرفعال و ناسازگار جهت تأمین کاربری‌های مورد نیاز O4: امکان تعریف پروژه‌های توسعه مجدد و محرک توسعه درون محله O5: دسترسی مناسب محله به حوزه‌های مهم فعالیتی و عملکردی شهر O6: وجود دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد در بافت تاریخی شهر یزد و نزدیک به محله
	تهدید (T)	T1: وجود سرزندگی و فعالیت‌های جاذب جمعیت در لبه معابر بافت تاریخی و زوال هر چه بیشتر محدوده‌های درونی محله‌ها T2: فرسودگی روزافزون کالبدی بافت تاریخی و محله T3: نوسازی‌های ناهماهنگ با کالبد محله
	قوت (S)	S1: ظرفیت توریست‌پذیری محله به‌ویژه در رابطه با وجود عناصر تاریخی- فرهنگی و مذهبی آیین زرتشت S2: بالا بودن میزان مالکیت زمین و مسکن در محله
	تهدید (T)	T1: ارزش پایین زمین نسبت به بسیاری از مناطق حاشیه و پیرامون شهر
اقتصادی (E)	ضعف (W)	W1: بالا بودن نرخ بیکاری در محله W2: هزینه بالای پروژه‌های مرمت، بهسازی و توسعه مجدد
	فرصت (O)	O1: همجواری محله با بازار مرکزی شهر O2: امکان احیا مشاغل و فعالیت‌های مرتبط با گردشگری و صنایع سنتی در محله و محله‌های بافت مجاور
مدیریتی (M)	تهدید (T)	T1: تلقی مردم از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان عامل بازدارنده T2: محدودیت‌های زیاد قوانین و مقررات سازمان میراث فرهنگی برای ساخت و ساز در محله T3: پایین بودن توان و استقلال مالی نهادهای مدیریت شهری T4: توجه پایین به محله و تمرکز توجه بر محله‌های با عناصر تاریخی بیشتر T5: موفقیت پایین طرح‌های شهری در چند دهه اخیر T6: گسترش معنیدار امکانات و طرح‌ها در محدوده عرصه ثبت جهانی بافت تاریخی و ایجاد نابرابری میان محدوده با سایر مناطق بافت تاریخی T7: نبود طرح و برنامه جامع و اختصاصی برای محله
	ضعف (W)	W1: عدم توجه لازم و کافی مسئولان به پتانسیل اراضی بایر و ساختمان‌های مخروبه و متروکه در تأمین کاربری‌های لازم W2: نبود سازمان محلی متولی بهسازی و نوسازی بافت در محله
	فرصت (O)	O1: روند افزایشی توجه مردم و مسئولان به بافت تاریخی شهر یزد و ارزش‌های آن پس از ثبت آن در یونسکو O2: ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد
	تهدید (T)	T1: وجود ارتباط نهادی قوی و سازمان‌های مردم‌نهاد زرتشتی با یکدیگر
	ضعف (W)	W1: اراضی بایر و ساختمان‌های مخروبه و متروکه در تأمین کاربری‌های لازم W2: نبود سازمان محلی متولی بهسازی و نوسازی بافت در محله
	فرصت (O)	O1: روند افزایشی توجه مردم و مسئولان به بافت تاریخی شهر یزد و ارزش‌های آن پس از ثبت آن در یونسکو O2: ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد
	تهدید (T)	T1: تلقی مردم از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان عامل بازدارنده T2: محدودیت‌های زیاد قوانین و مقررات سازمان میراث فرهنگی برای ساخت و ساز در محله T3: پایین بودن توان و استقلال مالی نهادهای مدیریت شهری T4: توجه پایین به محله و تمرکز توجه بر محله‌های با عناصر تاریخی بیشتر T5: موفقیت پایین طرح‌های شهری در چند دهه اخیر T6: گسترش معنیدار امکانات و طرح‌ها در محدوده عرصه ثبت جهانی بافت تاریخی و ایجاد نابرابری میان محدوده با سایر مناطق بافت تاریخی T7: نبود طرح و برنامه جامع و اختصاصی برای محله

اجتماعی (S)	قوت (S)	S1: بالا بودن میزان ساکنان بومی در محله S2: پایین بودن میزان تمایل به مهاجرت از محله در ساکنان بومی S3: بالا بودن سطح سواد در محله S4: سکونت قشر اجتماعی نسبتاً بالا در محله S5: همزیستی مسالمت‌آمیز زرتشتیان و مسلمانان S6: رضایت نسبی از سکونت در محله S7: بالا بودن حس تعلق ساکنان به محله S8: تمایل نسبی بالا به مشارکت در محله S9: احساس امنیت بالا در محله
	ضعف (W)	W1: پایین بودن نرخ رشد جمعیت در محله W2: پایین بودن تراکم جمعیتی W3: پایین بودن سطح سواد زنان نسبت به مردان W4: پیرو بودن جمعیت ساکن در محدوده W5: کاهش جدی سرزندگی محله در شب و افزایش ناامنی به علت فعالیت کاربری‌ها در روز W6: پایین بودن شأن و منزلت اجتماعی سکونت در محله
	فرصت (O)	O1: امکان توسعه شرایط همبستگی اجتماعی میان زرتشتیان و سایر ساکنان شهر O2: امکان ایجاد فعالیت‌های فرهنگی و خلاقانه با توجه به پیشینه فرهنگی و اصالت محله O3: همزیستی مسالمت‌آمیز و پرسابقه افراد با ملیت و ادیان مختلف در بافت تاریخی شهر یزد
	تهدید (T)	T1: تمایل مردم شهر به سکونت در بخش‌های نوساز و توسعه‌های جدید شهر T2: احتمال افزایش ناامنی در محدوده در صورت گسترش فرسودگی کالبدی و افزایش ابنیه مخروبه و متروکه T3: کاهش روز افزون منزلت اجتماعی بافت تاریخی در صورت تداوم افزایش سکونت افراد با قشر اجتماعی پایین
	تهدید (T)	T1: وجود ارتباط نهادی قوی و سازمان‌های مردم‌نهاد زرتشتی با یکدیگر
	ضعف (W)	W1: عدم توجه لازم و کافی مسئولان به پتانسیل اراضی بایر و ساختمان‌های مخروبه و متروکه در تأمین کاربری‌های لازم W2: نبود سازمان محلی متولی بهسازی و نوسازی بافت در محله
مدیریتی (M)	تهدید (T)	T1: تلقی مردم از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان عامل بازدارنده T2: محدودیت‌های زیاد قوانین و مقررات سازمان میراث فرهنگی برای ساخت و ساز در محله T3: پایین بودن توان و استقلال مالی نهادهای مدیریت شهری T4: توجه پایین به محله و تمرکز توجه بر محله‌های با عناصر تاریخی بیشتر T5: موفقیت پایین طرح‌های شهری در چند دهه اخیر T6: گسترش معنیدار امکانات و طرح‌ها در محدوده عرصه ثبت جهانی بافت تاریخی و ایجاد نابرابری میان محدوده با سایر مناطق بافت تاریخی T7: نبود طرح و برنامه جامع و اختصاصی برای محله
	ضعف (W)	W1: اراضی بایر و ساختمان‌های مخروبه و متروکه در تأمین کاربری‌های لازم W2: نبود سازمان محلی متولی بهسازی و نوسازی بافت در محله
	فرصت (O)	O1: روند افزایشی توجه مردم و مسئولان به بافت تاریخی شهر یزد و ارزش‌های آن پس از ثبت آن در یونسکو O2: ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد
	تهدید (T)	T1: وجود ارتباط نهادی قوی و سازمان‌های مردم‌نهاد زرتشتی با یکدیگر
	ضعف (W)	W1: اراضی بایر و ساختمان‌های مخروبه و متروکه در تأمین کاربری‌های لازم W2: نبود سازمان محلی متولی بهسازی و نوسازی بافت در محله
	فرصت (O)	O1: روند افزایشی توجه مردم و مسئولان به بافت تاریخی شهر یزد و ارزش‌های آن پس از ثبت آن در یونسکو O2: ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد
	تهدید (T)	T1: تلقی مردم از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان عامل بازدارنده T2: محدودیت‌های زیاد قوانین و مقررات سازمان میراث فرهنگی برای ساخت و ساز در محله T3: پایین بودن توان و استقلال مالی نهادهای مدیریت شهری T4: توجه پایین به محله و تمرکز توجه بر محله‌های با عناصر تاریخی بیشتر T5: موفقیت پایین طرح‌های شهری در چند دهه اخیر T6: گسترش معنیدار امکانات و طرح‌ها در محدوده عرصه ثبت جهانی بافت تاریخی و ایجاد نابرابری میان محدوده با سایر مناطق بافت تاریخی T7: نبود طرح و برنامه جامع و اختصاصی برای محله

## مرحله دوم: تدوین بیانیه چشم‌انداز

همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، از روش برنامه‌ریزی راهبردی برای برنامه‌ریزی توسعه مجدد محله زرتشتی‌ها استفاده شده است و تدوین بیانیه چشم‌انداز، یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک است. چشم‌انداز را به طور رسمی می‌توان وضعیت مطلوب در آینده تعریف کرد که بر اساس ارزش‌ها، اهداف و نیازهای هر جامعه تدوین می‌شود (Dixon et al: 2018). چشم‌اندازسازی برای شهرها به عنوان جزء مهم برنامه‌ریزی شهر که وضعیت مطلوب آینده را ترسیم می‌کند و مشارکت مؤثر مردم و بازیگران مؤثر در برنامه‌ریزی شهری را می‌طلبد، ضروری است.

در این مرحله، ابتدا نیمرخ کنونی محله (کجا هستیم؟)، تشخیص روند (به کجا می‌رویم؟)، چشم‌انداز پیش رو (به کجا می‌خواهیم برویم؟) و برنامه اقدام (چگونه به آنجا برسیم؟) بر اساس مرحله سنجش وضعیت، تدوین شد و سپس به معرض نظرخواهی از ذی‌نفعان شامل اهالی، کسبه، گردشگران، کارشناسان و مدیران مسئول در اداره‌های ذی‌ربط گذاشته شد. در نهایت بر اساس اعمال نظرهای آنها، بیانیه چشم‌انداز محله برای افق بیست‌ساله با تأکید بر توسعه مجدد اراضی رها شده و اراضی تحت ساختمان‌های مخروبه و متروکه به شرح زیر تدوین شده است:

«محله زرتشتی‌ها، محدوده‌ای است که بیانگر یکی از ویژگی‌های اصلی بافت تاریخی شهر یزد یعنی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان است. محله تلاش دارد تا در زمینه بهبود وضعیت زیست و سکونت از طریق مشارکت مردم و مسئولان، پیشگام باشد. مسئولان شهری، آگاهی کامل از ماهیت محله دارند و می‌دانند که فرسودگی کالبدی و همراه نشدن با نیازهای مردم در دوران مختلف، زمینه‌ساز بروز بسیاری از مسائل و فرسودگی‌های اجتماعی و اقتصادی بوده است. از این‌رو توجه به توسعه کالبد و رفع نیازهای مردم از طریق تعیین و راه‌اندازی فعالیت‌های مناسب و ضروری دارند. تعریف طرح‌های توسعه مجدد و تعیین کاربری‌های مناسب با نیاز در ابعاد گوناگون با ایجاد شبکه‌ای از فعالیت‌های پشتیبان و متناسب با محله و نیاز مردم، سرزندگی و حیات اجتماعی را باعث شده است. ایجاد مراکز و خوشه‌های فعالیتی، مراکز فرهنگی و گردشگری، طرح‌های سکونت‌یافته در اراضی و ساختمان‌های بلااستفاده، توانسته است قیمت زمین و مسکن در محدوده را افزایش دهد و همچنین با بهبود امنیت اجتماعی و رضایت از محیط سکونت و فراهم آوردن شرایط توسعه فردی ساکنان، منزلت اجتماعی محله را بهبود بخشد. تعریف درست کاربری اراضی در زمین‌های با پتانسیل توسعه مجدد با افزایش احتمال موفقیت پروژه‌ها، ایجاد تحرک در توسعه و افزایش تمایل

سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در محله را باعث شده است. با فراهم آوردن زمینه‌های کار و فعالیت و بالا رفتن توان اقتصادی ساکنان، تمایل آنان به به‌سازی و نوسازی مسکن خود بالا رفته است. هم‌اکنون محله زرتشتی‌ها، محله‌ای است با منزلت اجتماعی که همگان بر پیشینه آن واقف هستند، هم‌زیستی، همدلی و مشارکت، از ویژگی‌های برجسته آن است و ساکنان فرهیخته و دانش‌گامان و افراد طبقه متوسط و بالای جامعه، تمایل به سکونت در آن را دارند».

مرحله سوم تا پنجم: تدوین اهداف کلان، اهداف عملیاتی و راهبردها

برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر است که مراحل با یکدیگر ارتباط دوسویه دارند و مکمل یکدیگر هستند. - طی مرحله سوم، اهداف کلان و عملیاتی بر اساس بیانیه چشم‌انداز تدوین شده است.

- در مرحله چهارم، برای هر هدف عملیاتی نیز یک یا چند راهبرد تدوین شده است. در تدوین راهبردها و تدقیق آنها بارها به محتوای جدول شده است. راهبردهای ارائه شده می‌تواند از دو طریق بر توسعه مجدد زمین در محله زرتشتی‌ها تأثیر بگذارد. نخست به صورت مستقیم از پتانسیل‌های توسعه مجدد محدوده استفاده شود و سپس با بهبود شرایط زیست و سکونت و ایجاد تحریک در توسعه، باعث توسعه مجدد اراضی و بناهای دارای پتانسیل گردد.

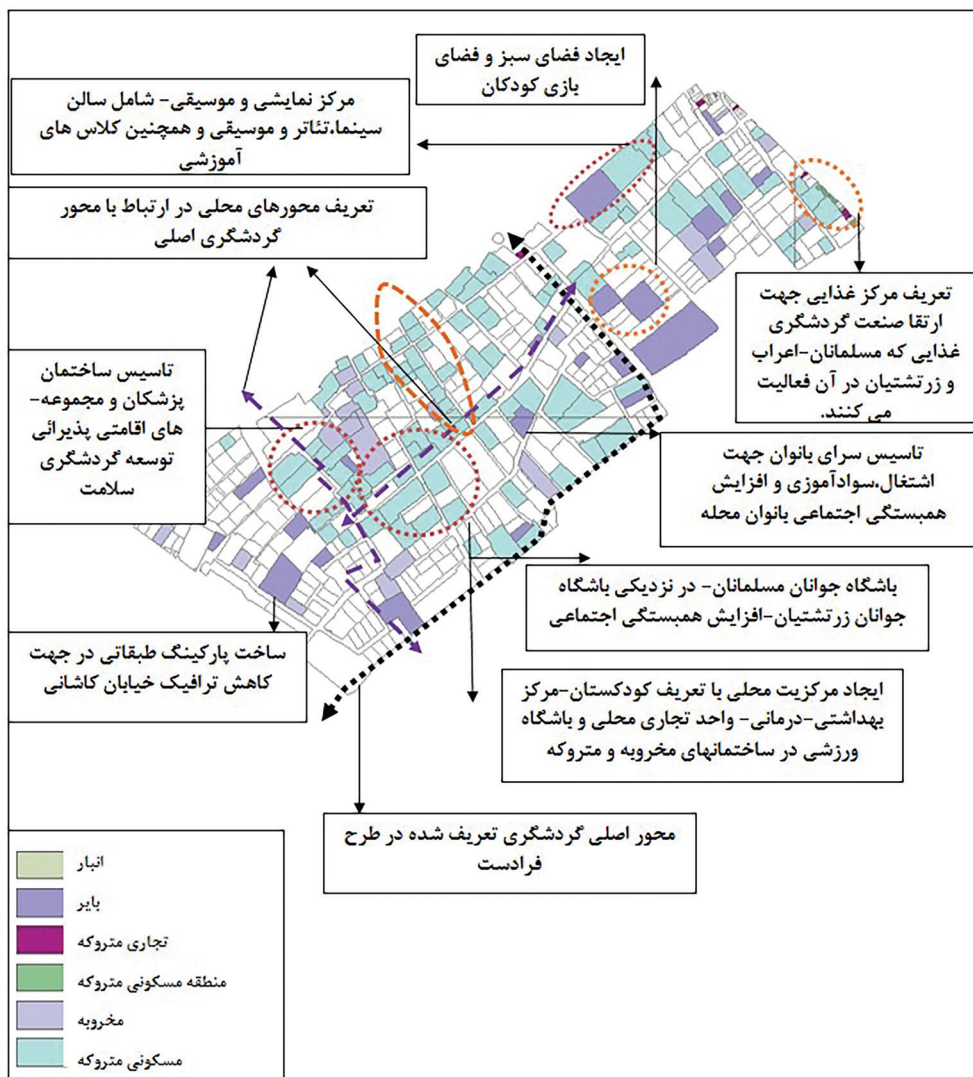
لازم به ذکر است که در مرحله تدقیق راهبردها، برخی از راهبردهای حاصل از جدول سوات، هم‌تراز با برخی اهداف عملیاتی و یا هم‌تراز با برخی سیاست‌ها شده است. برای نمونه در جدول شماره (۴)، G1O2S1P4 بیانگر سیاست چهارم از راهبرد اول از هدف عملیاتی دوازدهم هدف کلان اول است. همچنین E)W2 (MT7) بیانگر راهبرد اتخاذ شده از جدول سوات و حاصل تلاقی تهدید هفتم از بعد مدیریتی و ضعف دوم از بعد اقتصادی است.

- طی مرحله پنجم، سیاست‌های موضعی و موضوعی تدوین شد. دسته‌ای از سیاست‌ها، برآمده از راهبردهای منتج از جدول سوات است و دسته‌ای دیگر از اهداف کلان و عملیاتی منتج شده از چشم‌انداز به دست آمده است. جدول شماره (۴)، اهداف کلان، عملیاتی، راهبردها و سیاست‌های توسعه مجدد اراضی در محله زرتشتی‌ها را به صورت یک پیوستار مرتبط با هم نشان می‌دهد.

جدول ۴- اهداف کلان، عملیاتی، راهبردها و سیاست‌های توسعه مجدد در محله زرتشتی‌ها

اهداف کلان	اهداف عملیاتی	راهبرد	سیاست
افزایش جاذبه‌های سکونت در محله (G1)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأمین کاربری‌های مورد نیاز (G1O1)</li> <li>- نوسازی مسکن و ابنیه (G1O2)</li> <li>- افزایش حضورپذیری در محله (G1O3)</li> <li>- کاهش فضاهای بی‌دفاع و افزایش امنیت (G1O4)</li> </ul>	<p>(P-W4O3) (G1O1S1): استفاده از اراضی دارای پتانسیل برای تأمین کاربری‌های مورد نیاز</p> <p>(G1O1S2): تعریف سلسله مراتبی از کاربری‌های پشتیبان به منظور بهبود نظام کاربری</p> <p>(G1O3S3) (s)w5- (p)o6): استفاده از کاربری‌ها و اراضی غیرفعال جهت توسعه کاربری‌های فعال در شبانه‌روز</p> <p>(E)W2- (M)T7 (G1O2S1): فراهم آوردن شرایط معافیت از مالیات و پرداخت عوارض در صورت توسعه مجدد و ساخت و ساز و مرمت در محله</p> <p>(P)S1,S5- (S)O2 (G1O3S1): امکان ایجاد فعالیت‌های خلاقانه در جوار عناصر تاریخی و مسیرگردشگری</p> <p>(M)s1- (p)o4 (G1O3S2): استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد زرتشتی به منظور جلب مشارکت ساکنان در توسعه مجدد محله</p>	<p>(G1O1S1P1): تعریف کاربری فضای سبز در اراضی بایر و رهاشده</p> <p>(G1O1S1P2): تبدیل کاربری مسکونی متروکه ترجیحاً در مرکز محله به کودکانستان و استفاده از نیروهای محلی جهت اداره آن (افزایش فرصت شغلی)</p> <p>(G1O1S1P3): قرارگیری کاربری بهداشتی و درمانی و سالن ورزشی سرپوشیده در نزدیکی کودکانستان و ایجاد مرکزیت در محله</p> <p>(G1O1S1P4): تبدیل بخشی از زمین بایر کنار خیابان کاشانی به پارکینگ طبقاتی</p> <p>(S)S8- (M)T7 (G1O3S1P1): ایجاد سازمان مردم‌نهاد متولی به‌سازی و توسعه مجدد در محله با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد زرتشتی</p> <p>(G1O3S1P2): تعریف دو محور فعالیتی در ارتباط با محور گردشگری محله</p> <p>(G1O3S1P3): توسعه فعالیت‌های گردشگری و پذیرایی در نزدیکی ساختمان پزشکان</p> <p>(G1O3S1P4): تأسیس مرکز هنرهای نمایشی و موسیقی در بلوار بسیج (انتقال سینما ایران به بلوار بسیج به دلیل ترافیک بالای خیابان کاشانی)</p>
بهبود منزلت و شأن اجتماعی محله (G2)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- جذب افراد فرهیخته و با کشر اجتماعی بالا برای سکونت در محله (G2O1)</li> <li>- افزایش فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری در بافت تاریخی (G2O2)</li> <li>(S-W6O2)</li> </ul>	<p>(G2O1S1- W2O2): تأکید بیشتر بر اهمیت هم‌زیستی ادیان به عنوان نقاط قوت</p> <p>شهر یزد</p> <p>(S)S3- (M)T7 (G2O2S1): توانمندسازی زنان و کودکان</p>	<p>(G2O1S1 P1): تعریف باشگاه جوانان در نزدیکی باشگاه جوانان زرتشتیان به منظور افزایش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان و افزایش همبستگی در محله</p> <p>(G2O1S1 P2): تبدیل ساختمان‌های مسکونی متروکه در مرکز محله به مجتمع مسکونی کارکنان و فعالان حوزه علوم پزشکی</p> <p>- تأسیس‌سرای بانوان برای زنان محله جهت سوادآموزی، آموزش و اشتغال خانگی زنان</p>
بهبود شرایط اقتصادی ساکنان (G3)	<ul style="list-style-type: none"> <li>توسعه صنعت گردشگری و کاربری‌های پشتیبان آن (G3O1)</li> </ul>	<p>(E-S1o2) (G3O1S1): تعریف فعالیت‌های مرتبط با گردشگری و صنایع دستی ((G3O1S2</p> <p>(E-W1o1): کاهش نرخ بیکاری از طریق تعریف مشاغل و فعالیت‌های مرتبط با حوزه اقتصادی مرکز شهر</p>	<p>(G3O1S1P1): تبدیل واحدهای تجاری غیرفعال هم‌جوار خیابان سلمان به راسته فعالیتی و گردشگری غذایی (ارائه غذاهای متنوع) و فعالیت اعراب- زرتشتیان و مسلمانان در آن</p> <p>(G3O1S2P2): تبدیل بخشی از اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد نزدیکی بلوار بسیج به ساختمان پزشکان</p>

شکل ۶- سیاست‌های موضعی توسعه مجدد محله زرتشتی‌ها



### نتیجه‌گیری

بنابر نتایج اولویت‌بندی انجام‌شده، محله زرتشتی‌ها به واسطه «مطلوبیت اجتماعی، توان اقتصادی به‌ویژه در حوزه گردشگری و دسترسی مناسب‌تر»، دارای بیشترین اراضی دارای پتانسیل زیاد جهت توسعه مجدد و استقرار کاربری‌ها و فعالیت‌های جدید و مورد نیاز محله است. این محله، یکی از کانون‌های تجمع پیروان دین زرتشت و نمود هم‌زیستی مسالمت آنها با مسلمانان طی قرون و اعصار است.

با توجه به ماهیت بافت‌های تاریخی و مسائل و مشکلات رایج آنها، همراه نشدن کالبد با نیازهای جدید ساکنان و فرسودگی کالبدی بافت تاریخی شهر یزد، موجب سایر فرسودگی‌های اجتماعی و اقتصادی نیز شده است. از این‌رو با استفاده از اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد و تعریف کاربری‌های مناسب در آنها می‌توان زمینه رونق و کاهش روند فرسودگی‌های موجود را فراهم کرد.

اهداف کلان در توسعه مجدد محله زرتشتی‌ها و راهبردهای منتج

از آن سعی بر آن دارند تا با توسعه مجدد اراضی رها شده، مخروبه و متروکه و اقدامات مناسب، فرسودگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را کاهش دهد. مجموعه راه‌کارهای ارائه‌شده در راستای استفاده از اراضی دارای پتانسیل توسعه مجدد و ایجاد کاربری‌های پشتیبان (تعریف پارکینگ طبقاتی و محور گردشگری) و در نظر گرفتن کاربری‌های رونق‌دهنده اقتصاد (تعریف مرکز غذایی، محور گردشگری مجموعه‌های اقامتی و گردشگری سلامت) و همچنین تأمین‌کننده نیازهای جامعه (کودکستان، فضای سبز و فضای بازی کودکان، باشگاه جوانان مسلمان و سرای بانوان) و توجه توأمان به درون و لبه محله زرتشتی‌هاست. راه‌کارهای ارائه‌شده، علاوه بر اینکه زمینه استفاده بهینه از اراضی و ارتقای کارایی‌شان را فراهم می‌کنند، موجب بهبود شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی محله خواهند شد که در نهایت می‌تواند موجب افزایش تمایل به سکونت و فعالیت در محله و استفاده از اراضی ناکارآمد و تشویق به توسعه مجدد شود.

## منابع

۱. احمدی، فرزانه و دیگران (۱۳۹۲) «**عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع)، محله نوغان**»، هفت شهر، شماره ۴۷ و ۴۸، صص ۷۰-۸۴.
۲. اسماعیل پور، نجما و ملکه عزیزپور (۱۳۸۸) «**رشد افقی سریع شهر یزد و تأثیر آن بر سفرهای شهری در محدوده مرکز و پیرامون این شهر**»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال بیستم، شماره ۲، صص ۱۸۵-۲۰۹.
۳. انجم شعاع، مریم و دیگران (۱۳۹۸) «**اصول و راه کارهای طراحی ساختارهای میان‌افزا به مثابه محرک توسعه بافت‌های تاریخی**»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۲۸، صص ۶۷-۷۹.
۴. انصاری، ابراهیم و حمید تاج‌الدین (۱۳۹۳) «**بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهر اصفهان)**»، مطالعات جامعه-شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۶۱-۱۷۸.
۵. برک پور، ناصر و صدیقه بهرامی (۱۳۹۰) «**قابلیت‌سنجی توسعه مجدد در بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: محله انبار نفت منطقه ۱۱ تهران)**»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره اول، شماره ۴، صص ۱-۱۴.
۶. بهرام‌پور، عطیه و آتوسا مدیری (۱۳۹۴) «**مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران**»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳، صص ۸۵-۹۴.
۷. تقوایی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۹۵) «**به کارگیری فناوری‌های نوین در توسعه مجدد زمین‌های قهوه‌ای**»، نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، دوره ششم، شماره ۳، صص ۱۵-۲۵.
۸. تقوایی، مسعود و محمدحسین سرایی (۱۳۸۵) «**گسترش افقی شهر و ظرفیت‌های موجود زمین (مورد: شهر یزد)**»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵، صص ۱۳۳-۱۵۲.
۹. حسینی، سیده‌هدای و دیگران (۱۳۹۱) «**تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر سبزوار)**»، شماره ۶، صص ۴۱-۶۶.
۱۰. داداش‌پور، هاشم و دیگران (۱۳۹۳) «**بررسی ظرفیت توسعه میان‌افزا در فضاهای موقوفه شهری (مطالعه موردی: ناحیه ۳ منطقه ۲ شهر یزد)**»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۱۵، صص ۶۳-۷۸.
۱۱. رسولی، محمد و مینا شیرمحمدی (۱۳۹۹) «**تحلیل الگوی توسعه فیزیکی شهرهای نواحی بیابانی با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: شهر یزد)**»، کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، سال هشتم، شماره ۸، صص ۲۶۹-۲۹۹.
۱۲. رهنما، محمد رحیم؛ براتعلی خاکپور؛ محمد حسن رضوی (۱۳۹۴) «**شناسایی و خوشه‌بندی اراضی قهوه‌ای شهر مشهد به منظور ارائه الگوهای سرمایه‌گذاری**»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال سیزدهم، شماره ۲۴، صص ۲۲-۱.
۱۳. زارعیان، مهسا و دیگران (۱۳۹۹) «**سنجش کیفیت زندگی در محلات بافت تاریخی و عوامل مؤثر بر آن (نمونه پژوهش: بافت تاریخی شهر یزد)**»، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره
- سی-ویکم، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۴۲.
۱۴. زنگی‌آبادی، علی و دیگران (۱۳۹۴) «**ارزیابی باززنده‌سازی بافت‌های قدیم شهری در راستای توسعه پایدار (شهر یزد)**»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۳۱-۱۵۹.
۱۵. سرایی، محمدحسین و مهدی علیان (۱۳۹۴) «**سنجش و ارزیابی میزان پایداری محله‌ای در بافت تاریخی شهر یزد**»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۸.
۱۶. سعیدی رضوانی، نوید و داوود کاظمی (۱۳۹۰) «**بازشناسی چارچوب توسعه درون‌زا در تناسب با نقد سیاست‌های جاری توسعه مسکن (مسکن مهر) (نمونه موردی: شهر نطنز)**»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۵، صص ۱۱۳-۱۳۲.
۱۷. سعیدی‌مفرد، ساناز (۱۳۹۹) «**بهره‌گیری از سیستم پشتیبانی فضایی چندمعیاره در اولویت‌بندی توسعه مجدد اراضی قهوه‌ای در کلان‌شهر مشهد**»، تحقیقات جغرافیایی، دوره سی‌وششم، شماره ۱، صص ۴۵-۵۴.
۱۸. شاکری، مطهره و دانیال منصفی پرپری (۱۳۹۹) «**بررسی اصول و راهبردهای بازتوسعه محلات شهری با رویکرد تغییر کاربری اراضی قهوه‌ای**»، معماری‌شناسی، شماره ۱۶، صص ۱۶۵-۱۷۷.
۱۹. شماعی، علی (۱۳۸۲) «**توسعه ناموزون فضایی کالبدی شهر یزد و اثرات آن بر ساخت اکولوژی شهری**»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۶، صص ۱۹-۳۸.
۲۰. طبیبیان، منوچهر و فریده غنی (۱۳۹۴) «**سنجش پتانسیل توسعه میان‌افزا در بافت مرکزی تهران**»، محیط‌شناسی، دوره چهل‌ویکم، شماره ۴، صص ۹۴۳-۹۶۴.
۲۱. عبدی، محمدعلی و سیمیا مهدی‌زادگان (۱۳۹۰) «**فرآیند توسعه در نواحی درون‌شهری با توجه به تجربیات کشورهای اروپایی**»، هفت شهر، سال سوم، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۲۲-۳۸.
۲۲. عزیزی، محمد مهدی و مجتبی آراسته (۱۳۹۱) «**ارائه راهبردهای توسعه فضاهای رهاشده شهری (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر یزد)**»، هفت شهر، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۱۰۴-۱۱۸.
۲۳. قدسی، نرگس و مهین نسترن (۱۳۹۴) «**شناسایی پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا در نواحی ناکارآمد مراکز شهرها (نمونه موردی: منطقه ۱ اصفهان)**»، مجله پژوهش‌و برنامه‌ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۵۱-۶۸.
۲۴. نوریان، فرشاد و آزاده نتاج (۱۳۹۵) «**بررسی معیارهای ظرفیت‌سنجی توسعه مجدد در محدوده بافت قدیم بابل**»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳، صص ۲۷-۳۸.

۲۵. Abd Elrahman, A. S. (2016) "Redevelopment aspects for brownfields sites in Egypt" *Procedia Environmental Sciences*, Vol. 34, PP. 25-35.

۲۶. Ahmad, N., Zhu, Y., Ibrahim, M., Waqas, M., & Waheed, A. (2018) "Development of a standard brownfield definition, guidelines, and evaluation index system for brownfield redevelopment in developing countries: The case of Pakistan". *Sustainability*, Vol. 10 No. 12, pp. 4347. (in Persian).

۲۷. Burinskienė, M., Bielinskas, V., Podvieszko, A., Gurskienė, V., & Maliene, V. (2017) "Evaluating the significance of criteria contributing to decision-making on brownfield land redevelopment strategies in urban areas". *Sustainability*, Vol. 13 No. 2, P. 759.

۴۳. Loures, L., & Vaz, E. (2018) "Exploring expert perception towards brownfield redevelopment benefits according to their typology". *Habitat International*, vol. 72, pp. 66-76.
۴۴. MOSTADI, A., & BIARA, R. W. (2019) "SUSTAINABLE DEVELOPMENT OF BROWNFIELD SITE FOR A NEW LANDSCAPE PERCEPTION OF AN INDUSTRIAL HERITAGE IN THE CITY OF KENADSA". *International Journal of Conservation Science* Vol. 10 No. 1.
۴۵. Newman, G., Kim, B., (2017), "Urban shrapnel: spatial distribution of non-productive space", *Landscape Research*, Vol. 42, Issue 7, pp. 699-715.
۴۶. Novosák, J., Hájek, O., Nekolová, J., & Bednář, P. (2013) "The spatial pattern of brownfields and characteristics of redeveloped sites in the Ostrava metropolitan area (Czech Republic)". *Moravian Geographical Reports*.
۴۷. Pan, Z., Wang, G., Hu, Y., Cao, B., (2019), "Characterizing urban redevelopment process by quantifying thermal dynamic and landscape analysis", *Habitat International* 86, pp 61-70.
۴۸. Pizzol, L., Zabeo, A., Klusáček, P., Giubilato, E., Critto, A., Frantál, B. & Bartke, S. (2016) "Timbre Brownfield Prioritization Tool to support effective brownfield regeneration." *Journal of environmental management*, Vol. 166, pp. 178-192, DOI: 10. 1016/j. jenvman. 2015. 09. 030.
۴۹. Scholl, B., Peric, A., & Signer, R. (2018) "Spatial Planning Matters!: Inspiring Stories and Fundamental Topics". *vdv Hochschulverlag AG.*, pp. 51-59, DOI: 10. 3218/3908-5.
۵۰. Soliman, M. A. (2018) "Towards strategic planning implementation for Egyptian cities". *International Journal of Environmental Science & Sustainable Development.*, Vol. 33 No. 1.
۵۱. Vallejo, E., Criado, C., Arrizabalaga, E., Vasallo, A. (2017) "Sustainable Strategic Urban Planning: Methodology for Urban Renovation At District Level. In *ISES Solar World Congress 2017-IEA SHC International Conference on Solar Heating and Cooling for Buildings and Industry 2017*, Proceedings. International Solar Energy Society.
۵۲. Zhang, L., Yuan, M., & Li, H. (2015) "Panel data of China's real estate prices and real estate vacancy—Based on data analysis of 35 large and medium size cities." *2015 international conference on management science and innovative education*. Atlantis Press.
۵۳. Zhou, Y (2019), "A Framework for Greyfield Redevelopment a Case Study of Oaks Mall in Gainesville, Florida", Thesis (M. U. R. P)--University of Florida, available at: <https://ufdc.ufl.edu/UFE0056179/00001>.
۵۴. Burroughs, L. (2015) "Better Brownfield, Campaign to Protect Rural England", housing foresight, no. 3
۵۵. Cappai, F., Forgues, D., & Glaus, M. (2019) "A methodological approach for evaluating brownfield redevelopment projects". *Urban Science*, 3 (2), 45.
۵۶. Clarke, N. J., Kuipers, M. C., & Roos, J. (2019) "Cultural resilience and the Smart and Sustainable City: Exploring changing concepts on built heritage and urban redevelopment". *Smart and Sustainable Built Environment*.
۵۷. Dixon, T., Montgomery, J., Horton-Baker, N., Farrelly, L. (2018) "Using urban foresight techniques in city visioning: Lessons from the Reading 2050 vision". *Local Economy*, Vol. 33 No. 8, pp. 777-799.
۵۸. Dulic, O., & Krklješ, M. (2014) "Brownfield Redevelopment as a Strategy for Preventing Urban Sprawl" Conference: *Gradevinarstvo - Nauka i Praksa*, At: Žabljak, available at [https://www.researchgate.net/publication/281651820\\_Brownfield\\_Redevelopment\\_as\\_a\\_Strategy\\_for\\_Preventing\\_Urban\\_Sprawl](https://www.researchgate.net/publication/281651820_Brownfield_Redevelopment_as_a_Strategy_for_Preventing_Urban_Sprawl).
۵۹. Ferber, U., Grimski, D. (2002) "brownfields and redevelopment of urban areas", federal environmental agency Ltd, spittelauer land, Austria.
۶۰. Fouly, H. EL AND Hammam R, (2020), "IDENTIFYING BROWNFIELD SITES' INDICATORS FOR ESTABLISHING GREEN OPEN SPACES", *JOURNAL OF ENGINEERING AND APPLIED SCIENCE*, VOL. 67, NO. 3, PP. 643-661.
۶۱. Gao, J. Chen, Wen. Liu, Y. (2018), Spatial restructuring and the logic of industrial land redevelopment in urban China: II. A case study of the redevelopment of a local state-owned enterprise in Nanjing, *Land use Policy*, vol. 72, PP. 372-380.
۶۲. Glumac, B., & Decoville, A. (2020) "Brownfield Redevelopment Challenges: A Luxembourg Example". *Journal of Urban Planning and Development*, Vol. 146 No. 2.
۶۳. Hammond, E. B., Coulon, F., Hallett, S. H., Thomas, R., Hardy, D., Kingdon, A., & Beriro, D. J. (2021) "A critical review of decision support systems for brownfield redevelopment". *Science of the Total Environment*, PP. 147132
۶۴. IBRAHIM, H. AL-HAGLA, K. and NASSAR D. (2020), "towards a sustainable city: brownfield as a potential for urban development", *Architectural Engineering*, Vol. 67, Issue 8, pp 1903-1922.
۶۵. Kim, G., Miller, P. A., & Nowak, D. J. (2018) "Urban vacant land typology: A tool for managing urban vacant land". *Sustainable Cities and Society*, NO. 36, pp. 144-156.
۶۶. Kim, G., Newman, G. and Jiang, B. (2020) "Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities", *Cities*, No. 102.
۶۷. Kivell, P. (1993) *L'and and the city*. London, UK: Psychology Press.
۶۸. Loures, L., (2015) *Post-industrial landscapes as drivers for urban redevelopment: public versus expert perspectives towards the benefits and barriers of the reuse of postindustrial sites in urban areas*. *Habitat Int.* 45, pp. 72-81.